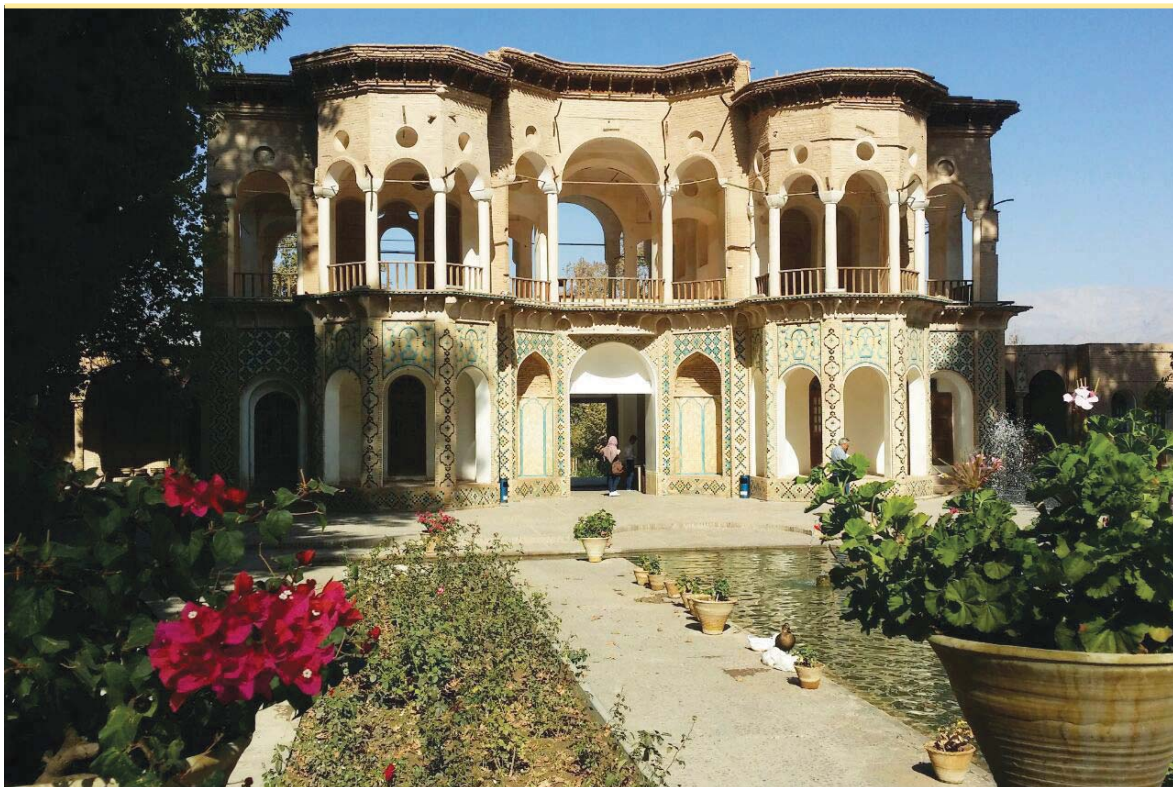


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● باغ شاهزاده ماهان؛ کرمان ●

روایت

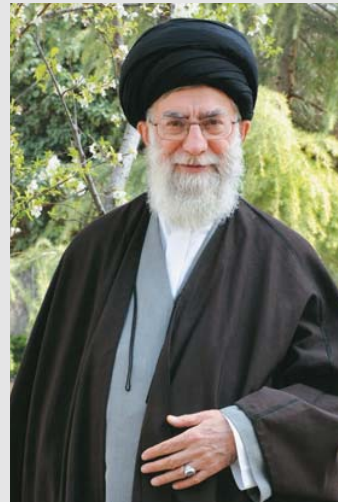
امام علی (علیه السلام):
هر روزی که در آن نافرمانی خداوند نشود
عید است.

از بیانات رهبر معظم انقلاب

از ظرفیت‌ها درست استفاده نکرده‌ایم

کشور ما دارای ظرفیت‌های بسیاری است که کمتر کشوری در دنیا پیدا می‌شود که این همه ظرفیت داشته باشد؛ هم ظرفیت جغرافیایی، هم ظرفیت اقلیمی، هم ظرفیت نیروی انسانی، هم ظرفیت منابع زیرزمینی، هم ظرفیت امکانات روی زمین. ظرفیت‌های این کشور که برای اقتصاد کشور و پیشرفت کشور فوق‌العاده مهم‌اند بسیار زیادند. البته ما از این ظرفیت‌ها درست استفاده نکرده‌ایم؛ بنده یک آماری را دیدم و در یک جلسه‌ای گفتم - و این حرف پخش هم شد - که ما از لحاظ استفاده نکردن از ظرفیت‌های کشورمان در دنیا اولیم! استفاده نکردن از ظرفیت‌ها. توصیه‌ی بنده همیشه به مسئولین همین است که ظرفیت‌های استفاده‌نشده را شناسایی کنند و از آن‌ها استفاده کنند برای کشور، برای تولید ثروت ملی.

(در همایش مردمی ورزشگاه آزادی / ۱۲ مهرماه ۱۳۹۷)



اتاق بازرگانی معادن و کشاورزی کرمان

سپهر اقتصاد

با نوشتارها و گفتارهایی از:	/ صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / رئیس شورای سیاست‌گذاری: / سیدمهدی طیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده / سردبیر: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: محمدرضا احمدی، الناز راد / مدیرهنری: مجتبی احمدی / طراحی نام‌واره: محمدرضا هاشمی‌نژاد / طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پراتنز) /
نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۸-۰۳۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۵۳۴۶۵-۰۳۴ /	جعفر رودری / رضا بوستانی / محسن جلال‌پور / عباس پرداختی / سید حسین مهاجرانی / رضا سنجری / عبدالرضا تحسینی / محمد داوری / ابوالفضل وطن‌پرست / مهرنوش ابراهیمی / عباس عزیززاده / رضا کامیاب مقدس / نسرین سیاری / حسین مهربانی بشرآبادی / حسین نجف‌آبادی /
مقداد تکلوزاده / حسین زراعت‌کار / سیدعبدالرضا جعفری صدر / فخری الله‌توگلی / سیدرضی حاجی‌آقامیری /	www.otagh-bazargani.com / sepehr@kccim.ir / پیامک: ۱۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima /
پیروز ارجمند / محمدجواد کامیاب / محمدرضا فیروزکوهی / معصومه سعید / شیما ملک‌پورزاده / نرگس کریمی / مهشید ایزدی /	«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.

صنایع دستی و گردشگری

۸۸ | صنایع دستی از آغاز تا اکنون و مسائل و مشکلات آن

۹۰ | گفت‌وگو با «فخری اله‌توکل» رئیس کمیسیون قالی و صنایع دستی اتاق کرمان | قالی، نیازمند نگاه ویژه

۹۲ | رویداد کارآفرینی برای فرش کرمان

۹۳ | شب فرش کرمان برگزار شد

۹۴ | گفت‌وگو با «سیدرضی حاجی‌آقامیری» پژوهشگر هنر و کارشناس فرش دستباف | قالی کرمان و حسرت کارگردانی نام‌آوران پیشین

۱۰۱ | مسابقه نقاشی «فرش در خانواده ایرانی» برگزار شد

۱۰۲ | گفت‌وگو با «پیروز ارجمند» آهنگ‌ساز، مؤلف و مدرس دانشگاه | چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید

بازرگانی و خدمات

۱۰۸ | گفت‌وگو با «محمدجواد کامیاب» رئیس انجمن خدمات فنی و مهندسی استان کرمان | بازاریابی صادراتی خدمات فنی و مهندسی

۱۱۱ | گفت‌وگو با «محمدرضا فیروزکوهی» مدیرکل راه‌آهن کرمان | قطارهای مسافری به‌عنوان ویتترین راه‌آهن و حتی ضررده‌اند

۱۱۴ | بررسی مبادلات تجاری کشور ساحل‌عاج با جهان، ایران و استان کرمان

۱۱۸ | مروری بر فضای کسب‌وکار افغانستان و بررسی فرصت‌های تجاری افغانستان و کرمان

۱۲۳ | توسعه همکاری‌های اقتصادی استان کرمان و ولایات کابل، غزنی، پکتیا و پکتیکا و حوزه جنوب شرق کشور افغانستان

۱۲۵ | همایش بزرگداشت روز صادرات با تجلیل از صادرکنندگان برتر استان برگزار شد

صنعت و معدن

۵۶ | گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده» رئیس اتاق بازرگانی کرمان | بخش معدن؛ ظرفیت پیشرانی اقتصاد استان، اما...

۶۰ | آشنایی با نظام مبادلات پیمانکاری فرعی

۶۴ | گزارش نمایشگاه بین‌المللی سنگ‌های ساختمانی جیپور هند



آب و کشاورزی

۶۸ | گفت‌وگو با «رضا کامیاب مقدس» رئیس جهاد دانشگاهی استان کرمان | آب را به سمت تولیدات صنعتی هدایت کنیم

۷۱ | بهره‌وری آب در ایران و استان کرمان

۷۶ | اهمیت توسعه کشت محصولات گلخانه‌ای در بخش کشاورزی استان کرمان

۸۰ | کشت فراسرزیمینی در اوکراین

۸۴ | کرمان، بهشت گیاهان دارویی

۸۶ | تنش آبی در شربان‌های خشکیده کرمان

فضای کسب‌وکار

۰۸ | گفت‌وگو با «جعفر رودری» رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان | وفاق نظر و اصلاح ساختار

۱۷ | ضرورت اصلاحات اقتصادی در بحران آشکارتر می‌شود

۲۰ | باید در مسیر اصلاح اقتصاد قدم بگذاریم

۲۳ | گفت‌وگو با «عباس پرداختی» معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی کرمان | توجه به رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی ضروری است

۳۰ | بازگشت به خویشتن

۳۲ | گفت‌وگو با «رضا سنجر» مدیرکل دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان | یک ضرورت؛ هم‌افزایی و اعتمادسازی بین بخش دولتی و بخش خصوصی

۳۹ | شریک خوب است، اگر...

۴۴ | مسئولیت اجتماعی

۴۸ | اعتمادسازی بین صنعت و دانشگاه؛ یک ضرورت، اما مغفول

۵۳ | گفت‌وگو با «ابوالفضل وطن‌پرست» تسهیل‌گر برنامه‌های آموزشی تشکلهای اقتصادی | شبکه؛ فضایی برای تداوم اعتماد و هم‌افزایی اجتماعی



بازنگری در ظرفیت‌های اقتصادی استان

< سید مهدی طبیب‌زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



علمی، المپیادها، نفرات برتر کنکور و ... داریم، پس از نظر نیروی انسانی هم کم نداریم و حالا که شمارش این مزایای فراوان به آخر نزدیک می‌شود، سؤال بزرگی در ذهن خواننده به وجود می‌آید؛ این که چرا در شاخص‌های توسعه، جایگاه مناسبی در کشور نداریم، چرا GDP استان نسبت به ارزش واقعی مورد‌های ذکر شده ناچیز است؟ چرا درآمد سرانه از متوسط کشور پایین‌تر است؟ چرا سهم GDP استان در کشور کمتر از ۳ درصد است و به همین منوال در شاخص‌های دیگر مثل اشتغال و ... وضعیت مناسبی نداریم.

هیچ‌کدام از مسئولان پاسخ‌گویی نکرده‌ای برای این سؤالات ندارند. این عدم توجه و پاسخگویی نتیجه‌ای جز اضمحلال منابع ندارد و منابع بین نسلی، مانند آب، معدن، سوخت‌های فسیلی که تجدید ناپذیرند، در حال نابودی هستند به‌جای آن‌که به ثروت‌های با قابلیت ایجاد درآمد در آینده تبدیل شوند. این موضوع مهم و غفلت مسلم از آن باعث شده است که عده‌ای به فکر بازنگری در ظرفیت‌های استان افتاده و این مطالبه را داشته باشند که باید بازنگری اساسی در تخصیص و بهره‌برداری از منابع انجام داد، شناخت دقیق مشکلاتی که بدون حل آن‌ها نمی‌توان اقتصاد را بهره‌ور و منابع را در خدمت توسعه قرار داد، راه را پیدا کرد و به‌اصطلاح بازطراحی نمود و این ضرورت به‌قدری اهمیت دارد که حتی دیروز هم دیراست، باید سریعاً چاره‌ای اندیشید و تمهیداتی فراهم آورد.

همواره از زبان هر مدیر، مسئول و کارشناس اقتصادی می‌شنویم که اندر مزایای متعدد، پتانسیل‌های فراوان و توانمندی‌های بالقوه استان سخن می‌گویند و این مزیت‌ها را با صدای بلند و رسا برمی‌شمارند و می‌گویند ما استان اول معدنی کشور به لحاظ ذخایر با ارزش فلزی و غیرفلزی هستیم. عمده معادنی که بنام معادن بزرگ در کشور شناخته می‌شود در استان کرمان جای گرفته است، ۳۸ درصد سهم GDP معادن کشور مربوط به کرمان است. ۶۵ میلیون تن ماده معدنی استخراج می‌نماییم، ۲۱ درصد کل عملیات معدنی کشور سهم ما است و کرمان را بهشت زمین‌شناسی لقب داده‌اند و ۴۲ ماده معدنی در کرمان داریم.

میزان آب در دسترس و سرانه هر کرمانی دومین رتبه در کشور را دارد و علیرغم همه محدودیت‌ها و تهدیداتی که وجود دارد در سال بیش از ۶/۵ میلیارد مترمکعب آب را مصرف می‌نماییم. وجود نیروگاه‌های بزرگ در کرمان، میزان دسترسی به برق را بیش از ۱۵ میلیارد کیلووات ساعت برق فراهم نموده است.

۲۵ درصد سطح باغات کشور را داریم، در تولید و صادرات خرما و پسته اول هستیم، تنوع اقلیم و جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی و تاریخی گردشگری با ۷ اثر ثبت جهانی و ۷۰۰ اثر ثبت ملی، ۱۱ درصد مساحت کشور را داریم، بیش از یک‌صد هزار دانشجو در حال تحصیل داریم. در استان دانشگاه‌های معتبر و متعدد وجود دارد و به لحاظ هوش و استعداد ذاتی، جای ویژه‌ای در جشنواره‌های

سخن مدیرمسئول

ما زنده از آنیم که آرام نگیریم

< سیده محمدعلی گلابزاده
مدیرمسئول



می‌روم تا در برابر این دشواری‌ها، خود را بیازم، فوراً سری به کتاب «روزگاری که گذشت» می‌زنم و از زبان عبدالحسین صنعتی زاده می‌شنوم که حاج اکبر صنعتی برای ساختن پرورشگاه ایتام، چه خون‌دل‌ها که نخورد و چه سخن‌ها که نشنید و چه ستم‌ها که ندید، همین استواری و پایمردی بود که سرانجام او را به آرزوهایش رساند و امروز این اثر، هم‌نهاد نیکی و نیکوکاری مردم کرمان است و هم نماد تلاش و مجاهدت انسان‌هایی که می‌دانند و صلا می‌دهند که:

ما زاده نجیب کویریم کز ازل

نوشانده زندگی ز سبوی بلایمان

بگذارید تاریخ درباره ما به داوری بنشیند و بر پیشانی روزگار بنویسد: بودند انسان‌هایی که از سبوی بلا نوشیدند و از جام شهد و شیرینی نوشاندند.

بدان امید که بکشیم و بدائیم که سپهر اقتصاد، آسمان صنعت و تولید، بلندای ارزش‌های سیاسی و هر چه در قالب این واژه‌ها بگنجد، نگاهشان به همت ماست. به قول حنظله

خجستانی:

مهنتری گر به کام شیر در است

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

یا چو مردانت مرگ رویاروی

سومین شماره سپهر اقتصاد کرمان در حالی از تنور طبع بیرون آمده و به نظر شما می‌رسد که کوله باری از سخن‌های گوناگون فرهنگی در هر گذرگاه، رخ نموده و به‌صورت کلاف سردرگمی از مشکلات ریز و درشت درآمده است. تردید نیست که بانی همه این تنگناها، دشمنان بداندیشی هستند که ما را جز در حالت تسلیم و رضا، نمی‌خواهند، اما در این میان هستند کسانی که آب به آسیاب دشمن ریختند و می‌ریزند و برنابسامانی‌ها می‌افزایند، سلاطینی که برخی جان خود را در رهگذر این بزرگی! باختند و در میان خروارها سکه طلا، گوهر وجود را از دست دادند و قارون وار، جان دادند و بعضی نیز زیر حکم هستند، در این میان سلاطین کاغذ و زینک و ... نیز هر روز گره جدیدی به کارمان زدند و اوضاع را بجایی رساندند که برخی فصلنامه‌ها تعطیل شدند، بسیاری از کتاب‌ها پشت در چاپخانه‌ها معطل ماندند و ... آری نابسامانی‌های اقتصادی، فرهنگ را نیز درگیر کرده است، اما راه چاره کدام است؟

آیا دست از تلاش برداریم و تن به قضا بدهیم و تسلیم شویم؟ یا اینکه همچون انسان‌های نامدار، بزرگی و عزت را بر بلندترین قله‌های هستی جستجو کنیم، ره بیماییم و از پا نیفتیم؟

به قول مرادی کرمانی «شما که غریبه نیستید» هر بار که



یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبراللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال

یاران و عزیزان همراه!

سال دیگری سپری شد و بازهم برگی از دفتر زندگی ما جدا گردید، سالی همچون تمامی گذشته‌های تاریخ، با جامی آمیخته از شهد و شرنگ و آمیزه‌ای از شادی و غم و اینک صدای پای بهار و لبخند طبیعت و آغاز سال جدید.

سالی که گذشت، بوته آزمایش دیگری برای ملت بزرگ و سرافرازی بود که از پس آزمون های بسیاری برآمده، با قامتی برافراشته رخ نموده و فریاد برآورده که:

بگو با خصم من گر بگسلد زنجیر چرخ، از هم

مرا از جان ایران نگسلاند عهد و پیمانم

و در سالی که پیش رو داریم باز هم فریادمان را پرشکوه‌تر از همیشه بر فراز می‌کنیم که هر کس ملت نستوه ایران را شکست‌خورده و ناامید و دل‌افسوده آرزو می‌کند، خواب پریشان دیده و آن تمنا را به گور خواهد برد.

بیایید از همین نخستین روزهای سال جدید، آستین همت بالا بزنیم و با خدای خود سوگند یاد کنیم که با تمامی قوا در برابر دشواری‌ها بایستیم و با قامتی به بلندای ایران همیشه سرافراز، خواب را در پلک دشمنانمان بشکنیم و آن‌ها را از راه‌رفته پشیمان کنیم.

آری (جهان گر جوان شد به فصل بهار) ما نیز می‌کوشیم تا به خدمت صادقانه، بهار عزت و بالتدگی این سرزمین خدایی را تداوم ببخشیم و در انتظار روزهایی پرفروغ‌تر باشیم.

مباد این‌که بهار، از ما سبزتر باشد.

عیدتان سرشار از شادی و سرور و هم‌روزهای زندگی‌تان عید باد.

هیئت نمایندگان اتاق کرمان

فضای کسب و کار

- گفت‌وگو با «جعفر رودری»
رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان
- ضرورت اصلاحات اقتصادی در بحران آشکارتر می‌شود
- باید در مسیر اصلاح اقتصاد قدم بگذاریم
- گفت‌وگو با «عباس پرداختی»
معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی کرمان
- بازگشت به خویشتن
- گفت‌وگو با «رضا سنجری»
مدیرکل دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان
- شریک خوب است، اگر...
مسئولیت اجتماعی
- اعتمادسازی بین صنعت و دانشگاه؛ یک ضرورت، اما مغفول
- گفت‌وگو با «ابوالفضل وطن‌پرست»
تسهیل‌گر برنامه‌های آموزشی تشکل‌های اقتصادی



گفت‌وگو با «جعفر رودری»
رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان

وفاق نظر و اصلاح ساختار

دکتر جعفر رودری رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان می‌گوید تولید سرانه در استان در حدود ۸۵ درصد متوسط تولید سرانه کشور است و با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی استان، جای کار و تلاش خیلی بیشتر از آنچه که هست وجود دارد. رودری مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی استان را آب و وابستگی به عوامل طبیعی، چالش‌های فکری و فرهنگی توسعه و وابستگی بیش از حد به دولت و آسیب‌های مترتب بر کاستی‌های فضای کسب‌وکار می‌داند. او معتقد است که در زمینه توسعه ظرفیت‌سازی اقتصادی، اولین کار رسیدن به وفاق نظر و همگرایی برای رسیدن به مفهوم واحدی از توسعه و در اقدام بعدی، اصلاح ساختار است. به نظری استان کرمان در مسیر توسعه از جهت منابع طبیعی و زیرساخت، چیزی را کم ندارد و آنچه بسیار مهم است، این است که حاکمیت، فضای مناسب برای کسب‌وکار فراهم کند.

استان کرمان در بین ۳۱ استان از لحاظ میزان تولید ناخالص داخلی رتبه دهم، از نظر مساحت بعد از استان سیستان و بلوچستان رتبه دوم، به لحاظ جمعیت رتبه نهم، از نظر بودجه کشوری، استان هفتم یا هشتم و در مصرف آب، استان دهم است؛ اما نکته حائز اهمیت این است که طی دهه گذشته، نرخ رشد اقتصادی استان کرمان نسبت به متوسط ملی بالاتر بوده است؛ یعنی می‌توانیم بگوییم طی این سال‌ها نرخ رشد اقتصادی استان در حدود ۲ درصد بیشتر از متوسط کشور بوده و بنابراین روند به‌گونه‌ای است که سهم استان از اقتصاد کشور رو به افزایش است، ولی همچنان سرانه تولید نسبت به متوسط ملی پایین‌تر است.

اگر بخواهیم سهم هر یک از بخش‌های اقتصادی را بررسی کنیم به نکات بسیار مهمی می‌رسیم. در سه بخش صنعت و معدن، کشاورزی

در مورد بزرگی اقتصاد استان کرمان و سهم هر یک از بخش‌های اقتصادی در آن توضیح بفرمایید؟

سهم استان کرمان از کل اقتصاد کشور با احتساب نفت بر اساس آخرین آمار و حساب‌های منطقه‌ای سال ۱۳۹۴ در حدود سه درصد است که اگر نفت را جدا کنیم سهم اقتصاد استان از میزان تولید ناخالص داخلی به حدود ۳/۵ درصد می‌رسد. سهم استان کرمان از جمعیت کشور نزدیک به چهار درصد است؛ بنابراین در یک حساب سرانگشتی می‌توانیم متوجه شویم که تولید سرانه در استان کرمان نسبت به متوسط تولید سرانه کشوری پایین‌تر و در واقع بیش از ۸۵ درصد متوسط تولید سرانه کشور است. این مسئله نشان‌دهنده این است که در استان کرمان با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی، جای کار بیش از آنچه که هست وجود دارد.

پسته است، بنابراین آسیب‌پذیری اقتصاد با توجه به تک‌محصول بودن این بخش و آسیب‌پذیری آن در مقابل عوامل طبیعی یکی از نکات بسیار تا بسیار حائز اهمیت است به گونه‌ای که در سال جاری که تولید محصول پسته دچار مشکل شده، به شدت ارزش افزوده و اقتصاد استان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. همچنین در بخش صنعت نیز تمرکز را هم از نظر جغرافیایی و هم به لحاظ نوع فعالیت‌های صنعتی و معدنی داریم به گونه‌ای که در بخش صنعت ۱۰ واحد تولیدی بیش از ۷۸ درصد ارزش افزوده کل اقتصاد استان را به خود اختصاص می‌دهند که این واحدهای تولیدی شامل مجتمع مس سرچشمه، کرمان موتور، خودروسازان مدیران خودرو، شرکت صنعتی بارز، شرکت فرآورده‌های روغنی فریکو، مجتمع تولیدی میلگرد سیرجان، صنایع مس شهید باهنر، گل‌دیران، سیمان کرمان و سیمان ممتازان هستند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بخش خصوصی به آن مفهوم که فراگیر باشد و در کل زیر بخش‌های صنعتی استان کرمان سهم قابل توجهی داشته باشد، وجود ندارد و این تمرکز را ما متأسفانه در حوزه معدن نیز شاهد هستیم، دو معدن مس سرچشمه و گل گهر سیرجان حدود ۷۰ درصد کل ارزش افزوده بخش معدن استان را به خود اختصاص داده‌اند و اگر پنج معدن اول استان را در نظر بگیریم بیش از ۸۵ درصد ارزش افزوده معدن استان مربوط به آن‌هاست. بنابراین دو درصد معدن (۱۰ معدن از مجموع ۴۸۸ معدن فعال) بیش از ۹۵ درصد کل ارزش افزوده معدنی را به خود اختصاص داده‌اند و این مهم تمرکز در حوزه جغرافیایی را نشان می‌دهد.

و خدمات، سهم بخش کشاورزی در اقتصاد استان در حدود ۲۳ درصد است، این در حالی است که سهم بخش کشاورزی در اقتصاد کشور ۱۱ درصد است؛ یعنی در واقع سهم بخش کشاورزی در اقتصاد استان نسبت به متوسط کشور بیش از دو برابر است. اگر همین عدد را در بحث اشتغال بررسی کنیم، خواهیم دید که سهم بخش کشاورزی در اشتغال استان بیش از ۳۸ درصد است، در حالی که در کشور حدود ۱۸ درصد است. حوزه صنعت و معدن با تعریفی که بر اساس کدهای آیسیک وجود دارد. در استان ۳۵/۵ درصد از تولید را به خود اختصاص داده که در کشور ۳۲ درصد است. نسبت سهم صنعت و معدن در اقتصاد استان در مجموع بیشتر از نسبت سهم صنعت و معدن در اقتصاد کشور است که دلیل آن به جایگاه بالاتر بخش معدن در استان کرمان برمی‌گردد به گونه‌ای که سهم بخش معدن به تنهایی (معدن بدون نفت) در اقتصاد استان کرمان ۸/۲ درصد است در حالی که سهم معدن بدون نفت در اقتصاد کشور ۰/۷ درصد می‌باشد؛ بنابراین دلیل بالاتر بودن سهم صنعت و معدن نسبت به کشور به توضیحات داده شده برمی‌گردد. در حالی که صنعت نسبت به متوسط کشوری سهم پایین‌تری دارد.

همچنین سهم بخش خدمات از تولید در اقتصاد استان کرمان در حدود ۴۲ درصد است که در کشور بیش از ۵۷/۱ درصد است که اگر به لحاظ اشتغال به آن نگاه کنیم، می‌بینیم که سهم بخش خدمات در استان کرمان ۳۸ درصد و در کشور بیش از ۵۰ درصد است. در مجموع سهم بخش‌ها را چه از سمت تولید و چه از مسیر اشتغال بررسی کنیم، نتیجه این می‌شود که حوزه صنعت و معدن استان تقریباً در میانگین کشور حرکت می‌کند، بخش کشاورزی بیش از دو برابر کشور است، اما در بخش خدمات استان فاصله زیادی با متوسط کشور داریم و نشان‌دهنده این است که جای کار در این بخش به میزان بسیار زیادی وجود دارد.

در بررسی زیر بخش‌های خدماتی استان کرمان شامل فعالیت‌هایی مانند عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه و کالاها و خدمات، نسبت به متوسط کشوری سهم بسیار پایین‌تری داریم. در ارتباطات و اطلاعات باز هم سهم استان کرمان نسبت به متوسط کشوری بسیار پایین‌تر است. همچنین در فعالیت‌های مالی و بیمه سهم استان کرمان نسبت به متوسط کشوری بسیار پایین است. سهم املاک و مستغلات در اقتصاد استان کرمان ۵۰ درصد این نسبت در اقتصاد ملی است و در برخی زیر بخش‌های حوزه خدمات مانند آموزش نسبت به متوسط کشوری بالاتر هستیم به طوری که میانگین سهم آموزش در کشور چهار درصد و در استان کرمان ۵/۵ درصد است. همین‌طور میانگین فعالیت‌های حوزه سلامت انسان و مددکاری اجتماعی در کشور ۳/۹ درصد است که این عدد در استان کرمان ۴/۳ درصد است.

در بعضی بخش‌ها نیز تقریباً برابر با متوسط کشوری هستیم؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ما هنوز در زیر بخش‌های مذکور به لحاظ ایجاد اشتغال و جایگاه در اقتصاد استان ظرفیت‌های خالی فراوانی داریم، اما در خصوص بحث تکمیل ساختار اقتصادی استان، نکته بسیار حائز اهمیت این است که در هر یک از بخش‌های اقتصادی متأسفانه تمرکز فعالیت‌ی و تمرکز جغرافیایی را می‌بینیم. در بخش کشاورزی نزدیک به ۷۰ درصد کل ارزش افزوده تولید ما فقط مربوط به محصول

اگر سیاست‌هایی که در طول یک برنامه تبیین می‌شود با تغییر دولت‌ها از ثبات لازم برای اجرای برنامه برخوردار نباشد می‌تواند بسیار آسیب‌زا باشد. معمولاً چون برنامه‌های توسعه مدت‌دار و در کشور ما ۵ ساله است و عمر دولت‌ها ۴ سال است، به لحاظ زمانی عمدتاً دولت‌ها وقتی اقدام به تدوین برنامه کرده‌اند که مقارن با زمان پایانی عمر دولت وقت بوده و اجرای آن محول به دولت بعد شده است و عمدتاً دولت بعدی چندان الزام تشکیلاتی و نهادینه شده را برای اجرا برنامه نداشته؛ چه بسا در یک سری از دوره‌ها، برنامه نیز کنار گذاشته می‌شود و برخورد سلیقه‌ای یا شخصی با این موارد صورت گیرد.

در بنگاه‌ها و فعالیت‌های صنعتی و معدنی تمرکز در حوزه جغرافیایی، بسیار زیاد وجود دارد. فعالیت‌های صنعتی نیز تنها در چهار شهرستان متمرکز شده است؛ یعنی در واقع بیش از ۸۰ درصد فعالیت‌ها و ارزش افزوده صنعتی مربوط به این شهرستان‌هاست. در بخش معادن نیز به همین ترتیب در عمل نزدیک به ۹۵ درصد ارزش افزوده معدنی استان در سه شهرستان استان است. تمرکز جغرافیایی از ویژگی‌هایی است که به‌عنوان عامل نامتوازن ساختاری در اقتصاد استان، هم به لحاظ سهم بخش‌ها و هم عدم تنوع کالایی و جغرافیایی که در راهبردهای توسعه پایدار و طرح آمایش سرزمین استان مورد توجه قرار گرفته است که ان شاءالله حل و فصل شوند.

تحلیل تاریخی شما از برنامه‌های توسعه منطقه‌ای استان کرمان چیست؟

به لحاظ برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای در ایران، اولین برنامه قبل از پیروزی انقلاب و در سال ۱۳۲۷ آغاز شد؛ بنابراین تجربه برنامه‌ریزی در ایران به بیش از ۷۰ سال می‌رسد و این تجربه باعث شده که ایران جزء یکی از کشورهای پیشرو در زمینه برنامه‌ریزی در دنیا باشد. تقریباً ما اجرای ۶ برنامه را قبل از انقلاب داریم و همین‌طور برنامه ششم هم که بعد از انقلاب است، با ورود به برنامه‌های توسعه منطقه‌ای می‌بینیم که شروع برنامه توسعه، شرایطی را برای اقتصاد ایران فراهم می‌کند که عمدتاً هدف رشد اقتصادی به مفهوم کلان آن است و کمتر بحث توازن منطقه‌ای و سرزمینی مطرح است. به همین دلیل ما می‌بینیم

که در اوایل انقلاب قطب‌های رشد (به‌طور مشخص تهران) مطرح می‌شود و سپس استان‌هایی مانند اصفهان، مشهد و البته استان‌های دیگری هم هستند، اما اصل قطب رشد مربوط به خود تهران است که بخش زیادی از فعالیت‌ها در آنجا شکل می‌گیرد. بنا به مطالعات بانک جهانی در سال ۱۳۵۵ در میان ۱۷ کشور برگزیده جهان از شمال و جنوب، برزیل و ایران بیشترین عدم تعادل‌های منطقه‌ای را آن زمان داشته‌اند و بنابراین بعد از انقلاب رسیدن به تعادل‌های منطقه‌ای و مباحث آمایش سرزمین به شکل جدی مطرح می‌شود. ابتدا در سال ۱۳۶۱ بحث آمایش سرزمین مطرح می‌گردد و در آن زمان طرح پایه آمایش سرزمین و تهیه یک تصویر فضایی از کشور در یک برنامه ۲۰ ساله، خودش را نشان می‌دهد که نهایتاً منجر به تهیه طرح پایه آمایش سرزمین در سال ۱۳۶۲ می‌شود. این دوران متأسفانه دوران جنگ است، در آن زمان دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سازمان برنامه‌بودجه کشور مستقر بود. از سال ۱۳۶۲ مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین را شروع گردید و در واقع در سال ۶۴ تدوین چارچوب نظری برای توسعه استان‌ها و مقدمات تهیه طرح آمایش استانی فراهم شد، اما به دلیل شرایط جنگی که بر کشور حاکم بود تقریباً مباحث آمایش سرزمین و همین‌طور اجرای برنامه‌های توسعه به نتیجه نمی‌رسد، آغاز اولین برنامه توسعه تحت عنوان «بازسازی و نوسازی» بعد از سال ۱۳۶۸ بود. برنامه اول که بیشتر شامل یک برنامه کلان را دارد و عملاً به‌جز چند مورد که تبصره ۵ و ۶ قانون برنامه آن زمان است، جهت‌گیری آن به سمت هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به مناطق محروم و موضوع توزیع متعادل درآمد بین مناطق مختلف را مطرح می‌کند. به‌این‌ترتیب در برنامه اول منحصراً بحثی با عنوان توسعه منطقه‌ای نداریم. برنامه دوم که در واقع سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ را در برمی‌گیرد، بحثی با عنوان تحقق عدالت اجتماعی و ختم‌شده‌های تقسیم‌بینه منابع و امکانات عمومی برای ارتقای استان‌ها مطرح می‌شود و در عمل مباحث مطرح‌شده از همین حد فراتر نمی‌رود و توجه به مناطق محروم، محرومیت‌زدایی و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای مدنظر است، اما به آن مفهوم که در واقع یک سازوکار مشخص نهادی شکل بگیرد در این برنامه اتفاق نمی‌افتد. در برنامه سوم بعد از انقلاب برنامه‌ریزی به مفهوم منطقه‌ای آن برای اولین بار به شکل عملیاتی مطرح شد. در این برنامه در واقع موضوع تمرکززدایی اداری، سیاسی و کاهش تصدی‌گری دولت و تفویض اختیارات به استان‌ها برای اولین بار عنوان می‌شود؛ این برنامه در حوزه امور فرابخشی، به موضوع آمایش سرزمین می‌پردازد و در طول آن شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان‌ها شکل می‌گیرد، کمیته برنامه‌ریزی شهرستان‌ها تعریف می‌شود و به سمت‌وسوی یک نظام هماهنگ مدیریت یکپارچه، بررسی، هدایت و کنترل نظارت بر اجرای برنامه‌های توسعه در استان‌ها را به خود استان‌ها می‌سپارند.

در برنامه چهارم که سال‌های ۸۴ تا ۸۸ را شامل می‌شود، مسئله آمایش سرزمین مورد تأکید قرار می‌گیرد. نظام درآمد-هزینه استانی مطرح می‌شود که مواد ۷۲ تا ۸۳ قانون برنامه مدیریت زمان به این مسئله می‌پردازد. در موضوع نظام درآمد-هزینه، مسئله این است که استان‌ها هم اختیارات لازم را در حوزه وصول و کسب درآمد داشته

در بخش کشاورزی ظرفیت‌های بسیار خوبی داریم با برخورداری ۷ درصدی از منابع آبی کشور که حتی استفاده‌ای برابر با میانگین کشوری است می‌توانستیم تا ۷ درصد تولید ناخالص داخلی یعنی دو برابر سهم فعلی را داشته باشیم. ظرفیت اقتصادی بالایی را در بخش کشاورزی داریم به این دلیل که استانی چهار فصل هستیم و امکان تولید محصول خارج از فصل، خاک و دشت‌های حاصلخیز داریم و همین‌طور امروزه نزدیک به ۱۸ درصد کل باغات کشور را داریم. همه این ظرفیت‌ها در بخش کشاورزی استان باعث شده که یکی از محورها و پیشران‌های توسعه استان، بخش کشاورزی در نظر گرفته شود.

دو الزام اساسی آن یعنی تحقق اختیارات در حوزه وصول درآمدها که هنوز در خصوص وصول درآمد، کاملاً سیاست‌های متمرکز در قانون بودجه سنواتی راداریم، ردیف‌ها کاملاً مشخص هستند و بر اساس آن درآمدها وصول می‌شود، در طرف هزینه نیز وضع به همین ترتیب است و عملاً استان‌ها اختیارات لازم را ندارند. از این جهت می‌شود گفت: هنوز ما با نظام تکامل‌یافته برنامه‌ریزی منطقه‌ای به معنای واقعی آن فاصله داریم.

لازم است توجه کنیم برای این که یک برنامه نتیجه‌مورد انتظار را داشته باشد، عوامل متعددی دخیل هستند، در آسیب‌شناسی برنامه‌های اجرایی و توسعه‌ای که در کشور انجام شده، ایرادات به چند دسته طبقه‌بندی می‌شود. یک سری ایرادات مربوط به شروع صفر یا همان پیش‌نیازهای برنامه است که چه در کشور و چه در استان کرمان ما این پیش‌نیازها را نداریم. مهم‌ترین مسئله یک فهم مشترک نسبت به مفاهیم توسعه است. ما هنوز برداشتهای متفاوتی نسبت به توسعه داریم. این که توسعه چیست و ما واقعاً دنبال چه اهداف مشخصی هستیم، حتی هنوز در سطح کلان کشوری نیز در بسیاری مواقع تکلیف با خودمان روشن نیست. در سطح استان نیز به تبع این مسئله وضع مشخص است؛ بنابراین عدم فهم مشترک و وفلاق نظر در خصوص مفهوم توسعه باعث می‌شود که اولویت‌ها متفاوت باشد وقتی اولویت‌ها متفاوت بوده، این موضوع می‌تواند زاویه ایجاد کند. مسئله بعدی وجود آمار و اطلاعات جامع و به هنگام است و همین‌طور زیرساخت‌هایی که به لحاظ فنی، تدوین یک برنامه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند؛ بنابراین با مسائل و مشکلاتی مواجه هستیم، سیستم‌های ثبت آمار و اطلاعاتمان به اندازه کافی دقیق نیست و ما هنوز بعد از گذشت ۷۰ سال از اولین برنامه توسعه که در کشور شروع شده، آمارهای مربوط به حساب‌های منطقه‌ای در سطح استان‌ها به‌روز نیست، اطلاعات کافی را در خصوص اقتصاد کلان استان‌ها در اختیار قرار نمی‌دهند و اگر هم در اختیار قرار دهند با یک تأخیر چندساله است که در بسیاری مواقع این اطلاعات سوخته است. هنوز آمارها مربوط به نرخ بیکاری و مسائلی از این قبیل را در سطح شهرستان‌ها نداریم، اگر هم داشته باشیم نمونه‌گیری‌هایی که انجام می‌شود قابل کاربرد نیست؛ بنابراین چندگانگی ارائه آمار و اطلاعات باعث می‌شود الزام مهم زیرساختی برای تنظیم برنامه‌ها به لحاظ فنی در دسترس نباشد. یکی از موارد مهم دیگر که به‌عنوان پیش‌نیازهای اولیه برای اجرای برنامه‌ها مطرح می‌شود، مسئله ساختار اجتماعی و همچنین فضای کسب‌وکار و شرایطی که تحقق اجرای یک برنامه را فراهم می‌کند است که در بسیاری از موارد کاستی‌هایی وجود دارد و باعث می‌شود که یک برنامه نتواند به شکل درست اجرا شود. ایراداتی که در واقع مربوط به محتوای برنامه‌ها است و عمدتاً جنبه نگاه کارشناسانه و فنی حاکم بر برنامه‌ها از سطح کلان‌تر تبیین پارادایم‌های توسعه تا سیاست‌ها و راهبردهای توسعه تا ارتباطات و لینک‌های بین بخشی و پیوندهای لازم بین این موضوعات را می‌تواند در برگیرد و آنچه که مهم‌تر از این موارد است به حوزه اجرایی برمی‌گردد، شرایط اثبات اجتماعی و ثبات سیاستی در اجرای برنامه‌هاست؛ ثبات سیاستی بسیار حائز اهمیت است اگر سیاست‌هایی که در طول یک برنامه تبیین

باشند و هم به لحاظ هزینه کرد اختیار تصمیم‌گیری‌های لازم را که زیرساخت‌های نهادی و تشکیلاتی برنامه قبل مانند توسعه شورا، شکل گرفت.

در برنامه پنجم که از سال ۹۰ به بعد است موضوع توسعه منطقه‌ای آمایش سرزمین و نظام درآمد-هزینه استانی و توسعه متوازن مورد تأکید قرار می‌گیرد و کار در ادامه آنچه که در برنامه قبلی تصویب شده بود، دنبال می‌شود. در برنامه ششم فصلی را تحت عنوان توسعه منطقه‌ای به شکل مجزا داریم و باز موضوع نظام درآمد-هزینه استانی، توزیع منابع استانی و بارانه سود تسهیلات با رویکرد استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه منابع و ارتقا سطح مناطق کمتر توسعه‌یافته و در نهایت تحقق پیشرفت و عدالت، آمایش سرزمین و توسعه متوازن مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما اگر بخواهیم به لحاظ دستاوردهای کلان کشوری نگاه کنیم در مجموع نظام برنامه‌ریزی ما به سمت یک تکامل و ارتقا حرکت کرده است و در نتیجه در شاخص‌های کلان توسعه، شاخص توسعه انسانی به‌عنوان یکی از شاخص‌های پرکاربرد بین‌المللی در تعریف یا اندازه‌گیری سطح توسعه‌یافتگی کشورها با رویکرد انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که تقریباً از سال ۱۳۹۰ این شاخص جای خودش را باز کرده است و بر اساس این شاخص طی ۴ دهه گذشته بعد از انقلاب کشور ایران بعد از چین بالاترین رشد در شاخص توسعه انسانی بین همه کشورهای دنیا را داشته است. جمهوری اسلامی ایران در بین کل کشورها از رتبه ۱۲۰ در سال ۱۳۵۷، اخیراً به رتبه ۶۰ رسیده است. در آخرین گزارشی که از طرف بانک جهانی منتشر شده، یکی از شاخص‌های مدنظر، شاخص عدالت اجتماعی و توزیع درآمدهاست. ضریب جینی در ابتدای انقلاب ۰/۴۹ بود که در حال حاضر به ۰/۳۱ کاهش پیدا کرده است که هرچقدر ضریب جینی کاهش پیدا کند به سمت توزیع متعادل درآمدها حرکت می‌کنیم. یکی از شاخص‌های دیگر نسبت دهک‌های بالا به دهک‌های پایین است. این نسبت در اوایل انقلاب تقریباً ۲۰ برابر بود؛ یعنی دهک دهم درآمدش نسبت به دهک اول ۲۰ برابر بود که در حال حاضر به ۱۴ درصد کاهش پیدا کرده است؛ بنابراین به‌عنوان دستاوردهای نظام برنامه‌ریزی در سطح کلان می‌توانیم بگوییم که به سمت تعادل حرکت کرده‌ایم، اما در سطح منطقه‌ای به مفهوم واقعی می‌توان گفت که واگذاری آن اختیارات به‌گونه‌ای که نظام درآمد-هزینه‌ای به شکل عملی محقق شود، متأسفانه هنوز اتفاق نیفتاده و علیرغم این که ما از برنامه سوم بعد از انقلاب، مسئله توسعه منطقه‌ای را حتی با حضور نهادهای منطقه‌ای مدنظر داریم، اما همواره بحث تمرکزگرایی ملی با نوساناتی همراه بوده و حتی بعضاً در مسیر سال‌ها نسبت به واگذاری اختیارات عقب‌گرد داریم؛ بنابراین آنچه در جمع‌بندی این بحث می‌توانیم بگوییم، این است که علیرغم تجربه‌های زیادی که در بحث توسعه منطقه‌ای داریم؛ اما اختیارات لازم به مفهوم واقعی این که برنامه‌ریزی بتواند در سطح استان و منطقه پیاده شود، وجود ندارد.

چرا در تمام برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، وصول به اهداف محقق نشده است؟

به منابع مالی برمی‌گردد درحالی‌که این‌گونه نیست. تجارب خیلی از کشورها و نیز مطالعات علمی نشان می‌دهد که سهم سرمایه و منابع در اجرای برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی و پیشرفت کشورها، در اجرای برنامه‌ها آن‌قدر زیاد نیست که نقش عوامل دیگر که امروزه کمتر موردتوجه قرار می‌گیرند.

در مورد مهم‌ترین چالش‌های توسعه اقتصادی استان کرمان چه توضیحاتی دارید؟

اگر بخواهیم به مهم‌ترین مسائل، مشکلات و چالش‌هایی که وجود دارد اشاره کنیم بدون این‌که طبقه‌بندی خاصی دنبال شود، مهم‌ترین مسئله و چالش امروز ما وابستگی بالای اقتصاد استان به عوامل طبیعی است و مهم‌ترین آسیب‌پذیری هم از همین نقطه نشئت می‌گیرد. برخلاف آن‌تصوری که از بیرون وجود دارد، استان کرمان کاملاً یک استان کشاورزی است. تقریباً بیش از یک‌سوم معیشت و اشتغال استان کرمان، امروز در گرو بخش کشاورزی است. اگر فعالیت‌های غیرمستقیم بخش کشاورزی را نیز اضافه کنیم چه‌بسا نزدیک به ۵۰ درصد اشتغال استان متأثر از بخش کشاورزی و فعالیت‌های مربوط به آن است.

امروز استان کرمان تقریباً نزدیک به ۷/۲ میلیارد مترمکعب مصرف آب را به خود اختصاص داده است. آب مصرفی کشور حدود ۱۰۳ میلیارد مترمکعب است و ما نزدیک به ۷ درصد آب مصرفی کشور را استفاده می‌نماییم. حال آن‌که تنها ۳/۵ درصد تولید را داریم و دلیل اصلی این‌که سرانه مصرف آب در استان نسبت به متوسط سرانه ملی تقریباً دو برابر است، به سهم بالای بخش کشاورزی در اقتصاد استان برمی‌گردد.

بر اساس مطالعات آمایش استان در برنامه‌ریزی حوزه آب در افق بلندمدت طی ۱۰ تا ۱۲ سال آینده، برای این‌که بتوانیم حیات اقتصادی و اجتماعی استان را حفظ کنیم، چاره‌ای نداریم جز این‌که در حدود دو میلیارد مترمکعب آب را بتوانیم صرفه‌جویی کنیم. این دو میلیارد مترمکعب آب بر اساس بیلان منفی حاصل از مطالعه آب برنامه‌ریزی شده در تک‌تک دشتهای استان است که تقریباً متأسفانه به‌جز چهار دشت استان کرمان که هنوز در شرایط بحرانی نیست در بقیه دشتهای استان شرایط کاملاً بحرانی است و به تنش آبی نزدیک می‌شویم. بیلان منفی مصرف آب که در حال حاضر وجود دارد از یک‌طرف و کاهش نزولات جوی و بنابراین کاهش سطح تریزریق سفره‌های آب باعث می‌شود که برای این‌که یک توسعه پایدار را در استان بتوانیم دنبال کنیم، به‌ناچار باید در آن افق ۲ میلیارد مترمکعب آب را صرفه‌جویی کنیم؛ بنابراین مهم‌ترین چالش امروز ما همین مسئله است. ما عمدتاً یک ساختار کشاورزی سنتی داریم؛ بنابراین مهم‌ترین چالش در بلندمدت این است که مصرف آب در بخش کشاورزی را کنترل کنیم، در حال حاضر از ۲ میلیارد مترمکعب آبی که گفته شد، ترکیب مصرف آن به این‌گونه است که ۹۵ درصد آن در بخش کشاورزی استفاده می‌شود، ۴ درصد در بخش شرب و بهداشت و یک درصد در صنعت مورداستفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین ما باید بتوانیم به‌گونه‌ای حرکت کنیم که هم نیازهای توسعه آتی استان را تأمین

می‌شود با تغییر دولت‌ها از ثبات لازم برای اجرای برنامه برخوردار نباشد می‌تواند بسیار آسیب‌زا باشد. معمولاً چون برنامه‌های توسعه مدت‌دار و در کشور ما ۵ ساله است و عمر دولت‌ها ۴ سال است، به لحاظ زمانی عمدتاً دولت‌ها وقتی اقدام به تدوین برنامه کرده‌اند که مقارن با زمان پایانی عمر دولت وقت بوده و اجرای آن محول به دولت بعد شده است و عمدتاً دولت بعدی چندان الزام تشکیلاتی و نهادینه شده را برای اجرا برنامه نداشته؛ چه‌بسا در یک‌سری از دوره‌ها، برنامه نیز کنار گذاشته می‌شود و برخورد سلیقه‌ای با شخصی با این موارد صورت گیرد؛ سیاست‌ها دچار دگرگونی می‌شوند و حتی بسیاری از مواقع دچار تعارض‌های سیاستی در راهبردهای کلان برنامه می‌شویم. همه این موارد در آن عدم ثبات سیاستی خود را نشان می‌دهند و یک سردرگمی برای بخش خصوصی که بزرگ‌ترین سهم را در برنامه به خود اختصاص می‌دهد، ایجاد می‌شود.

مسئله بعدی به موضوع حکمرانی مطلوب و نظام تدبیر برای اجرای یک برنامه برمی‌گردد. اجرای یک برنامه که به شکل صد درصد کارشناسانه و دقیق نیز تنظیم شده منوط به وجود یک سری شرایط است و آن شرایط در گرو حکمرانی مطلوب است؛ دلیل آن این است باید بپذیریم که بازیگران توسعه متفاوت و متعدد هستند، شامل: دولت، بخش دولتی، مراکز دینی و مذهبی، نیروی انتظامی، قوه قضائیه، قوه مقننه، دانشگاهیان، مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و... همه افراد و همه در توسعه نقش دارند.

اگرچه دولت بازیگر اصلی است؛ به این دلیل که نقش هدایت‌گری و هماهنگی و سیاست‌گذاری را به عهده دارد، اما تنها بازیگر نیست بنابراین مسئله این است که چگونه با استفاده از ظرفیت‌های ارزشی، هنجارها و سیستم اجتماعی و چارچوب‌های حاکم بر نظام یک جامعه، تعارضات ذاتی که در درون یک سیستم به‌طور طبیعی وجود دارد (چون گروه‌ها نیز متعدد هستند) به‌گونه‌ای مدیریت شوند که به یک همگرایی برای رسیدن به توسعه منجر شده و عمدتاً خود را در فضای کسب‌وکار نشان دهند. اگر این بازیگران و عناصر در مسیر توسعه همراه نشوند و در یک مسیر قرار نگیرند فضای کسب‌وکار به‌خوبی شکل نمی‌گیرد. علیرغم این‌که بخشنامه‌های متعدد داریم، با توجه به بررسی‌های انجام شده، شاید تا ۱۰۰ درصد قوانین، مقررات و بخش‌نامه‌هایی که تبیین می‌شود پوشش‌دهنده رفع مسائل و مشکلات هستند، اما این‌ها اجرا نمی‌شود و دلیل اجرا نشدن آن‌ها این است که بروکراسی حاکم بر نظام اداری ما خود از عناصر تشکیل‌دهنده همان مجموعه‌هایی است که باهم جمع شده و فضای کسب‌وکار به وجود می‌آید، در آخر به این موضوع می‌رسیم که آیا برای انجام یک فعالیت چه خود دولت و چه غیر دولت، فضا برای کار و فعالیت مناسب است یا خیر. متأسفانه رتبه خوبی را در دنیا در این بحث نداریم؛ بنابراین شاید مهم‌ترین مسئله‌ای که ما در عدم اجرای موفق برنامه‌ها می‌توانیم یاد کنیم به همین مسئله برمی‌گردد که یک انسجام و یک ارتباط منطقی نهادینه شده‌ای بین عناصر و ارکان مؤثر بر اجرای توسعه به‌گونه‌ای که بتواند همگرایی لازم را برای رسیدن به اهداف توسعه فراهم کند شکل نمی‌گیرد و این مهم‌ترین علتی است که در عدم اجرای برنامه‌ها نقش دارد. گاهی واقعاً به اشتباه برداشت می‌شود که ریشه عدم اجرای برنامه‌های ما



بخش غیردولتی از دولت نیز منجر شده که ریشه تاریخی دارد، زیرا بعد از این که در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ قیمت نفت بالا رفت، درآمدهای افزون نفتی باعث شد که سطح زندگی ایرانیان فارغ از تلاش و کوشش متناسب در حوزه کسب‌وکار بالاتر رفته و بر خواسته از این شرایط، انتظارات ایجاد شده است.

بنابراین تنزل فرهنگ کار و تلاش و توقعات یک‌طرفه از طرف شهروندان است که هنوز نتوانسته‌ایم به جامعه القا کنیم که سطح توانمندی رفاه و برخورداری یک جامعه به میزان کار و تلاش و تولیدات آن جامعه که توسط تک‌تک افراد آن شکل می‌گیرد وابسته است و دولت مرجعی است که متولی ایجاد زیرساخت‌ها و بسترساز قوانین، مقررات، استانداردها و داوری، حفظ مالکیت و مواردی از این قبیل است. شاید مهم‌ترین چالش امروز این مسئله باشد.

در اسناد توسعه‌ای طرح آمایش استان، ۴ بخش اصلی کشاورزی، صنعت، معدن و خدمات به‌عنوان پیشران‌های اقتصاد استان در نظر گرفته شده است. در بخش کشاورزی ظرفیت‌های بسیار خوبی داریم با برخورداری ۷ درصدی از منابع آبی کشور که حتی استفاده‌ای برابر با میانگین کشوری است می‌توانستیم تا ۷ درصد تولید ناخالص داخلی یعنی دو برابر سهم فعلی را داشته باشیم. ظرفیت اقتصادی بالایی را در بخش کشاورزی داریم به این دلیل که استانی چهارفصل هستیم و امکان تولید محصول خارج از فصل، خاک و دشت‌های حاصلخیز داریم و همین‌طور امروزه نزدیک به ۱۸ درصد کل باغات کشور را داریم. همه

کنیم و هم بیلان منفی و کاهش نزولات جبران شود؛ بنابراین چاره‌ای نداریم جز این که مصرف آب در بخش کشاورزی را مدیریت نموده و بتوانیم صرفه‌جویی کنیم، البته منظور این نیست که بخش کشاورزی را با محدودیت مواجه کنیم؛ اما باید مصرف آب مدیریت شود و به سمت کشت‌های نوین یا شیوه‌های نوین آبیاری، احداث گلخانه و رویکردهایی که در نظر گرفته شده برویم و تأمین آب موردنیاز در توسعه صنایع استان را از ذخیره آبی که اتفاق می‌افتد تأمین نماییم و نهایتاً تأمین آب شرب را باید از طریق انتقال دنبال کنیم؛ قیمت تمام‌شده آب جز برای مصرف شرب توجیه اقتصادی ندارد، مگر در صنایع دارای شرایط خاص؛ بنابراین مهم‌ترین چالش بحث آب و وابستگی اقتصاد به عوامل طبیعی است که یک آسیب‌پذیری جدی را ایجاد می‌کند. مسئله بعدی بحث فقدان زیرساخت‌های توسعه در برخی از مناطق استان است؛ مانند عدم پوشش شبکه و پست‌های برق به‌خصوص در جنوب استان، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و جاده در برخی از مناطق استان و همین‌طور عدم تعادل‌های منطقه‌ای که باعث می‌شود در یک‌سری از مناطق ما سطح برخورداری معقولی را داشته باشیم و در برخی دیگر فاصله زیادی را با متوسط کشوری پیدا کنیم. بحثی که از همه این موارد مهم‌تر است و امروز می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین چالش از آن نام برد، چالش فکری و فرهنگی توسعه است و آن انکای بیش‌ازحد و وابستگی غیرمنطقی بخش خصوصی و افراد به دولت است، که خودبه‌خود به شکل‌گیری یک سری توقعات غیرمنطقی

بالا در نظر گرفته شده است. در حوزه معدن تقریباً ۴۲ نوع ماده معدنی در استان داریم که بخش عمده آن‌ها قابلیت سرمایه‌گذاری دارند. اگرچه در حال حاضر عملکرد بخش معدن عمدتاً منحصر به چند واحد بزرگ خاص است، اما جا دارد که توسط واحدهای کوچک، با توجه به امکان اکتشاف در عرصه طبیعی استان، فعالیت‌های معدنی در سطح گسترده‌ای در جنوب و شمال استان گسترش یابد.

به هرحال حوزه صنایع تبدیلی کشاورزی و فراوری معدنی و سایر شاخه‌های صنعتی که در کد آیسیک مشخص شده است، زمینه توسعه کار و فعالیت‌اند و در مورد انرژی‌های نو (انرژی خورشیدی) و حوزه گردشگری و خدمات قبلاً توضیح داده شد.

○ ارزیابی شما از چگونگی بهره‌وری عوامل تولید در بنگاه‌های اقتصادی استان چیست؟ در تطبیق عملکرد بنگاه‌های دولتی و خصوصی در این زمینه چه توضیحاتی دارید؟

بهره‌وری جایگاه بسیار بزرگی در رشد اقتصادی کشورها دارد، اما متأسفانه در کشور ما این مسئله علیرغم این‌که در برنامه‌های مختلف دیده شده، در عمل هیچ‌گاه نتوانستیم به اهداف تعیین شده نزدیک شویم، در برنامه ششم چه در کشور و چه در استان باید در حدود یک‌سوم رشد اقتصادی پیش‌بینی شده از محل ارتقا بهره‌وری محقق گردد که یک سند ارتقا بهره‌وری هم در استان کرمان تهیه شده است. این سند برحسب هر یک از عوامل تولید در بخش‌ها و زیر بخش‌های مختلف تهیه و مشخص شده است که در بخش‌های کشاورزی، صنعت، معدن و خدمات چه فعالیت‌هایی باید انجام شود؟ اما آنچه که بر اساس عملکرد سنوات گذشته چه در استان و چه در کشور داریم، حکایت از آن دارد که به‌جز بخش کشاورزی در سایر بخش‌ها متأسفانه تحولات مثبت و قابل‌توجهی را در بحث بهره‌وری نداشته‌ایم، در خصوص بهره‌وری لازم است که قبل از هر چیزی، تمامی افراد اعم از مدیران و تک‌تک افراد جامعه به اهمیت این موضوع اعتقاد پیدا کنند. در حال حاضر بیشتر از انجام بهره‌وری فقط حرف آن را می‌زنیم، موضوع در اسناد توسعه‌ای دیده می‌شود، اما کمتر عملیاتی می‌شود، بنابراین لازم است از مرحله سخن بیرون رفته و آن را به یک اعتقاد تبدیل کنیم. آنچه در حال حاضر بر همه رویکردهای مدیریتی ما حاکم است و نهادینه شده، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی منابع محوری است. در کشوری مانند ژاپن نزدیک به ۲ دهه است که بیش از ۶۵ درصد رشد اقتصادی آن از محل بهره‌وری حاصل می‌شود. این نشان‌دهنده اهمیت این مسئله است، اما در عمل می‌بینیم که در جامعه ما گویی مدیران در بخش‌های دولتی و خصوصی و مردم به‌عنوان مصرف‌کننده، با تفکر منابع محوری به دنیا آمده‌اند و متأسفانه با تفکر اهمیت دادن به بهره‌وری بزرگ نشده‌اند؛ بنابراین لازم است قبل از هر چیز به لحاظ فکری و به لحاظ اقتصادی این موضوع به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای تمامی عناصر و افراد جامعه تبدیل شود. در استان کرمان، تقریباً به ازای مصرف هر مترمکعب آب در بخش کشاورزی در حدود ۱۷۰۰ تومان ارزش افزوده ایجاد می‌کنیم، این در حالی است که قیمت تمام شده آب در انتقال یا حفر چاه آب، بسیار بیشتر از این عدد است. این عدد در بخش صنعت و معدن به بیش

این ظرفیت‌ها در بخش کشاورزی استان باعث شده که یکی از محورها و پیشران‌های توسعه استان، بخش کشاورزی در نظر گرفته شود، اما در بخش کشاورزی حتماً باید به سمت توسعه علمی و بالا بردن بهره‌وری منابع به‌خصوص در آب گام برداریم.

بخش معدن یکی از ظرفیت‌های مهم است و استان کرمان حدود ۴۰ درصد ارزش افزوده معادن غیرنفی کشور را دارد؛ بنابراین همین شاخص به‌تنهایی حکایت از این دارد که ظرفیت بزرگی در استان داریم و با توجه به اسناد توسعه استان و آمایش کشور، استان کرمان به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی معدنی در کشور است.

یکی از پیشران‌های توسعه، بخش صنایع و عمدتاً مبتنی بر صنایع معدنی و کشاورزی است. انرژی‌های نو، مخصوصاً انرژی خورشیدی، حمل‌ونقل و تقویت نقش ارتباطی استان و سهم خدمات مرتبط با آن و گردشگری نیز از ظرفیت‌های پیشرانی اقتصاد استان است. در حوزه خدمات علاوه بر این‌که در زمینه آموزش سهم ما نسبت به متوسط ملی بالاتر است، در این باب یک ظرفیت منطقه‌ای داریم و لذا آموزش به‌عنوان یکی از محورها در این موضوع دیده شده است. همین‌طور بحث سلامت و به‌خصوص توریسم سلامت برای خدمات‌دهی به کشورها و استان‌های هم‌جوار کرمان مدنظر است.

○ در خصوص زیربخش‌ها توضیح بفرمایید؟

در خصوص زیر بخش‌ها، در بخش کشاورزی مشخصاً احداث گلخانه‌ها و توسعه کشت‌های گلخانه‌ای و کم آب و قابل فراوری و ارزش افزوده

بر اساس شاخص‌های اشتغال، تقریباً حدود ۱۷ تا ۱۸ درصد اشتغال استان دولتی و ۸۲ درصد در بخش غیردولتی است. غیردولتی‌ها شامل تعاونی‌ها و بخش خصوصی است. در بخش خصوصی استان دو حوزه برجسته داریم که یک بخش بنگاه‌های بزرگ و بارز که محدود و انگشت شمار هستند، اما عمدتاً ارزش افزوده استان را به خودشان اختصاص داده‌اند و بخش دوم که علیرغم تعداد زیاد بهره‌برداران، نقشی بسیار معمولی در اقتصاد دارند بنابراین عملکرد بخش خصوصی را اگر ناظر به همین چند بنگاه بزرگ بدانیم می‌توانیم موفقیت نسبی را حاکم بر این فرآیندها در نظر بگیریم.

بهره‌برداران بخش کشاورزی عمدتاً به شکل سنتی و غیررقابتی و با سطح دانش پایین و غالباً غیرعلمی مشغول به فعالیت هستند. در بخش صنعت به ۱۰ بنگاه اشاره شد که در حدود ۸۰ درصد ارزش افزوده را به خودشان اختصاص داده‌اند. قسمت قابل توجهی از این بنگاه‌ها به شکل خاصی از بخش غیردولتی هستند. بر اساس شاخص‌های اشتغال، تقریباً حدود ۱۷ تا ۱۸ درصد اشتغال استان دولتی و ۸۲ درصد در بخش غیردولتی است. غیردولتی‌ها شامل تعاونی‌ها و بخش خصوصی است. در بخش خصوصی استان دو حوزه برجسته داریم که یک بخش بنگاه‌های بزرگ و بارز که محدود و انگشت شمار هستند، اما عمدتاً ارزش افزوده استان را به خودشان اختصاص داده‌اند و بخش دوم که علیرغم تعداد زیاد بهره‌برداران، نقشی بسیار معمولی در اقتصاد دارند؛ بنابراین عملکرد بخش خصوصی را اگر ناظر به همین چند بنگاه بزرگ بدانیم می‌توانیم موفقیت نسبی را حاکم بر این فرایندها در نظر بگیریم، اما اگر گستره بخش خصوصی با فراوانی قابل توجه واحدهای کوچک مدنظر باشد، متأسفانه تحول چشمگیری را در این بخش شاهد نیستیم. برای رسیدن به تولید پایدار و فضای رقابتی باید بخش غیردولتی بزرگ شده و نقش مورد انتظار را به عهده بگیرد.

ارزیابی شما از چگونگی حمایت از رونق تولید و توسعه اشتغال در استان چیست؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است به این نکته اشاره شود که فضای کسب‌وکار استان متأثر از فضای ملی است و از سیاست‌های کلان کشوری با آنچه که حاکم بر جریان کل فضای عمومی اقتصاد کشور است تأثیر می‌پذیرد. بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد فضای حاکم بر کسب کار در استان‌ها در گرو فضای ملی است. یکی از نقش‌هایی که دولت می‌تواند داشته باشد این است که زمینه و بستر لازم را برای حضور پررنگ و پویای بخش غیردولتی در استان فراهم کند که این موضوع را در اسناد توسعه‌ای دیده‌ایم. در سند برنامه ششم، ۸۷ درصد فعالیت‌های اقتصادی استان از مسیر فعالیت‌های بخش غیردولتی تعریف شده و دولت خود را موظف می‌داند که برای تحقق آن، زمینه‌های حمایتی لازم را فراهم کند، بخش دوم اقداماتی است که در قالب فعالیت‌های اقتصادی مقاومتی و دیگر نهادهای توسعه در استان تعریف شده و می‌تواند کمک‌کننده باشد، مانند کارگروه رفع موانع تولید، کارگروه اقتصادی و دیگر نهادهای اداری و تشکیلاتی که در حال حاضر باهدف کمک و ایجاد رونق در بخش غیردولتی تعریف شده‌اند. مسئله مهم این است که بخش عمده آسیب‌ها به حوزه بازار کالا مربوط می‌شود.

ما برنامه‌ای را در سال ۹۷ تحت عنوان رونق تولید و ساماندهی واحدهای تولیدی نیمه فعال و غیرفعال تعریف کرده‌ایم که بر اساس آن واحدهای غیرفعال و همین‌طور نیمه فعال شناسایی و آسیب‌شناسی شده‌اند، که بخشی از آسیب‌ها به حوزه بازار برمی‌گردد و من فکر می‌کنم لازم است ما در مفهوم رقابت بازتعریفی برای بخش خصوصی و یک باز تعریف برای خودمان داشته باشیم، زیرا امروز بر اساس سیاست‌های حمایتی که دولت برای بنگاه‌های بخش خصوصی انجام می‌دهد، بعضی از کالاها به قدری تولید می‌شود که فراتر از میزان

از ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد و در بخش خدمات در حدود ۶۵ هزار تومان است.

در مجموع ۹۵ درصد مصرف آب در بخش کشاورزی است که قیمت آن در هر مترمکعب حدود ۷ هزار و ۶۰۰ تومان می‌شود که در اقتصاد کشورهای غیرنفتی این مبلغ حدود ۱۴ هزار تومان است. بهره‌وری آب نسبت به متوسط دنیا حدود نصف است و در مورد سایر پارامترها هم وضع به همین‌گونه است؛ بنابراین لازم است که در این بخش حتماً تغییر نگاه و فکر و برنامه‌ریزی درست را تبدیل به یک سند اجرایی کنیم.

در مورد تطبیق بهره‌وری در بنگاه‌های دولتی و بنگاه‌های بخش خصوصی باید بگویم در حال حاضر مطالعات دقیقی در خصوص بهره‌وری به تفکیک بخش خصوصی و دولتی و عوامل تولید نداریم. آنچه که عمدتاً منتشر می‌شود در سطح کلان اقتصاد استان و یا نهایتاً در یک بخش است، آن‌هم بدون تفکیک بخش دولتی یا غیردولتی، اما با توجه به نقش محوری انسان؛ چون اگر شما انسان بهره‌وری نداشته باشید عملاً امکان استفاده از سرمایه و تجهیزات و دیگر منابع نیز مقدور نخواهد بود، بنابراین نقش خود انسان اهمیت زیادی پیدا می‌کند. متأسفانه آن‌گونه که انتظار داشته‌ایم در بهره‌وری نیروی انسانی، تحول لازم را نداریم؛ مثلاً سطح سواد و تعداد افراد تحصیل کرده را اگر در سیستم دولتی در ابتدای انقلاب نسبت به الان بسنجیم تقریباً افراد داری آموزش عالی و باسواد ما بیش از ۱۰ برابر شده، اما متناسب با آن، تحول بهره‌وری نیروی انسانی را در سیستم دولتی نمی‌بینیم؛ بنابراین فقط دانش و سواد نیست، بلکه عوامل مختلفی باعث می‌شود بهره‌وری نیروی انسانی شکل بگیرد. از طرفی دیگر تکنولوژی موجود در بخش‌های اصلی و فراگیر اقتصاد ما عمدتاً تکنولوژی سنتی است. به همین دلیل محصولی که تولید می‌شود در قیمت تمام‌شده قابل‌رقابت در بازارهای جهانی نیست. به‌منظور امکان رقابت ما هیچ راهی نداریم جز این‌که به سمت دانش‌بنیان کردن اقتصاد پیش رویم. در مسئله دانش‌بنیان کردن اقتصاد در سیاست‌های اقتصادی مقاومتی اولین گام تولید علم است؛ یعنی علم باید تولید، سپس منتشر و توسط جامعه کسب و نهایتاً به کار برده شود. امروز کشور ایران در تولید علم جایگاه خوبی را در سطح دنیا دارد؛ چه در سطح منطقه و چه در سطح دنیا ایران جز کشورهایی است که در این مورد از رشد بسیار خوبی برخوردار است، اما از لحاظ کاربرد آن متأسفانه متناسب با آن نتوانسته‌ایم موفق باشیم که حلقه مفقوده برای ارتقا بهره‌وری سرمایه نیز همین‌جا است. باید بدانیم که بهره‌وری سرمایه زمانی می‌تواند متحول شود که بتوانیم تجهیزات و دستگاه‌های کارآمد و به‌روز و علم به‌کارگیری آن‌ها را داشته باشیم. پروسه و فرآیند یادگیری نیز به انسان باز می‌گردد؛ بنابراین انسان محور است و نقش نیروی انسانی از اهمیت بالاتری برخوردار است.

تجربه جهانی نشان می‌دهد که توسعه ثروت در گرو چگونگی عملکرد بخش خصوصی است، عملکرد بخش خصوصی استان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امروزه متأسفانه بخش خصوصی به معنای واقعی آن، فعال و قوی در استان نداریم. بیشترین حضور این بخش در حوزه کشاورزی است.

قوانین و مقررات حاکم و مسیر اجتماعی آن برای اجرای فعالیتهای اقتصادی مناسب است. بهبود فضای کسب‌وکار از مهم‌ترین جنبه‌های ساختاری است که در اصلاح ساختار باید به آن توجه کرد.

مسئله بعد، بحث جلب مشارکت مردم در اقتصاد و مردمی کردن آن است. برای این‌که این اتفاق بیفتد باید ابتدا اعتمادسازی در جامعه انجام دهیم تا سرمایه اجتماعی ارتقا پیدا کند و زمینه مشارکت اجتماعی برای ما فراهم شود و بخش خصوصی نقش خود را ایفا کند. دولت باید روی این قضیه به‌عنوان یک زیرساخت فرهنگی کار کند. امروز باید بپذیریم که بسیاری از مسائل و مشکلاتی که در حوزه اقتصاد داریم مستقیماً مربوط به خود اقتصاد نیست؛ این موارد ریشه در مسائل فرهنگی و اجتماعی و با حتی سیاسی دارند؛ بنابراین ما یک سری اصلاحات ساختاری را در حوزه سیاست‌های داخلی و خارجی‌مان نیاز داریم تا در راستای همگرایی و ایجاد بستر لازم برای تعاملات منطقه‌ای که نهایتاً منجر به جلب و جذب سرمایه‌گذاران شود و یک چشم‌انداز مشخص پیش روی آن‌ها قرار دهد، اثرگذاری کند. دنیا پذیرفته است که از همان ابتدا خانواده، مهدکودک، آموزش و پرورش و دانشگاه در پرورش نیروی انسانی اهمیت دارند، اما پرورش نیروی انسانی کمتر مورد توجه ما بوده است. می‌دانیم که برای رسیدن به توسعه نیازمند به انسان‌های توسعه‌یافته هستیم، این مهم از طریق آموزش و پرورش تأمین می‌گردد.

○ اگر بخواهیم استان کرمان توسعه پیدا کند، باید چه اتفاقی در جامعه استان بیفتد؟

استان کرمان از ظرفیتهای خوب طبیعی خدادادی و کشاورزی و زیرساخت‌های توسعه برخوردار است و چیزی را برای رسیدن به توسعه کم ندارد. آنچه مهم است این است که حاکمیت یک فضای مناسب برای کسب‌وکار فراهم نماید. این‌که دولت کجا باید ورود پیدا کند بر اساس همان مؤلفه‌هایی است که برای بهبود فضای کسب‌وکار مطرح می‌شود، اما بخش غیردولتی هم باید به مفهوم واقعی بتواند از فضای مورد نظر استفاده کند. البته بپذیریم که متأسفانه برخی حرکت‌ها که در بخش غیردولتی انجام می‌شود، واقعاً سازگار با توسعه و متناسب با منفعت عمومی نیست.

در برنامه‌های اشتغال استان پیش‌بینی کرده‌ایم که سالانه حدود ۳۶ هزار فرصت شغلی ایجاد شود، دولت بیش از این نمی‌تواند متورم شود، لذا ایجاد اشتغال عمدتاً در بخش غیردولتی باید میسر شود. خیلی مهم است که جوان‌ها از ابتدا با این نگاه وارد دانشگاه شوند که می‌خواهند از تحصیل و دانش در آینده برای انجام کار و فعالیت و کسب درآمد در زندگی استفاده کنند، اما متأسفانه بین سیستم آموزش و نیازهای شغلی انطباق درستی وجود ندارد که این مورد نیز باید حل شود. در بین مردم این نگاه و تفکر باید حاکم باشد که جوانان با همین دیدگاه و تفکر کار را دنبال کنند که خودشان کارآفرین باشند و نهایتاً برای خودشان شغل ایجاد کنند بلکه برای چند نفر دیگر نیز زمینه شغلی فراهم نمایند. در این صورت است که می‌توانیم امیدوار باشیم که امورات اقتصادی استان متناسب با آنچه که در اسناد توسعه است، پیش می‌رود. ●

تقاضای داخلی است، در عین حال به دلیل تکنولوژی پایین و قیمت تمام‌شده بالا، قابل‌رقابت در بازارهای جهانی نیستند. به این ترتیب نگاه‌ها متأسفانه بعد از تولید دچار عدم وجود بازار مناسب می‌شوند و به سمت ورشکستگی و تعطیلی و مسائلی از این قبیل می‌روند. البته در مواردی نیز بازار، ممکن است وجود داشته باشد، اما به دلیل عدم بازاریابی درست و مسائلی از این قبیل تولیدکنندگان نمی‌توانند محصول خود را بفروشند. در مسائل و مشکلات مالی و مدیریتی، تغییرات نرخ ارز و تلاطم‌های مربوط به آن، عدم ثبات در سیاست‌گذاری‌ها و قوانین و مقررات از جمله مشکلاتی است که آسیب‌زا بوده که سعی می‌شود این موارد در استان مورد پیش‌قدمی قرار گیرد و متناسب با اختیاراتی که وجود دارد، در کمیته رفع موانع تولید، ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان و کارگروه‌های دیگر طرح مسئله و حتی‌الامکان به بخش غیردولتی کمک شود، اما آنچه که حائز اهمیت است این است که ساختار مدیریت منطقه‌ای عمده‌تأثیر اختیارات لازم را ندارد، این مسئله‌ای است که محدودیت بسیار زیادی برای استان‌ها ایجاد می‌کند.

کمکی که دولت می‌تواند انجام دهد، نگاه حمایتی و فراهم کردن زمینه لازم برای انجام کار است و این‌که اگر جایی نیاز به تسهیلات دارد، دولت بتواند تأمین منابع آن را کمک کند. الگوی تأمین مالی در برنامه ششم دیده شده است که باید نزدیک به ۳۷ درصد منابع مالی را از طریق تسهیلات بانکی، یک بخش از محل سرمایه‌گذاری خارجی و بخشی دیگر از منابع صندوق توسعه ملی و بازار سرمایه تأمین شود. همین‌طور شرکت‌های بزرگ دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها و برخی نهادهای دیگر برای تأمین مالی برنامه‌های توسعه کمک می‌کنند.

○ توسعه ظرفیت‌سازی اقتصادی در استان را منوط به چه اصلاحات نهادی و ساختاری می‌دانید؟

این یک سؤال ریشه‌ای و کلیدی است، یک‌بخشی از اصلاحات قاعدتاً برمی‌گردد به رویکردی که در حال حاضر حاکم بر جهت‌گیری‌های نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌های توسعه‌ای ماست و بخش دیگر هم به چارچوب مشارکت و همین‌طور ایجاد نهادها و اصلاحاتی که باید بتوانیم در فرآیند توسعه، طراحی و دنبال کنیم، مرتبط است.

مواردی را در خصوص اصلاحات ساختار در استان باید دنبال کنیم که اولین آن ایجاد یک وفاق نظر و همگرایی لازم برای رسیدن به مفهوم واحدی از توسعه است. مسئله بعد اصلاح ساختار اقتصادی است. باید سهم بخش‌های اقتصادی را با توجه به شرایطی که در آینده با آن سروکار داریم متناسب‌سازی کنیم. مهم‌ترین چالش و تنگنا مسئله آب است که باید به فکر بود، حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان یک ضرورت انکارناپذیر است. اقتصادمان سنتی و برخوردار از تکنولوژی پایین است که باعث می‌شود مصرف انرژی بالا، بهره‌وری پایین و قیمت تمام‌شده بالا را داشته باشیم. مهم‌ترین اولویتی که من فکر می‌کنم از طرف بخش خصوصی و دولت باید دنبال شود ارتقا بهره‌وری و رفتن به سمت تولید کالاهای قابل‌رقابت است. از جمله مؤلفه‌هایی که بانک جهانی و مؤسسات بین‌المللی تحت عنوان رژیم نهادی و حقوقی حاکم بر فضای کسب‌وکار مطرح می‌کند، این مسئله است که تا چه حد



ضرورت
اصلاحات
اقتصادی در
بحران آشکارتر
می شود



رضا بوستانی
اقتصاددان، تحلیل‌گر بازارهای پولی

تکانه برون‌زا است؛ تکانه‌ای که می‌تواند مقدمه‌ی تحولاتی در اقتصاد ایران باشد ولی این شرایط داخلی اقتصاد است که تعیین می‌کند میزان اثرگذاری این تکانه چقدر خواهد بود. در ادبیات چرخه‌های تجاری تصریح می‌شود که در ایجاد چرخه‌های تجاری دو عنصر تکانه و مکانیزم تعیین‌کننده هستند و مجموعه این دو مشخص می‌کند که اقتصاد به چه صورت و با چه شدتی به تکانه واکنش نشان می‌دهد. به‌طور مثال، تکانه منفی بهره‌وری را که منشأ داخلی دارد در نظر بگیرید. کاهش بهره‌وری داخلی که می‌تواند در نتیجه خشک‌سالی، زلزله یا تصمیم اشتباه در خصوص فضای کسب‌وکار باشد، باعث کاهش تولید و اشتغال خواهد شد. در ادامه به دلیل کاهش درآمد خانوار، مصرف و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و در مجموع سطح قیمت‌ها رشد (تورم) می‌کند. اندازه کاهش تولید و اشتغال ارتباط مستقیم به تصمیمات سرمایه‌گذاری و ویژگی‌های ساختار تولید در داخل دارد. هر چه سهم سرمایه در تولید بیشتر باشد، واکنش تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال به تکانه منفی بهره‌وری شدیدتر خواهد بود. از این‌رو، نباید سهم عوامل داخلی (مکانیزم) را در ایجاد بی‌ثباتی‌های اقتصادی دست‌کم گرفت.

در نوسانات اخیر اقتصاد ایران نیز در کنار تکانه‌ی خارجی باید به موضوع مکانیزم داخلی تشدیدکننده توجه کرد. در این تردیدی نیست که خروج ایالات متحده و ایجاد محدودیت بر مبادلات خارجی مقدمه ایجاد نوسانات بوده است؛ اما مسئله این است که وجود مکانیزم داخلی موجب تشدید اثرات این تکانه شده است. قیمت‌گذاری طیف وسیعی از کالاها و خدمات یکی از مکانیزم‌های تشدیدکننده اثرگذاری تکانه‌های برون‌زا هستند. همان‌طور که در بالا اشاره شد، افت صادرات نفت منجر به افزایش نرخ ارز و تورم شده است. مقامات اقتصادی نیز برای کاهش بار تورم بر دوش فعالان اقتصادی و خانوارها قیمت حامل‌های انرژی را ثابت نگاه داشتند، اما این تثبیت قیمت به مکانیزم قدرتمندی برای تشدید اثر تحریم تبدیل شد. با تثبیت قیمت حامل‌های انرژی شکاف گسترده‌ای میان قیمت بنزین در داخل با کشورهای همسایه ایجاد شده که انگیزه قاچاق را تقویت کرده است. به عبارت دیگر، اکنون که اقتصاد با محدودیت منابع ارزی مواجه است، تقاضا برای بنزین (چه برای مصرف داخلی و چه برای قاچاق) افزایش یافته است و فشار بیشتری را بر بودجه دولت اعمال می‌کند. در شرایط تشدید محدودیت بودجه دولت نیز چاره‌ای ندارد که هزینه‌های خود را کاهش دهد، مالیات بیشتری را از فعالان اقتصادی اخذ نماید یا کسری خود را از محل استقراض از بانک مرکزی تأمین کند. همه این راهکارها به بدتر شدن شرایط اقتصاد و تقویت اثر تکانه خارجی کمک خواهد کرد. این در حالی است که اگر دولت اجازه می‌داد قیمت بنزین افزایش یابد، ضمن جلوگیری از قاچاق تا حدودی مصرف داخلی نیز محدود می‌شد و دولت می‌توانست کنترل بهتری بر بودجه

فضای اقتصاد در ماه‌های اخیر برای تولیدکنندگان و خانوارها بسیار تنگ و نفس‌گیر شده است؛ نرخ تورم افزایش چشم‌گیری داشته و قدرت خرید مصرف‌کنندگان نسبت به سال گذشته به شدت افت کرده است. اگر به این تحولات، وضعیت ناخوش تولید اضافه شود، سختی خانوارها و تولیدکنندگان در گذران زندگی نمود بیشتری پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی، انجام سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال انتظاری غیرمنطقی است و همین موضوع باعث ایجاد ابهامات بیشتر نسبت به آینده اقتصاد می‌شود.

در یک تحلیل سطحی، بی‌ثباتی اقتصادی از ابتدای سال ۱۳۹۷ و با خروج آمریکا از برجام شروع شد. بدعهدی آمریکا که این‌بار به‌صورت خروج یک‌جانبه از برجام خود را نشان داد به معنی بازگشت بخش مهمی از تحریم‌ها بود که با اجرای برجام رفع شده بود. این تحریم‌ها که حوزه نفت و مالی را شامل می‌شود، اثری مستقیم بر بخش خارجی اقتصاد ایران و در ادامه بر بخش‌های قابل تجارت داخلی داشت. مهم‌ترین اثر بازگشت تحریم‌ها، افت صادرات نفت و سختی در دسترسی به ذخایر ارزی بود. با اعلام خلف وعده آمریکا، فعالان اقتصادی اثرات آن را پیش‌بینی کردند و از همان زمان رشد نرخ ارز در بازار آزاد مشاهده شد. پس از جهش ارز بود که بی‌ثباتی قیمت به دیگر بازارها نیز سرایت کرد و حتی کمبودهای مقطعی در برخی بازارها مشاهده شد. از ابتدا هم این انتظار وجود داشت که نرخ ارز اثر شدیدتری بر قیمت کالاهای قابل تجارت داشته باشد؛ چه این کالاها وارداتی باشند و چه صادراتی. کاهش ارزش ریال به‌طور مستقیم منجر به گران‌تر شدن کالاهای وارداتی می‌شود و سودآوری ناشی از صادرات تولیدات داخلی باعث ایجاد کمبودهای موقت و افزایش قیمت در داخل می‌شود. همچنین، انتظارات قیمتی و افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی از سمت تقاضا و عرضه بر بازار محصولات غیرقابل تجارت اثر می‌گذارند و از این‌رو حتی افزایش قیمت در بازار کالاهای غیر وارداتی نیز مشاهده می‌شود. همان‌طور که مشخص است در این تحلیل، علت نوسانات اخیر کاملاً به افزایش نرخ ارز ناشی از رفتار خارج از عرف بین‌المللی نسبت داده می‌شود. اما در تحلیل‌های اقتصادی خروج آمریکا از برجام تنها یک

عملکرد بازارها (بازار نیروی کار، بازارهای مالی و ...) بخشی از این اصلاحات هستند. در سال‌های گذشته در خصوص این اصلاحات صحبت‌های زیادی شد؛ اما سختی انجام این اصلاحات، در نهایت موجب شده تا سیاست‌گذار از انجام آن‌ها صرف‌نظر کند. مهم‌ترین موضوعات مطرح در آن زمان اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح سیستم مالی و اصلاح نرخ ارز بود. در سال‌های گذشته این اصلاحات انجام نشد و باعث شد توان ضربه‌پذیری اقتصاد برای شرایط سخت به شدت محدود شود.

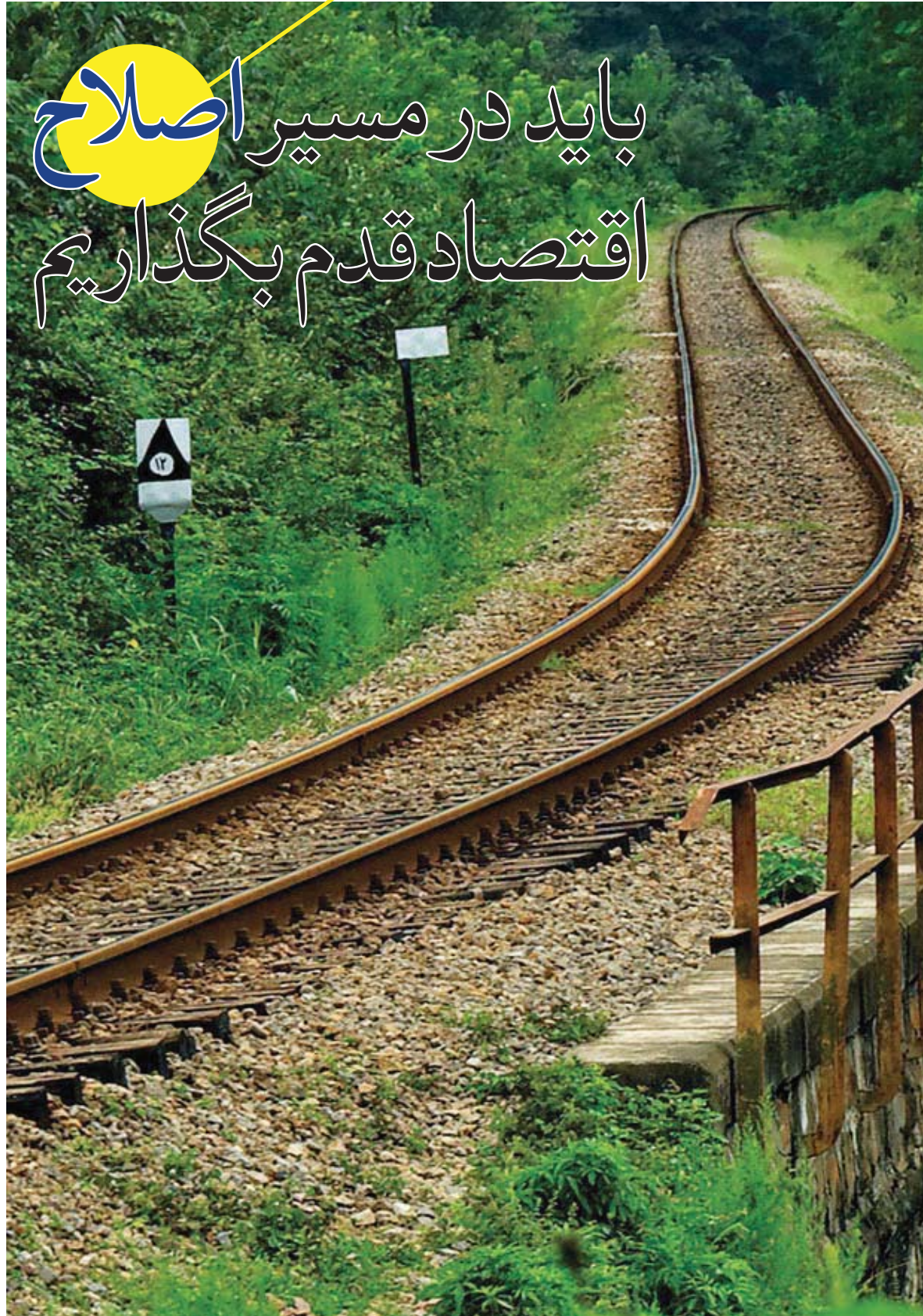
مسلماً اگر اصلاحات ساختاری انجام شده بود، شرایط کنونی اقتصاد به مراتب بهتر بود. اگر از اصلاح نرخ ارز جلوگیری نشده بود اکنون تعدیلات نرخ ارز بسیار محدودتر بود. اگر قیمت حامل‌های انرژی تعدیل شده بود، اکنون فشار بر بودجه دولت و شرکت‌های عرضه‌کننده (شرکت برق، شرکت‌های آب و فاضلاب و ...) به این اندازه نبود و اگر اصلاحات در سیستم مالی انجام شده بود الان این سیستم توانایی بیشتری برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها داشت. باید به این نکته توجه داشت که محدودیت سرمایه در گردش همواره برای بنگاه‌های تولیدی وجود داشته است. اکنون که هزینه‌های تولید (به‌خصوص به واسطه افزایش تورم و نرخ ارز) صعود کرده، این محدودیت اثرات شدیدتری دارد. در صورتی که سیستم مالی توانایی عرضه سرمایه در گردش بیشتری داشت، بنگاه‌های تولیدی می‌توانستند نهاده‌های تولیدی بیشتری را خریداری کنند و از ظرفیت‌های تولیدی خود استفاده نمایند. کمبود سرمایه در گردش باعث می‌شود بنگاه مجبور شود نهاده‌های تولیدی (مواد اولیه، نیروی کار و ...) کمتری استخدام کند و متعاقباً سطح تولیدی کمتری داشته باشد. آسیب‌پذیری بیشتر اقتصاد در شرایط فعلی هزینه‌ای است که جامعه به دلیل به تعویق انداختن اصلاحات می‌پردازد. لذا برای کاهش هزینه‌ها لازم است هر چه سریع‌تر اصلاحات اقتصادی انجام شود. پیش‌بینی شرایط اقتصاد در سال جدید نیز متأثر از نگاه سیاست‌گذار در خصوص اصلاحات اقتصادی است. اگر اصلاحات اقتصادی انجام نشود باید انتظار داشت که مشکلات در سال آینده تشدید شوند؛ جهش مجدد قیمت‌ها، کاهش بیشتر تولید و درآمد خانوارها و افزایش بیکاری؛ اما انجام اصلاحات فارغ از تکانه‌هایی که به اقتصاد وارد شود آینده‌ی متفاوتی را روبروی اقتصاد ترسیم می‌کند. افزایش سرمایه‌گذاری، حمایت از تولید، ایجاد اشتغال و ... همه در گرو انجام اصلاحات اقتصادی است.

نباید از انجام اصلاحات اقتصادی هراس داشت. به تعویق انداختن این اصلاحات تا زمان مناسب تنها باعث می‌شود که شرایط آینده بدتر شود؛ چرا که عدم انجام اصلاحات تنها به انباشت بیشتر مشکلات منجر می‌شود و در پس انجام ندادن اصلاحات، آینده بهتری وجود ندارد. پس باید انجام اصلاحات را از همین امروز شروع کرد و از سختی آن‌ها نهراسید. ●

داشته باشد.

برای تقویت مقاومت‌پذیری اقتصاد در برابر تکانه‌های خارجی راهکار کلی افزایش انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و کاهش اصطکاک‌ها در بازارها کالا و خدمات و بازار نهاده‌های تولیدی (بازار نیروی کار و بازار سرمایه) است. به عبارت ساده‌تر، انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و کاهش اصطکاک‌ها در بازار باعث می‌شود تنها بخش غیرقابل اجتناب تکانه در اقتصاد جذب شود و بخش دیگر از طریق تغییر در رفتار مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خنثی گردد. باید به این نکته توجه داشت که قیمت‌ها ابزار انتقال اطلاعات اقتصادی به کلیه عوامل اقتصادی هستند. افزایش قیمت یک کالا این اطلاعات را به مصرف‌کننده می‌دهد که ارزش کالا افزایش یافته و مصرف‌کننده باید کالای دیگری را جایگزین کند، یا مصرف خود را از این کالا کمتر نماید. از طرف دیگر افزایش قیمت کالا به تولیدکننده این پیام را می‌دهد که این کالا ارزش بیشتری برای جامعه دارد و به این‌گونه تولیدکننده ترغیب می‌شود تا کالای بیشتری را تولید کند. حال اگر دولت قیمت کالا را تثبیت کرده و تکانه‌ای باعث کاهش عرضه شده باشد؛ تثبیت قیمت به مصرف‌کننده پیام کاهش مصرف و به تولیدکننده پیام افزایش تولید را مخابره نمی‌کند و عدم تعادل در بازار گسترش می‌یابد. باید به این نکته توجه داشت که اگر اجازه تعدیل به قیمت‌ها داده نشود باید پذیرفت که مقادیر (مقدار عرضه یا تقاضا) تعدیل شود. به‌طور مشابه، اصطکاک در بازارهای عوامل تولید و کالاها که باعث محدود شدن واکنش فعالان اقتصادی در مقابل تغییر در شرایط می‌شود موجب تشدید اثر تکانه‌های خارجی می‌شود. یکی از عوامل ایجاد اصطکاک در بازارها وجود مجوزها و مقررات است؛ به‌طور مثال، بالا بودن حداقل دستمزد باعث تخریب عملکرد بازار نیروی کار می‌شود. حالتی را در نظر بگیرید که بنگاه‌های تولیدی به واسطه تکانه بهره‌وری منفی با مشکل مواجه شده‌اند. در این حالت بنگاه‌ها تقاضای خود را برای نیروی کار کاهش می‌دهند و این باید بتواند دستمزد نیروی کار را در بازار کاهش دهد. کاهش دستمزد نیروی کار اگر چه بخشی از مشکلات را به کارگران منتقل می‌کند اما به بنگاه نیز انگیزه می‌دهد تا تعدیل نیروی کار را حداقل کند. این در حالی است که اگر امکان تعدیل دستمزد نیروی کار به واسطه بالا بودن حداقل نرخ دستمزد وجود نداشته باشد، بنگاه باید تعداد بیشتری از نیروی کار خود را اخراج کند. از این‌رو، ایجاد انعطاف‌پذیری در قیمت‌ها اسمی و کاهش اصطکاک‌ها در بازارها به تقویت انعطاف‌پذیری اقتصاد کمک خواهد کرد.

از اینجاست که بحث انجام اصلاحات اقتصادی با هدف کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در مقابل تکانه‌های داخلی و خارجی مطرح می‌شود. افزایش انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و کاهش اصطکاک‌ها در بازار راهکارهایی است که برای ایجاد یک اقتصاد مقاوم لازم هستند. کاهش قیمت‌گذاری‌های دولتی (قیمت حامل‌های انرژی، نرخ ارز، نرخ‌های سود و ...) و بهبود



باید در مسیر اصلاح اقتصاد قدم بگذاریم

در گفت و گوی کوتاهی که با محسن جلال پور، تاجر کرمانی و رئیس سابق اتاق ایران داشتیم از وی خواستیم تا تحلیلی بر احوال اقتصاد ملی و استان کرمان در سال ۱۳۹۷ و نیز چالش های پیش رو در سال ۱۳۹۸ و تبعات مترتب بر آنها و بالاخره چاره کار، ارائه نماید. مطالب زیر اظهارات قابل توجه و اعتناء برانگیز ایشان است.

اگر بخواهم وارد جزئیات شوم باید بگویم وجود برخی مسائل از جمله اختلافات جناحی، ناهنجاری های اجتماعی و مشکلات ناشی از برخی اختلافات و بی اخلاقی ها در فضای کسب و کار کشور، خوره روح و فرسایش دهنده زندگی افراد است. تمامی این مسائل ذهن ما را به این نقطه سوق می دهد که سال ۹۷ سال خوش خاطره و خوبی برای مردم ایران و به خصوص مردم کرمان نبود.

اما اگر بخواهیم به یک نکته مثبت در سال ۹۷ اشاره کنیم، می توان گفت، افزایش نرخ ارز و در پی آن افزایش قیمت کالاهای صادراتی استان، برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان موقعیت رقابت بهتری در دنیا ایجاد کرد و اثر مثبتی بر روی اقتصاد استان گذاشت. به عنوان مثال کالایی که در سال ۹۶ یک دلار (معادل چهار هزار تومان) در خارج از کشور به فروش می رفت، چندان با محصولات وارداتی قابل رقابت نبود، اما زمانی که دلار به ۱۲ هزار تومان رسید، این افزایش نرخ ارز، زمینه تقویت توان رقابتی تولیدات صادراتی را فراهم آورد و استان کرمان به دلیل دارا بودن معادن، محصولات کشاورزی و کالاهای صادراتی فراوان، از لحاظ رقابت و حضور در بازارهای بین المللی وضعیت بهتری پیدا کرد. هرچند که کرمان در اصلی ترین محصول کشاورزی یعنی پسته دچار کمبود محصول شد، اما در کل به نظر می رسد جزء استان هایی بودیم که از این جریان بهره بردیم و می توان آینده روشن تری در زمینه رقابت محصولات تولیدی متصور بود.

سال ۱۳۹۸ در مسیری ناهموار

در خصوص اقتصاد سال آینده باید بگویم که شاید بعضی از موارد مذکور، در سال ۹۸ نیز به قوت خود باقی بماند و یا حتی شدیدتر شوند، اما در برخی موارد نیز ممکن است شرایط بهتری را داشته باشیم. مثلا، با وجود اینکه برخی موارد مانند وضعیت اقلیمی و آب و هوایی را نمی توان پیش بینی کرد، اما اگر با لطف و یاری خداوند شرایط آب و هوایی خوبی را در ماه های اول سال ۹۸ داشته باشیم، محصولی که امروز روی درختان پسته خودنمایی می کند، به عنوان محصول سال ۹۸ بهتر از سال های اخیر خواهد بود، چرا که در سال های ۹۶ و ۹۷ درختان، بسیار کم محصول بودند. ضمن اینکه به دلیل افزایش قیمت ارز، بسیاری از باغداران در خوراک و معیشت روزانه خود صرفه جویی کردند و به رسیدگی و تیمار بیش از پیش باغات پرداختند، در واقع به دوره داشت باغات بیشتر از سال های گذشته اهمیت دادند، بنابراین محصول خوبی روی درختان وجود دارد که اگر شرایط اقلیمی در سال ۹۸ مناسب باشد، می توان گفت سال آینده به جهت فراوانی محصول پسته، بهتر از سال ۹۷ خواهد بود و امیدواریم محصول مورد پسندی را باقیمت خوب در بازار عرضه کنیم و کاستی های دو سال گذشته برای باغداران جبران شود.

< محسن جلال پور

فعال بخش خصوصی
و تحلیلگر اقتصادی



امروزی بر اوضاع اقتصادی سال ۱۳۹۷

اگر از بُعد استانی به این موضوع بپردازیم، می توان گفت سال ۹۷، به دلایل ذیل سال خوبی برای اقتصاد استان کرمان نبود:

دلیل اول: عمده سیاست های اتخاذ شده در چارچوب سیاست گذاری های کلان کشور در سال ۹۷، برخلاف منافع و مصالح صادرات بود. بالطبع استان کرمان که یک استان صادراتی و تولید محور است از اتخاذ این سیاست ها صدمه دید. بر این اساس بخشی از بازارها و مشتریان خارجی که سرمایه اصلی فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان محسوب می شوند، به دلیل سیاست گذاری های نادرست از بین رفت.

دلیل دوم: در این سال، محصول پسته که جزء اصلی ترین و اساسی ترین محصولات ارزآور و بخش مهم اقتصاد کرمان است، برای اولین بار در تاریخ تولید این محصول، دچار آسیب دیدگی فراوان شد و متأسفانه حدود ۹۰ درصد محصول نسبت به متوسط تولید سالانه، کاهش پیدا کرد و به تولیدکننده، صادرکننده، بازار پسته و همه دست اندرکاران این صنعت صدمه جدی وارد شد.

دلیل سوم: سال ۹۷ در پی خروج امریکا از برجام، کشور دچار تحریم های جدی شد. از آنجا که کرمان یک استان تولید کننده، خالق ثروت و فعالیت های اقتصادی به شمار می رود، نسبت به استان هایی که بیشتر مصرف گرا هستند و شهروندان حقوق بگیر و فعال در زمینه های خدماتی دارند، سایه سنگین تحریم ها را بیشتر احساس کرد. به همین جهت تحریم های اخیر، استان کرمان را در سال ۹۷ تحت الشعاع قرارداد.

دلیل چهارم: همانطور که می دانید محصولات کشاورزی سال ۹۷ باید از بارندگی های سال ۹۶ استفاده می کردند که متأسفانه سال ۹۶ خشکسالی کم سابقه ای در کرمان رقم خورد و باعث شد اقتصاد استان که بیشتر بر پایه کشاورزی استوار است، آنچنان پر رونق نباشد. حتی در سال ۹۷ نیز بارندگی کمتر از میزان متوسط بود و باعث ایجاد آلودگی هوا و کمبود منابع آبی شد و استان را با مشکلات جدی مواجه کرد. همچنین می توان ادعا کرد سال ۹۷ به لحاظ معیشت مردم نیز سال چندان مساعدی نبود. البته شاید این مورد با موارد دیگر در یک راستا نباشد، اما گفتنش لازم است. با وجود اینکه افزایش نرخ ارز، در تولید و مجموعه فعالیت های اقتصادی استان نقش مثبتی داشت ولی برای زندگی روزمره مردم و معیشت آن ها سختی های جدی را به وجود آورد و حتی کارمندان و حقوق بگیران دولت نیز از این حیث آسیب جدی دیدند چه برسد به افراد کم بضاعت و کارگران جامعه. به طور کلی می توان گفت سفره مردم تا یک سوم کوچک تر شد و ضربه مستقیم این صدمه به فضای زندگی، کسب و کار و روح مردم وارد آمد. از این رو در سال ۹۷ شادابی و نشاط چندان در زندگی خانواده ها دیده نشد.

بودجه، شرایط تحریمی، فروش نفت، وضعیت نقل و انتقال پول و سیاست‌گذاری صادراتی همین باشد، سال ۹۸ را از نظر فعالیت‌های اقتصادی، سخت‌ترین سال در دهه‌های گذشته می‌بینم و خیلی نگرانم که برخی از بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی دچار ایست شوند و با صدمه دیدن اشتغال، نظاره‌گر مشکلات ناشی از بیکاری در جامعه و ناهنجاری‌های اجتماعی، روحی، روانی، جسمی و مشکلات ناشی از آن باشیم.

چه باید کرد؟

اخیراً ۴۰ اقتصاددان جوان، عده‌ای از فعالان اقتصادی، دانشگاہیان قدیمی و برخی از مسئولان سابق بیانیه‌ای مبنی بر عرضه یارانه‌ها به‌صورت مستقیم و حذف یارانه‌ها از کالاها را امضا کردند. هدف از این پیشنهادها حذف رانت‌ها و برهم زنی فضای مبهم، فاسد و غبارآلود در بحث یارانه‌ها بود. بایستی مصرف‌بوییه سوخت و انرژی در کشور کاهش یابد، قاچاق کالا و انرژی برچیده شود و فضای اقتصادی کشور، فضای شفاف و قابل پیش‌بینی باشد، اگر این اتفاق رخ دهد با وجود همه سختی‌ها، حداقل به یک مسیر اقتصادی درست ورود می‌کنیم. متأسفانه راه‌حل پیشنهادی این بیانیه و مواردی از این قبیل هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته است.

اکنون ۸۵ درصد بودجه کشور صرف هزینه‌های جاری می‌شود که این نشانگر هزینه‌های سنگین دولت است. سال‌هایی که درآمد حاصل از منابع نفتی زیاد است، به دلیل صرف این منابع برای هزینه‌های جاری، افزایش نقدینگی و تورم را به دنبال خواهد داشت که این معضل را شاید بتوان تحمل کرد، اما در سال‌هایی که درآمد نفت کم است، دولت با چاپ پول، کاهش درآمد نفت را جبران می‌کند، با این اقدام نقدینگی را بدون هیچ پشتوانه‌ای افزایش می‌دهد و عملاً باعث ایجاد تورم می‌شود. در این صورت، دستمزدها جابجایی هزینه‌ها نیست و دولت مجبور می‌شود حقوق‌ها را افزایش دهد و این یعنی ایجاد تورم بیشتر و افزایش نرخ ارز، که به‌تبع آن دوباره تورم در جامعه ایجاد و موجب می‌شود که حقوق و دستمزدها جابجایی هزینه‌ها نباشد، و راه حل آن می‌شود افزایش حقوق و هزینه و در نتیجه چاپ پول مجدد و این چرخه ادامه‌دار می‌شود.

مانند همین چرخه در اقتصاد ونزوئلا اتفاق افتاد به‌طوری‌که در مدتی کوتاه یک میلیون درصد تورم در این کشور به وجود آمد و با پولی که تا چند ماه پیش ماشین می‌خریدند، باید یک ساندویچ بخرند و حتی دیده‌شده که به دلیل بی‌ارزشی پول‌شان، آن را درگونی و با فرغون جابجا می‌کنند. حال ما به‌جای درس گرفتن از این اتفاق، قصد تکرار آن را داریم. پیشنهاد مشخص ما قدم گذاشتن در مسیر درست است، هنگامی‌که در مسیر ناصحیح گام برمی‌داریم، سختی‌ها را به جان تحمل می‌کنیم اما اصلاحی در طول مسیر رخ نمی‌دهد، چنانچه در مسیر صحیح قدم بگذاریم، سختی‌ها وجود دارند اما آینده روشن و امیدوارکننده‌ای خواهیم داشت، متأسفانه ما مسیری را در پیش گرفته‌ایم که باوجود سختی و صرف هزینه سنگین، امیدوارکننده و روشن نیست. اگر دولت و حاکمیت تصمیم درستی در این خصوص نگیرند به وضع غیرقابل جبرانی خواهیم رسید. ●

از طرفی به دلیل حضور آمریکا تنها رقیب ما در بازارهای جهانی و پافشاری آنها در تثبیت قیمت پسته، این نگرانی وجود ندارد که قیمت جهانی چندان کاهش پیدا کند. پس هم افزایش نرخ ارز را داریم و هم افزایش محصول؛ در نتیجه می‌توان گفت سال خوبی برای باغداران، تولیدکنندگان و صادرکنندگان خواهد بود. البته همه این‌ها مشروط به این است که شرایط آب و هوایی در سه‌ماهه اول سال ۹۸ مناسب باشد.

اما به طور کلی، با توجه به نوسانات نرخ ارز، کاهش صادرات کالاها، هزینه‌های بالای اداره کشور و بودجه نامتوازی که وارد مجلس شد و در آنجا به دلیل تصمیمات نادرست، نامتوازن‌تر شد، پیش‌بینی می‌شود کشور در سال ۹۸ دچار مشکل جدی کسری بودجه شود که در این صورت دولت چاره‌ای جز استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول نخواهد داشت و کلیه این اتفاق‌ها موجب افزایش مجدد تورم و نرخ ارز می‌شود؛ بنابراین پیش‌بینی من این است که در اوایل سال جدید نیز افزایش نرخ ارز را خواهیم داشت، هرچند که ممکن است این مسئله برای محصولات صادراتی مانند پسته خوشایند باشد، اما در کل برای صنعت کشور، معیشت و رفاه مردم خبر خوبی نیست. همچنین پیش‌بینی می‌شود بنا به دلایل گفته‌شده و نیز کمبود نقدینگی و ارز حاصل از صادرات نفت، شرایط سخت تحریمی و دیگر اتفاقات و سیاست‌گذاری‌های بدی که در سال ۹۷ رخ داده و منجر به کاهش صادرات شد، در سال ۹۸ نیز به قوت خود باقی بماند و حتی شدت بگیرد.

از طرفی برقراری ارتباطات در عرصه بین‌الملل برای عقد قراردادهای فروش محصولات و بازگشت ارز به دلیل همان سیاست‌گذاری‌های غیر صحیح، بسیار سخت خواهد بود و باعث کاهش جدی در میزان عرضه ارز می‌شود.

مسئله دیگری که سال ۹۸ خود را نشان می‌دهد کمبود کالا است. در سال ۹۷ دولت به منظور جلوگیری از افزایش قیمت ارز، ثبت سفارش‌ها و واردات را محدود کرد و تقریباً به ۳۰ درصد سال‌های قبل رساند. بخشی از این کاهش ۷۰ درصدی، کالای ساخته‌شده و بخش دیگر نیز مواد اولیه و قطعات کالاهایی بود که کمبود آن‌ها سال ۹۸ در بازار احساس خواهد شد؛ بنابراین مسئله بعدی کمبود کالا است و همین کمبود کالا و تقاضای موجود، باعث افزایش قیمت خواهد شد و مشکلات جدی برای فضای اقتصادی به وجود خواهد آورد. از طرفی دولت هر زمان که با کمبود پول و نقدینگی مواجه شده، به چاپ پول اقدام کرده است که این مهم باعث ایجاد تورم جدی می‌شود. افزایش نقدینگی و مشکلات ناشی از آن، تقاضا را تحریک کرده و با نبود عرضه روبرو می‌کند و نبود عرضه و افزایش تقاضا به تورم بیشتر دامن می‌زند و این چرخه به مسیر خود ادامه خواهد داد. تمامی مسائل گفته‌شده حکایت از آن دارد که سال ۹۸ دشوار و حتی سخت‌تر از سال ۹۷ برای کشور خواهد بود.

حتی مصوبه اخیر مبنی بر توزیع کالاهای اساسی به صورت کوپن الکترونیک نیز نشانگر عقب رفت ما به دهه ۶۰ و بیانگر محدودیت‌های جدی در مایحتاج عمومی است و مطمئناً همان فضای ناسالم قبل رقم خواهد خورد و مشکلات جدی را به وجود خواهد آورد. اگر وضعیت

گفت‌وگو با «عباس پرداختی»
معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی کرمان

توجه به رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی ضروری است



دکتر عباس پرداختی، متولد ۱۳۴۷ در کرمان است که مدرک داروسازی عمومی را در مشهد و تخصص داروسازی صنعتی را در اصفهان گرفته است. او دو فرصت مطالعاتی در کشورهای اسکاتلند و سویس داشته و شش سال است که معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی کرمان است؛ ضمن این‌که رتبهٔ دانشگاهی او استاد است. دکتر پرداختی امیدوار است جزء گروهی باشد که با محصولاتی که دنبال اخذ مجوز برای تولید انبوه آن‌هاست، بتواند برای عده‌ای از همشهریان و هم‌وطنان عزیز شغل ایجاد کند و محصولاتی که با تلاش او تولید خواهد شد، در حوزهٔ سلامت مورد استفاده قرار گیرد. با دکتر عباس پرداختی، معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی کرمان در خصوص فرهنگ کارآفرینی و موارد مربوط به گفت‌وگو نشستیم.

○ برای رفع این مشکل و نهادینه کردن سخت‌کوشی چه باید کرد؟

باید از زیرساخت‌های اجتماع، یعنی پیش از دبستان، در آموزش تجدیدنظر اساسی داشته باشیم. به‌طور مثال اکنون، اگرچه از همان ابتدا بچه‌ها را این‌گونه آموزش می‌دهیم و تشویق می‌کنیم که باقی‌ماندهٔ خوراکی‌ها را در سطل زباله بریزند، اما بر این موضوع خیلی تأکید نمی‌کنیم؛ بنابراین، بچه‌ها باقی‌ماندهٔ خوراکی‌ها را در خیابان و کوچه‌ها می‌کنند و می‌گویند یک‌نفر است که این زباله‌ها را جمع کند، اما در ژاپن تمیز کردن مدارس بر عهدهٔ دانش‌آموزان است و هر هفته دانش‌آموزان یک کلاس، مدرسه را به‌طور کامل تمیز می‌کنند که نه تنها در آموزش آن‌ها خللی ایجاد نمی‌شود؛ بلکه فرهنگ سخت‌کوشی و تعهد اجتماعی را آموزش می‌بینند. یا شنیده‌اید که مسابقه‌ای داریم که عده‌ای دور صندلی‌ها می‌چرخند و تعداد صندلی‌ها کمتر از بچه‌هایی است که دور صندلی‌ها می‌چرخند و در حین چرخیدن دور صندلی‌ها، با صدای

○ سخت‌کوشی یا استعداد، کدام‌یک در ارتقای فرهنگ کار مؤثر هستند؟

آلبرت اینشتین، می‌گوید: «موفقیت انسان در کارها، ناشی از سخت‌کوشی است» و درصد کمی را به استعداد ذاتی اختصاص می‌دهد که این فرهنگ در برخی کشورها نهادینه شده است؛ به‌طور مثال شاخص‌هایی که ژاپن در این زمینه دارد، بسیار مشهور است و حتی برخی اوقات کارفرماها، به‌زور ژاپنی‌ها را به مرضی می‌فرستند تا آرامش روحی و جسمی پیدا کنند، اما متأسفانه در کشور ما به‌ویژه در بخش‌های دولتی، با مشکل زیادی مواجه هستیم و در اغلب نهادهای دولتی گذران زمان را مدنظر قرار می‌دهند تا این‌که به فکر پیشرفت، تولید و وضعیت اقتصادی باشند؛ بنابراین، باید روی سخت‌کوشی تلاش بیشتری داشته باشیم. البته مؤلفه‌های دیگری هم تأثیرگذار است که در ادامهٔ گفت‌وگو بیان خواهیم کرد.

شده، به معدن نمک رفته، نمک را حل کرده و پشت سد، به مخزن آب‌شور تبدیل شده که نه می‌شود آن را تخلیه کرد؛ چراکه پایین دست را آب‌شور فرا خواهد گرفت و نه می‌شود تبخیر کرد؛ چون به‌طور مستمر آب وارد دریاچه پشت سد می‌شود.

تمام این موارد به این برمی‌گردد که اخلاق حرفه‌ای که بخش مهمی از آن به تخصص فرد برمی‌گردد، رعایت نشده است؛ بنابراین، اگر تمام احاد اجتماع به فرهنگ کار توجه کنند و بدانند کارشان چقدر اهمیت دارد، قطعاً جامعه‌ای بهتر خواهیم داشت.

اصطلاحی در طول جنگ جهانی دوم وجود داشت که: «چه کسی چتر من را بسته؟» این اصطلاح به نقل از خلبان‌هایی است که در جنگ جهانی با دشمن نبرد می‌کردند و به هر دلیلی مجبور بودند از هواپیما پایین بیروند که باز شدن چتر و زنده ماندن خلبان، به این بستگی داشت کسی که چتر را بسته، این کار را با دقت تمام انجام داده باشد؛ بنابراین، اگر کمترین بی‌دقتی در بسته شدن چتر انجام می‌شد، نابودی خلبان را که هزینه زیادی صرف آموزش او شده بود، در پی داشت. در جامعه هم به همین شکل است؛ اگر تک‌تک افراد از جمله یک کارگر ساده ساختمانی به‌درستی کار خود را انجام ندهد، با یک زلزله ساختمان فرو خواهد ریخت؛ بنابراین، اگر فرهنگ کار و اجزای مرتبط با فرهنگ کار در یک جامعه لحاظ نشود؛ در نتیجه، جامعه‌ای متشتت خواهیم داشت که همه، مشکلات را به‌عهده دیگری می‌دانند. مثال بارز این موضوع، صنعت خودروسازی است؛ با وجود این‌که ما هم‌زمان با کره جنوبی، خودروسازی را شروع کردیم، تنوع محصولات کره‌ای و مشکلاتی که در صنعت خودروسازی خودمان می‌بینیم، نشان می‌دهد در برخی زمینه‌ها با شعارمحوری کار کردیم. البته در زمینه فناوری‌های سلول‌های بنیادین، نظامی و موشکی، چون کار با فرهنگ درست پیش رفته، نتایج ارزشمند است.

در سال ۲۰۱۸ در رشته نانو فناوری در دنیا رتبه چهارم شدیم و این در حالی است که در سال ۲۰۱۷ رتبه هفتم بودیم؛ ضمن این‌که این پیشرفت فقط در زمینه تولید مقاله نیست؛ بلکه به مرحله‌ای رسیده‌ایم که محصولات نانو را به ۳۰ کشور دنیا از جمله کره جنوبی که از نظر فناوری جزء کشورهای پیشرفته است، صادر می‌کنیم. البته اگرچه عدد کوچک است و صادرات محصولات نانو در کشور هنوز به یک میلیارد دلار نرسیده، اما رو به رشد است و این اصطلاح وجود دارد که در کنار جهش علمی در حوزه نانو، به سمت جهش اقتصادی در حوزه نانو برویم تا برای عدد زیادی از فارغ‌التحصیلان شغل ایجاد کنیم؛ بنابراین، در این‌جا فرهنگ کارآفرینی نزدیک به ایده‌آل پیش رفته است و به این دلیل نزدیک به ایده‌آل است که هزینه‌ای که در کشورهای دیگر در زمینه نانو صرف شده، به نسبت هزینه‌هایی که در ایران شده، بسیار اعتبارات بالایی بوده، اما محققان ایرانی و به‌ویژه جوانانی که در این حوزه فعال بودند، با حداقل امکانات و اعتبارات، به نتایج بسیار خوبی رسیده‌اند.

تحلیل شما از رابطه بین فرهنگ کار و ثروت ملی چیست؟

مهم‌ترین ثروت ملی در هر جامعه‌ای نیروی انسانی است و این تعریف برای تمام جوامع صدق می‌کند. منابع زیرزمینی، منابع دریایی، محصولات کشاورزی و غیره، هیچ‌کدام به‌عنوان ثروت اصلی یک کشور

سوت، باید روی صندلی‌ها بنشینند و فردی که روی صندلی نشینند، از بازی خارج می‌شود، اما این بازی در فرهنگ ژاپن برعکس است، تعداد صندلی‌ها بیش از تعداد بچه‌هاست و هر صندلی که تک‌نفره باشد، از بازی خارج می‌شود؛ یعنی باید دونفر دونفر روی صندلی‌ها بنشینند که در این‌جا فرهنگ تیمی را کار می‌کنند؛ بنابراین، اگر از مراحل ابتدایی و آموزش و پرورش که زیرساخت اصلی آینده‌ساز هر جامعه‌ای است، آموزش‌ها را آغاز کنیم و به معلم‌ها به‌عنوان افرادی که الگوی رفتاری و آموزشی هستند، بهای بیشتری داده شود و بهترین‌ها را ترغیب کنیم که به سمت آموزش و پرورش بروند تا دانش‌آموزان با فرهنگ درست آموزش داده شوند، آینده مملکت رو به بهبود خواهد بود.

متأسفانه الان در رقابت در کنکور، تمام تمرکز روی رشته‌های تجربی است و همه به دنبال این هستند که در یکی از سه رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی قبول شوند و پس از آن و هم‌چنین بعد از این‌که رشته‌های مهندسی هم پُر شد، به سمت رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی می‌روند؛ درحالی‌که در این قسمت لطمه دیده‌ایم.

وقتی دو رئیس‌جمهور آمریکا تیمی را مشخص کردند که راه‌کار ارائه دهند تا آمریکا از نظر وضعیت اقتصادی و معیشتی پیشرفت داشته باشد و جامعه‌ای مولد باشد، تأکید تیم مشاور - با این‌که مهندس رشته‌های فنی بودند - بر این بود که در رشته‌های علوم پایه سرمایه‌گذاری شود؛ بنابراین، باید در ساختارهای آموزش و پرورش تجدیدنظر شود، فرهنگ سخت‌کوشی و کارآفرینی را - حتی پیش از دبستان - آموزش دهیم و در مسائل دیگر از جمله از بازنشسته‌ها استفاده کنیم. بازنشسته‌ها، خود را از کارافتاده و از اجتماع جدا می‌دانند؛ درحالی‌که ظرفیت قانون‌های بازنشستگی در کارآفرینی و ایجاد ثروت و خلق مشاغل جدید، قابل مقایسه با ظرفیت افراد عادی نیست. تعداد زیادی کارمند داریم که پس از ۳۰ سال کار، بعضاً تجربه‌های ذی‌قیمتی دارند و فقط به آنچه که تحت عنوان حقوق بازنشستگی پرداخت می‌شود، بسنده می‌کنند؛ درحالی‌که قانون‌های بازنشستگی باید به قانون‌های کارآفرینی تبدیل شوند، معضل اصلی جامعه ما اشتغال است و برای این‌که به شعار سازمان جهانی بهداشت که: «انسان، محور توسعه پایدار است»، برسیم؛ داشتن یک شغل ثابت ضروری است که تمام این‌ها به سخت‌کوشی و تأثیر عواملی مثل خلاقیت، نوآوری و اقتصاد مبتنی بر دانش برمی‌گردد.

فرهنگ کار و کیفیت زندگی کاری چه تأثیر متقابلی دارند؟

باید مقداری عمیق‌تر به این بخش بپردازیم. وقتی می‌گوییم فرهنگ کار، بخشی از فرهنگ کار، اخلاق حرفه‌ای است که هر کس در کار و رشته خودش تعهد دارد به آن عمل کند تا جامعه‌ای بهتر داشته باشیم. در خیلی از شغل‌ها به‌طور مثال در شغل همکاران پزشکی ما، تأثیر عملکرد و تعهد حرفه‌ای در کار به‌سرعت خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین، ممکن است بیماری از بین برود و یا ممکن است بیماری زنده بماند و با کیفیت خوبی به زندگی خود ادامه دهد. در برخی از کارهای دیگر نیز مثل مهندسی، که سد طراحی می‌کند، این موضوع مورد توجه است. در سدسازی یک‌سری پیش‌مطالعاتی وجود دارد که باید با دقت انجام شود. متأسفانه مشاهده شده در کشور سدی در مسیر رودخانه‌ای بسیار پُر آب ساخته شده، اما چون محاسبات اشتباه بوده، وقتی سد آب‌گیری

مثال خیلی بارز این است که براساس «سیلیکون ولی» (Silicon Valley) آمریکا، در کشور امارات و شهر دبی، «نانو ولی» ایجاد کرده‌اند که مرکز تجمع شرکت‌هایی است که در حوزه نانو فعالیت می‌کنند. در این مرکز تسهیلاتی که در اختیار افراد قرار می‌گیرد، گاهی اوقات صفر درصد با دوره تنفس بسیار بالاست، اما در ایران بهترین تسهیلات که از طریق صندوق‌های پژوهش و فناوری، پس از بازه یک تا یک‌ونیم‌ساله با سود هشت درصد پرداخت می‌شود، تسهیلات باید در بازه زمانی کوتاه برگردانده شود و اولین دستگاهی که به سراغ شرکت می‌آید، اداره امور مالیاتی است که قبل از هر حرکتی، باید دفتری مهرموم کنیم و به شکل فصلی، مرتب گزارش دهیم؛ در نتیجه، بسیاری از واحدهای تولیدی رو به تعطیلی و اقول می‌روند و خیلی‌ها ترجیح می‌دهند خود را درگیر ادارات کار، امور مالیاتی و تأمین اجتماعی نکنند و پول‌های خود را جاهایی که متأسفانه تورم‌زاست، سرمایه‌گذاری کنند که به کشور آسیب جدی وارد می‌کند؛ بنابراین، ثروت ملی را که نیروی انسانی است، باید به هر شکل حفظ کرد و در کنار آن سایر منابع کشور از محیط‌زیست تا منابع معدنی، زیرزمینی و کشاورزی و غیره را باید به‌جا و درست و با این اندیشه که نسل‌های بعدی باید از آن‌ها بهره ببرند، استفاده کنیم. به‌طور مثال ترجیح می‌دهیم ذخایر نفت را به‌طور مرتب تخلیه کنیم و خودروهایی با سوخت بالا که در هر ۱۰۰ کیلومتر بیش از ۱۰ لیتر بنزین مصرف می‌کنند، تولید و وارد بازار کنیم، اما خودروهایی که از تکنولوژی‌های هیبریدی، الکتریکی و انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده می‌کنند، به این دلیل که هزینه‌های آن‌ها بالاتر است، استفاده نکنیم؛ یعنی فعلاً که نفت و بنزین

محسوب نمی‌شود؛ اگرچه کمک می‌کنند تا یک کشور به سمت توسعه و پیشرفت حرکت کند، اما برای پیشرفت همه‌جانبه، مهم‌ترین ثروت، مغزها، استعدادها و توانمندی‌های انسانی است که تأثیر کاملاً مستقیمی دارد.

سفری به مرکز پارک علم و فناوری شانگهای داشتیم. در این پارک علم و فناوری، ۲۰ تا ۲۵ شرکت داروسازی محصولات مختلف تولید می‌کنند. با چند متخصص این شرکت‌ها که عمدتاً فارغ‌التحصیلان آمریکای بودند، درباره مهاجرت افراد متخصص صحبت می‌کردیم که می‌گفتند در گذشته افرادی که برای گرفتن تخصص‌های هایتک و با فناوری‌های بالا به کشورهای دیگر می‌رفتند، دیگر بر نمی‌گشتند، اما الان، وضعیت معکوس شده و اغلب به این دلیل که همان امکانات رفاهی و تحقیقی و توسعه‌ای که در آمریکا وجود دارد، در چین نیز در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد و هزینه‌ها و آنچه که باید در جامعه به‌عنوان بیمه، مسکن و بیمه عمر پرداخت کنند، در چین خیلی کمتر و تسهیل شده است؛ بنابراین، می‌توانند در کشور خودشان با کمترین هزینه و بهترین کیفیت زندگی و کار کنند؛ بنابراین، ما نیز باید به مهاجرت مغزها توجه خاص داشته باشیم.

قبلاً از اصطلاح فرار مغزها استفاده می‌کردند، اما الان، از اصطلاح مهاجرت مغزها استفاده می‌کنند. مهاجرت مغزها، ممکن است خیلی مسئله نامطلوبی نباشد؛ به‌ویژه اگر پس از این‌که افراد در کشور دیگری توانستند بار علمی و تکنولوژیکی خود را افزایش دهند، به کشور خودشان برگردند و خدماتی ارائه دهند، اما پروفیسور «زینکوناگل» که چندسال پیش نخستین برنده جایزه نوبل پزشکی بودند و به دعوت دانشگاه علوم پزشکی کرمان، در این شهر سخنرانی داشتند، می‌گفتند: «حتی در کشوری مثل سوئیس که جزء کشورهای پیشرفته است که از نظر رفاه اجتماعی رتبه‌های اول تا سوم دنیا را دارد، روی مهاجران دانشگاهی اصلاً حساب نمی‌کنیم؛» چراکه تعلق خاطر این افراد بین دو کشور تقسیم شده، اما در ایران، همین حداقل را هم رعایت و استفاده نمی‌کنیم و بسیاری از افرادی که مهاجرت می‌کنند تا انتقال فناوری، شغل و کارآفرینی داشته باشند، نه خودشان تمایل دارند و نه ما برنامه دقیق داریم که از این افراد استفاده کنیم. البته در چند سال اخیر معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور تمهیداتی در این قسمت پیش‌بینی کرده برای این‌که از متخصصان ایرانی که در خارج کشور حضور دارند، در داخل کشور استفاده بهتری ببرند که این استفاده نه برای آموزش و پژوهش، بلکه برای انتقال فناوری و ایجاد شغل است که بخشی از محصولات نانو در کشور، توسط همین متخصصانی که به خارج کشور رفته‌اند و بار علمی زیادی گرفته و برگشته‌اند، تولید شده است؛ بنابراین، مهم‌ترین سرمایه هر کشور، نیروی انسانی و قدرت خلاقیت، ابتکار، اختراع و دانشی است که افراد دارند و به هر شکل ممکن، باید به این موضوع توجه ویژه داشته باشیم و شرایطی را فراهم کنیم که امکان خدمت این‌دسته از محققان در کشور وجود داشته باشد که متأسفانه شرایط به‌ویژه از سوی برخی دستگاه‌های اجرایی از جمله امور مالیاتی و تأمین اجتماعی، به حدی سخت‌گیرانه و تنگ‌نظرانه است که بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند ترک دیار کنند و به‌جایی بروند که با تسهیلات بیشتری می‌توانند در این حوزه‌ها کار کنند.

پروفیسور «زینکوناگل» که چندسال پیش نخستین برنده جایزه نوبل پزشکی بودند و به دعوت دانشگاه علوم پزشکی کرمان، در این شهر سخنرانی داشتند، می‌گفتند: «حتی در کشوری مثل سوئیس که جزء کشورهای پیشرفته است که از نظر رفاه اجتماعی رتبه‌های اول تا سوم دنیا را دارد، روی مهاجران دانشگاهی اصلاً حساب نمی‌کنیم؛» چراکه تعلق خاطر این افراد بین دو کشور تقسیم شده، اما در ایران، همین حداقل را هم رعایت و استفاده نمی‌کنیم و بسیاری از افرادی که مهاجرت می‌کنند تا انتقال فناوری، شغل و کارآفرینی داشته باشند، نه خودشان تمایل دارند و نه ما برنامه دقیق داریم که از این افراد استفاده کنیم.



چاپ این کتابها هزینه می‌کند و سال بعد، روز از نو روزی از نو؛ یعنی سالی ۱۰۰۰ میلیارد تومان پول و ۶/۵ میلیارد کاغذ A۴ مصرف می‌شود که اینها فقط کتابهای درسی دانش‌آموزان است و اگر بخواهیم کتابهای کمک‌درسی را هم در نظر بگیریم، رقم بسیار بیشتر خواهد شد؛ اما اگر مثل سایر کشورها از جمله کشور سوئیس، دانش‌آموزان کتاب را از مدرسه خارج نمی‌کردند و در مدرسه تکالیف خود را انجام می‌دادند و سال بعد دانش‌آموزان دیگر از کتابها استفاده می‌کردند، حداقل سالانه ۱۰۰۰ میلیارد تومان ذخیره ارزشی داشتیم و مقدار زیادی هم ذخیره آب، کاغذ و چوب؛ چراکه برای تولید هر تن کاغذ، باید هفت درخت تنومند بریده شود.

از این دست مثالها در کشور ما بسیار زیاد است. در کشوری مثل استرالیا که مثل کشور ما و اغلب استانهای کشور دچار مشکل کم‌آبی است، سقفهای خانهها شیروانی است و همان اندک باران هم که می‌بارد، آب باران از طریق لولهها در یک مخزن ذخیره می‌شود و برخی هم که دارای مزرعه هستند، آبها را داخل مخزن شخصی خود جمع و استفاده می‌کنند، اما در شهر ما در هنگام بارندگی، خیابانها مملو از آب و اغلب تبخیر می‌شود و در ادامه، همواره چاهها عمیق‌تر می‌شود تا این که اکنون در دشت رفسنجان، عمق چاهها به ۴۰۰ متر رسیده است.

بنابراین، باید تحول آموزشی در فرهنگ کار و کارآفرینی و ثروت ملی را در نظر بگیریم تا در نتیجه، وضعیت بهتری داشته باشیم. خداوند نعمتهای متعددی به ما ایرانیها داده که به‌طور ویژه این نعمتها را بر باد می‌دهیم و متأسفانه استعداد خاصی در این زمینه داریم.

وجود دارد، استفاده می‌کنیم و اصلاً به فکر نسل‌های بعدی نیستیم و به آنها رحم نمی‌کنیم.

برخی ترجیح می‌دهیم خودروی شاسی‌بلند سنگین پرمصرف استفاده کنیم؛ درحالی که در جاده‌های ایران محدودیت سرعت ۱۲۰ کیلومتر در ساعت است. عموماً ترجیح می‌دهیم به جای یک خودروی سبک‌وزن با مصرف ۳/۵ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر، خودروهایی با باک‌های ۲۰۰ تا ۲۵۰ لیتری که در هر ۱۰۰ کیلومتر ۱۴ تا ۱۵ لیتر بنزین مصرف می‌کنند و حتی در کشور تولیدکننده، چندان مورد اقبال قرار نمی‌گیرد، استفاده کنیم؛ بنابراین، تا وقتی تک‌تک مردم، فرهنگ کارآفرینی، حفظ ثروت ملی و ایجاد کارآفرینی را رعایت نکنند و تا هنگامی که نگاهمان به دولت باشد و بگوییم وظیفه دولت است، ره به جایی نخواهیم بود.

مثال دیگر این که در سال، ۱۳۵ میلیون جلد کتاب برای دانش‌آموزان چاپ می‌کنیم، اگر برای هر کتاب، ۵۰ برگ A۴ مصرف شود، تقریباً ۶/۵ میلیارد برگ A۴ مصرف می‌شود و اگر برای هر برگ A۴ یک لیتر آب مصرف شود، برای این مقدار برگ A۴، ۶/۵ میلیارد لیتر آب مصرف می‌شود که معادل ۶/۵ میلیون مترمکعب و نصف ذخیره آب سد لتیان تهران است. برخی عذر بدتر از گناه هم می‌آورند و می‌گویند کاغذها را از برزیل و سایر کشورها وارد می‌کنیم، اما به هر حال منابع جنگلی دنیا نابود می‌شود.

به هر حال این تعداد کتاب هر سال در بهترین حالت، به سمت بازافت می‌رود، اما بهتر می‌دانیم بسیاری از دانش‌آموزان، کتابها را به همراه زباله‌ها بیرون می‌اندازند.

ازسوی دیگر آموزش و پرورش هم سالانه هزار میلیارد تومان یارانه برای

فرهنگ کار جامعه شهری و روستایی چه تفاوتی دارند و بین تحصیل کرده‌ها و کم‌سوادان و هم‌چنین بین زنان و مردان، فرهنگ کار چگونه است؟

پاسخ به این سؤال راحت نیست. زمانی تفاوت فرهنگ کار روستاها با شهرها، این بود که روستاها مولد بودند و شهرها مصرف‌کننده و محصولات مثل تخم‌مرغ و محصولات کشاورزی، از روستاها به شهرها ارسال می‌شد، اما الان، این وضعیت خیلی وجود ندارد و خیلی از روستاهای خوش‌آب‌وهوا، به ویلا و جاهایی که همان گروه مصرف‌کننده شهرنشین آن محل‌ها را تغییر داده‌اند، تبدیل شده‌اند و در نحوه عملکرد اقتصادی در بسیاری از روستاها مشاهده می‌کنیم که شیر پاستوریزه و یا تخم‌مرغ فلان کارخانه استفاده می‌شود، اما براساس همان وضعیتی که هنوز برخی روستاها از قبل دارند، تفاوت اصلی که بین این دو محل زندگی وجود دارد، روستاها مولد و شهرها مصرف‌کننده بوده و هستند و اگر مقداری مابقی رفاهی درست به روستاها وارد شود و امکاناتی که در شهرها در دسترس است، به‌طور دقیق، کامل و برنامه‌ریزی شده، همراه با فرهنگ به روستاها وارد شود، باعث می‌شود نیروهایی که در روستا مشغول به کار هستند، حفظ شوند.

در «دارزین»، پس از زلزله و جابه‌جا شدن مسیرهای انتقال آب در اثر حرکات زمین، چند قنات و چشمه خشک شد و به سمتی می‌رفت که تمام نخلستان‌ها نابود شوند و افرادی که در این منطقه مشغول بودند، به سمت حاشیه شهرها بروند و به معضل تبدیل شوند، یکی از افراد سرمایه‌گذار که به محل زندگی خودش علاقه‌مند بود، کشت ترخون که گیاهی است با مصرف آب کمتر را در این منطقه شروع کرد و این محصول را به آلمان صادر کرد. در ادامه، به حدی این اقتصاد سودآور بود که مهاجرت معکوس ایجاد شد و بسیاری از جوانان آن ناحیه برگشتند و کشت ترخون را شروع کردند. با خانوک اتفاقی که آقای اسدی رقم زد، این بود که کشت زیتون را توسعه داد و باغ‌های پسته‌ای که در حال نابودی بودند، به زیتون تبدیل کرد و الان، هر درخت، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان محصول می‌دهد؛ ضمن این‌که صنایع تبدیلی از جمله ترشی، انواع روغن‌های زیتون، زیتون پرورده و چندین محصول دیگر تولید می‌شود؛ بنابراین، موضوع مولد بودن را در روستاها داریم که در اغلب شهرها نداریم.

اما بین خانمها و آقایان، با توجه به ماهیت خلقت این دو انسان، ایجاب می‌کند خانمها در بخش‌های خاصی مشغول به کار و فعالیت شوند؛ به‌طور مثال چندسالی است که باب شده برخی خانمها به سمت رشته ارتوپدی می‌روند که این رشته، بسیار سخت است و توان جسمی بالایی می‌خواهد. گاهی اوقات جا انداختن یک استخوان شکسته و با استفاده از وسایلی که در اتاق عمل رشته ارتوپدی است، از توان یک خانم خارج است؛ بنابراین، اصراری نیست خانمها در این رشته مردانه نقش آفرینی کنند؛ به خصوص در کرمان که مهد پنه‌دوزی و فرش‌های خانگی است و زمانی شال‌بافی، این‌قدر در کرمان رونق داشته که شال امیری (شال امیرکبیر) در کرمان تولید می‌شده و به حدی این صنعت اهمیت داشته که وقتی شال‌بافها اعتصاب می‌کنند، نزدیک بوده دولت مرکزی سقوط کند، خانمها می‌توانند در این رشته‌ها فعالیت کنند. البته اکنون پس از سال‌ها، طی یکی‌دو سال اخیر، دوباره کارگاه

برخی موارد مثل موضوع کتاب، خیلی کار سختی نیست و نیاز به برنامه‌ریزی خیلی کمی دارد.

بله، استفاده از کتاب‌های الکترونیکی، می‌تواند یکی از راه‌کارها باشد؛ هرچند هیچ چیز نمی‌تواند جای لذت تورق کتاب را بگیرد، اما موضوع این است که محتوای کتاب‌ها و دروس، مکرر تغییر می‌کند؛ ضمن این‌که در مدارس اصلاً به بچه‌ها آموزش نمی‌دهیم که قیمت واقعی کتاب چقدر است و چه میزان آب مصرف شده تا درخت روییده و به کاغذ تبدیل شده است؛ بنابراین، بچه‌ها مواظب کتاب‌ها نیستند و خیلی راحت کتاب‌ها غیرقابل استفاده می‌شوند.

البته در برخی از استان‌ها از جمله کرمان، فارس و خراسان رضوی، مؤسساتی وجود دارد که کتاب‌های غیرآموزشی را که دانش‌آموزان استفاده کرده و از سد کنکور گذشته‌اند، جمع‌آوری کرده و برای مناطق محروم و کم‌تر برخوردار می‌فرستند. در همین راستا در یکی از روستاهای عنبرآباد جیرفت، یکی از دانش‌آموزان، در رشته پزشکی قبول شد و این اتفاق به حدی تأثیر گذاشت که سال بعد، حدود ۱۰ نفر از همان روستا در رشته‌های پزشکی قبول شدند؛ بنابراین، اگر تأثیر اجتماعی را هم به موضوع اضافه کنیم، می‌بینیم چه سرمایه‌های ارزشمندی داریم که درست از آن‌ها استفاده نمی‌کنیم.

معمولاً ما به‌عنوان مدیران دولتی، نقاد خوبی هستیم و دیگران را زیر ذره‌بین قرار می‌دهیم، اما وقتی در حیطه کاری خودمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم مشکلات بسیاری داریم؛ بنابراین، باید یک فرهنگ عمومی برای مطالعه و استفاده درست از منابع شکل گیرد که کاملاً با فرهنگ ملی و فرهنگ دینی و مذهبی ما انطباق دارد.

کرمانی‌ها، از پیشروهای استفاده درست از آب بوده‌اند و قنات‌ها و سازهایی که در گذشته در کرمان بوده، شاهد این مهم است. در گذشته در ورودی خانه‌ها، یک حوض وجود داشته که از بادگیرها باد گرم وارد خانه می‌شده، با عبور از روی حوض، خنک می‌شده و از طریق دالان‌ها، به خانه وارد می‌شده که یک سیستم خنک‌کننده طبیعی با حداقل مصرف آب بوده است، اما الان، در شهری مثل کرمان، از نمای آلومینیم استفاده می‌کنیم که ساختمان در تابستان داغ می‌شود و از کولر استفاده می‌کنیم و در زمستان هم می‌خواهیم بهار و تابستان برقرار شود؛ بنابراین، از حداکثر لوازم گرمایشی استفاده می‌کنیم. در خوابگاه‌های دانشگاه‌های استان، شاهد بوده‌ام اتاق‌های نزدیک به موتورخانه گرم هستند و پنجره‌ها باز است و اتاق‌هایی هم که دور از موتورخانه هستند، گرمای مطلوبی ندارند؛ بنابراین، در استفاده از انرژی هم مشکل داریم.

اخیراً در مراسم افتتاحیه اندیشکده انرژی که در اتاق بازرگانی برگزار شد، اشاره کردم یکی از مواردی که در مصرف انرژی باید مدنظر قرار گیرد، مشکلات کمبود آب و انرژی در حوزه سلامت است. اثبات شده در جاهایی که آب کمتر و خشک‌سالی وجود دارد، شیوع بیماری‌هایی مثل دیابت بیشتر است. الان، بالاترین درصد بیماری دیابت کشور، در استان یزد است که کمترین میزان بارندگی را دارد، اما این‌که این‌ها چه ربطی به فرهنگ کار دارد؛ این‌ها همه به‌صورت زنجیروار تحت عنوان اقتصاد انرژی و اقتصاد منابع طبیعی، به هم‌دیگر متصل است و هر کدام که ضربه بخورد، این آسیب تا آخر زنجیره پیش خواهد رفت.

یا وزیر امور خارجه یکی از کشورها، با بچه به جلسه آمده بود که خیلی مورد توجه رسانه‌های مختلف قرار گرفت؛ چراکه مادر علی‌رغم مسئولیت سنگین سیاسی، حاضر نشده بود بچه را از خودش جدا کند که نشان‌دهنده اهمیت سلامت روان و سلامت اجتماع، در آینده است.

تفاوت بین تحصیل کرده‌ها و کم‌سوادان چطور؟

متأسفانه براساس مطالعاتی که شده، مشخص شده خلاقیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، از پیش‌دبستانی‌ها کمتر است و دلیل هم این است که در مسیری آموزش می‌بینند که مسیر بسته است، خلاقیت کلاً خاموش و استعدادها خلاقانه کور می‌شود و دانشجو مجبور است از آنچه استاد می‌گوید، تبعیت کند که در نتیجه، خلاقیت در تحصیل کرده‌ها رو به افول می‌رود.

ازسوی دیگر می‌گویند در مقابل جهل، عقل وجود دارد، نه علم؛ یعنی کسی که جاهل است، به این معنی نیست که علم ندارد؛ بلکه ممکن است که عاقل نباشد؛ بنابراین، بسیاری از افراد در استان کرمان اگرچه سطح سواد پایینی دارند، اما خیلی سخت‌کوش هستند، فرهنگ کاری را رعایت می‌کنند و توانسته‌اند برای ۴۰۰ نفر شغل ایجاد کنند، و افرادی هم داریم از جمله خود من، که استاد دانشگاه هستیم، اما هنوز نتوانسته‌ام براساس دانشی که دارم، یک شغل ایجاد کنم؛ بنابراین، شاید بین این دو رابطه خیلی مستقیمی نباشد، اما امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «العلم و السلطان»؛ یعنی «علم توانایی است.» منظور من این است که ممکن است یک نفر سطح سواد بالایی نداشته باشد، اما دانش رشته خود را خوب بداند؛ به‌طور مثال خوب کشاورزی بلد باشد. نمی‌خواهم بگویم هرچه سواد کمتری داشته باشیم، کارآفرینی بیشتری خواهیم داشت، اما بین کارآفرینی و سطح سواد، ارتباط مستقیمی وجود ندارد.

به هر حال امیدوارم بتوانیم در سطح دانشگاه‌ها، با حضور مرکز نوآوری استان و زیست‌بوم کارآفرینی که خیلی در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، به این سمت‌وسو پیش برویم.

در شهر ما یک جوان ۲۶ ساله به نام مهندس صادقی، با تولید انیمیشن، ۳۲ نفر را مشغول به‌کار کرده و با تلویزیون لبنان و شبکه دو تلویزیون آلمان قرارداد بسته و سفارش کار روزافزونی دارد؛ ضمن این‌که قصد دارد تعداد افرادی را که برای او کار می‌کنند، دوبرابر کند. تا چندسال پیش کسی فکر نمی‌کرد از محل تولید انیمیشن، بشود برای حدود ۳۰ نفر فارغ‌التحصیلان دانشگاه که مهندس کامپیوتر هستند، کارآفرینی کرد؛ بنابراین، ایشان به‌عنوان فردی که سواد دارد، فرهنگ کارآفرینی را خوب درک می‌کند، تعهد اجتماعی دارد و این‌که اخلاق حرفه‌ای را رعایت می‌کند، نه تنها خودش گذران زندگی می‌کند؛ بلکه توانسته برای عده زیادی شغل ایجاد کند. فرق بین عالم و زاهد، این است که زاهد، فقط گلیم خود را از آب بیرون می‌کشد، اما عالم، می‌خواهد گلیم دیگران را هم از آب بیرون بکشد.

در کرمان گروه دیگری انیمیشنی تولید کرده‌اند که از طریق شرکتی که صادرکننده انیمیشن و در دبی مستقر است، به آمریکا صادر شده و این‌قدر مورد استقبال قرار گرفته که الان، شماره دو و سه این انیمیشن را هم درخواست کرده‌اند. این انیمیشن با قیمت بسیار خوبی فروخته

شال بافی کرمان راه‌اندازی شده و خوشبختانه در این بخش که مخلوطی از هنر و کار است، خانم‌ها می‌توانند فعالیت کنند و حتی می‌توانند در منزل این کار را انجام دهند.

هم‌چنین با توجه به این‌که پته، به لباس تبدیل شده و مورد استقبال زیادی قرار گرفته، یکی از مواردی است که خانم‌ها می‌توانند به‌عنوان مخلوطی از هنر و کار، در آن فعالیت بیشتری داشته باشند.

ممکن است خانم‌هایی داشته باشیم که مدیران، مهندسان و حتی کارخانه‌داران موفق باشند، اما نباید از تفاوت‌های خلقتی و مسائلی که در رابطه با مهر مادری و پرورش فرزند وجود دارد، غافل شویم.

دانشگاه علوم پزشکی کرمان به‌طور ویژه روی ۱۰۰۰ روز اول زندگی، برنامه‌هایی مدنظر داشته است. ۹ ماه بارداری و دوسال شیر دادن، در مجموع هزار روز می‌شود که این هزار روز، حتی در بیماری‌هایی که ربطی به مسائل عاطفی ندارند، بسیار مهم است.

روی گروهی از موش‌ها آزمایش کرده و مشاهده کرده‌اند بچه‌هایی که از شیرخواری و همراهی با مادر محروم شده‌اند، بعداً به بیماری‌هایی مثل آلزایمر، پارکینسون، سرطان‌ها و دیابت مبتلا شده‌اند و همین اتفاق درخصوص انسان هم می‌افتد. مادر دو سال فرزند را شیر دهد و ضرب‌آهنگ قلب مادر در طول ۹ ماه بارداری، به‌عنوان یک آهنگ آرام‌بخش برای بچه وجود داشته که اگر بچه از این ضرب‌آهنگ محروم شود، ممکن است انواع اختلالات روانی و حتی پُرفشاری خون داشته باشد؛ چراکه آرامش لازم را به‌همراه ندارد؛ ضمن این‌که استرس‌هایی هم که در طول دوره بارداری ممکن است در محل کار برای یک خانم پیش بیاید، بعدها تأثیرگذار خواهد بود.

نه از دیدگاه اسلامی و مذهبی، بلکه در بسیاری از کشورها از جمله انگلستان و فنلاند، ترجیح داده می‌شود که مادر، کارها را در خانه انجام دهد و شغل‌های از راه دور و اینترنتی انجام می‌دهند تا بیشتر، در کنار فرزندان خود باشند؛ بنابراین، این‌که فرهنگ کار در کدام‌یک از خانم‌ها و آقایان بالاتر است، به نظر من خانم‌ها به‌دلیل حساسیت و دقت‌نظری که دارند، کارهایی مثل پرستاری و هنری و حتی کارهای محاسباتی را (مثل خانمی که مهندس عمران باشد) با دقت بیشتری انجام می‌دهند؛ اما آقایان هم در کارهایی که باید قدرت ریسک‌پذیری داشته باشد و احتمال بروز شکست‌هایی وجود دارد، بهتر می‌توانند کار کنند.

برخی کارها را به‌صورت اختصاصی مردان باید انجام دهند که مثال آن همان‌طور که بیان کردم، جراح ارتوپد است که برخی خانم‌های ارتوپد، بعدها دچار دیسک کمر و مشکلاتی از این‌دست شدند؛ ضمن این‌که مهر مادری و فرزندپروری و این‌که مهر و عطف مادری و آرامش بچه حداقل در طول دوسال پس از دوره زایمان اتفاق می‌افتد، می‌تواند سلامت آینده اجتماع را تضمین کند؛ بنابراین، باید تمام این موارد را در نظر بگیریم.

این‌که اعلام کنیم تفاوت جنسیتی وجود ندارد و برابری کامل زن و مرد است، حتی همان افرادی که این شعار را می‌دهند، می‌دانند چنین چیزی واقعیت ندارد و شاهد هم این است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته، ترجیح داده می‌شود مادران در جوار فرزندان باشند و یا حداقل اگر در جایی کار می‌کنند، بچه از آن‌ها دور و جدا نباشد که شاید بارزترین مورد، در پارلمان اروپا یا اتحادیه اروپا اتفاق افتاد که نخست‌وزیر و

تلاش بخش خصوصی برای این که مؤثر و مفید باشد، خیلی بالاتر است و البته اگر این فرهنگ کارآفرینی بالاتر، با تعهد اجتماعی همراه شود، می‌توانیم به نتیجه بهتر و مثمرتر برسیم. گاهی اوقات در بخش خصوصی به‌طور مثال در تولید پسته می‌بینیم ذخایر آب زیرزمینی را به‌شدت تخلیه می‌کنند و به‌جای سرمایه‌گذاری در شهر و استان خود، به ویلا در اسپانیا و ساختمان در امارات و اقامت در کانادا تبدیل می‌شود؛ بنابراین، تعهد اجتماعی وجود ندارد و البته در همین بخش هم افرادی داریم که در کنار صادرات پسته، نسبت به تولید محصولات جنبی و ایجاد اشتغال برای عده بیشتری از مردم تلاش می‌کنند، اما این افراد درصد بسیار پایین‌تری به خودشان اختصاص می‌دهند؛ بنابراین، فرهنگ تلاش مؤثر بخش خصوصی اگر با تعهد اجتماعی همراه شود، وضعیت، خیلی بهتر از آنچه الان است، خواهد بود.

● به کاری که انجام می‌دهید اشاره کنید.

یکی از مواردی که روی آن متمرکز هستیم، درمان بیماران مبتلا به سالک است. ۱۷ استان کشور از جمله استان کرمان درگیر بیماری سالک هستند و در ۴۰ کشور دنیا موضوع سالک مشکل بزرگ سلامت است؛ بنابراین، یکی از محصولات که دنبال تولید آن هستیم، درمان سالک است که موارد موفق هم در این قسمت زیاد داشتیم و مجوز این محصول در حال اخذ است.

محصول دیگری برای ریزش مو داریم که خیلی از آن استقبال شده و مصرف آن بالاست و برای جلوگیری از ریزش موی خانم‌ها، آقایان و حتی ابروی خانم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یک‌سری از محصولات دیگر هم با عنوان دارورسانی از طریق پوست در حال تولید است که در مواردی مثل آکنه و ضایعات پوست به شکل تیرگی‌های پوست و یا پیسی یا برس، مورد استفاده قرار می‌گیرد و خوشبختانه نتایج بالینی خوبی هم داشته و الان، دنبال اخذ مجوز برای تولید انبوه هستیم.

یک‌سری کارها هم در زمینه نانو و سلول‌های بنیادین انجام گرفته که کار تیمی است. در این رابطه چون تخصص من نیست، فقط اشاره می‌کنم که برای درمان برخی از ضایعات مفصل، برای انواع ناباروری، بی‌اختیاری ادراری و ضایعات چشم و پوست، در دانشگاه علوم پزشکی کرمان تلاش‌های خوبی انجام شده که برخی از آن‌ها در حال اجراست؛ از جمله ضایعات مفصلی که ناشی از تصادف باشد.

به‌عنوان رئیس مرکز نوآوری هم، مشغول به فعالیت هستم. از نوآوری و خلاقیت تا تولید محصول، زنجیره‌ای از روابط و بخش‌های مختلفی داریم که تأثیرگذار هستند، اما خوشبختانه حداقل در شهر کرمان، تقریباً بخش‌های مختلف این زنجیره تکمیل شده که از آن تحت عنوان زیست‌بوم کارآفرینی نام می‌برند و امسال در المپیاد کارآفرینی کشور، کرمان رتبه نخست را کسب کرد که برای ما افتخارآفرین است؛ ضمن این که دانشگاه علوم پزشکی کرمان در زمینه فناوری، در بین ۶۴ دانشگاه علوم پزشکی کشور، امسال رتبه ششم را کسب و چهار پله نسبت به سال قبل صعود کرد که در این زمینه آنچه مهم است، صرفاً تولید مقاله و دانش تئوریک نیست؛ بلکه تولید محصولاتی تحت عنوان فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان است. ●

شده و تعداد بسیاری مشغول به کار شده‌اند؛ بنابراین، جایی مثل کرمان که مهد هنر است، هنوز هم گل‌وبته‌هایی که روی پته و نقش‌هایی که روی قالی زده می‌شود و بسیاری از کارهایی که روی فلز انجام می‌شود، ادامه دارد و بسیاری از هنرهای سنتی در کرمان وجود دارد؛ بنابراین، کرمان، منطقه‌ای با استعداد و دارای افرادی هنرمند است که خودش را به شکل دیگری و با تولید انیمیشن نشان داده که هنر، تکنیک و کار است.

باز هم تأکید می‌کنم، استاد دانشگاه بسیار خلاق و کارآفرین، فرد بی‌سواد خلاق و کارآفرین، و فردی هم که بی‌سواد نیست و خیلی هم تحصیلات بالایی ندارد، اما خلاق و کارآفرین است، وجود دارد، و برعکس برخی نه‌تنها شغل ایجاد نمی‌کنند، که شغل‌کش هستند و ظاهراً رسالت دارند اجازه ندهند کارآفرین‌ها به راحتی کار انجام دهند و مانع این هستند که افراد خلاق و کارآفرین، چهره استان و اقتصاد کشور را متحول کنند.

● بین فرهنگ کار در بخش خصوصی و دولتی چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟

به قاطعیت و با اطمینان خاطر می‌گویم که بین بخش خصوصی و دولتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و دلیل آن این است که تفکر بخش خصوصی با بخش دولتی کاملاً متفاوت است؛ ضمن این که نتیجه کار هم کاملاً متفاوت است.

بخش دولتی، اصطلاح باریکه آب را استفاده می‌کند و می‌گوید حقوق ثابتی دریافت می‌کنم، اضافه‌کاری هم که به من تعلق می‌گیرد؛ پس به قول مولانصرالدین: «اگر کاری به لحاف ما ندارند، بگذار دنیا را آب ببرد.»

هم‌چنین بخش دولتی متأسفانه پویایی لازم را ندارد و بدنه دولت این قدر سنگین است که فقط می‌خواهد بخش نظارتی خودش را اعمال کند. با توجه به این که خود من هم دولتی هستم، مثال عینی می‌زنم؛ البته به دولتی‌ها هم برنخورم. اگر بخواهید در کرمان مجوز کارخانه داروسازی بگیرید، باید از ۱۹ نهاد دولتی مجوز اخذ کنید. به‌طور مثال در کرمان، از برق شمال، شرکت گاز، میراث فرهنگی، جهاد کشاورزی، منابع طبیعی، دانشگاه علوم پزشکی، اداره کل صنعت، معدن و تجارت، استانداری و نهادهای مختلف نظارتی باید مجوز بگیرید؛ بنابراین، اخذ مجوزهای پالایشگاه پلازما، نزدیک سه‌سال طول کشید که به این معنی است که سه‌سال را از دست می‌دهید و دلیل این است که چون ادارات دولتی خیلی کارآفرین نیستند، می‌خواهند برای خود اهمیت قائل شوند و حضور خود را پررنگ جلوه دهند؛ بنابراین، موضوع مجوزهای متعدد پیش می‌آید. البته خیلی از این مجوزها ضروری است و به‌طور مثال در طراحی یک واحد صنعتی، باید محیط‌زیست را لحاظ کنید، اما قرار بود مجوزها از طریق پنجره واحد صادر شود و الان چنین چیزی وجود دارد، اما کارآمدی خاصی ندارد. در مقابل بخش خصوصی به این دلیل که از سرمایه خودش استفاده می‌کند و می‌خواهد کار را توسعه دهد، به دو مقوله خیلی توجه می‌کند؛ یکی این که تحقیق و توسعه را سرلوحه کار خودش قرار می‌دهد که هر روز محصولش مشتری بیشتری داشته باشد و دوم این که هم سرمایه را حفظ کند و هم سرمایه‌اش را به بهترین شکل ممکن ارتقا دهد؛ بنابراین، ناگفته پیداست فرهنگ کارآفرینی و

بازگشت به خویشتن

< سید حسین مهاجرانی

فعال اقتصادی و رئیس هیئت‌مدیره
انجمن سنگ استان کرمان



بود یکی نبود» شروع کرد. ناجی در جمع ماست و جز از ما هیچ خبری برخواهد خاست. اگر روزی روزگاری دلی بود که از فرمالیسم بگذریم و این دوصد گفته‌هایی را که خرمن خرمن، خواب پیشکش مان می‌کند به نیم کردار هم مزین کنیم «دولت اقبال» به بالین ما هم خواهد آمد.

به‌عنوان مصداقی بر آن مفهوم، به سبب عضویت در هیئت‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت استان کرمان، به چشم می‌بینم که یکی از بزرگ‌ترین معضلات صنایع ما تأمین مالی است. اینکه اکابر قوم صنعت در رسمی‌ترین جایگاه‌ها و رفیع‌ترین تریبون‌ها بانک‌ها را عامل وارتنگی صنعت می‌شمارند درست هم که باشد درست نیست! سه اتاق (اتاق بازرگانی، اتاق اصناف و اتاق تعاون) و دو خانه (خانه صنعت، معدن و تجارت و خانه کشاورز) و اصلاً در نگاهی کوچک‌تر حتی، هیچ انجمنی درصدد برنیامده است تا یک صندوق تأمین مالی برای خود فراهم کند تا دست‌کم در تنگنای ناگزیر، باری از دلی بردارد. در مقام یک فعال اقتصادی و نه مسلماً یک تئوریسین، الگوی ساده‌ای را پیشنهاد می‌کنم تا در یک نگاه جامع و ابراز نظر عمومی پخته‌تر و پیراسته‌تر در عرصه عمل، برکت همراهی را به تخت بنشاند. فرض می‌کنم که همه‌ی ما به این نتیجه قطعی رسیده‌ایم که باید از نظریات و انبوه مقالاتی که در مکتوبات ماضی به اثری فراموش شده از نخبه‌ای از ما بدل شده است بگذریم. گفته شده که «من الایمان یستدل بالعمل» و اگر ما نیز از آن‌همه گفتار به کردار دست نیابیم لابد باید به اصالت آن نظریات یا از جانب مقابل به جدی بودن خودمان در مقام عمل شک کنیم!

شکل حضور تحول خواهان در حوزه وسیع کسب‌وکار و سیر روش‌های ایشان در این روز و روزگار شباهتی قریب به جامعه روشنفکری ایران دارد در دهه پنجاه! چون به تقدیر اهل آن روزگارم و دوران رشد فکری‌ام در کوران همان تحولات بوده است و چون در این روزگار باز به همان تقدیر زلفم به زلف صنعت‌گره خورده است این همتایی را با کمی نگرانی و کمتری هراس به چشم می‌بینم و دنبال می‌کنم. در همین جامعه کوچکی از جماعتی که خلق‌و‌خوی چریکی دارند و جماعتی که آگاهی

همیشه روزگار چنان نیست که تو بر تقدیر خویش دست تمام داشته باشی. گاهی هم آنچه بر تو حکومت می‌کند شرایط قاهره‌ای بیرون از توست که تو را با هر چه ریشه و عده و عده که برای خود فراهم کرده باشی بن کن می‌کند و می‌برد. درست مثل امروز ما!

سیاست‌گذاری به معنای پولتیک کار ما نیست، هرچند تبعات هر سیاستی که اتخاذ شود اثر مؤثرش بر ماست که اهل کسب‌وکاریم. ترجیح ما که نه جنگ‌افزار می‌خریم و نه می‌فروشیم در همه زمینه‌ها صلح است و به انگار ما تجارت در ذات خود جز در صلح راهی برای رفتن ندارد؛ اما این هم واقعیتی است که دنیا چه در حدود داخلی و چه بیرون از این حدود در حوزه بین‌الملل به میل ما توجهی ندارد! جنگ اقتصادی نه به تقصیر من و تو آمده است و نه به آرزوی من و تو می‌رود. هست و در این هستی ما را با هر تحلیل و توجیه و تفسیری که داشته باشیم مثل گردباد به چنبره عظیم خود می‌خواند. نالیدن، یک بازتاب روحی است در برابر مصائبی که می‌بارد اما «تفکر عاقلانه، عملکرد منطقی و تأثیر بر محیط» به منش آدمیزاد نزدیک‌تر است.

ادبیات ما انباشته است از مدح همراهی و این همراهی نه فقط درصحنه اجتماعی که در تغزل هم سرشار از تصویر است. این که این‌همه تمثیل و حکایت و کلمات قصار در این غنای ادبی، این‌همه بر ما بی‌تأثیر بوده است هم معجزه‌ای است که خاص ما بندگان خاص خدا در این اقلیم بسیار خاص است!

عنوان این یادداشت را «بازگشت به خویشتن» آوردم به یاد شریف مردی که ما را در توفان تحقیر و از خود‌گریزی به یاد خود آورد. نه به هم‌اورد خواهی معتقدم و نه رجزخوانی و نه اصلاً غوغا! اما در این روزگار با عاریه از آن یگانه مرد - گرچه این بار در عرصه کسب‌وکار - «بازگشت به خویشتن» را تنها راهی می‌دانم که می‌تواند ما را از این هوای پرشور و شر بگذراند. حکومت گردانان و دولت‌مردان را به خود واگذاریم و ما ارباب ایل در امیدوی روشن، بعد از ناامیدی از آنان، با تکیه بر خویشتن راهی را بیابیم که چراغمان در آن فروخته بماند. یاد کردن از نخبه‌ها و روایت از معجزه چهره‌های کاریزماتیک را دیگر باید با «یکی

آموخته است در برجسته کردن ضرورت‌هایی که در نگاه به این جامعه و تحلیل آن باید ملاحظه شوند، نیز بسیار توانا بوده است. به نظر من این‌که امروز برای ما تا حدودی روشن است که «چه می‌خواهیم»؛ هرچند هنوز در انتخاب راه و طراحی برنامه‌های عملیاتی برای رسیدن به آن خواسته‌ها به پراکنده‌گویی و پریشانی آراء دچار باشیم، ناشی از همین گفتگوهای نیم‌بند و درک کوچکی است که از خود به دست آورده‌ایم. همه‌ی ما به این تصویر واضح رسیده‌ایم که صنعت و تجارت دچار تزلزلی بزرگ و وضعیتی ناخوش است و همه ما در چنین روزگاری چاره‌ای را برای رسیدن به ثبات جستجو می‌کنیم، و نمی‌دانم چرا باورمان نمی‌آید که برای توقف روند سقوط، تأسیس نهادهایی برای ادغام‌ها و با دست‌کم تجمیع توانائی‌ها در سطوح عمودی و افقی و اداره شرکات‌های متناسب باید در دستور کار قرار گیرد!

اگر «روند سقوط» را یک واقعیت کاملاً آشکار و پیش چشم فرض کنیم و بپذیریم که راهکار گریز از آن سقوط «هم‌افزائی‌های عمودی و افقی» است. پس چرا در قدم نخست درباره یک حرکت فراگیر برای توسعه فرهنگ صنفی و هم سو کردن نیروها برای ایجاد یک آرمان مشترک با تشکیل یک صندوق مالی بزرگ با اساسنامه و آئین‌نامه‌های مبتنی بر واقعیت کاری نکنیم؟!

منطقاً و باایمان به «همراهی»، درست آن است که روسای برگزیده در اتاق ایران و اتاق‌های شهرستانی، ضمن توجه تمام به سرمایه اجتماعی، اهل تجارت به معنای اعم آن را با ترغیب به هم‌افزایی، برانگیختن همت و برآوردن عزمی جزم و اراده سترگ، آبادتر و مؤثرتر وارد عرصه کند. بدون تردید تحول در فرهنگ همراهی و توسعه عمومی آن، در دایره‌های اعم از انتشارات، ایجاد فضای گفت‌وگو، برپائی نمایشگاه‌های داخلی و حضور هم‌هنگ در نمایشگاه‌های خارجی، پرداختن درست به موضوعات آموزشی و درنهایت افزایش بهره‌وری به‌منابۀ یک نهضت عملی با شمولی به وسعت ایران، برنامه‌های متمرکز با تکیه بر خرد جمعی، تجمیع توانائی‌ها و حذف هزینه‌های موازی را می‌طلبد که چنان برنامه‌های و چنین راهکاری از آسمان نازل نخواهد شد. تدوین آن برنامه‌ها و تبیین این نهضت جز از همکاری خود ما به راهبری کسانی از ما که نشنگی عنوان‌های پرطمطراق را به اهلش بخشیده دل به کاری کارستان بسته باشند، برنخواهد آمد.

دعوت اتاق کرمان از همه‌ی تشکل‌ها برای بازتعریف ساختار تشکلی خود، تقسیم‌کار و تعیین حدود مسئولیت‌ها در هر تشکل یک حرکت شایسته است که باید به شایستگی از آن استقبال کرد. این جوشش مثل برآمدن چشمه‌ای است در برهوتی خشک که طراوت آب، تنها اثر آن نیست، بدون تردید «اکوسیستم» آن واحه به وجود آن طراوت تغییر خواهد کرد.

برای ما، هیچ چیز ضروری‌تر از گردآمدنی فعال و هوشیارانه گرد اتاق ایران و ایجاد سیستم‌های برنامه پذیر در آن چارچوب نیست. عصر عشق به اقلیم و قبیله‌های خودی و اسطوره‌سازی‌های بی‌سبب از آدم‌های اطراف خود گذشته است. دل بستن به چنین جغرافیایی و جنگ بی‌سرانجام برای ایجاد تشکل‌های موازی در رقابت با اتاق ایران، به تصویر کسل‌کننده همان پیرزالی می‌ماند که نشست بر خری لنگ در بیابانی خشک رو به‌سوی سراب، در خوابی بی‌پایان می‌رفت... ●

خلق را مقدم می‌شمارند تا جماعتی که در فضایی مأیوس‌کننده و پشم‌آلود یک اوراد و ادکاری را زیر لب زمزمه می‌کنند، که آدم از بیخ حتی به درک گوینده نسبت به آنچه می‌گوید هم شک می‌کند، وجود دارد تا حضور تنهای معلمانی مثل دکتر سریع القلم و دکتر رنالی که به زبان مردم حرفی را می‌زنند و ما «گروهی برگ چرکین تار چرکین پود» به خماری سری می‌جنبانیم و هوشی می‌کنیم و از این شانه بر آن شانه واغلتی می‌زنیم و باز در همان خماری موذی می‌پردازیم به کثرت و کلاش و خاراندن اعضاء و اسافل در چرت نیمروزی!

این اسفندماه در هیاهویی که از انتخابات اتاق برمی‌خیزد، پرتنش می‌گذرد. این همه میل به حضور در هیئت نمایندگان و این همه بیم و امید در تقابلی چنین آشکار از کجاست؟

با نگاهی مثبت و روشن و با فرض علاقه به اصالت ترقی و توسعه در ذهن هر که در این ماجراست، می‌توان چنان میلی را ناشی از داشتن طرح و برنامه‌ای برای اعتلای کسب‌وکار دانست و ترسی اگر درباره نیت ایشان در دل ما باشد را هم البته «بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران»! اتاق بازرگانی ایران با همه‌ی اهمیت استراتژیکش برای جامعه بخش خصوصی، کدام پایگاه را در میان این جامعه دارا بوده است؟ و اگر فرض کنیم که این تشکل به‌عنوان یک نهاد سراسری و یک قابلیت، با برنامه‌های مشخص و اهدافی تعیین‌شده توانایی وسیع در سازماندهی کسب‌وکار در سراسر ایران را داراست، جایگاه اعضا کجا باید باشد؟

این کاملاً آشکار است که اعضای این اتاق فراتر از یک توافق صمنی، همراهی بزرگی را بر اساس قانون شکل داده‌اند و این همراهی می‌تواند مثل هر همگرایی دیگری برای تحقق اهداف مبتنی بر فرهنگ خود، برنامه‌ریزی و سازماندهی و یارگیری و هدایت و هماهنگی و فراخوان داشته باشد و از همه نیروها بهره‌مند باشد.

تحقیق و بررسی درباره این واقعیت تلخ که چرا اتحادیه‌ها و انجمن‌ها و تشکل‌ها و غالب شرکات‌های موجود، در تمام ارکان تجارت به فرجام روشنی نرسیده‌اند و هیچ‌گاه در ایجاد و گسترش حس تعلق در اعضاء، که لازمه قطعی برای توفیق هر اجتماعی است، موفق نبوده‌اند یک ضرورت است؛ و لابد نتایج این بررسی در بازسازی و تجدیدنظر در ساختار سازمانی تشکل‌ها راهگشا خواهد بود. ما درباره تشکل‌ها چشم‌به‌راه یک تحول بزرگیم و هیچ تحول بزرگی را در تمام تاریخ اجتماعات انسانی سراغ نمی‌توان کرد که در فضایی بسته و در حلقه‌ای محدود رقم خورده باشد. همراه شدن با تحولات و مقابله با هر چه ما را به ایستادن فرامی‌خواند، وظیفه بزرگی است که دور ماندن از درماندگی و شکست، و ایجاد مجالی برای تطبیق با تغییرات، نتیجه حتمی آن خواهد بود.

همراه بودن بی هم‌کلامی یک شعار است که هیچ‌وقت راه به‌جایی نبرده است و این واقعیت شیرین پیش روی ماست که با حضور در فضای مجازی، فرصت هم‌کلامی برای همه‌ی ما فراهم آمده است و اثر آن هم بر همه‌ی ما به شکلی باورنکردنی مثبت بوده است و به‌روشنی هم می‌توان دید که حضور و همراهی و هم‌کلامی ما در گروه‌های مجازی، گرچه در بسیاری موارد با جنگ لفظی و لغظی و لودگی و لغز خوانی‌های کاملاً وقت تلف کن هم همراه بوده است، اما در جوف همین آسیب‌ها، باز این حضور، همچنان که گفت‌وگو را به ما



گفت‌وگو با «رضا سنجری»
مدیرکل دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان

یک ضرورت؛ هم‌افزایی و اعتمادسازی بین بخش دولتی و بخش خصوصی

در جهت دستیابی به یک ارزیابی کلی از چگونگی اداره امور بنگاه‌ها در بخش خصوصی استان از دیدگاه متعامل دولتی و خصوصی، با رضا سنجری مدیرکل دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان، گفت‌وگو کرده‌ایم. او می‌گوید که مشکلات فراوری بنگاه‌ها، تحت تأثیر عوامل خارجی و نوسانات داخلی باعث شده است که صاحبان و مدیران آن‌ها غالباً تصمیمات خلق الساعه و روزمره اتخاذ نمایند. وی رویکرد بنگاهداری در استان را در وجه غالب متأثر از شیوه‌های سنتی و با استفاده از تکنولوژی قدیمی و غیربهره‌ور در تولید می‌داند. به نظر او اکثر بنگاه‌های اقتصادی استان به‌ویژه واحدهای کوچک نیازمند استفاده از مدیریت نوین و به‌روز هستند. سنجری همچنین به اعتمادسازی و تعامل سازنده بین بخش خصوصی و دولت به‌عنوان یک اصل مهم اشاره می‌کند.



قطعاً جنابعالی تعریفی از مدیریت حرفه‌ای در بنگاه‌های اقتصادی دارید، به نظر شما وضع بنگاه‌های بخش خصوصی استان در جهت برخورداری از یک مدیریت حرفه‌ای مناسب چگونه است؟

بنگاه‌های اقتصادی استان به‌طورکلی از نظر مدیریتی به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ در برخی واحدها وقتی طرح توجیهی را تعریف می‌کنند، کاملاً وضعیت بنگاهی که می‌خواهند ایجاد کنند، نحوه تهیه مواد اولیه، منابع مالی، تأمین زیرساخت‌ها و نحوه بازاریابی، فروش و ریسک‌هایی که بنگاه را تهدید می‌کند و عوامل خارجی را که به‌نوعی روی بنگاه‌ها تأثیر می‌گذارد، بررسی می‌کنند و یک طرح کارشناسی و ارزیابی شده را تهیه می‌کنند و حتی برای استقرار و مکان‌یابی طرح، طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که دسترسی به مواد اولیه، کمترین مشکل حمل‌ونقل را داشته باشد تا محصول در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه به دست مصرف‌کننده برسد. این واحدها با گذشت زمان، علی‌رغم این‌که تنش‌ها اعم از تحریم‌ها یا نوسانات ناگهانی نرخ ارز که خارج از سیستم به آن‌ها وارد می‌شود، می‌توانند قوام خود را حفظ کنند؛ چراکه از روز نخست زیربنای خوبی داشته‌اند. معمولاً این واحدها علاوه بر آن‌که از ابتدا یک شاکله کارشناسی داشته‌اند، در درون سیستم نیز در قسمت‌های مختلف کارشناسان خبره دارند؛ به‌عنوان مثال مدیرعامل مجموعه، کارهای بازاریابی و مالی را انجام نمی‌دهد و برای تهیه مواد اولیه چانه‌زنی نمی‌کند و هرکدام از بخش‌ها مسئول خاص خود را دارد. در این بنگاه‌ها به‌طور مرتب عملکرد را ارزیابی می‌کنند و هرکجا که ببینند عملکرد یا مواردی بنگاه را تهدید می‌کند، سریع تصمیم می‌گیرند و وضعیت را بهبود می‌بخشند و یا سیستم را تغییر می‌دهند؛ بنابراین، بنگاه با یک مجموعه متخصص و کارشناسی کار می‌کند. مثل این واحدها در استان داریم که علی‌رغم فشارهای اخیر که تحریم‌ها موجب شد برای تهیه مواد اولیه و جابه‌جایی ارز دچار مشکل شوند، می‌بینیم واحد روی پای خود ایستاده و کار خود را انجام می‌دهد و فقط به دلیل نوسانات نرخ ارز و تحریم‌ها، گاهی در نحوه تولید خلل ایجاد می‌شود، اما دوباره راه‌های خود را پیدا می‌کنند و دوباره به سیستم قبل برمی‌گردند.

گروه دوم، واحدهایی هستند که کار کارشناسی چندان مطلوبی توسط مجری آن طرح انجام نمی‌شود. در اینجا یک بنگاه می‌خواهد شکل بگیرد تا بر اساس ظرفیت‌های استان، یک طرح اقتصادی ایجاد شود که به دنبال آن اشتغال داشته باشیم، محصولی تولید و از خام فروشی جلوگیری کنیم و ارزش‌افزوده ایجاد شود و درنهایت، نیاز استان و کشور برطرف شود، اما وقتی به مشکلاتی که الان برای این دسته از بنگاه‌ها ایجاد شده، نگاه می‌کنیم، می‌بینیم مجری آن بنگاه مسئول فروش و مدیر تحقیق و توسعه است و خودش مواد اولیه را نیز تهیه می‌کند؛ درحالی‌که اشراف کاملی به تمام این موارد ندارد؛ ضمن این‌که وقتی طرح توجیهی را تهیه می‌کرده، آن‌قدر دقیق نشده که دوره بازگشت سرمایه‌گذاری چگونه است، نرخ بازده داخلی چه شکلی است و به‌اصطلاح، به خدا توکل کرده و وارد میدان می‌شود؛ البته درست است انسان باید همیشه به

خدا توکل کند، اما کار زیربنایی، لازمه سرمایه‌گذاری است؛ بنابراین، این واحدها وقتی شکل می‌گیرند، یکی از مشکلات اصلی آن‌ها نحوه تأمین منابع مالی است. در اینجا سرمایه‌گذار ۲۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری را دارد و انتظار دارد دولت زمین و زیرساخت رایگان در اختیارش قرار دهد که البته دولت هم یک‌سری زیرساخت‌ها در مناطق ویژه اقتصادی و شهرک‌های صنعتی ایجاد کرده و درنهایت به طرح‌ها تخصیص داده می‌شود، اما این زیرساخت‌ها قیمت تمام‌شده‌ای هم دارند. با تمام این تفاسیر، سرمایه‌گذار برای ادامه کار و تأمین منابع مالی موردنیاز، انگشت به سمت بانک‌ها دارد و به سایر آیت‌هایی که می‌شود منابع مالی را تأمین کرد، هیچ‌کس ورود پیدا نمی‌کند، بنابراین، عمده کارها و طرح‌ها، بانک محور هستند.

برخی از این‌ها طرحشان یک قوام کارشناسی دارد که بانک آن قوام را غنی‌تر می‌کند و درنهایت این مشارکت، به هر طریقی شکل می‌گیرد و طرح به بهره‌برداری می‌رسد، اما پس از بهره‌برداری طرح، شاهد مشکلاتی هستیم که دلیل آن نبود بنیة کارشناسی برای قسمت تولید، فروش و بازاریابی است؛ ضمن این‌که سیستم مالی در این طرح‌ها یک‌نفره و یا خانوادگی انجام می‌شود و چون تخصص کافی وجود ندارد، با مشکل مواجه می‌شوند؛ بنابراین، بروز عوامل محیطی مثل تحریم‌ها، اختلاف نرخ ارز، کمبود مواد اولیه و افزایش بهای تمام‌شده و حامل‌های انرژی، طرح را با مشکل مواجه می‌کند. البته در جلسات کارگروه رفع موانع تولید، کارگروه اشتغال و شورای گفت‌وگوی بخش خصوصی و دولت، همواره این مشکلات رفع می‌شود؛ چراکه وظیفه‌داریم از پول بانک و آورده شخص که

دلیل عرضه و تقاضا و رقابت بین واحدها، مرز و حریم را برداشته‌اند؛ بنابراین در اینجا تولیدکننده جدید در کنار تمام مواردی که ذکر شد، باید رقیبها را هم در نظر بگیرد.

باید محاسبه کرد که چطور می‌توان رقابت نمود. در کرمان، چقدر مصرف کاغذ و کارتن داریم، الان کارتن از کجا می‌آید؟ و چگونه می‌شود کارتن که از اصفهان به جنوب استان حمل می‌شود، قیمت آن ارزان‌تر از کارتنی است که در استان تولید می‌شود؟ در هر صورت موضوع بهره‌وری نباید از نظر دور بماند.

دسته سوم، واحدهایی هستند که فاقد پایه کارشناسی بوده و هیچ اطلاعی ندارند و فرد صرفاً بر این تصور است که هم‌شغلی برای خودش ایجاد کند و هم برای دیگران اشتغالی مهیا نماید. در اینجا فرد یک‌میزان پس‌انداز و منابع مالی دارد که می‌خواهد به جریان اقتصادی بیندازد که فکر خوب و خدایسندانه‌ای است، اما پشت این فکر باید یک بستر اقتصادی و یک کار کارشناسی اقتصادی وجود داشته باشد. برخی از این واحدها که پشت آن‌ها برای راه‌اندازی، فشارهای سیاسی هم وجود دارد، ممکن است شروع به کار کنند، اما اگر با همین رویه ادامه دهند، قطعاً به مشکل برمی‌خورند؛ زیرا قادر به رقابت نیستند. معمولاً این‌گونه طرح‌ها در بانک هم معطل می‌شوند و بانک این طرح‌ها را به‌راحتی نمی‌پذیرد؛ چون باید پول مردم را هزینه کند و بانک مدافع پول سپرده‌گذار است و باید به سپرده‌گذار سود بدهد؛ بنابراین، باید تسهیلاتی که می‌دهد، برگردد تا بتواند پاسخ‌گوی پول و سود سپرده‌گذار باشد.

بیشتر طرح‌هایی که در سطح استان و حتی کشور نیمه‌تمام و معطل مانده‌اند، از این دسته هستند. خیلی از طرح‌ها هم بنیۀ کارشناسی تپ دو را داشته‌اند، اما به دلیل نوساناتی که در اختیار مجری نبوده و به‌طور مثال یک‌روزه قیمت همه‌چیز سه برابر افزایش یافته، به بهره‌برداری نرسیده‌اند، به بانک بدهکار هستند، روزبه‌روز سرمایه آن‌ها، مستهلک شده و به نتیجۀ مطلوب نمی‌رسند. اگر بخواهیم در خصوص هر دسته از واحدهای پرشمرده و سهمی که از لحاظ تعداد به خود اختصاص داده‌اند توضیح دهیم؛ در حال حاضر امکان اعلام آماری در این زمینه وجود ندارد. تمام واحدها متأثر از تحریم‌ها و نوسانات نرخ ارز دچار مشکل شده‌اند، به‌خصوص که بسیاری از آن‌ها در یک زنجیره تأمین قرار دارند و یکی از آن‌ها که آسیب ببیند، کل زنجیره معیوب می‌شود.

تصمیم‌گیری‌های بخش خصوصی استان را تا چه اندازه بر اساس تعریف درست مسئله می‌دانید؟

مشکلات فراروی تولید در کشور که برخی به دلیل تأثیر عوامل خارجی و تحریم‌ها و برخی نیز مربوط به نوسانات نرخ ارز است. صاحبان واحدهای تولیدی را مجبور ساخته برای نگهداری از واحد اقتصادی خود و بقای آن، در بعضی مواقع تصمیمات روزمره اخذ نمایند. عدم تأمین به‌موقع مواد اولیه و نیاز به تأمین منابع مالی لازم، مشکلات مربوط به بازار محصول، بدهی‌های معوق بانکی و مالیاتی باعث گردیده این شرایط دشوارتر شود و درواقع مدیران واحدهای تولیدی علاوه بر تمرکز بر مقابله با این مشکلات به‌نوعی

سرمایه ملی هستند، حفاظت کنیم، اما دستورالعمل‌ها و قوانین تا حدی اجازه می‌دهند به سرمایه‌گذار کمک کنیم؛ بنابراین، بخشی هم سرمایه‌گذار باید کمک کند تا بنگاه از این وضعیت خارج شود. طرح‌های دسته دوم کاملاً توجیه دارند، مشارکت بانک با این طرح‌ها جواب می‌دهد و مجریان هم تا حدی علم و دانش لازم را دارند، اما این طرح‌ها در حد کمال دسته اول نیستند. این‌ها در حالت عادی و شرایط اقتصاد باز و بدون عوامل تأثیرگذار خارجی، کار می‌کنند و تولید دارند و درنهایت در نقطه سربه‌سر، فایده و هزینه‌ها یکسان خواهد بود، اما با کوچک‌ترین تحریک و یا دو قسط معوق بانک، سیستم این بنگاه‌ها به هم می‌ریزد و به سمت رکود می‌رود.

دستگاه اجرایی که مجوز صادر می‌کند، وظیفه دارد طرح را بررسی کند و ظرفیت‌های منطقه را موردسنجش قرار دهد که آیا طرح توجیه دارد یا خیر؛ ضمن این‌که از نظر مسئولیت‌پذیری، جایی تعریف نشده که اگر دستگاه اجرایی مجوز صادر کرد و بنگاه به دلایلی که خودش مقصر نیست، دچار بحران شد، دستگاه اجرایی مربوطه باید پاسخ دهد و پشت مجوز هم نوشته شده که هیچ مسئولیتی در قبال تأمین منابع مالی و سایر مسئولیت‌ها ندارد. حتی قبلاً یک شعاع حریم داشتیم؛ به‌عنوان مثال وقتی در این محل یک آرایشگاه وجود داشت و یا فلان جا طرح تولید کارتن بود، حریمی را در نظر می‌گرفتند و تا مرز آن حریم، طرح صنفی و یا صنعتی دیگری نمی‌توانست شکل بگیرد، اما چند سالی است به

مشکلات فراروی تولید در کشور که برخی به دلیل تأثیر عوامل خارجی و تحریم‌ها و برخی نیز مربوط به نوسانات نرخ ارز است. صاحبان واحدهای تولیدی را مجبور ساخته برای نگهداری از واحد اقتصادی خود و بقای آن، در بعضی مواقع تصمیمات روزمره اخذ نمایند. عدم تأمین به‌موقع مواد اولیه و نیاز به تأمین منابع مالی لازم، مشکلات مربوط به بازار محصول، بدهی‌های معوق بانکی و مالیاتی باعث گردیده این شرایط دشوارتر شود و درواقع مدیران واحدهای تولیدی علاوه بر تمرکز بر مقابله با این مشکلات به‌نوعی برای حفظ و تعالی واحد خود تصمیمات خلق‌الساعه و روزمره اخذ نمایید.

که قبل از اجرا شده‌اند و با محدودیت‌های منابع آبی و... دچار مشکل هستند، راه‌کار جایگزین تعریف شود.

○ به نظر شما سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه تا چه اندازه از وظایف بنگاه‌ها و چه اندازه بر عهده حمایت‌های دولتی است؟ عملکرد بخش خصوصی را در این رابطه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

چیزی که خیلی در واحدها مهم است، واحد تحقیق و توسعه است. واحدها اکثراً درگیر روزمرگی بوده و تمام تلاش آن‌ها، برای این است که خود را حفظ کنند؛ بنابراین، دیگر به بخش تحقیق و توسعه نمی‌پردازند. برای تحقیق و توسعه و دانش‌بنیان شدن محصولات، از طریق معاونت فناوری ریاست جمهوری، تسهیلاتی به واحدهای فناوری و دانش‌بنیان با نرخ‌های پایین و بخشی حتی بلاعوض پرداخت می‌شود.

○ از نظر جنابعالی کیفیت مدیریت در بخش خصوصی استان تا چه اندازه مناسب زمانه است؟

کیفیت مدیریت اکثر بنگاه‌های اقتصادی استان با رویکرد سنتی است، تنها عده محدودی واحدهای اقتصادی استان از مدیریت نوین و به‌روز استفاده می‌کنند.

○ ارزیابی شما از چگونگی وضعیت بهره‌وری عوامل تولید در بنگاه‌های استان چیست؟

واحدها باید با گذشت زمان، سیستم خود را به‌روز و به‌روز نگاهدارند، اما در برخی واحدها هنوز همان دستگاه و الکتروموتور ۲۰ سال پیش کار می‌کند که افزایش مصرف برق، کار را غیراقتصادی می‌کند. در چند سال اخیر دولت از طریق وزارت صنایع، خط اعتباری گذاشته تا واحدها ماشین‌آلات را به‌روز کنند که بخشی این کار را انجام داده‌اند، اما بخشی به دو دلیل نتوانسته‌اند؛ یکی این‌که در قالب تسهیلات بود و به دلایلی که گفتم، برخی واحدها نتوانستند تسهیلات را جذب کنند و برخی واحدها هم نیاز ندیدند ماشین‌آلات را به‌روز کنند؛ چراکه دولت یارانه حامل‌های انرژی را پرداخت می‌کند؛ اگرچه در چنین شرایطی، ممکن است واحد بتواند در داخل فعالیت کند، اما در بازارهای خارجی نمی‌تواند رقابت کند.

○ خلاقیت و نوآوری از عوامل مهم و زیرساخت‌های مهم در رشد بهره‌وری است، فضای بنگاه‌های خصوصی استان تا چه اندازه عملاً برخوردار از این امر بسیار مهم است؟

با توجه به این‌که بیشتر وقت مدیران بنگاه‌های اقتصادی صرف هموارسازی مشکلات فراروی تولیدات می‌شود و اغلب گرفتار مسائل مرتبط با عوامل خارجی تأثیرگذار و عوامل درونی شرکت هستند، معمولاً کمتر به موارد نوآوری و خلاقیت می‌پردازند و تمامی تلاش آن‌ها در مرحله اول، فقط بقای واحد است. با توجه به این‌که برای R&D بایستی هزینه هم صرف شود و این عامل خود محدودیت ایجاد می‌نماید فقط تعدادی از واحدهای تولیدی استان این موضوع را در سرفصل کارهای خود قرار داده‌اند و برای آن هزینه می‌نمایند.

برای حفظ و تعالی واحد خود تصمیمات خلق‌الساعه و روزمره اخذ نمی‌کند. برخی هم توانسته‌اند این بحران را تا حدی مدیریت نمایند؛ علت آن به‌روز بودن صورت‌های مالی و تسویه به‌موقع مالیات بیمه و سایر موارد در زمان خود بوده است که باعث گردیده واحدهای مربوطه دچار آسیب زیاد نشوند. در واقع مدیران واحدهای تولیدی در برخی مواقع چاره‌ای جز تن دادن به شرایط ندارند و اغلب آن‌ها به عاقبت تصمیم اخذشده واقف‌اند، اما برای عبور از محدودیت‌های ایجادشده ناچار به اخذ تصمیمات خلق‌الساعه هستند.

○ مسئله مدیریت بنگاه‌های اقتصادی امری حیاتی است و با شناختی که از فضای بخش خصوصی استان دارید آیا در مجموع بنگاه‌های بخش خصوصی استان توانسته‌اند مدیران مناسبی برای آینده کسب‌وکارهای خود تربیت کنند؟

بررسی آمار مربوط به واحدهای فعال، نیمه فعال و راکد نشان می‌دهد که به‌عنوان مثال در بخش صنعت ۷۰ درصد آن‌ها فعال، ۱۷ درصد نیمه فعال و ۱۳ درصد راکد هستند که مهم‌ترین عوامل و مشکلات فراروی این واحدها کمبود نقدینگی، بی‌ثباتی قیمت‌ها، هزینه بالای تولید، مشکلات مالیاتی، فقدان بازار و مشکلات بیمه‌ای می‌باشد. مدیریت واحد اقتصادی ناگزیر است در زمان مناسب تصمیم درست را برای رویارویی با این مشکلات اخذ نماید. اکثر واحدها در شرایط کنونی برای رفع مشکلات اتخاذ تصمیم دارند، اما شرایط مربوط به شفاف‌سازی مستندات همیشه مانع اصلی برای تحقق این تصمیمات است. آمار فوق نشان می‌دهد وضعیت مدیریتی واحدهای تولید و انتقال آن به نسل بعد در شرایط متوسطی است. تنها برخی واحدهای تولیدی استان از مدیریت کارآمد برخوردارند اما با توجه به اینکه نحوه مدیریت در واحد خصوصی مدیریت هزینه-فایده می‌باشد لذا تسری وضعیت صحیح به نسل بعد مدیریت در واحد پررنگ‌تر از مدیریت در سایر بخش‌هاست.

○ در جهت بهبود کیفی طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت خالی اقتصاد استان چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان شناسایی شده است، همچنین محدودیت‌های استان نیز مشخص است بنابراین سرمایه‌گذاری جدید در راستای استفاده از پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری استان و تکمیل خوشه‌ها و زنجیره‌های ارزشی و تأمین سوق داده می‌شود. صدور مجوزهای فعالیت در مبحث‌های مختلف اقتصادی بایستی توسط بنگاه‌های صادرکننده مجوز، هدفمند و در راستای این ظرفیت‌ها باشد که این موضوع در دستور کار سیستم اداری استان قرار دارد، همچنین نحوه تأمین منابع مالی موردنیاز طرح‌ها در قالب تسهیلات توسط بانک‌های عامل نیز متأثر از رعایت این موضوع است؛ بنابراین هم سرمایه‌گذار و هم تیم حمایت از سرمایه‌گذاری در استان این مهم را در دستور کار قرار داده‌اند و برای اجرای طرح‌های جدید این موضوع رعایت می‌گردد، البته لازم است برای طرح‌هایی

قطعا چنین واحدهایی نیز امکان صادرات محصول به خارج از کشور و رقابت در کشور هدف را پیدا خواهند کرد.

○ به نظر شما چرا به شکل غالب در بنگاه‌های بخش خصوصی چسبندگی به شیوه‌های سنتی و تمایل اندک به تکنیک‌های جدید دیده می‌شود؟

این موضوع از تأثیرپذیری بنگاه به دلیل عوامل محیطی قابل پیش است. تعدادی از بنگاه‌های اقتصادی استان که از مدیریت جدید بهره می‌برند بهتر می‌توانند این نوسانات را کنترل کنند و در نتیجه کمتر آسیب می‌بینند، البته کمک‌ها و حمایت‌های دولت نیز تأثیرگذار است، اما نحوه استفاده از این حمایت‌ها توسط مدیریت سنتی بنگاه معمولاً با چالش مواجه است و بعضاً امکان استفاده از این حمایت‌ها به دلیل اشاره شده فراهم نمی‌شود بنابراین اکثر واحدهای اقتصادی استان مخصوصاً واحدهای کوچک نیازمند استفاده از مدیریت نوین و به‌روز هستند.

○ حوزه بازاریابی و فروش در بنگاه‌های اقتصادی استان در چه سطحی از توانمندی است؟

متأسفانه در اکثر واحدهای اقتصادی و تولیدی استان به بازاریابی و فروش به‌عنوان یک مبحث تخصصی نگاه نمی‌شود و این واحدها با کوچک‌ترین نوسان بازار و مشکلات اشاره شده دچار آسیب می‌شوند و بازار خود را از دست می‌دهند. واحدهای توانمند استان دارای تیم به‌روز بازاریابی و فروش داخل و خارج کشور هستند و این موضوع یکی از رموز موفقیت و بقای آن‌هاست. واحدهایی که با مدیریت سنتی اداره می‌شوند هنوز اعتقاد به این مهم پیدا نکرده‌اند و این تصور که فقط با تبلیغ می‌توان محصول را فروخت هنوز در این واحدها نمایان است. آسیب‌شناسی واحدهای مشکل‌دار استان نیز این بحث را تأیید می‌کند.

○ این یک اصل انکارناپذیر است که باید در اقتصاد جهانی حضور داشت؛ ارزیابی شما از بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی استان از این باب چیست؟

نکته‌ای که در این راستا هم در داخل و هم در خارج کشور مهم است، خود تحریمی است. متأسفانه وقتی که صادرکننده، کالا را صادر می‌کند، در کشور مقصد با سایر تجار داخلی رقابت می‌کند و بازار یکدیگر را تخریب می‌کنند که بسیار آسیب وارد می‌کند. همچنین برخی همین‌که اعتماد طرف‌های خارجی را جلب کردند، محصولات بعدی آن‌ها، کیفیت محصولات اولیه را ندارد؛ بنابراین، اعتماد خارجی را از دست می‌دهند. بازار داخل هم همین‌گونه است. در زمینه بسته‌بندی محصولات هم خیلی ضعیف عمل می‌کنیم که امیدواریم با راه‌اندازی پایانه صادراتی این مشکل حل شود.

○ فضای عمومی کسب‌وکار در حیطه اختیارات دولت است، دولت در عملیاتی کردن سیاست‌های بهبود فضای کسب‌وکار در استان چگونه عمل کرده است؟

دولت برای این‌که سرمایه‌گذار را تشویق کند که سرمایه‌گذاری در جایی که مواد اولیه وجود دارد، انجام گیرد، برای افرادی که در روستاها سرمایه‌گذاری کنند، تسهیلات شش‌درصدی در نظر گرفته است تا فردی که به‌طور مثال می‌خواهد در زمینه بسته‌بندی محصولات کشاورزی سرمایه‌گذاری کند، در همان جایی که محصولات وجود دارد، بنگاه را ایجاد کند و به‌جای وام ۱۸ درصد، وام شش درصد بگیرد. این بستر اکنون وجود دارد و استان کرمان تمام منابع روستایی را جذب کرده و در حال ابلاغ مرحله بعدی است. اگر ماهیت طرح به‌گونه‌ای است که باید در شهر سرمایه‌گذاری شود، وجود مناطق ویژه اقتصادی و شهرک‌ها و نواحی صنعتی، ظرفیت‌هایی است که سرمایه‌گذار می‌تواند زمین و زیرساخت‌ها را به‌راحتی دریافت و طرح را اجرا کند. این امکان وجود دارد که با نرخ ۱۸ درصد به سرمایه‌گذار وام داده‌شده و در ادامه اگر سرمایه‌گذار به تعهدات خود عمل کند، دولت یارانه نرخ سود را پرداخت می‌کند تا سود از ۱۸ درصد کاهش پیدا کرده و ریسک واحد تولیدی پایین آید.

بیشتر صاحبان واحدهای صنعتی، چک برگشتی و قسط معوق دارند و نمی‌توانند وام بگیرند که برای این افراد، دولت تسهیلات رونق تولید را گذاشته و اعلام کرده واحدی که بالای ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و یا طرحی که به بهره‌برداری رسیده و الان مشکل سرمایه در گردش دارد، حتی اگر صاحب بنگاه چک برگشتی یا قسط معوق بانکی داشته باشد، به شرطی که چک‌های برگه شده و بدهی معوق کمتر از ۲۵ درصد تسهیلات باشد، می‌تواند دوباره تسهیلات بگیرد تا واحد به حیات خود ادامه دهد. برخی واحدها صورت مالی حسابرسی شده ندارند و بانک به این صورت مالی نیاز دارد تا تسهیلات بدهد. یا به بنگاه اقتصادی ورشکسته نمی‌شود وام داد، اما علی‌رغم این‌که واحد ورشکسته است، اگر طرح، توجیه داشته باشد، بانک برای حفظ اشتغال و تولید، حاضر به پرداخت تسهیلات با وثیقه خارج از طرح خواهد بود، اما وقتی بنگاه نمی‌تواند وثیقه ارائه کند، وامی دریافت نمی‌کند.

این موانع موجب می‌شود طرح‌ها در بانک معطل بمانند و تسهیلات جذب نشود و در ادامه، دستگاه اجرایی آمار می‌دهد ۱۰۰۰ طرح به بانک معرفی کرده است، اما بانک فقط به ۱۰۰ واحد تسهیلات داده است و می‌گویند بانک‌ها مشکل دارند.

متأسفانه عدم شفافیت در عملکرد مالی بنگاه‌ها وجود دارد. اخیراً آسیب‌شناسی کرده‌ایم که چرا تسهیلات پرداخت نمی‌شود، وقتی تک‌تک طرح‌ها را با حضور سرمایه‌گذار، مدیر بانک و مدیر دستگاه اجرایی بررسی کردیم، مشاهده کردیم بیشتر مشکل مربوط به واحدهایی است که نتوانسته‌اند مدارک را به‌درستی ارائه کنند، وگرنه بانک به پرداخت وام تمایل دارد.

همچنین در خصوص هدایت کردن واحدهای تولیدی به سمت استفاده از شیوه‌های تأمین مالی؛ تاکنون اتاق بازرگانی در خصوص راه‌ها و شیوه‌های تأمین منابع مالی از طریق بورس، از طریق فرا بورس، گروه‌های سرویس‌دهنده منابع مالی و غیره، چند کارگاه



فعالیت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، اگر بخواهیم در استان موفق باشیم، باید تمام برنامه‌ها را بر مبنای هم‌افزایی پیش ببریم. نخستین کار این است که بخش خصوصی را غریبه ندانیم و فعالیت بخش خصوصی و دولتی، تنگاتنگ باشد و در اتاق مدیر دولتی، باید همیشه برای بخش خصوصی باز باشد و تا می‌تواند کار بخش خصوصی را راه بیندازد. مدیر دولتی، نباید این‌گونه فکر کند که بخش خصوصی درآمد کسب می‌کند؛ چراکه اگر فعالیتی درآمد محور نباشد، اصلاً نباید ادامه داشته باشد.

بخش خصوصی، نهاد حمایتی نیست که سرمایه‌گذاری کند و ما همواره به آن نیرو تزریق کنیم؛ بلکه باید بر اساس ظرفیت خودش، نیرو پروری و جذب منابع کند و باید درآمدزا باشد.

الان، تمام مشکلات ما در جلسات کارگروه‌ها، این است که واحدها را درآمدزا کنیم. وقتی بخش خصوصی فعال باشد، اقتصاد پویا خواهد بود، اشتغال شکل می‌گیرد و از همه مهم‌تر، شاخص‌های امنیتی مطلوب می‌شود و تبعات اجتماعی کاهش پیدا می‌کند، اما هر واحدی که تعطیل می‌شود، تبعات مختلفی از جمله مشکلات فرهنگی، بیکاری و فقر اقتصادی پیدا می‌کنیم.

ادبیات استان کرمان این است که از واحدها حمایت حداکثری کنیم، اما خیلی وقت‌ها دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها بیش از این اجازه نمی‌دهد، اما وقتی استاندار محترم برای این‌که یک طرح را روی پا نگه دارد، به تهران سفر می‌کند؛ یعنی از بالاترین ظرفیت استان استفاده شده است؛ ضمن این‌که نماینده‌های محترم مردم در مجلس هم، همه پای کار هستند؛ بنابراین، وقتی این هم‌افزایی شکل بگیرد، دغدغه بخش خصوصی هم کمتر خواهد شد و خیالش راحت است که اگر به مشکل برخورد کند، مدیریت استان به او کمک می‌کند تا مشکلات برطرف شود.

آموزشی برگزار نموده است، چند نفر از این کارگاه‌ها و دوره‌ها استفاده کرده‌اند؟ چون راحت‌ترین مسیر بانک است، همه به دنبال استفاده از تسهیلات بانکی هستند. درحالی که یکی از راه‌های تأمین مالی، مشارکت است، اما الان، برادر یا برادر حاضر به مشارکت نیست؛ بنابراین، همه بانک محور شده‌اند.

○ مصائب فضای کسب‌وکار نقل محافل سالیان سال است، مهم‌ترین مشکلات و مسائل درون بنگاهی بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی استان چیست؟

از مشکلات اصلی درون واحدها، می‌توان به عدم شفافیت مالی، نداشتن برنامه جامع فروش و بازاریابی، تک‌محوری بودن تأمین منابع مالی بر پایه تسهیلات بانکی، عدم مشارکت و تعاون، مدیریت سنتی، بهره‌وری پایین تولید، بالا بودن هزینه تولید، عدم توجه به کیفیت کالای تولیدی، عدم رعایت بازار داری و ثبات کیفیت محصول ارائه شده به بازار، نیروی انسانی مازاد و ناکارآمد، به‌روز نبودن سیستم‌های حسابداری، مالیاتی، تأمین اجتماعی و ... اشاره نمود. شایان‌ذکر است برخی از این عوامل باعث شده که امکان استفاده از کمک‌های دولتی و حمایت سرمایه‌گذاری توسط واحد فراهم نگردد.

○ درمجموع چه نقدی بر چگونگی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی استان با تأکید بر عملکرد بخش خصوصی دارید؟

دولت یک‌سری ظرفیت‌ها ایجاد کرده و همچنان ایجاد خواهد کرد، یک‌سری برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت هم دارد که بخشی از این برنامه‌ها اجرا شده، بخشی در دست اجراست و بخشی هم باید بعداً به‌صورت برنامه عملیاتی شود. قطعاً یک‌سری اتفاقات مثل تحریم‌ها و نوسانات نرخ ارز، روی

آلایندگی نداشته باشد، اما باید ببینیم چگونه می‌شود آلایندگی را کنترل و محدود کرد؛ به‌طور مثال اگر یک واحد تولیدی می‌خواهد مواد شیمیایی تولید کند، همان ابتدای کار باید طرح ارزیابی زیست‌محیطی را تهیه کند، نه این‌که تمام کارها را انجام دهد، بعد به سراغ محیط‌زیست برود. چراکه محیط‌زیست قطعاً طرح ارزیابی محیط‌زیست را درخواست می‌کند که در اینجا سرمایه‌گذار می‌گوید دو سال است دارم دوندگی می‌کنم، الان شما جلوی من را گرفته‌اید؛ بنابراین، اینجاست که آن مراکز مشاوره‌ای که بیان کردم، می‌توانستند کمک کنند.

الان پنجره واحد سرمایه‌گذاری که باهمت استاندار محترم راه افتاد، همین کار را انجام می‌دهد. در پنجره واحد سرمایه‌گذاری، وقتی سرمایه‌گذار وارد جلسه می‌شود، هم‌زمان زیرساخت‌ها و نوع آلایندگی طرح بررسی می‌شود تا طرح طی یک تا دو هفته تعیین تکلیف شود، نه این‌که بعد از دو سال اعلام کنند طرح آلایندگی است و یا نمی‌توانیم آب موردنیاز را تأمین کنیم.

از ابتدای راه‌اندازی پنجره واحد، حدود ۴۰ پرونده طی دو هفته تعیین تکلیف و مجوز صادر شده است.

برخی دستگاه‌های اجرایی، حداقل مجوزها را هم نمی‌توانستند صادر کنند که موضوع واگذاری اختیارات از استان کرمان کلید خورد و به دو مصوبه هیئت‌وزیران و در حدود ۸۶ مورد تفویض اختیار منجر شد که این موضوع همچنان ادامه دارد.

اما باز برمی‌گردم به چند نکته که باید اعتمادسازی کنیم و تعامل بین بخش خصوصی و دولت را افزایش دهیم؛ ضمن این‌که شفاف‌سازی هم بسیار مهم است؛ چراکه از غیر شفاف بودن، تنها افرادی سود می‌برند که می‌خواهند سوءاستفاده کنند؛ بنابراین، بستر نباید به‌گونه‌ای باشد فردی که شفاف است، تنبیه شود.

باید یک موضوع مهم را اطلاع‌رسانی کنم. در سال ۸۹ برای سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی و استان‌هایی که از مرز تأثیر می‌گیرند، یک مصوبه هیئت‌وزیران داشتیم که یک‌سری مشوق‌هایی در نظر گرفته شد تا هرچقدر می‌توانیم سرمایه‌گذاری‌ها را پراکنده کنیم و در نتیجه، امنیت را افزایش دهیم. بر این مبنای، در استان کرمان، شهرستان‌های جنوبی، به‌جز جیرفت، شهرستان‌های غربی، شهرستان‌های بافت و ارزوئیه و دو بخش گلباف و چترود در قلمرو جغرافیایی شورای امنیت توسعه پایدار شرق و غرب کشور قرار دارند.

در سال ۸۹ قرار شد فردی که در این مناطق سرمایه‌گذاری می‌کند، دولت ۵۰ درصد نرخ تسهیلات بانکی او را پرداخت کند، تخفیف‌های مالیاتی داشته باشد و ریسک امنیتی بیمه شود ضمناً دولت موظف شد تمام زیرساخت‌ها را تأمین کند. این طرح در آن دوره به دلیل مشکلات مالی دولت عملیاتی نشد، اما در سال گذشته دوباره این بخش‌نامه احیاء شده و سازمان مدیریت کشور تقبل کرده است که ۵۰ درصد مابه‌التفاوت نرخ تسهیلات را پرداخت کند و بیمه مرکزی هم ریسک را پذیرفته است. اکنون، منتظر آیین‌نامه اجرایی این طرح هستیم تا افرادی که در این مناطق سرمایه‌گذاری می‌کنند، بتوانند از تسهیلات ویژه آن استفاده کنند. ●

در چهار سال قبل، استاندار وقت خیلی تلاش کرد این اعتمادسازی شکل بگیرد و موفق هم بود؛ الان هم، همان رویه ادامه دارد و آقای استاندار خیلی روی این موضوع وقت می‌گذارد؛ بنابراین، هم‌افزایی و اعتمادسازی بین بخش دولتی و بخش خصوصی، فارغ از رانت و مسائل سیاسی، ضروری است، اما اگر رانت و مسائل سیاسی وسط بیاید، قطعاً به موفقیت نمی‌رسیم و اگر اتفاقی هم بیفتد، مقطعی خواهد بود.

● به آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها اشاره کردید، گاهی آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها توسط مدیران میانی و کارشناسان دولتی، تفسیر به رأی می‌شود، به نظر شما برای حل این مشکل چه باید کرد؟

به نوع مشکل بستگی دارد، یک‌سری ساختارهایی داریم که موازی هستند؛ به‌عنوان مثال ساختاری داریم به نام دستگاه اجرایی، که برای خودش سیستمی دارد، یک سیستم هم به نام بانک داریم که باید تأمین مالی کند، ساختاری داریم به نام محیط‌زیست که باید از معضلاتی که برای محیط‌زیست پیش می‌آید، جلوگیری کند و ساختاری داریم که باید منابع آب را حفظ کند که این ساختارها، قانون‌های خودشان را دارند و کارشان را هم انجام می‌دهند؛ اما به‌طور مثال در زمینه رفع موانع تولید و حمایت از واحدها که هیئت‌وزیران و ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی یک‌سری آیین‌نامه‌ها مصوب کرده‌اند که این اتفاق‌ها باید بیفتد؛ به‌موازات آن، وقتی در هیئت‌وزیران مصوب شده، بانک مرکزی هم به‌عنوان یک عضو هیئت‌وزیران، باید در شاکله بانکی زیرساخت این کار را فراهم کند، اما وقتی در شاکله بانکی نگاه می‌کند، کمبود منابع، مطالبات بالا و قیمت گران و تمام‌شده پول، برای بانک مرکزی محدودیت ایجاد می‌کند؛ ضمن این‌که باید مراقبت کند تا منابع محدود بانکی آسیب نبیند و همچنین مراقبت کند تا مطالبات بانک‌ها را بدون این‌که به کسی خسارت وارد شود، وصول کند و در ادامه، زمانی که می‌خواهد مصوبه را در سیستم بانکی به آیین‌نامه اجرایی تبدیل کند، این ملاحظات را رعایت می‌کند؛ بنابراین، بخش‌نامه‌ای که از طرف بانک می‌رسد، با بخش‌نامه‌ای که وزارتخانه فرستاده، اگرچه مغایر نیست و هم‌پوشانی دارند، اما دقیقاً مثل هم نیستند و اینجاست که دچار دوگانگی می‌شویم. به‌موازات همه این‌ها، باید مراقب منابع آب هم باشیم. وقتی در

کشاورزی بیش از ۹۵ درصد آب مصرف می‌شود و دولت هم برای تغییر آبیاری سنتی به نوین، کمک بلاعوض گذاشته، این‌که چرا موفق نمی‌شوند از این منابع استفاده کنند به این دلیل است که اکثراً سندها مشکل دارد، خرده‌مالکی است و برخی مجوزهای چاه مشکل دارد؛ بنابراین، نمی‌توانند پرونده را تکمیل کنند.

دستگاه‌های متولی باید برای صدور مجوز، سندها و طرح کاداستر کار را سریع انجام دهند که تلفیق تمام این موارد، کار را دچار محدودیت می‌کند؛ وگرنه اگر تمام زیرساخت‌ها آماده باشد، مشکلی برای دریافت تسهیلات وجود ندارد.

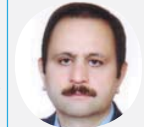
در حفاظت محیط‌زیست هم نمی‌توانید کارخانه‌ای نشان دهید که

شریک خوب است، اگر...



< عبدالرضا تحسینی

فعال اقتصادی و مدیرعامل سازمان
مدیریت صنعتی استان کرمان



شراکت یا به صورت قانونی و با ثبت شرکت انجام می‌شود و یا با توافق داخلی کتبی یا شفاهی طرف‌های شراکت صورت می‌پذیرد. ثبت شرکت در ایران تحت «قانون تجارت» و در ادارات ثبت انجام می‌شود و توافقات داخلی «مشارکت بدون ثبت شرکت» با توافق طرفین و معمولاً مکتوب با یا بدون حضور شاهد و با یا بدون ثبت آن در دفاتر اسناد رسمی انجام می‌شود، البته توافق شفاهی طرفین هم می‌تواند به شراکت منتهی شود که به نظر نگارنده امروزه بدترین و سست‌ترین نوع شراکت است. همان‌طور که گفته شد در این متن موارد حقوقی شراکت مدنظر نیست و صرفاً از جنبه مدیریت کسب‌وکار به آن پرداخته می‌شود، لذا ضمن ذکر موارد مهم در صورت لزوم و در حد ضرورت اشاره‌ای عمومی و غیرتخصصی به مسائل حقوقی خواهد شد.

چرا شراکت؟

کارآفرین عزیز لطفاً از خودت سؤال کن اصولاً چه نیازی به شریک برای راه‌اندازی و یا تداوم کسب‌وکار داری؟ برخی پاسخ‌ها می‌تواند از جمله این موارد باشد:

– برای ثبت شرکت، الزاماً به نام چند نفر برای مجمع و هیئت‌مدیره نیازمندم وگرنه خودم از عهده همه مسائل برمی‌آیم. با راه‌حل‌های قانونی و با تنظیم مستندات می‌توان از دخالت آنان در امور شرکت (تصمیم‌گیری‌ها و بهره‌مندی از منافع شرکت) جلوگیری کرد و درواقع آن افراد نه شریک که طرف قرارداد و یا در استخدام شما هستند و خودتان به‌عنوان سهامدار اصلی و مدیر شرکت فعال مایشاء خواهید بود.

– سرمایه کافی، تخصص کافی، وقت کافی و یا توان مدیریتی کافی ندارم.

بررسی کنید آیا می‌توانید همه این خدمات‌ها را بخردید یا نه! اگر به سودآوری و توسعه آتی کسب‌وکاران اطمینان دارید می‌توانید

یکی از نکات حساس در مدیریت و پایداری کسب‌وکارها «شراکت» است که از عمده‌ترین دلایل عدم موفقیت کافی یا شکست کسب‌وکارهاست که در این قسمت به آن می‌پردازیم. البته در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که این متن یک متن مدیریتی است و نه حقوقی. لذا تعاریف و توصیفات، قابل استناد حقوقی نبوده و صرفاً جهت اطلاع کارآفرینان جوان تنظیم شده است. توافق با یک یا چند شخصیت حقیقی یا حقوقی دیگر برای انجام کار و تقسیم منافع با او یا آنها، معنی تحت‌اللفظی و عملیاتی شراکت و یا شریک شدن است. شراکت با به‌کار گرفتن کسی (استخدام) یا توافق برای انجام کاری در ازای مبلغ یا مال (پیمانکاری) متفاوت است و معمولاً شراکت برای مدت نامحدود و عموماً پیرامون موضوع خاصی است.

سیاست انتخاب شریک به دلیل عدم توانایی یک نفر برای انجام همه امور یک کسب‌وکار و فقدان توانایی برای گردآوردن همه زیرساخت‌ها و نیازمندی‌ها به‌تنهایی است. کمبود سرمایه، فقدان یا کمبود تخصص، بهره‌گیری از نفوذ و ارتباطات، دفع شریک اصطلاحاً باج دلایل اصلی جذب شریک است، در این متن دلایل عاطفی و خیریه نظیر نذورات، خیرات، وقف و... مدنظر نیست اگرچه از نظر حقوقی گاهی مهم و تأثیرگذارند. مثلاً کسی صاحب زمینی است اما سرمایه کافی و یا تجربه و تخصص کافی برای تبدیل آن به یک مجموعه تجاری را ندارد و یا مدعیانی برای تبدیل زمین بایر به آن سازه بزرگ وجود دارد. لاجرم تن به مشارکت با اشخاص حقیقی یا حقوقی صاحب نفوذی می‌دهد که در مقابل مدعیان موردحمایت قرار گیرد و یا نهایتاً سهم کوچکی به مدعیان تخصیص می‌دهد تا مانع انتفاع بزرگ‌تر او نشوند. در همه این حالات شراکت اتفاق می‌افتد که نتیجه آن محدود شدن اختیارات و منافع نفر اصلی است و دیگر نخواهند توانست به‌تنهایی تصمیم گرفته و اجرا کنند، البته ریسک‌پذیری او کاهش خواهد یافت و همواره باید به نظرات شریک یا شرکا توجه کند و به روش‌های مختلف آنان را هم‌داستان خود کند.

طالب شراکت هستند.

آیا آنان در سرمایه‌گذاری مشارکت می‌کنند؟ آیا در صورت شراکت در هنگام زیاندهی طرح به اندازه سهم خود تقبل جبران زیان خواهند کرد؟ آیا توان علمی و فنی دارند تا در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کنند؟ قطعاً پاسخ همه سؤال‌ها منفی ست. پس آنان شرکای خوبی نیستند. اگر راهی برای مقابله نداشتید برای آنان عدد مشخصی را تعیین کنید و به تعهد خود عمل کنید اما شریکشان نشوید.

مثال؛ ماهواره‌هایی که در مدار زمین قرار می‌گیرند دیده‌اید؟ معمولاً وزن آن‌ها حدود دویست کیلوگرم است، اما برای قرار دادن آن‌ها در مدار از موشک‌های چند ده تنی با طول چند ده متری استفاده می‌شود که در طول مسیر مخازن عظیم سوخت که تخلیه شده‌اند و دیگر کاربردی برای قسمت اصلی ندارند از آن جدا می‌شوند تا مابقی موشک با وزن کمتر و آزادتر به مسیر خود تا مدار اصلی ادامه دهد. ماجرای شراکت نیز چنین است. آیا می‌توان موشک را به‌طور کامل در مدار قرارداد و انتظار کارایی کامل از آن داشت؟ قطعاً خیر. کسب‌وکار نیز چنین است، ادامه راه با کسانی که تنها در سال اول برای شرکت کاربرد داشته‌اند و بعد از آن فقط به امضا آنان نیاز است و حتی شاید به آن‌هم نیازی نباشد و تنها باید پاسخگوی گلیه‌های آنان از بی‌اطلاعی از اتفاقات شرکت بود عیناً مصداق مخازن سوخت موشک حامل ماهواره است، لذا بدون اینکه قصد داشته باشید حق کسی را پایمال کنید با برنامه‌ریزی دقیق و روشن و آگاه‌سازی افراد نسبت به نیازتان و مدت و نوع نیازتان همچون ماهواره‌های کوچک و چابک و بدون اجزاء اضافی راه خود به‌سوی موفقیت را باز کنید.

با چه کسی شریک شوم؟

انتخاب شریک در کسب‌وکار همانند انتخاب شریک در زناشویی است و باید با همان دقت و وسواس به آن پرداخته شود. شما گاهی حتی بیشتر از آنچه در خانه به سر می‌برید در محل کار و در ارتباط با همکاران و مشتریان و مخاطبان هستید و چنانچه آن محیط برای‌تان راحت و مطلوب نباشد از آن گریزان و نسبت به آن بی‌رغبت خواهید بود و علاوه بر آن شریک نامناسب نه‌فقط روان شما را دچار پریشانی خواهد کرد موجب زیان و خسارت مالی و حتی نابودی کسب‌وکار شما خواهد شد. برحسب تجربه، برخی بایدها و نبایدها که در انتخاب شریک ضروری به نظر می‌رسد مطرح می‌گردد:

- با کسی شریک شوید که با شما هم هدف باشید

افراد با انگیزه‌های مختلف دست به فعالیت می‌زنند و به همین دلیل رفتار متناسب با همان انگیزه را از خود بروز می‌دهند. شاید شریک شما برای این‌که بعد از بازنشستگی خانه‌نشین نشود به دنبال مشارکت با شما و راه‌اندازی کسب‌وکار است؛ قطعاً این شخص به‌اندازه شما حاضر به پذیرش ریسک و جنب‌وجوش



با قراردادهایی همه این‌ها را به دست آورید و شریک نداشته باشید. اگر نیازمند سرمایه کمی هستید و ایده شما به‌سرعت بازگشت سرمایه و سودآوری خواهد داشت پول را قرض بگیرید و تا ابد خود را دچار شریکی که در ابتدای راه مبلغی سرمایه‌گذاری کرده و در آینده هیچ کمک دیگری به شما نخواهد کرد نکنید. آیا با استخدام فرد یا افرادی که صاحب تخصص موردنیاز شما هستند نیاز پروژه شما مرتفع می‌شود؟ آیا پس از راه‌اندازی بازهم به تخصص و حضور دائمی آنان نیازمندید؟ آیا در آینده تخصص آن‌ها کهنه و بلااستفاده خواهد شد؟ اگر پاسخ این سؤالات سؤالات مشابه آن منفی است شریک نگیرید خدمت آنان را باقیمت متناسب و جذاب بخرید و در آینده درگیر سلابق و عقاید آن‌ها برای کسب موافقتشان برای مسائل پروژه یا شرکت نشوید.

- نیازمند نفوذ و ارتباطات کسی برای راه‌اندازی کار و یا گرفتن قرارداد هستم.

عیناً مانند مورد قبل است. علاوه بر آن اگر طرف مربوطه که در شرایط فعلی متنفذ و مقبول است به هر دلیلی مغضوب واقع شد، احتمالاً تبعات شراکت او دامن‌گیر شما و طرحتان شود. پس ریسک نکنید.

اهالی منطقه یا متنفذین سهم خواهی (باچ‌خواهی) می‌کنند و

عدم وفاداری خواهند یافت و به شما خیانت خواهند کرد.

- با افراد نادان شریک نشوید

افراد نادان هر قدر هم که ثروتمند باشند از آنجا که قدرت درک و تحلیل ضعیفی دارند به راحتی تحت تأثیر جوسازی مغرضان قرار می‌گیرند، شمارا رها می‌کنند و یا سرخود دست به اقداماتی می‌زنند که شمارا به زحمت می‌اندازند.

- با افراد ضد قانون و قانون‌گریز مشارکت نکنید

این‌گونه افراد همواره منشأ گرفتاری‌اند و همیشه درگیر قانع کردن آن‌ها برای تمکین به قانون خواهید بود. کسانی که برای حقوق دیگران ارزش قائل نیستند با شما هم همین‌طور خواهند بود از آن‌ها بپرهیزید وقت و اعصاب خود را صرف کارهای مفیدتر کنید.

- شریک شما باید هم‌تراز شما در اخلاق عمومی باشد

اگر شریک شما پرحرف و راج و یاوه‌گو، نظریات و چشم‌چران، فضول، نا تمیز و با ظاهر غیر آراسته، پرخواب، دمدمی‌مزاج (moody)، بددهان و با ادبیات زشت، پرخور و شکم‌چران، بی تعهد و شلخته نسبت به زمان و قرار، ولخرج و خودنما یا ناخن‌خشک و لئیم، عصبی و پرخاشگر، کامل‌گرا (فرا تر از کمال‌گرا)، عجول و پراسترس، مشکوک و بددل و در مجموع تفاوت فاحش با شما داشته باشد، تردید نداشته باشید شراکت شما در خطر است؛ زیرا شما به‌عنوان فردی متعادل و متوسط باید همیشه دغدغه آبروریزی و گرفتاری به‌واسطه اخلاق و رفتار ناپسند شریکتان را داشته باشید و یا دائماً دنبال راه‌حل برای فرار از او یا جلسه با مخاطبان بدون او باشید. آیا می‌توانید او را قانع کنید در جلسه با مشتری یا تأمین‌کننده یا ... با لباس اسپرت و دگمه بسته نشده بالای پیراهن و کفش واکس نزده حاضر نشود و یا در جلسه به‌جای شکم‌چرانی و چشم‌چرانی یا وراجی و یاوه‌گویی مؤدبانه گوش کند و در حد ضرورت و بجا سخن بگوید و اسباب پریشان‌حالی شمارا فراهم نکند؟

توصیه‌هایی برای حفظ شراکت

۱- مالی و حسابداری:

حسابداری شفاف و به‌روز داشته باشید و حداقل در پایان هر ماه در جلسه‌ای اختصاصی برای کنترل مسائل مالی با همه شرکاء داشته باشید و حتماً صورت‌جلسه‌ای تنظیم کنید که در آن حاضران در جلسه اعلام حضور و اقرار به اطلاع از حساب‌های شرکت نمایند. توجه ویژه به سرفصل‌های جاری شرکاء، بدهکاری و بستانکاری شرکا داشته باشید،

- با هیچ‌یک از شرکاء دریافت و پرداخت دستی و علی‌الحساب نداشته باشید و حسابدار یا صندوقدار را برای پرداخت دستی یا انجام هزینه‌های شخصی شرکا تحت فشار قرار ندهید،

- هیچ‌یک از شرکاء رابطه خاص ویژه با حسابدار برقرار نکنند و ترجیحاً حسابدار و کارکنان بخش مالی نسبت فامیلی با شرکاء نداشته باشد،

نخواهد بود، یا شریک جوان که متکی به ثروت خانوادگی است فقط برای داشتن عنوان مدیرعاملی یا نظایر آن و تفاخر نزد خانواده خود و خانواده نامزدش شریک شما می‌شود لذا مطالبه گر حضور در جلسات و گردهمایی‌های مهم، اخذ جوایز از مسئولین و مصاحبه و گرفتن عکس یادگاری خواهد بود و به گرفتاری‌های درون‌سازمانی شما بی‌تفاوت خواهد بود و شرکت را برای رفع این نیازها و اثبات خودش به دیگران می‌خواهد و هیچ‌وقت همدل شما نخواهد شد. پس موشکافانه و باظرافت، انگیزه‌های افراد از شراکت را بفهمید تا بدانید همراه چه کسی به میدان جنگ می‌روید.

- با شخص دروغ‌گو شریک نشوید

تردید نداشته باشید که دیر یا زود واقعیت افشا می‌شود و شرمندگی دروغ‌گویی شریکتان برای شما و بنگاهتان نزد مخاطبان دامن‌گیرتان خواهد شد، از طرفی همیشه دل‌نگران این خواهید بود که آیا به شما هم دروغ می‌گوید یا خیر.

- با افرادی مشارکت کنید که به‌اندازه خودتان جاه‌طلب و

ریسک‌پذیر باشند

اگر شرکا به یک اندازه جاه‌طلب و ریسک‌پذیر نباشند همواره باهم دچار کشمکش خواهند بود و یکدیگر را در عدم موفقیت ناشی از عدم ریسک‌پذیری یا شکست در اثر ریسک مدیریت نشده مقصر خواهند دانست. البته تا حدودی تفاوت در شجاعت یا محافظه‌کاری می‌تواند شانس اتخاذ تصمیمات درست را افزایش دهد، به عبارتی شرکا به‌عنوان مکمل یکدیگر عمل کنند، ولی توجه داشته باشید شریک ترسو به شما در موفقیت‌های انفجاری کمکی نخواهد کرد.

- با افراد معتاد شریک نشوید

معتادین به مواد افیونی همواره چند ساعت در شبانه‌روز را در شرایط مناسب برای کار و حضور در جلسه و تصمیم‌گیری نیستند و برنامه‌ریزی روی آنان ناممکن یا مشکل است، از طرفی در مسافرت با آنان باید نگران مسائل حاشیه‌ای آنان باشید و در مجموع زمینه سرشکستگی و شرمندگی شمارا نزد مخاطبان فراهم می‌کنند.

- با افرادی شریک شوید که حتی المقدور هم‌تراز شما باشند

افرادی را به شراکت دعوت کنید که از نظر جایگاه مالی، اجتماعی، خانوادگی و ... به خودتان نزدیک باشند در غیر این صورت به دلایل مختلف از هم فاصله خواهید گرفت و ارتباط لازم بین شما شکل نخواهد گرفت.

- مراقب افراد ظاهر فریب و ظاهر اصلاح باشید

شراکت با افرادی که فقط ادعای پایبندی به دین و اخلاق و اصول انسانی را دارند، اما دین در اخلاق و باطن آن‌ها رسوخ نکرده اشتباه محض است؛ زیرا افراد بی‌اخلاق و بی‌تعهد توجیهاتی را برای

- اگر درباره تصمیمی که شریکتان گرفته است نگرانی دارید بی‌پرده و شفاف با او در میان بگذارید و تا قانع نشده‌اید یا او تماماً مسئولیت تصمیمش را نپذیرفته است موضوع را پیگیری کنید،

- بعد از مشکلات مالی، اختلافات ناشی از کارکنان یکی از دلایل اختلاف شرکا، محسوب می‌شود. در جلسات خصوصی با شرکاء، استراتژی و برنامه بنگاه در حوزه منابع انسانی را تبیین و تعیین کنید و به آن پای بند باشید تا کارکنان نوای واحد و روشنی را از مدیران بشنوند.

۴- ارتباطات شخصی:

- اختلافات و سوءتفاهمها را مجمل و حل‌نشده باقی نگذارید. مرتباً باهم جلسه شفاف بگذارید و دلخوری‌ها را مطرح و حل کنید و بعد از حل هر مشکل برای جلوگیری از تکرار آن راه‌حل روشنی پیش‌بینی کنید،

- توصیه شخصی نگارنده این است که ترجیحاً از ارتباطات و رفت‌وآمد خانوادگی با شرکاء بپرهیزید و حتی در حد توان! مسائل کار و شراکت را در خانواده مطرح نکنید؛ چراکه در صورت بروز هر کدورتی بین خانواده‌ها شراکت شما به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و یا دخالت خانواده‌ها درباره نقش‌ها و وظایف و عایدی‌ها، یا زندگی یا کار و یا هر دو را بر شما چهنم خواهد ساخت.

- میزان دریافتی ماهانه و سهم سود باید از قبل تعیین‌شده باشد و بر همان مبنا اقدام شود. این‌که یکی از شرکا زندگی پرهزینه‌تری دارد، دلیل برخالی کردن نقدینگی شرکت نیست و جریان نقدینگی شرکت نباید بر اساس نیاز شرکاء تنظیم شود. در این موارد اغماض نکنید و بی‌پرده و رک باشید. اجازه ندهید یکی از شرکاء بیش‌ازاندازه به شرکت بدهکار یا از آن بستانکار باشد؛ چراکه آینده شراکت را به مخاطره خواهد انداخت،

- حضور بی‌مورد و زائد بستگان و دوستان شرکاء در شرکت را کنترل کنید. شرکت محل کار مشخصی است و قرار نیست محفل دوستان و همکلاسان یا محل کسب‌وکار شخصی سایرین باشد. در صورت لزوم به شریکتان تذکر دهید،

- از مخفی‌کاری و جلسات خصوصی و محرمانه که باعث ایجاد شبهه یا سوءظن در شریکتان می‌شود جدا بپرهیزید و در صورت داشتن چنین قرارها و تماس‌هایی، بلافاصله شریکتان را روشن و آگاه کنید و در صورت لزوم او را در جریان محتوا و نتایج آن جلسات و تماس‌ها بگذارید.

۵- شراکت در شخصیت حقوقی:

- شخصیت حقوقی در ایران بر مبنای قانون تجارت که نزدیک به یک قرن پیش تدوین‌شده است شکل می‌گیرند و به اعتقاد نگارنده این قانون همچنان یکی از بهترین و کارآمدترین قوانین کشور است و بسیار مهم است که قبل از ثبت شرکت با قانون تجارت آشنا باشید و صرفاً شنیده‌ها از کارکردهای قانون تجارت

- تکلیف ضمانت‌ها و تعهدات شرکاء به نسبت سهم الشرکه شان را کتباً معلوم کنید و چنانچه شرکت تکلیفی از این بابت خواهد داشت به‌طور شفاف آن را ثبت و ضبط کنید،

- بسیار مهم است، شرکاء بابت عملکردشان دریافتی روشن و تعیین‌شده از سوی هیئت‌مدیره داشته باشند و هر پرداخت اضافی تحت هر عنوان صرفاً با موافقت و مصوبه هیئت‌مدیره باشد و زمان بازپرداخت آن نیز در همان مصوبه تعیین گردد و پیگیری برای انجام تعهد در زمان تعیین‌شده نیز صورت پذیرد،

- تعیین اولویت پرداخت‌ها در زمان فقدان نقدینگی با مدیرعامل و یا تصمیم هیئت‌مدیره باشد،

- ارتباط مالی با طرف حساب‌های خارج از بنگاه صرفاً و تنها از طریق امورمالی بوده و شرکاء به‌هیچ‌وجه در آن مداخله نداشته باشند و هر اقدام مالی شرکاء با ذینفعان بااطلاع و موافقت هیئت‌مدیره باشد،

- دریافت هر نوع هدیه، پورسانت و نظایر آن از سوی مدیران و شرکاء ممنوع باشد و یا بااطلاع و موافقت سایر شرکاء باشد و حتماً در حساب‌های شرکت عمل شود،

- حتماً و حتماً به وظایف قانونی مالی نظیر مالیات و بیمه عمل کنید تا شرکاء ناراضی از آن به‌عنوان حربه‌ای علیه شرکت استفاده نکنند و از باج‌خواهی جلوگیری شود،

- حتی‌المقدور از امکانات مالی و امتیازات بستگان و دوستان شرکاء استفاده نکنید مگر اینکه آن را ارزش‌گذاری و تقویم کرده باشید و نحوه جبران را کتباً و شفاف روشن‌شده کرده باشید.

۲- کارکنان شرکت:

- انتخاب کارکنان و تعیین شرح وظایف آنان و پایش عملکرد آنان با مدیر بنگاه است و شرکاء حق دخالت در آن را ندارند و اگر نکته‌ای در نظر دارند باید فقط با مدیر مطرح کنند تا او با صلاحدید خود عمل کند،

- به‌کارگیری کارکنان و امکانات و اموال شرکت برای امور شخصی شرکاء و یا در خارج از بنگاه را ممنوع کنید و یا صرفاً در خارج از وقت با رضایت کامل کارگزار و با جبران خدمت بلافاصله از سوی شریک مربوطه باشد،

- ترجیحاً از استخدام نزدیکان وابستگان شرکاء بپرهیز کنید و یا به‌طورجدی و روشن اعلام کنید که در محیط و زمان کار هیچ وابستگی را مدنظر قرار نخواهید داد،

۳- تعیین حدود وظایف و اختیارات:

- با شریک خود، حوزه عملکرد و تصمیم‌گیری‌تان را مشخص و معلوم و مکتوب کنید و جز با هماهنگی از آن عدول نکنید. اگر شما متولی بخش فروش هستید و او مدیر تولید، مشکلاتتان با بخش تولید را با او در میان بگذارید تا حل‌وفصل کند و مستقیماً اقدام نکنید،



وجود دارد، در صورت استفاده از هر برگ چک، بلافاصله استفاده از آن را با ذکر جزئیات ثبت و برای صاحبان امضا پیامک کنید و در اولین جلسه هیئت‌مدیره لیست آن‌ها را ارائه کرده و در ذیل لیست موافقت و اطلاع آنان را مکتوب کنید،

- هرگونه پرداخت به هیئت‌مدیره و سهامداران (اعضا مجمع) را منوط به مصوبه هیئت‌مدیره کنید و در رعایت آن جدی باشید،
- اگر مرتکب اشتباهی شدید خودتان آن را به اطلاع شرکاء برسانید و چاره‌جویی کنید و اجازه ندهید آن‌ها را کشف کنند،
- در انجام وظایف و تکالیف قانونی شرکت جدی باشید. از پنهان‌کاری به‌ویژه در صورتهای مالی خودداری کنید. بهترین حربه برای شریک ناراضی، استناد به تخلف در حساب‌ها، نزد دستگاه‌های نظارتی است. اگرچه در این افشاگری‌ها همه اعضا هیئت‌مدیره مسئول خواهند بود، اما حس انتقام و خشم، افراد را نسبت به خود و دیگران کور می‌کند،

- در برگزاری مجامع عمومی جدی و کوشا باشید. توجه داشته باشید برگزاری جلسه مجمع عمومی سالانه و تأیید صورتهای مالی به‌منزله تسویه‌حساب مدیرعامل و هیئت‌مدیره با شرکت و مجمع است. لذا مقید باشید در زمان مقرر و با رعایت تمامی تشریفات قانونی مجامع را برگزار کنید و به تکالیف آن عمل کنید،

- از برقراری روابط بیش‌ازحد نزدیک و با عاطفی با فرد خاصی از شرکاء اجتناب کنید تا شک و رشک دیگران برانگیخته نشود. رعایت موارد بالا پس از مدتی از شما چهره‌ای جدی، نفوذناپذیر، مسئولیت‌پذیر و امین در بین شرکاء خواهد ساخت و تا وقتی که به آن‌ها پای بند باشید می‌توان امیدوار بود که شرکت از ناحیه شما و شرکاء صدمه داخلی نخواهد خورد. ●

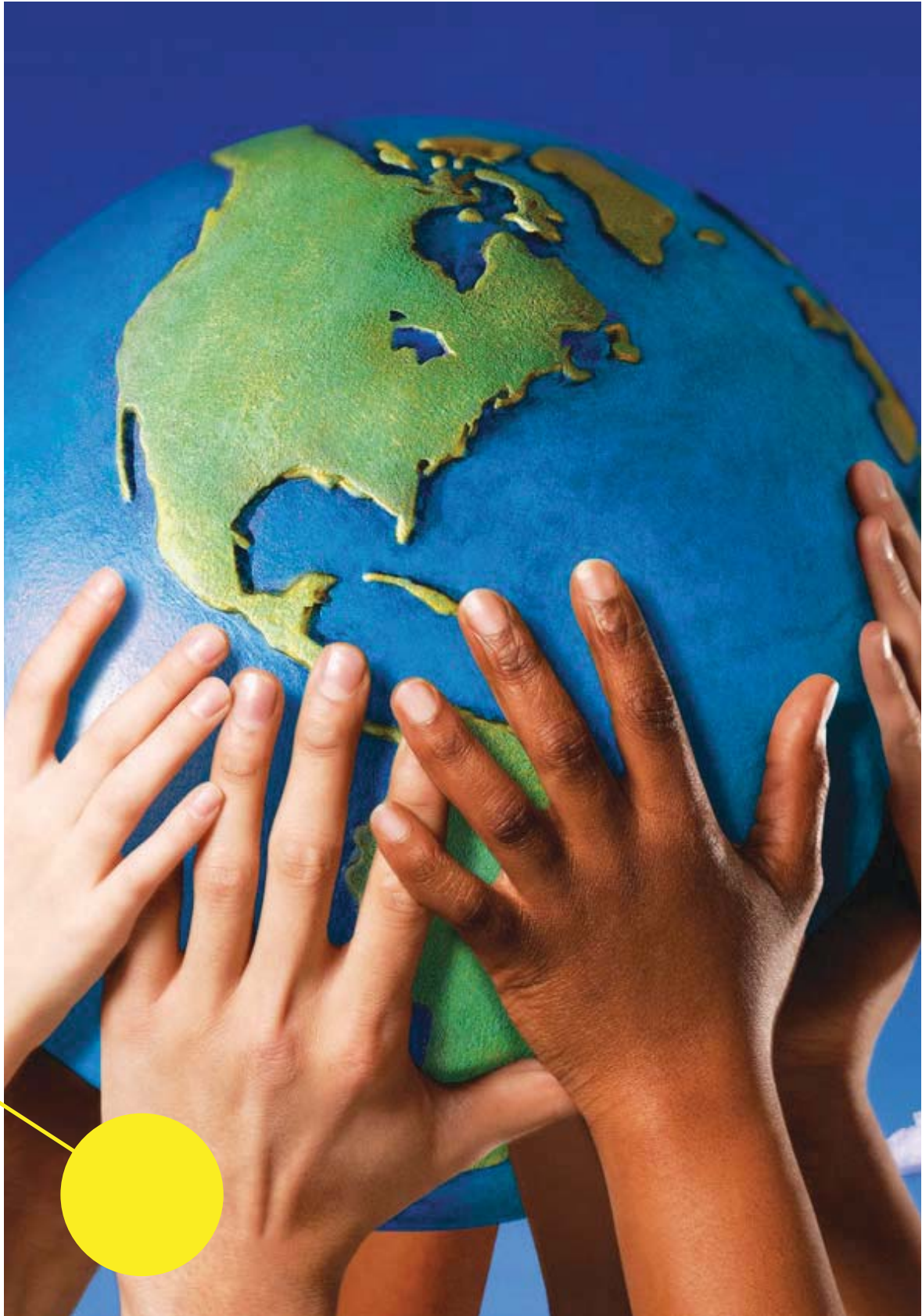
کافی نیست. علاوه بر آن تبیین و تفسیر و بسیاری از زوایای قانون تجارت در کتاب‌های «حقوق تجارت» ذکر شده که بسیار مهم و راهگشا است. بهتر است یک جلد از این کتاب‌ها را داشته باشید و به آن مراجعه کنید یا از طریق اینترنت آن‌ها را مطالعه کنید،

- مثال موشک و ماهواره در ابتدای این مطلب را به یاد بیاورید. پست‌ها و مسئولیت‌ها را بر مبنای رودربایستی و تعارف و ... تقسیم نکنید. رئیس هیئت‌مدیره باید همواره در دسترس باشد و قبول مسئولیت کند به‌صرف سن زیاد یا ریش سفید آنان را در این مسئولیت منصوب نکنید،

- به‌طور منظم و جدی جلسات هیئت‌مدیره را برگزار کنید و حتماً حتی اگر مصوبه‌ای هم نداشته‌اید بحث‌های مطرح‌شده را مکتوب کنید و به امضاء اعضا برسانید، حتی اگر این جلسه در رستوران و پشت میز نهار شکل گرفته، پشت دستمال سفره موارد را بنویسید و امضا بگیرید!

- مستندسازی کنید و به شفاهیات و حافظه‌ها اعتماد نکنید، حتی اگر امکان نوشتن نیست فایل صوتی تهیه کنید و نگهدارید،
- به حافظه خودتان یا شرکا اکتفا نکنید حتی اگر آنان به شرکت سر نمی‌زنند شما حتماً به‌طور ادواری گزارش عملکرد و به‌ویژه گزارش مالی و یا تراز آزمایشی ماهانه را برای ایشان ارسال کنید (دستی، پستی یا ایمیل) و رسید آن را بایگانی کنید تا بهانه بی‌اطلاعی از اوضاع شرکت را از دست آنان بگیرید،

- به‌هیچ‌وجه و تحت هیچ شرایطی اسناد مالی را به‌جای صاحبان امضا شرکت، امضا نکنید. این بهانه مهم و جدی برای متهم شدن شما نه‌فقط در این زمینه بلکه در سایر زمینه‌هاست. اگر به جهت تسهیل امور دسته‌چک امضا شده از شرکاء نزد شما



مسئولیت اجتماعی

< محمدحسین اکبری

عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون
مسئولیت اجتماعی اتاق کرمان



مسئولیت اجتماعی یعنی افراد نسبت به محیط زندگی خودشان دغدغه داشته و حساس باشند.

سابقه مسئولیت اجتماعی به دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردد، اما از نظر تاریخی می‌توان آن را عقب‌تر نیز برد. برای مثال در قرن ۱۹ میلادی تیتوس سالت (Titus salt)، صنعت‌گر انگلیسی از طریق تجارت پشم موفقیت بزرگی کسب کرده و کاملاً شناخته شده بود؛ اما چیزی که او را مشهور کرد، ساخت یک شهرک صنعتی برای اقامت کارکنانش و خانواده‌هایشان بود. سالت مسئولیت اجتماعی را به کار گرفته بود، حتی اگر از این اصطلاح استفاده نکرده باشد.

سازمان‌ها خیلی زود متوجه شدند که انجام دادن کار صحیح می‌تواند برای آن‌ها سودآور نیز باشد. کارگران سالت در مقایسه با دیگر کارگران در شرایط سالم‌تری زندگی می‌کردند و این باعث شده بود آن‌ها برای کار قابل‌اعتمادتر باشند. امروزه نیز کسب‌وکاری که بر روی تکنولوژی‌های جدید سرمایه‌گذاری می‌کند تا به آلودگی محیط‌زیست پایان دهد، می‌تواند صرفه‌جویی خوبی در هزینه‌ی سوخت بکند.

عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) در اواسط قرن بیستم توسط متفکرین و متخصصین مدیریت کسب‌وکار مانند پیتر دراکر (Peter Drucker) در آمریکا مطرح شد و در بسیاری از محافل علمی و سیاسی و اقتصادی کشورهای پیشرفته و درحال توسعه به دغدغه مهمی در مدیریت بازاریابی و سرمایه‌گذاری تبدیل شد.

امروزه مسئولیت اجتماعی نه تنها بخش مهمی از ادبیات و فرهنگ مدیریت را به خود اختصاص داده است، بلکه بحث‌های آکادمیک مجامع حرفه‌ای، سازمان‌های غیردولتی، مصرف‌کنندگان، تأمین‌کنندگان، سهامداران و سرمایه‌گذاران را نیز درگیر کرده است. اصطلاح شرکت مسئولیت اجتماعی به‌عنوان یک فعالیت تجاری پایدار شناخته می‌شود و برای توصیف فعالیت شرکت‌هایی که تأثیر مثبتی بر جامعه، محیط‌زیست و اقتصاد دارند به کار می‌رود.

جان نوتر دام (Jan Noterdaeme) مسئول شبکه مسئولیت اجتماعی اروپا (CSR Europe) می‌گوید: «توسعه پایدار و عمل به مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها، منتج به نوآوری و ایجاد موقعیت‌های جدید در

روزی نیست که اخبار ناگواری از معضلات اجتماعی شنیده نشود؛ از مدارس کپری تا بی‌کفشی دانش آموزان این مدارس. از آمار رو به افزایش طلاق تا آمار بالای اعتیاد. از ورشکستگی تجار تا آمار رو به افزایش چک‌های برگشتی. از کارتن‌خوابی کشاورزان بی‌کار شده به واسطه خشک‌سالی تا بحران آب. از نابودی محیط‌زیست تا عدم رعایت حقوق شهروندی. از تعطیلی کارخانه‌ها تا آمار بالای بیکاری، از آمار بالای مصدومین و کشته‌شده‌های تصادفات رانندگی تا عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، از بیماران مستأصل مانده از هزینه‌ها بالای درمان تا کمبود فضای درمانی در بسیاری از مناطق کشور، از تخریب جنگل‌ها تا عدم رعایت حفظ محیط‌زیست و اضافه‌کنید اخبار ناشی از تبعات استفاده بد از ماهواره، فرار از منزل، گریز از تحصیل، مدرک‌گرایی، تکدی‌گری، خودکشی، کودکان کار، خشونت، ایدز، قانون‌گریزی، بداخلاقی، دروغ‌گویی، ربا و دورویی و...

ریشه تمام این معضلات چیست و در کجا قرار دارد؟ روش مقابله با آن‌ها کدام است؟ وظیفه افراد، سازمان‌ها و شرکت‌ها در مواجهه با آن‌ها چیست؟ چرا بعضی کشورها توانسته‌اند بسیاری از این معضلات را کنترل کنند ولی ما در این امر ناتوانیم؟ آیا وظیفه حل آسیب‌های اجتماعی فقط بر عهده حاکمیت است؟ آیا افراد، سازمان‌ها، شرکت‌ها و بنگاه‌ها در این مقوله وظیفه‌ای ندارند؟ برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی مقوله مسئولیت اجتماعی مطرح می‌گردد. مسئولیت اجتماعی چیست؟ موضوع آنچه هست؟ این مسئولیت بر عهده چه اقشاری از جامعه است؟ قصد داریم در این نوشتار سؤالات بالا را پاسخ دهیم.

مسئولیت اجتماعی چیست؟

Corporate Social Responsibility (CSR)

مسئولیت اجتماعی مقوله‌ای است اخلاقی‌گرا و وظیفه‌ای است برای تک‌تک افراد جامعه اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی که آن را می‌شود چنین تعریف کرد: مجموعه وظایف و تعهداتی است که هر شخص حقیقی و حقوقی بایستی در جهت حفظ و مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند انجام دهد. به زبان ساده

مسئولیت‌پذیری اقتصادی: این مسئولیت در پایین‌ترین سطح هرم قرار گرفته و موضوع آن به حداکثر رساندن سود بنگاه و منافع سهامداران است. تمام افرادی که در سازمان کار می‌کنند در تأمین این هدف نقش دارند.

مسئولیت‌پذیری قانونی یا حقوقی: پیروی از قانون الزامی برای تمام افراد و شرکت‌ها و بنگاه‌ها است. ایجاد محیط کار امن برای کارکنان، حفظ محیط‌زیست، ارائه محصولات سالم و پرداخت مالیات نمونه‌ای از مسئولیت‌پذیری قانونی است.

مسئولیت‌پذیری اخلاقی: این مسئولیت بالاتر و فراتر از دو مسئولیت دیگر است. در مواردی ممکن است که قانون هم‌دست شما را در امری باز گذاشته باشد ولی مسئولیت اخلاقی به شما اجازه این کار را نخواهد داد. مثلاً شما می‌توانید کاری کنید که مالیات نپردازید یا مالیات کمی بپردازید ولی مسئولیت اخلاقی باعث می‌شود که اقدام به چنین امری نکنید.

مسئولیت‌پذیری بشردوستانه: بالاترین سطح مسئولیت اجتماعی است و از انتظارات فراتر بوده و در بالاترین سطح هرم قرار دارد. این مسئولیت از شما می‌خواهد که برای جامعه مفید باشید؛ مثلاً داوطلبانه برای بهبود جامعه گام بردارید، مشاوره رایگان دهید، برای رفع فقر مبارزه کنید، برای حفظ محیط‌زیست هزینه کنید. مشارکت داوطلبانه و انسان دوستانه هر سازمان در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های عام‌المنفعه به‌منظور رفع گوشه‌ای از معضلات جامعه را مسئولیت اجتماعی می‌نامند.

مسئولیت اجتماعی یک فایده‌ی دیگر نیز دارد. این‌که شرکتی در جایگاهی فراتر از انتظارات دیده شود، می‌تواند به خوش‌نامی داخلی و خارجی سازمان کمک کند و منجر به این می‌شود که کارمندان و خریداران بیشتر درگیر کار شوند.

هرچند که مسئولیت اجتماعی موضوع جدیدی نیست ولی در سال‌های اخیر بسیار موردتوجه قرار گرفته است به‌ویژه شرکت‌های بخش خصوصی به این مهم توجه نموده‌اند. در رده بین‌المللی، شرکت‌هایی مثل مایکروسافت، والت دیزنی، وال مارت، اپل و گوگل توجه ویژه‌ای به مقوله مسئولیت اجتماعی نموده و مبالغ بسیار بالایی در این زمینه هزینه کرده‌اند. جالب است بدانید که بعد از توجه این شرکت‌ها به مسئولیت اجتماعی، استقبال مردم از محصولات این شرکت‌ها نیز افزایش یافته و بر میزان سود آن‌ها افزوده شده است؛ یعنی می‌توان گفت خرج کرد در مقوله مسئولیت اجتماعی هزینه نیست بلکه سرمایه‌گذاری است.

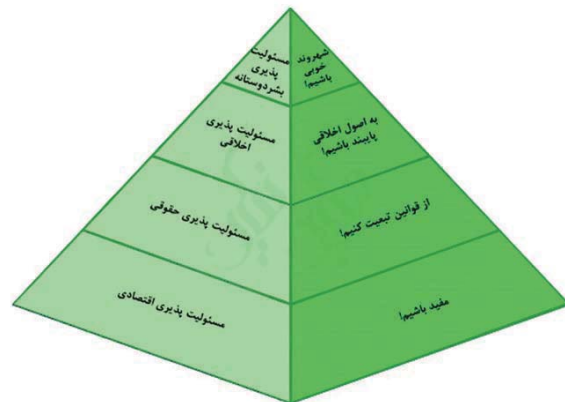
تجربه شرکت‌های برتر در مقوله مسئولیت اجتماعی

مجله معروف فوربس، شرکت‌ها را در زمینه CSR رتبه‌بندی نموده و ۱۶ شرکت برتر را در این زمینه معرفی کرد که گوگل در صدر این رتبه‌بندی قرار گرفته و توانست ۷۰ درصد از معیارهای فوربس را کسب کند. شرکت‌های مایکروسافت، دیزنی، اسباب‌سازی لگو و دایلمرکرایسلر آلمان، اپل در رده‌های بعدی قرار دارند.

بیل گیتس و همسرش ملیندا، مدیران مایکروسافت بزرگ‌ترین موسسه خیریه جهان را تأسیس نموده‌اند و علاوه بر آمریکا فعالیت

عرضه‌های مختلف یک کشور، افزایش اعتبار و محبوبیت شرکت‌ها و همچنین جذب و حفظ کارمندان، مشتریان و ذینفعان خواهد شد.» دکتر کارول (Archie B Carol) یکی از طرفداران مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، معتقد است که بی‌توجهی به مسئولیت اجتماعی موجب افزایش دخالت دولت و در نتیجه کاهش کارایی آن می‌شود و اگر شرکت‌ها، داوطلبانه به برخی مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی خود عمل کنند، می‌توانند به سود موردنظر خود دست یابند. همچنین کارول در سال ۱۹۹۱ اصول چهارگانه‌ای را تحت عنوان «هرم مسئولیت‌پذیری اجتماعی» معرفی کرد که عبارت‌اند از:

- ۱- مسئولیت‌پذیری اقتصادی،
- ۲- مسئولیت‌پذیری قانونی،
- ۳- مسئولیت‌پذیری اخلاقی،
- ۴- مسئولیت‌پذیری بشردوستانه،



هرم مسئولیت اجتماعی کارول

مسئولیت اجتماعی مقوله‌ای است اخلاق‌گرا و وظیفه‌ای است برای تک‌تک افراد جامعه اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی... امروزه مسئولیت اجتماعی نه تنها بخش مهمی از ادبیات و فرهنگ مدیریت را به خود اختصاص داده است، بلکه بحث‌های آکادمیک مجامع حرفه‌ای، سازمان‌های غیردولتی، مصرف‌کنندگان، تأمین‌کنندگان، سهامداران و سرمایه‌گذاران را نیز درگیر کرده است. اصطلاح شرکت مسئولیت اجتماعی به‌عنوان یک فعالیت تجاری پایدار شناخته می‌شود و برای توصیف فعالیت شرکت‌هایی که تأثیر مثبتی بر جامعه، محیط‌زیست و اقتصاد دارند به کار می‌رود.

به شدت کاهش یافته و مردم حافظ اموال عمومی می‌باشند. در فرصت‌های بعدی به موضوع مسئولیت اجتماعی به صورت مفصل‌تر خواهیم پرداخت و با جزئیات بیشتر و با معرفی شرکت‌هایی که به مسئولیت اجتماعی پرداخته‌اند، این مسئله را بازتر خواهیم کرد.

مسئولیت اجتماعی و نقش اتاق بازرگانی

اتاق بازرگانی به‌عنوان پارلمان بخش خصوصی در مقوله مسئولیت اجتماعی، همچون نهادها و سازمان‌های دیگر، باید ورود کرده و به این وظیفه قانونی و انسانی خود عمل کند.

اتاق‌های بازرگانی خانه دوم فعالان در حوزه‌های صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی هستند و به‌نوعی نقش راهنما و مشاور در زمینه‌های مختلف را برای آن‌ها بازی می‌کند. از آنجایی که فعالان بخش خصوصی کشور در زمینه امور خیریه و انسان‌دوستانه همیشه پیشگام بوده‌اند، اتاق بازرگانی می‌تواند نقش محوری در این زمینه اعمال کرده و امور خیریه فعالان را اولویت‌بندی و هدایت نماید. در حال حاضر مؤسسات خیریه زیادی در سطح استان در حال فعالیت هستند که امور موازی انجام می‌دهند و شاید بتوان گفت به نسبت هزینه‌هایی که در این زمینه‌ها انجام می‌دهند بازخورد لازم را نمی‌گیرند، لذا با تشکیل انجمن مؤسسات خیریه قطعاً می‌توان انرژی موجود را دوجندان نمود و نتیجه‌گیری بسیار بهتری را توقع داشت و همچنین این سرمایه‌ها را به سمت پیشگیری از وقوع آسیب‌ها هدایت نمود؛ بنابراین اگر بخواهیم رسالت اتاق بازرگانی در مقوله مسئولیت اجتماعی را فهرست کنیم می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

- ۱) بیشتر آشنا نمودن فعالان اقتصادی با مسئولیت اجتماعی خودشان،
 - ۲) شناسایی آسیب‌های اجتماعی و اولویت‌بندی آن‌ها،
 - ۳) هدایت فعالان به انجام مسئولیت اجتماعی خود بر اساس اولویت‌بندی‌های انجام‌شده،
 - ۴) ایجاد هماهنگی بین مؤسسات خیریه در قالب تشکیل انجمن مؤسسات خیریه،
 - ۵) هدایت برنامه‌های مبارزه با آسیب‌های اجتماعی به سمت پیشگیری و ریشه‌کنی آن‌ها،
 - ۶) انجام دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی در جهت پیشگیری و ریشه‌کنی معضلات اجتماعی.
- هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی کرمان با توجه به اهمیت موضوع مسئولیت اجتماعی و کثرت آسیب‌های اجتماعی و معضلات موجود در استان و نیز رسالتی که برای خود احساس می‌نماید، ضرورت تشکیل کمیسیون مسئولیت اجتماعی را تشخیص داده و این مهم را در یکی از جلسات هیئت نمایندگان به تصویب رسانده است.
- امید است که کمیسیون مسئولیت اجتماعی با همکاری تمام اعضای محترم اتاق بازرگانی کرمان و فعالان اقتصادی و همچنین حمایت مسئولین و مؤسسات خیریه و مسئولان این رسالت را به نحو احسن به انجام رساند. ●

منابع:

<https://fa.wikipedia.org>

<https://mahak-charity.org>

خود را به آفریقا و آسیا نیز گسترش داده‌اند. انیمیشن‌سازی دیزنی بر بهبود وضعیت جامعه، کمک به آسیب دیدگان از بلاهای طبیعی و همچنین محیط‌زیست تمرکز کرد.

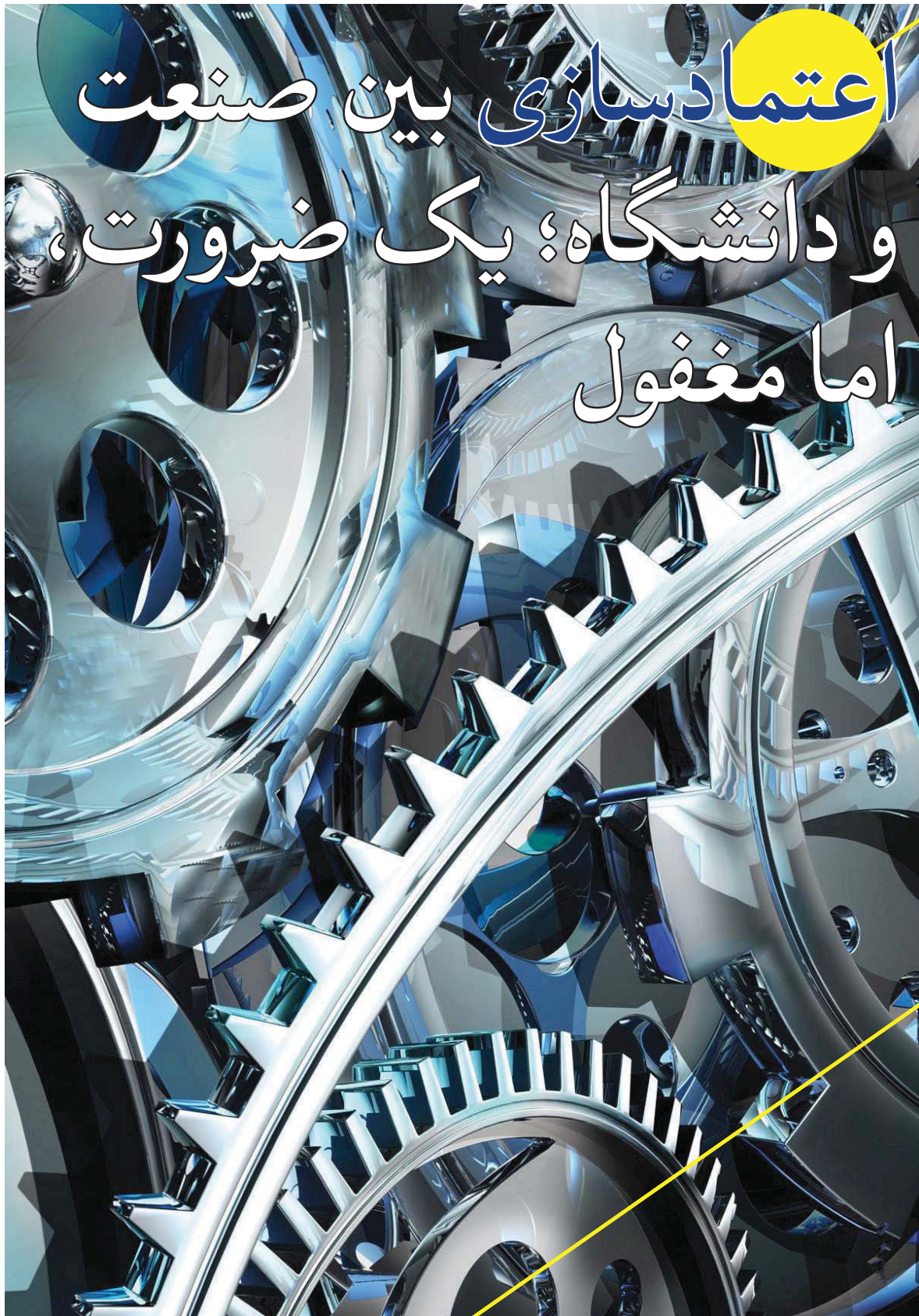
سابقه مسئولیت اجتماعی در ایران

در کشور ما نیز میزان مشارکت بخش خصوصی در مقوله مسئولیت اجتماعی کم نیست. این روزها تبلیغات بعضی بانک‌ها در زمینه ساخت مدرسه و درمانگاه را از صداوسیما شاهدیم که نمونه‌ای از مسئولیت اجتماعی یک بنگاه اقتصادی است. اخیراً در میان تمام سازمان‌های مردم‌نهاد جهان (NGOS) موسسه خیریه حمایت از کودکان سرطانی ایران (محک) رتبه چهارم را به خود اختصاص داد. در این رویداد ۲۴۰ شرکت آمریکایی حضور داشتند. بودجه این موسسه از بسیاری از وزارتخانه‌ها بیشتر است و این یعنی این‌که موسسه توانسته اعتماد مردم را جلب نماید و به یاری کودکان سرطانی دنیا بشتابد. این مسئله نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی در ایران در حال جا افتادن است و دولت و بخش خصوصی مبالغ قابل‌توجهی در این زمینه خرج می‌کنند.

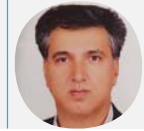
ولی می‌توان ادعان نمود که این هزینه‌کردها بر اساس نیازهای ضروری جامعه نبوده و لویت بندی نشده است و سلیقه‌ای صورت می‌پذیرد و همچنین در جهت پیشگیری از بروز آسیب‌ها و حل ریشه‌ای و اساسی معضلات نبوده است. لذا علی‌رغم هزینه‌هایی که دولت و بخش خصوصی در این زمینه‌ها انجام می‌دهند، موفقیت چندانی حاصل نمی‌شود و یک سؤال اساسی وجود دارد و آن این‌که «چرا علی‌رغم وجود تعداد زیاد مراکز دانشگاهی، استاد و دانشجو، مراکز فرهنگی، مراکز مذهبی، وزارتخانه‌های مرتبط، خروجی مناسبی را شاهد نیستیم؟ چرا باوجود این همه نهادها نگاه ما نسبت به آسیب‌های اجتماعی، ریشه‌ای و عمیق نیست و اقدامات ما در جهت کم کردن ظواهر آسیب‌ها است و به‌جای پرداختن به ریشه معضلات به شاخ و برگ آن می‌پردازیم؟»

به‌عنوان مثال؛ هزینه کرد سالانه دولت در زمینه درمان اعتیاد و یا مبارزه با مواد مخدر رقمی میلیاردری و قابل‌توجه است. چرا در این سال‌ها با این حجم هزینه موفقیت چندانی حاصل نشده است؟ زیرا توجه دولت به درمان اعتیاد بوده نه به ریشه‌کنی علل روی‌آوری افراد به سمت اعتیاد.

در مورد معضلات دیگر نیز به همین‌گونه بوده است. یکی از راه‌هایی که می‌توان از بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری نمود، آموزش به افراد جامعه است خصوصاً آموزش در مقطع دبستان وقتی افراد نتیجه بسیاری از معضلات را بدانند و بفهمند بازخورد هر عمل بدی به‌سوی خود آن‌هاست مسلماً تکتک افراد یا بخش اعظمی از جامعه به قوانین و مقررات و حقوق شهروندی پایبند خواهند بود. مثال بارز این امر را در بسیاری از کشورها می‌توان شاهد بود که با سرمایه‌گذاری بر روی آموزش در هزینه ساخت زندان، دادگاه، مقر پلیس و تربیت پلیس و قاضی صرفه‌جویی بسیار بالایی کرده‌اند به شکلی که در خیابان‌های شهرهای این کشورها پلیس را نخواهی دید و خود مردم به پلیس تبدیل شده‌اند، همچنین هزینه نگهداری اموال عمومی



اعتمادسازی بین صنعت و دانشگاه؛ یکی ضرورت، اما مغفول



محمد داوری
مدیر ارتباط با صنعت و کارآفرینی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

چرا تحقیقات دانشگاهی تاکنون به شکل غالب در کتابخانه‌ها جسب گردیده است و کمتر وارد پروسه تجاری‌سازی شده است؟

تجاری‌سازی نتایج تحقیق، یکی از گام‌های مهم نظام نوآوری است که پایداری و استمرار امر تحقیق را تضمین می‌کند و متناسب با آن علاوه بر فراهم آوردن ارزش‌های اقتصادی قابل‌توجه برای سازمان‌ها، رشد اقتصادی دانش‌محور جامعه را نیز تسریع می‌نماید. فناوری اگر در قفسه بماند و وارد بازار نشود هیچ درآمدی ایجاد نمی‌کند.

مقررات موجود تسهیل‌گر تجاری‌سازی و کارآفرینی نیست. قوانین و مقررات مالی و اداری، قراردادهای ضرورت‌های حقوقی پشتیبان کارآفرینی پژوهشی و تجاری‌سازی دانش و حقوق مالکیت فکری نیازمند تقویت بیشتر است. در واقع دولت می‌تواند با تقویت قوانین معطوف به حفظ حقوق مالکیت فکری، زیرساخت‌های قانونی لازم برای توسعه کارآفرینی و تجاری‌سازی مؤسسات پژوهشی را فراهم کند. اعتماد سنگ زیربنای تجاری‌سازی بوده و سازوکارهای اعتمادسازی بین صنعت، مؤسسات پژوهشی و دانشگاه باید تعبیه و پیاده‌سازی شود. برگزاری نشست‌های مشترک با صنعت برای افزایش ارتباط و آگاهی از نیازها و قابلیت‌های طرفین می‌تواند به‌عنوان پیشنهاد مطرح شود. از جمله راهکارهای کلی قابل‌بررسی در این رابطه، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ایجاد و وضع مشوق‌های قانونی برای تولیدکنندگان دانش‌های فنی بومی، بیمه و جبران خسارت ناشی از ریسک‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های فناوری توسط دولت،
- سرمایه‌گذاری دولت جهت احداث اولین واحدهای توسعه‌یافته از دانش‌های فنی بومی به‌منظور کاهش ریسک سرمایه‌گذاری بر روی دانش‌های فنی بومی از دید توسعه‌دهندگان داخلی و تبدیل مؤسسات پژوهشی به مجتمع‌های آموزشی-پژوهشی و صنعتی،
- در صورت استفاده از دانش فنی بومی، ایجاد مشوق‌های قانونی و مزایای لازم برای سطوح مختلف تصمیم‌گیری، مهندسی و بهره‌برداری سرمایه‌گذاران داخلی،
- در جهت تضمین خرید محصولات تولیدی ایجاد مشوق‌های لازم برای استفاده‌کنندگان محصولات تولیدی با دانش فنی بومی،
- در راستای اقبال دانش‌های فنی داخلی وضع عوارض گمرکی بر روی مواد وارداتی که دانش‌های فنی تولید آن‌ها موجود می‌باشد،

- ایجاد نمایشگاهی دائمی یا فصلی برای ارائه نتایج تحقیقات،
- ثبت پتنت‌های مرتبط با محصول در بازارهای داخلی و هدف و ایجاد سیستمی برای مستندسازی و احداث بانک اطلاعات نظام‌مند ایده‌ها؛ پتنت‌ها و یافته‌های پژوهشی،
- تولید پژوهش‌هایی که در منحنی چرخه عمر تکنولوژی بروز بوده و منسوخ نشده‌اند،
- توجه به نیازهای بازار کار و تعامل با مشتریان و آگاه شدن از نیازهای آنان جهت لحاظ نمودن در برنامه‌ریزی‌های آموزشی،
- راه‌اندازی صندوق تجاری‌سازی و تأمین مالی پروژه‌های ریسک‌پذیر دانش‌بنیان توسط بانک‌ها، سرمایه‌گذاران و دولت
- به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص در انتقال فناوری و کارشناسان تسهیل‌گر فرایند تجاری‌سازی،
- اعتمادسازی بین صنعت و مؤسسات پژوهشی در راستای اعتمادسازی و تشویق بخش صنعت به سرمایه‌گذاری روی نتایج پروژه‌ها و کاهش گسل بین صنعت و اقتصاد ایران با اقتصاد دانش‌بنیان جهان جهت ایجاد بستر مناسب برای استفاده از نتایج تولید علم،
- برنامه‌ریزی جهت تأسیس واحدهایی برای بررسی رفتار بازار و شناسایی بازار جدید در جهت بازخوانی و تعریف چشم‌اندازهای جدید علم و تکنولوژی،
- توجه به رویکرد تجاری‌سازی در ارزیابی پروژه‌های تعریف‌شده،
- داشتن برنامه اصلاح بخش صنعت متناسب با تکنولوژی‌های جدید،
- پیگیری هدف‌دار و مداوم بحث شرکت‌های انشعابی یا زایشی در مؤسسات پژوهشی،
- توجه به اقتصاد دانش‌بنیان در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی،
- تدوین و اجرای سیاست‌های انگیزاننده جهت تشویق بازارهای سنتی موجود در استفاده از شیوه‌های جدید تولید و محصولات جدید،
- ایجاد بسترهای مناسب ایجاد «ناوا» چراکه تولیدات ما در ایران بیشتر به‌صورت know-how «است، «ناها» دانش چگونگی کار با دستگاه است. مثلاً صنعت خودرو فقط «ناها» است و خودرویی نمی‌تواند طراحی کند زیرا know-why «است و ندارد «ناوا» دانش چرایی است،
- پژوهش در راستای تجاری‌سازی باید بر اساس نیاز انجام شود نه بر اساس توان،
- فرهنگ‌سازی استفاده از محصولات داخلی به‌جای استفاده

از محصولات خارجی در صورتی که در بسیاری از موارد کیفیت محصول داخلی با مشابه خارجی آن تفاوتی ندارد و هزینه استفاده از آن نسبت به محصول وارداتی کمتر است.

مهم‌ترین موانع ارتباط و تعامل مؤثر دانشگاه و صنعت کدام‌اند؟

به‌طور کلی مهم‌ترین دلایل ضعف ارتباط میان دانشگاه و صنعت در ایران، ناشی از سیاست‌گذاری‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گذشته است. نامشخص بودن سیاست‌های توسعه اقتصادی، نبود یک نظام منسجم و کارا به‌عنوان رابط بین دانشگاه و صنعت و نبود هماهنگی بین وزارتخانه‌های صنعتی و آموزش عالی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و توسعه صنعتی از جمله عواملی بودند که ارتباط دانشگاه با صنعت را سست کرده‌اند.

یکی از موانع توسعه ارتباط دانشگاه و صنعت ضعف اطلاع‌رسانی درباره توانمندی‌های علمی دانشگاه‌ها است. دانشگاه‌ها لازم است دانش تولیدشده را مستندسازی و با روش‌های مناسب اطلاع‌رسانی کنند.

دانشگاه‌های ما بر اساس الگوبرداری از کشورهای پیشرفته صنعتی طراحی شده و نیازهای مخاطب اصلی آن؛ یعنی صنایع کشور به‌طور منطقی موردتوجه قرار نگرفته است. صنایع باید متناسب با نیازهای خود از طریق سرمایه‌گذاری‌های مداوم

آموزشی مهارت‌های لازم در کارکنان خود را فراهم آورند. صنعت در کشور ما، صنعتی درون‌زا است و از ابتدای شکل‌گیری متکی بر امکانات و توانایی‌های خارجی بوده است. از طرف دیگر صنعتگران هنوز این اطمینان و اعتماد را پیدا نکرده‌اند که می‌توانند مسائل و مشکلات خود را از طریق تحقیق و توسعه و با کمک نیروی انسانی متخصص بومی حل کنند.

مشکلات و محدودیت‌های بسیاری از سوی مراکز آموزش عالی برای ایجاد ارتباط با صنعت وجود دارد که از آن میان می‌توان به موارد زیر را نام برد:

- آموزش محوری دانشگاه‌ها، منظور نکردن فعالیت‌های صنعتی در ارتقای اعضای هیئت‌علمی، منظور کردن حق بالاسری زیاد به فعالیت‌های صنعتی اعضای هیئت‌علمی، جایگاه سازمانی ضعیف ارتباط دانشگاه و صنعت،
- حاکمیت مدیریت دولتی بر صنایع بزرگ کشور و متقاضی خدمات دانشگاه نبودن صنایع،
- نبود محتوای کیفی و مفید دوره‌های کارآموزی،
- ارتباط ضعیف میان برنامه‌های درسی و نیازهای صنعت،
- نبود روحیه کارگروهي،
- کمبود مراکز تحقیقاتی کاربردی،
- عدم توجه به بهسازی نیروی انسانی،
- ضوابط و مقررات دست‌وپا گیر و گرایش نداشتن صنعت به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه،
- وابستگی روحی و فکری صنایع به خارج از کشور،
- ارتباط دانشگاه و صنعت به میزان تحقیق و توسعه کشور بستگی دارد.

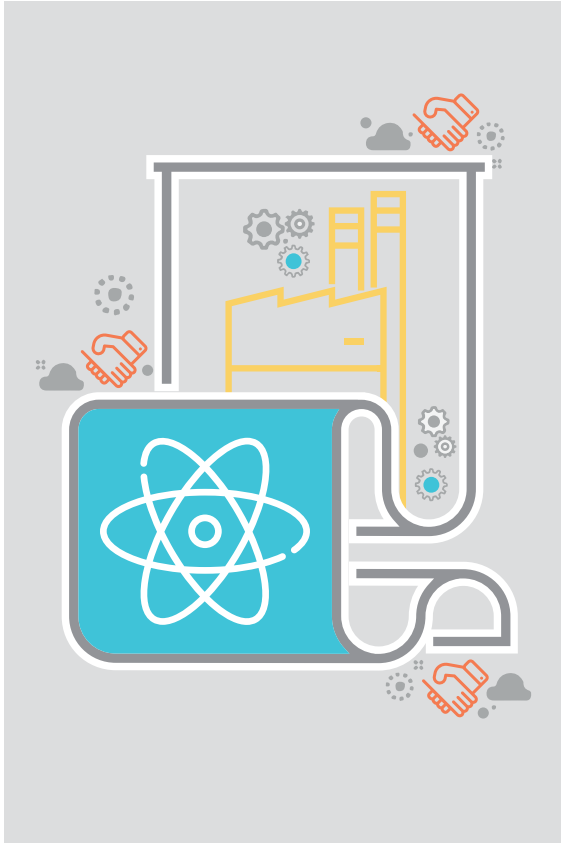
انگیزه‌های مؤثر هر دو طرف صنعت و دانشگاه برای همکاری چه می‌تواند باشد؟

به نظر می‌رسد هر دو طرف تمایلی در ایجاد ارتباط مؤثر ندارند. چرا تاکنون انگیزه‌های کارساز به‌صورت یک جریان عملیاتی در این بین به وجود نیامده است.

در حال حاضر صنعت در قالب استخدام و قراردادهایی با فارغ‌التحصیلان و اساتید دانشگاهی، رشد خود را پیش می‌برد که تا حدودی مبین ارتباط صنعت با دانشگاهیان است.

علی‌رغم تمایل دولت و مسئولین نسبت به حل مشکلات صنعت، قوانین و زیرساخت‌ها به‌گونه‌ای است که حمایت لازم از پژوهشگر به عمل نمی‌آید. منظور از حمایت همیشه حمایت مالی نیست؛ انتظار می‌رود شرایطی برای پژوهشگر فراهم شود تا انگیزه لازم برای انجام پژوهش‌ها و تحقیقات را به دست آورد و در راستای کمک به رفع مشکلات صنایع با تمام توان گام بردارد. با این حال تمام شاخص‌ها در حوزه مقالات و کتاب‌های چاپ‌شده و پروژه‌هایی که به‌قرارداد منتهی شده است نسبت به گذشته اندکی رشد داشته است، اما همچنان با اهداف خود فاصله داریم و برای مطرح‌شدن در سطح بین‌المللی باید تلاش از سوی پژوهشگر و حمایت از سوی دانشگاه و دولت بیشتر شود.

یکی از موانع توسعه ارتباط دانشگاه و صنعت ضعف اطلاع‌رسانی درباره توانمندی‌های علمی دانشگاه‌ها است. دانشگاه‌ها لازم است دانش تولیدشده را مستندسازی و با روش‌های مناسب اطلاع‌رسانی کنند. دانشگاه‌های ما بر اساس الگوبرداری از کشورهای پیشرفته صنعتی طراحی شده و نیازهای مخاطب اصلی آن؛ یعنی صنایع کشور به‌طور منطقی موردتوجه قرار نگرفته است. صنایع باید متناسب با نیازهای خود از طریق سرمایه‌گذاری‌های مداوم آموزشی مهارت‌های لازم در کارکنان خود را فراهم آورند.



تخصیص بودجه در حوزه‌های گوناگون نسبت به قبل بهبود یافته و تخصیص آن به حوزه‌های فناوری محور که علم را در جهت تبدیل آن به خروجی‌هایی برای حل مشکلات جاری کشور و همچنین مطرح شدن در دنیا به کار می‌گیرند، بیشتر شده و البته این به معنای نادیده گرفتن دیگر حوزه‌ها نمی‌باشد.

نقش بایسته دولت در ایجاد و توسعه ارتباط و تعامل مؤثر بین صنعت و دانشگاه چیست؟

وجود استراتژی توسعه صنعتی برای هدایت صنعت و دانشگاه به سمت توسعه ملی، می‌تواند یکی از این سیاست‌ها باشد. برای این منظور می‌توان از موارد ذیل در این راستا بهره گرفت: ترغیب بخش صنعت در تأسیس مراکز تحقیقاتی با ایجاد تسهیلات از جمله معافیت‌های مالیاتی، ایفای نقش محوری دولت در پیوند سه‌جانبه دولت، صنعت و دانشگاه.

اصلاح نظام ارزیابی و ارتقاء مرتبه هیئت‌علمی در جهت ارزش‌دهی بیشتر به فعالیت‌های تحقیقات صنعتی، ایجاد بستر قانونی مناسب برای حضور فعال دانشگاهیان در صنعت و همچنین صنعتگران در دانشگاه ایجاد یا تعیین نهاد مسئول فناوری در ساختار مدیریتی کشور به منظور تحقق توسعه علمی و صنعتی، حضور و مشارکت مؤثر دانشگاه در فعالیت‌های انتقال فناوری در سطح کشور، آشنا شدن صنعت و دانشگاه از نیازها و توانایی‌های همدیگر و استفاده‌ی بهینه از امکانات دو طرف، ایجاد یا تقویت مراکز و آزمایشگاه‌های تخصصی و مرتبط با فناوری و نوآوری موردنیاز صنعت کشور ضابطه‌مند و نهادینه شدن حضور اعضای هیئت‌علمی در مراکز صنعتی یا صنعتگران در دانشگاه تهیه و تدوین محتوای دوره‌های کارآموزی با همکاری متخصصان صنعت و دانشگاه تلاش در جهت انطباق مبانی و محتوای آموزش‌های دانشگاهی با پیشرفت‌های فناورانه توجه خاص به واحدهای درسی عملی (آزمایشگاهی-کارگاهی) دانشجویان در رشته‌های فنی و مهندسی، ترتیب دادن بازدیدهای علمی از مراکز صنعتی و تأکید بیشتر بر طراحی و درک مسائل و مشکلات صنعت در برنامه‌های آموزشی دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی.

بسیاری در اظهار نظرهای خود اعلام می‌کنند که «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان» به‌عنوان یک نهاد با ظرفیت مؤثر می‌تواند تعامل سازنده بین دانشگاه و صنعت را رقم بزند، به نظر شما اتاق چگونه می‌تواند این نقش را ایفا نماید؟

با توجه به این‌که دانشگاه دارای ظرفیت‌های علمی و پژوهشی است، اتاق بازرگانی استان که در واقع به‌عنوان نماینده واحدهای صنعتی فعال در استان می‌باشد می‌تواند از طریق هدایت این ظرفیت‌ها به سمت تجاری‌سازی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی به تقویت رابطه صنعت و دانشگاه منجر شود. شاید شنیده باشید که از دانشگاه در مقابل صنعت به‌عنوان کلینیک درمانی صنعت یاد می‌شود، اما در عمل نه دانشگاه صنعت را و نه صنعت

با توجه به این‌که دانشگاه دارای ظرفیت‌های علمی و پژوهشی است، اتاق بازرگانی استان که در واقع به‌عنوان نماینده واحدهای صنعتی فعال در استان می‌باشد می‌تواند از طریق هدایت این ظرفیت‌ها به سمت تجاری‌سازی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی به تقویت رابطه صنعت و دانشگاه منجر شود. شاید شنیده باشید که از دانشگاه در مقابل صنعت به‌عنوان کلینیک درمانی صنعت یاد می‌شود، اما در عمل نه دانشگاه صنعت را و نه صنعت جایگاه دانشگاه را خوب شناخته است.

جایگاه دانشگاه را خوب شناخته است.

پیشنهاد برای ارتباط بیشتر صنعت و دانشگاه تأسیس دفاتر ارتباط صنعت و دانشگاه در شهرک‌های صنعتی استان و مهم‌تر از آن در محل اتاق بازرگانی است که این راهکار می‌تواند اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها را برای رفع مشکلات و تجهیز بخش تولید به فناوری به صنعت بکشاند.

برای ایجاد، تعمیق، استمرار و تداوم تعامل بین صنعت و دانشگاه، چه ساختار مؤثر و عملیاتی را پیشنهاد می‌نمایید؟

با توجه به این‌که پژوهش‌های دانشگاهی نتوانسته‌اند در جهت رفع معضلات صنعتی کشور گام عمده‌ای بردارند و اکثر پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویان در کتابخانه‌ها و کتبه‌ها در حال خاک خوردن هستند و دلیل عمده آن عدم توجه به نیازهای تحقیقاتی صنایع بوده و هست، شاید بهترین راه این باشد که مسئولین دانشگاه از صنعتگران جهت آگاهی از نیازهای تحقیقاتی آن‌ها استعلام کنند و بعد از نیازسنجی از صنعت موضوعات موردنظر به صورت پروپوزال‌هایی درآید و دانشجویان به‌عنوان پایان‌نامه و یا کار تحقیقاتی روی آن‌ها کار کنند؛ و این اتفاق شاید در این دانشگاه و در بعضی رشته‌ها افتاده است، اما متأسفانه اکثر آن‌ها روی کاغذ بوده و اگر از فارغ‌التحصیلانی که در رشته‌های مرتبط با صنعت تحصیل کرده‌اند پرسیده شود که چند بار در طول دوران تحصیل خود به بازدید از کارخانه‌های صنعتی برده شده‌اند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت از تعداد انگشتان یک دست بیشتر نمی‌شود. به‌صورت خلاصه باید برنامه جامعی طرح‌ریزی کرد که تمام دانشجویانی که در رشته‌های مرتبط با صنعت در حال تحصیل هستند موظف شوند که موضوع موردتحقیقشان با توجه به نیاز صنعت باشد که این تصمیم از یک‌سو برای صنعت مفید خواهد بود؛ چون برای برطرف کردن نیاز صنعت راهکاری ارائه می‌شود و شخص محقق به‌عنوان متخصص در برطرف کردن آن مشکل خاص شناخته می‌شود و به‌نوعی آینده شغلی خود را تضمین می‌کند.

بیشترین ارتباط صنایع با دانشگاه‌ها که شکل دائمی و منظم پیدا کرده است برنامه کارآموزی تابستانی دانشجویان در واحدهای صنعتی است. فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاهی که در رشته‌های مرتبط با صنعت و معدن درس خوانده‌اند می‌توانند مدت‌زمان معینی در واحدهای تولیدی مشغول به کار شوند این طرح باعث می‌شود که نیروهای جوان، فرصت مناسبی را برای کسب تجربه و شناسایی محیط‌های صنعتی و بازار کار به دست آورند. این طرح بسیار خوبی است. ایرادش مقطعی بودن آن است. در اجرای این طرح هم مشکلاتی وجود دارد که دسته‌ای از آن‌ها مربوط به صنایع و دسته‌ای مربوط به دانشجویان است که البته بعضی از دانشجویان ما هم به‌نوعی مشکل دارند. متأسفانه خیلی از دانشجویان به واحدهای کارآموزی خود اهمیت چندانی نمی‌دهند. به هر حال درس کارآموزی به‌عنوان یک واحد اجباری است که چه دانشجویان علاقه‌مند و چه آن‌ها که به کار عملی اشتیاقی

ندارند مجبور به اخذ آن هستند، اما در کنار اجرای طرح کارآموزی، برای دانشجویان علاقه‌مند به کار عملی، در این دانشگاه از سال ۱۳۹۴ طرح کارورزی- مهارت افزایی (پنج روز درس در دانشگاه و یک روز کار عملی در صنعت (طرح ۵+)) جهت ارتقا کیفیت کار عملی دانشجویان در حال اجرا است. تداوم این طرح منوط به همکاری و مساعدت صنایع مختلف در زمینه پذیرش دانشجویان به‌عنوان کارورز است. نقش مؤثر اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان برای همکاری در اجرای این طرح در وهله اول تشویق صنایع استان جهت پذیرش دانشجویان به‌عنوان کارورز در راستای تربیت نیروی انسانی متخصص و تأمین نیروی انسانی موردنیاز (که متأسفانه در دانشگاه نیرویی به‌صورت مستقیم برای انجام این کار تعریف نشده است) جهت برقراری پل ارتباطی بین صنعت و دانشگاه است، چراکه دانشجویانی در این طرح ثبت‌نام می‌کنند که یا واحد کارآموزی ندارند یا این واحد را گذرانده‌اند و می‌خواهند مهارت خود را در زمینه انجام کار عملی افزایش دهند، به عبارتی دقیق‌تر دغدغه یادگیری کار عملی دارند و جویای کار هستند.

اجرای این دو طرح (کارآموزی و کارورزی (مهارت افزایی)) یک رابطه دوطرفه بین صنعت و دانشگاه است؛ چراکه دانشجویان شرکت‌کننده در این طرح در حین تحصیل تجربه و تخصص لازم را کسب می‌کنند و از آن طرف از اتلاف وقت و هزینه‌های صنعت جهت آموزش ممانعت به عمل می‌آید.

به‌صورت خلاصه راهکارهای مختلفی به‌منظور افزایش ارتباط صنعت با دانشگاه وجود دارد که بخشی از آن‌ها به‌قرار زیر است:

- اعمال سیاست‌های تشویقی، از جمله معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی برای صنایعی که با دانشگاه‌ها در رفع تنگنایهای صنعتی مشارکت دارند،

- ارتقای اعضای هیئت‌علمی و تشویق دانشگاه‌هایی که با تحقیقات کاربردی خود و انجام فرصت مطالعاتی در صنعت توانسته‌اند مشکلی از پیش پای صنعتگر بردارند،

- برنامه‌ها و شیوه‌های تدریس و سرفصل‌های آموزشی دانشگاه‌ها، متناسب با فناوری‌های روز بازرگاری و اصلاح شود،

- نظام آموزشی و اجرای کارآموزی دانشجویان در صنایع و نیز بازآموزی صنعتگران و فارغ‌التحصیلان، در سطح کشور بازرگاری جدی را می‌طلبد،

- برای تدریس بخش‌هایی از دروس دانشگاه‌ها از متخصصان مجرب شاغل در صنایع استفاده شود تا مطالب کاربردی به دانشجویان ارائه گردد،

- انتخاب عنوان و موضوع پایان‌نامه‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا باید با دقت و وسواس خاصی صورت پذیرد، به‌صورتی که کاربردی بوده و سپس نتایج آن جهت استفاده همگان انتشار یابد،

- رسانه‌های گروهی نیز باید در جهت ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ عمومی در زمینه جایگاه و رسالت دانشگاه و صنعت در توسعه ملی و ایجاد اشتغال پایدار ایفای نقش نمایند. ●

گفت‌وگو با «ابوالفضل وطن‌پرست»
تسهیل‌گیر برنامه‌های آموزشی تشکل‌های اقتصادی

شبکه؛ فضای برای تداوم اعتماد و هم‌افزایی اجتماعی



تجربه نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه پایدار، از طریق برنامه‌هایی اثربخش خواهد بود که نیازهای ملی را از طریق مشارکت‌های مردمی پاسخ دهد. یکی از عوامل مهم و مؤثر بر ارتقا بهره‌وری و گسترش مشارکت‌های مردمی در فعالیت‌های اقتصادی، در قالب تشکل‌های منسجم و ایجاد شبکه‌ها میسر خواهد شد. شبکه‌ها ارتباطات اجتماعی را متناسب با نیاز گروه‌ها رقم می‌زنند و درک متقابل از موضوعات اجتماعی را تقویت نموده و موجب هم‌افزایی و تولید سرمایه اجتماعی می‌شوند. در این راستا با دکتر ابوالفضل وطن‌پرست؛ تسهیل‌گیر برنامه‌های آموزشی تشکل‌های اقتصادی، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانیم.

شد. همچنین عملکرد صحیح شبکه‌های اجتماعی، موجب هم‌افزایی و تولید سرمایه اجتماعی می‌شود. شبکه‌های اجتماعی، انسان‌ها و نهادهای جامعه را به هم متصل می‌کنند و موجب تقویت سرمایه اجتماعی در کشور می‌شوند. گروه‌های مختلف اجتماعی با وجود سلاقی متفاوت به درک متقابل از موضوعات اجتماعی برای اداره بهتر اجتماع می‌رسند. همچنین شبکه‌ها می‌توانند در ایجاد تفاهم برای سیاست‌گذاران اجتماعی در سطح کلان و خرد کمک کنند. به نظر من تشکل‌های اقتصادی می‌توانند بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی را با ایجاد شبکه‌ها انجام دهند و در توسعه اجتماعی و ایجاد تفاهم اجتماعی نیز با بخش‌های دولتی و غیردولتی همکاری کنند و نهادهای اقتصادی بخش خصوصی بهتر در جریان اطلاعات اجتماعی قرار گیرند. شبکه‌ها می‌توانند دغدغه‌های بنگاه‌های کوچک اقتصادی را به گوش سایر بخش‌های اجتماعی برسانند و به‌نوعی نهادهای دولتی و خصوصی این صداها را بهتر بشنوند و زمانی که بنگاه‌های اقتصادی هم‌صدا شوند، اثربخشی بالاتری خواهند داشت. همچنین انجمن‌ها می‌توانند از امکانات و ظرفیت‌های انجمن‌های همکار باخبر شوند و از پتانسیل‌های یکدیگر کمک گیرند و شبکه‌های جدید

شبکه و کارکردهای آن چه هستند؟

شبکه مبحث جدیدی نیست، اما در چند دهه اخیر در ادبیات علوم اجتماعی و کارکرد نهادهای اجتماعی بیشتر به آن اشاره است. به‌طور کلی، شبکه گروهی از افراد و یا سازمان‌ها هستند که به‌صورت داوطلبانه به مبادله اطلاعات، خدمات و یا کالا می‌پردازند و با فعالیت‌های مشترکی را انجام و خود را بدون اختلال در استقلال فردی یا گروهی در جهت نیل به اهداف سازمان می‌دهند، اما به‌طور عام هر نوع ارتباطی که بین افراد یا سازمان‌ها به شکل فعال و غیرفعال ایجاد می‌شود و یا وجود دارد از جنس شبکه است، مانند شبکه دوستی، خانوادگی و شبکه‌های موجود در فضای مجازی و یا شبکه‌هایی که برای رسیدن به اهداف تیمی و سازمانی با گروه‌های هم‌سن، هم‌دغدغه و هم‌صنف تشکیل می‌شوند. شبکه‌ها عملکردهای اجتماعی متنوعی دارند، اما مهم‌ترین کارکرد شبکه‌ها، گسترش ارتباطات اجتماعی است. شبکه‌ها، ارتباطات اجتماعی را متناسب با نیاز گروه‌ها سازمان‌دهی و تقویت می‌کنند و اگر در اجتماع اعتماد بین اعضا و سازمان‌ها افزایش یابد، ارتباط بین آن‌ها بهتر می‌شود و به‌این‌ترتیب امورات اجتماعی راحت‌تر انجام خواهد

را ایجاد کنند. این‌ها در مجموع کارکردهای مهمی هستند که شبکه‌ها می‌توانند برای تشکلهای داشته باشند.

● بهترین الگوهای ایجاد شبکه از نظر تشکلهای کارفرمایی کدام‌اند؟

در مورد ایجاد شبکه‌ها باید به یک نکته کلیدی اشاره کنم؛ در واقع شبکه‌سازی دستاوردی است که بر اساس ارتباط شبکه‌ای حاصل می‌شود و بسیاری از سازمان‌ها در ابتدا و به اشتباه با استفاده از الگوها و ساختارها و دنبال کردن قوانین، اقدام به شبکه‌سازی می‌کنند، اما مهم‌ترین اقدام قبل از شبکه‌سازی این است که ارتباطات شبکه‌ای را تقویت کنیم و سپس شبکه را بسازیم. بهترین الگو این است که به اشکال مختلف و با در نظر گرفتن الگوهای اعتماد ساز، روابط را با سایر گروه‌های هم‌دغدغه، در موقعیت‌های مختلف بهبود بخشیم. زمانی که روابط تسهیل شوند، بهتر می‌توانیم با دغدغه‌های هم آشنا و وارد فضای ساخت شبکه‌ای شویم. به نظر من بهترین گام این است که ابتدا شرایط سرزمین را از لحاظ روندهای قانونی شناسایی کنیم و زمان مناسب برای ساختار شبکه در نظر بگیریم و با ساختارهای حداقلی فعالیت خود را آغاز و سپس به تدریج ساختارهای خود را گسترش دهیم. همچنین ساختارهای افقی که در آن‌ها یک سازمان محور نیست، برای تشکلهای کارفرمایی ساختارهای بهتری هستند. در این ساختارها همه سازمان‌ها جایگاه خود را دارند و ارتباطات افقی‌اند و مسئولیت‌ها به میزان خواست داوطلبین تقسیم و در منافع سهیم می‌شوند.

● اصول و مبانی شبکه‌سازی در تشکلهای چیست؟

در خصوص اصول و مبانی شبکه‌ها باید به این نکته توجه کرد که شبکه‌های مؤثر و کارا یک شبه پدید نمی‌آیند و ایجاد شبکه بدون آینده‌نگری و مطالعه اشتباه است. اصول کار مشارکتی نیز در شبکه‌سازی بسیار مهم است و شبکه‌ها در عین یکپارچگی نیازمند تنوع در میان اعضای خود هستند و باید به منابع مالی و انسانی متنوعی متکی باشند و از آنجایی که افراد با مفهوم اعتماد، وارد شبکه می‌شوند از هر اقدامی که موجب سلب اعتماد در بین اعضای شبکه می‌شود، باید جلوگیری کرد؛ بنابراین در بین اعضای شبکه تماس و تعامل از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین شبکه‌ها نیازمند یک پایگاه مستحکم اجتماعی و مدیریت انعطاف‌پذیر و سازگار با شرایط متغیر در طول زمان هستند.

● به نظر شما اولویت‌های بایسته در نهادسازی و ظرفیت‌های نهادی لازم برای توسعه بخش خصوصی چیست؟

این سؤال نیاز به بحث مفصل دارد، اما به صورت کلی مبحث آموزش و پژوهش در بنگاه‌های اقتصادی باید جدی گرفته شود و توانمند کردن اعضای سازمان‌ها در گسترش ظرفیت سازمان حائز اهمیت است و همچنین بخش خصوصی بدون انسان‌های آموزش‌دیده و توانمند ضعیف خواهد بود. بخش خصوصی باید دانش تخصصی قوی در زمینه کاری خود داشته و به اندازه کافی از دانش بین بخشی و موضوعات اجتماعی مطلع باشد و در ساخت ظرفیت‌های تازه در سازمان‌ها و تشکلهای، گروه‌های خود را توانمند سازد و در نهایت، نگاه سیستمی به فعالیت‌های درون شبکه‌ای خود داشته باشد. همه این موارد، ضرورت‌هایی هستند که باعث گسترش ظرفیت سازمان‌ها می‌شوند. در این میان نهادها، موجب مسئولیت‌پذیر شدن اعضای تشکلهای می‌شوند؛ بنابراین بدون ساخت نهادها، گفتگوهای اجتماعی بسیار مبهم خواهند بود و اگر نهادها به درستی

و نظام‌مند تعریف شوند، اجتماع از بلوغ بیشتری برخوردار خواهد بود و اجتماع بالغ، اقتصاد خوبی خواهد داشت.

● چه آسیب‌هایی ممکن است شبکه‌ها را تهدید کنند و برای حفظ آن‌ها باید چه کنیم؟

مهم‌ترین آسیبی که می‌تواند شبکه‌ها را تهدید کند، بی‌اعتمادی درون شبکه است و این حالت زمانی رخ می‌دهد که اولویت‌های شبکه مغلوب اولویت‌های فردی شده و شبکه‌ها تبدیل به ابزاری برای رسیدن بعضی از گروه‌ها به اهدافشان شود؛ بنابراین هرگونه اقدامی که موجب کاهش اعتماد بین اعضای شبکه شود، باعث از بین رفتن کارکرد صحیح شبکه نیز می‌شود و اعتماد در شبکه و حتی جامعه از بین می‌رود. همچنین سازمان‌های بزرگ برای بالا بردن قدرت و صدای خود و چانه‌زنی در اجتماع، شبکه‌ها را ایجاد و با این اقدام صداهای ضعیف و تشکلهای کم‌توان را حذف می‌کنند و این رفتار به‌منزله صدمه به اجتماع، سوءاستفاده از شبکه و لطمه زدن به اعتماد عمومی خواهد بود. ممکن است آن سازمان قدرتمند در کوتاه‌مدت سود کند، اما دراز مدت به سرمایه اجتماعی کشور آسیب می‌زند؛ بنابراین باید به رفتارها و روابط درون شبکه دقت شود تا اقدامات در جهت ساخت اعتماد شبکه با سایر بخش‌های اجتماع باشد. مسئله بعدی مشاهده اولویت‌های سایر بخش‌های اجتماع و دیدن توانایی افراد در سازمان‌های حاشیه‌ای استان است. با وجود شبکه‌های قدرتمند ممکن است صدای سازمان‌های کوچک شنیده نشود و به تدریج گروه‌های معارض ایجاد شود و به کل مجموعه آسیب بزنند.

● ارزیابی شما در مورد چگونگی تشکلهای در ایران در تطبیق با الگوهای تشکلی در کشورهای موفق در امر تشکلهای سازی اقتصادی چیست؟

در دو دهه گذشته تشکلهای کارفرمایی در کشور و در بخش‌های مختلف استان بسیار کارآمد شکل گرفته‌اند. به نظر می‌رسد در ارتباط بین تشکلهای تا اندازه‌ای ضعیف هستیم، اما امیدوارم با آموزش‌ها و فعالیت‌های اخیر، در آینده شاهد تشکلهای انسجام‌یافته و نظام‌مند باشیم.

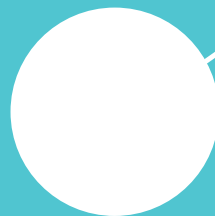
● آیا اتاق بازرگانی به‌عنوان بخش خصوصی می‌تواند در راستای بهبود عملکرد تشکلهای قدم بردارد؟

سازمان‌های حمایت‌کننده مانند اتاق بازرگانی، می‌توانند به شکل‌گیری بهتر تشکلهای، آموزش و ارتقای دانش در خصوص ارتباطات شبکه‌ای و تسهیل شرایط سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کمک کنند. البته تعدادی از اتاق‌های بازرگانی اقداماتی در زمینه آموزش تشکلهای انجام داده‌اند. اتاق‌ها می‌توانند با ایجاد ارتباط مجازی بین تشکلهای و در اختیار گذاشتن مکان برای گردهمایی آن‌ها، شرایط را برای ارتباط بهتر انجمن‌ها فراهم کنند. همچنین با تسهیل شرایط اداری و حقوقی، راه را برای ایجاد تشکلهای هموار سازند.

● سخن پایانی؟

در ساخت شبکه نباید عجله کرد، زیرا ساخت شبکه هدف نیست؛ بلکه ابزاری است برای کمک به توسعه سرزمین و دستیابی بهتر به اهداف. توصیه من به همه تشکلهای این است که در ساخت شبکه‌ها، شکل دادن و ایجاد سازوکار رسمی عجله نکنند و فرصت بدهند تا ارتباط بین تشکلهای به‌خوبی شکل گیرد و اعتماد در شبکه جریان یابد. به همین منظور از روش‌های اعتماد ساز استفاده و با ایجاد یک ساختار قانونی برای تقویت و بهبود ارتباطات شبکه‌ای تلاش کنند. ●

صنعت ومعدن



- گفت‌وگو با «سیدمهدی طبیب‌زاده»
رئیس اتاق بازرگانی کرمان
- آشنایی با نظام مبادلات پیمانکاری فرعی
- گزارش نمایشگاه بین‌المللی سنگ‌های ساختمانی جیپور هند



گفت‌وگو با «سید مهدی طیب‌زاده»
رئیس اتاق بازرگانی کرمان

بخش معدن؛ ظرفیت پیشرانی اقتصاد استان، اما...

سید مهدی طیب‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان معتقد است که بخش معدن در استان کرمان به علت عدم دسترسی به تکنولوژی پیشرفته و نیروی انسانی ماهر و عدم تکمیل زنجیره ارزش به‌طور کلی از مرحله اکتشاف تا فرآوری محصولات معدنی، بهره‌ور نیست و با وجود این‌که همواره از این استان به‌عنوان بهشت زمین‌شناسی یاد می‌کنند، اما اصل موضوع بر زمین است. بایستی بخش معدن، پیشران اقتصاد استان کرمان باشد که دستیابی به این مهم نیازمند نگرش دقیق علمی و روش‌های مبتنی بردانش است. به مطالعه گفت‌وگو با ایشان دعوت می‌شوید.

گذاری بسیار بالا است، مشکل دیگر این است که معادن پر ظرفیت در اختیار بخش دولتی است و در مواقع ضروری دولت منابع خود را از طریق این معادن تأمین می‌کند. معادن کوچک به تنهایی توان سرمایه‌گذاری قابل توجهی ندارند، بنابراین باید با تشکیل کنسرسیوم تجمیع شوند و با سرمایه‌گذاری مشترک به این مهم دست‌یابی نمایند، پس کمبود سرمایه و عدم امکان تأمین مالی و نبود انگیزه قوی، باعث نرسیدن اکتشافات به مرحله ظرفیت بزرگ تولید و نیز ناقص ماندن زنجیره ارزش مواد معدنی در کرمان شده است.

○ **به نظرمی‌رسد که بخش خصوصی تمایلی ندارد که در ایجاد واحدهای فرآوری مواد معدنی وارد شود، اولاً علت چیست؟ و دیگر این‌که چه مکانیزمی باید به کاربرد تا این کار عملی شده و تداوم یابد؟**

نبود معادن بزرگ در بخش خصوصی، توجیه‌پذیری صنایع تبدیلی و فرآوری را با مشکل مواجه کرده است و اطمینانی در خصوص تأمین خوراک کارخانجات آنها وجود ندارد. سرمایه‌گذاری جهت ایجاد صنایع فرآوری برای معادن کوچک و متفرق فلزی و غیرفلزی در بخش خصوصی توجیه اقتصادی ندارد و این اطمینان نیز برای سرمایه‌گذار به وجود نیامده است که اگر بدون داشتن معدن برای ایجاد صنایع فرآوری اقدام کند، تأمین مواد معدنی لازم برای او میسر شود و به واحد ایجاد شده، ماده معدنی تعلق گیرد. چندی پیش یک مجموعه بزرگ صنایع معدنی در کرمان ایجاد شد که در آغاز کار خود تصور می‌کردند که بعد از احداث واحدها، ماده اولیه خود را به راحتی به‌دست می‌آورند، اما با مشکل مواجه شدند و در حال حاضر نیز دست یافتن به مواد معدنی با توجه به محدودیت‌های ایجاد شده، مشکل است و فعالیت بعضی از واحدها به دلیل عدم دسترسی به مواد اولیه و یا گرانی قیمت مواد معدنی مورد نیاز توجیه اقتصادی ندارد. پس به دلیل وجود سرمایه‌گذاری سنگین و نداشتن معدن و عدم اطمینان از تأمین مواد اولیه تا به حال اقدام مهمی در جهت ایجاد صنایع فرآوری معدنی صورت نگرفته است. به نظر من راه حل این معضل این است که شرکت‌های بزرگ دولتی نیازمند به مواد معدنی، با عقد قرارداد، مواد اولیه خود را پیش خرید کرده و به سرمایه‌گذاران فرآوری نیز کمک کنند تا بازار تأمین مواد اولیه محقق شود و شرکت‌های بخش خصوصی، زمینه مشارکت باهم را فراهم و واحدهای فرآوری مشترک دارای توجیه اقتصادی ایجاد کنند.

○ **با وجود اهمیت بخش معدن، در تولید ناخالص ملی سهم معدن اندک است. اینجاست که باید نقش این بخش مهم را در محصولات نهایی مورد توجه قرار داد، دولت در رابطه با سرمایه‌گذاری برای ایجاد صنایع فرآوری چه وظیفه‌ای دارد و تاکنون در استان کرمان در این خصوص چه کرده است؟**

سهم معدن در تولید ناخالص ملی و استانی سهم مؤثری نیست و به نظر می‌رسد، تولید ناخالص داخلی در بخش معدن کمتر از پنج درصد است که این سهم از تولید ناخالص داخلی متناسب با کشور معدن خیزی مانند ایران نیست و ارزش افزوده ایجاد نمی‌شود و اگر توانستیم معادن و کلیه صنایع فرآوری را با تکنولوژی بالا و ابزار دقیق فعال کنیم، آن زمان



○ **صادرات مواد معدنی به شکل خام و فاقد ارزش افزوده که متأسفانه در سال‌های اخیر افزایش هم یافته است موجب هدر رفت منابع است، چه باید کرد؟**

با وجود این‌که اقداماتی در این زمینه صورت گرفته، اما این سؤال همیشه وجود دارد. از تولیدات انجام شده در این زمینه می‌توان به تبدیل سنگ آهن به آهن اسفنجی، تولید مس آند، تبدیل کروم به فروکروم، تولید بخش محدودی از مصنوعات مسی در مجموعه صنایع مس شهید باهنر و فرآوری زغال تا مرحله زغال‌شویی اشاره کرد. در چند سال اخیر به سمت تکمیل زنجیره ارزش در بخش معدن حرکت کرده ایم، اما هنوز کافی نیست. بخش اساسی ایجاد ارزش افزوده در انتهای زنجیره تولید و فرآوری مواد معدنی است، بنابراین بایستی شهرک‌های صنعتی جاذب سرمایه‌گذاری در صنایع پیشرفته و شرکت‌های دانش بنیان تکنولوژی بالا مستقر شوند و صنایع پایین دستی مواد معدنی اصلی مانند فولاد، مس، کروم و غیره را که ظرفیت و توجیه اقتصادی دارند ایجاد کنیم و فرآوری مواد معدنی تا آخرین مرحله طی شود، آن زمان به دلیل تکمیل زنجیره ارزش و ایجاد ارزش افزوده بالا در بخش معدن، می‌توان گفت بخش معدن می‌تواند نقش مهمی را در اقتصاد ایفا کند.

○ **مهم‌ترین مشکلات فرا راه ایجاد واحدهای فرآوری تولیدات معدنی چیست؟**

اولین مشکل فراراه ایجاد واحدهای فرآوری تولیدات معدنی، نیاز به سرمایه

می‌توان گفت بخش معدن نقش مهمی را در زنجیره تولید ایفا می‌کند. تا زمانی که صادرات مواد خام و خام فروشی وجود داشته باشد، بخش معدن نمی‌تواند نقشی در GDP استان ایفا کند. این روزها داشتن منابع و مزیت‌های نسبی برای کشورها، امتیاز محسوب نمی‌شود، بلکه ایجاد توان مزیت رقابتی و استفاده از فرصت‌ها باعث ایجاد سهم قابل توجه در بخش معدن می‌شود و کشورهایی که بدون داشتن هیچ‌گونه ماده معدنی سهم بزرگی در تولید صنایع معدنی دارند، بسیاریند.

وظیفه دولت در رابطه با سرمایه‌گذاری برای ایجاد صنایع فرآوری، این است که فضای کسب‌وکار را بهبود بخشد، شرایط سرمایه‌گذاری را تسهیل و امنیت سرمایه‌گذاری را که دغدغه بسیار مهمی است تضمین نماید. همچنین شرایط رقابت را فراهم کرده و از انحصار در بخش‌های دولتی و رقابت مخرب با بخش خصوصی پرهیز نماید. تأمین مواد اولیه‌ای که در دست بنگاه‌های دولتی یا عمومی است را برای واحدهای پایین دست تضمین نموده و امکان چند بار چرخیدن کالا و مواد در دست واسطه‌ها را از بین ببرد و تسهیلات مالی با نرخ رقابتی و با سهولت برای سرمایه‌گذاران تأمین نمایند.

بر اساس آمار، کشور بیش از ۴ میلیارد تن ذخایر سنگ آهن و معدن شناخته شده دارد، به‌عنوان مثال چگونه است که کشور کره جنوبی بدون هیچ اکتشافی در حدود ۶۰ میلیون تن آهن و فولاد تولید می‌کند و ما حدود یک سوم این مقدار، دولت و بخش خصوصی در این اشکال بزرگ هر کدام چه سهمی دارند؟

در حال حاضر کره جنوبی دارای کارخانه‌های بزرگ فولاد با تولید ۳۵ میلیون تن در سال است، در حالی که استان کرمان با ۶۰ درصد ذخایر سنگ آهن تلاش می‌کند که تولید خود را به ۱۰ میلیون تن فولاد در سال برساند. همچنین کره جنوبی به غیر از کارخانه‌های فولاد و تولید انبوه در این زمینه، تولیدکننده ماشین‌آلات و ابزار فولادی و صاحب تکنولوژی در تولید کارخانه‌های فولاد نیز هست. آن‌ها با دانش و پژوهش توانسته‌اند تکنولوژی تولید کنند و از ماده معدنی کم‌ارزش کالاهای گران‌قیمت تولید و به‌تمامی کشورهای دنیا صادر کنند.

سهم دولت در این اشکال بزرگ این است که دولت با انحصار و عدم حمایت جدی از بخش خصوصی با تمرکز معادن بزرگ سنگ آهن در شرکت‌های بزرگ دولتی نظیر فولاد مبارکه، ذوب آهن و ... با ملاحظات سیاسی و پیگیری‌ها و لابی‌های منطقه‌ای، منطق علائق و ضرورت‌های محلی را جایگزین منطق اقتصادی کرده است که این رویکرد اثرات زبان‌آور جبران‌ناپذیر محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی داشته است و از طرفی مانع رشد بخش خصوصی شده است؛ چرا که اگر بخش خصوصی مصمم به اجرای پروژه‌ای باشد در دام ملاحظات غیراقتصادی گرفتار نمی‌شود. بخش خصوصی هم به دلیل سرمایه‌بر بودن این طرح‌ها، عدم اطمینان از تأمین مواد اولیه، عدم احساس امنیت سرمایه‌گذاری، مشکلات تأمین ارز و تضامین لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی، علاقه‌ای به این امر نشان نداده است.

مهمترین محصولات صنایع معدنی استان و نیز مهمترین بازارهای هدف آنها کدامند؟

در حال حاضر مهم ترین محصولات صنایع معدنی استان، مس کاتد است. تا به حال سنگ آهن دانه‌بندی شده، کنستانتیره، گندله، آهن اسفنجی، فولاد خام و شمش فولادی نیز بوده است. بخشی از فولاد تولید شده نیز در صنایع نورد در تولید مقاطع مختلف ساختمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مس نیز تا مرحله کاتد تولید و صادر می‌شود و بخش کوچکی در حدود ۳۰ هزارتن نیز در استان کرمان تبدیل به محصولات مسی می‌شود که در صنایع اتومبیل سازی، صنایع بهداشتی، شیرآلات و تولید بخشی از سکه کشور استفاده می‌گردد. البته نسبت به ۴۰۰ هزارتن ظرفیت مس، تولید ۵۰ هزارتن، رقم قابل توجهی در استان کرمان نیست.

ظرفیت‌های موجود و نیز در حال احداث فرآوری محصولات معدنی استان با توجه به نوع آنها چه میزان است؟

شرکت ملی صنایع مس تولید ۴۰۰ هزارتن مس را در دستور کار خود قرار داده و مطالعاتی در این باره انجام و پروژه‌هایی برای استفاده از مس کاتدی و محصولات دیگر تعریف شده است، اما به دلیل عدم استفاده از ظرفیت موجود، هنوز به مرحله عمل نرسیده‌اند. امیدواریم با سرمایه‌گذاری دولت و تضمین تأمین مواد اولیه کارخانجات بخش خصوصی، این میزان از مس تولید شود، همچنین در بخش فولاد نیز به زودی واحد های فولاد، یکی پس از دیگری وارد مدار تولید می‌شوند و استان کرمان تبدیل به استان ۱۰ میلیون تنی در زمینه تولید فولاد خواهد شد. با توجه به افق ۱۴۰۴ و برنامه‌ریزی برای تولید ۵۵ میلیون تن فولاد، در حال حاضر کشور باید برای ۳۵ میلیون تن صادرات فولاد برنامه‌ریزی کند و این اقدام با توجه به

وظیفه دولت در رابطه با سرمایه‌گذاری برای ایجاد صنایع فرآوری، این است که فضای کسب‌وکار را بهبود بخشد، شرایط سرمایه‌گذاری را تسهیل و امنیت سرمایه‌گذاری را که دغدغه بسیار مهمی است تضمین نماید. همچنین شرایط رقابت را فراهم کرده و از انحصار در بخش‌های دولتی و رقابت مخرب با بخش خصوصی پرهیز نماید. تأمین مواد اولیه‌ای که در دست بنگاه‌های دولتی یا عمومی است را برای واحدهای پایین دست تضمین نموده و امکان چند بار چرخیدن کالا و مواد در دست واسطه‌ها را از بین ببرد و تسهیلات مالی با نرخ رقابتی و با سهولت برای سرمایه‌گذاران تأمین نمایند.

آیا در حال حاضر ورود سرمایه‌گذاری خارجی در ایجاد صنایع فرآوری مواد معدنی استان و نیز به کارگیری کارشناسان خارجی در کنار انتقال تکنولوژی مربوطه میسر است؟

کم و بیش این اقدام انجام شده است، اما محدودیت‌ها در قوانین و عدم احساس امنیت سرمایه‌گذار خارجی و نبود قوانین حمایتی از سرمایه‌گذار خارجی در کشور، باعث شده که ما تعداد کمی سرمایه‌گذار مستقیم خارجی داشته باشیم. در حال حاضر این وضعیت به دلیل تحریم‌های موجود بدتر هم شده است، بنابراین موضوع ورود سرمایه‌های خارجی از کشورهای صاحب تکنولوژی و دیگر کشورها موضوعی است که قابل بحث و کارآمد نیست.

در نهایت چه راه کارهای عملی برای ایجاد، توسعه و تداوم فعالیت واحدهای فرآوری محصولات معدنی استان کرمان پیشنهاد می‌نمائید؟

به نظر بنده بایستی اعداد و ارقام به‌خوبی تجزیه و تحلیل شود. با وجود این که همه جا گفته می‌شود استان کرمان، بهشت زمین‌شناسی است و وجود بیش از ۴۲ نوع ماده معدنی و قرارگرفتن بیشتر معادن بزرگ کشور در استان و استخراج ۶۳ میلیون تن ماده معدنی از معادن استان، انجام ۲۱ درصد از کل فعالیت‌های معدنی کشور و ایجاد ۳۸ درصد از ارزش‌افزوده کشور، اما سهم استان در GDP کشور بسیار پایین است و شاید کمتر از ۱۰ درصد باشد؛ بنابراین اول باید در روش‌ها بازنگری شود و معادن از مرحله اکتشاف تا فرآوری به‌طور کامل با تکنولوژی و دانش روز همراه شوند. همچنین باید بررسی شود که این پتانسیل چه مقدار ثروت را تولید می‌کند و توجه داشته باشیم در آینده با رشد تکنولوژی‌ها ممکن است ذخایر یک سری از معادن بلااستفاده بماند. در برنامه طولانی مدت این معادن به بهترین وجه استخراج و تبدیل به ثروت افزاینده شوند و منابع مالی کشور را تأمین کنند؛ بنابراین تجزیه و تحلیل عمیق عملکرد بخش معدن در کرمان ضرورت دارد؛ تکیه بر چندین کارخانه فرآوری، دل‌خوش کردن به سرمایه‌گذاری‌های پایین و داشتن معادن کافی نیست. بایستی بخش معدن پیشران اقتصادی استان کرمان باشد و دستیابی به این مهم نیازمند نگرش دقیق علمی و روش‌های مبتنی بر دانش است.

متولی بررسی اعداد و ارقام و ایجاد زنجیره ارزش و نتیجه‌گیری از آن برعهده کدام سازمان یا نهاد است؟

اقتصاد استان متولی ندارد، آمار و ارقام تحلیل نمی‌شوند و همه به کمیته‌ها توجه می‌کنند. به نظر من این وظیفه در حیطه سازمان مدیریت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی است که منابع اقتصادی استان را تحلیل کنند، GDP استان را ببینند و با تحلیل داده‌ها نشان دهند که آیا به‌صورت عاقلانه از ظرفیت‌های اقتصادی استفاده می‌کنیم یا نه؟ GDP تولید شده متناسب با ائتلاف منابع است یا نه؟ اتاق به‌عنوان مطالبه‌گر وارد این موضوع شده و بخش کشاورزی، آب، انرژی و معدن را به چالش کشیده است، اما به هر حال بایستی متولیان به‌طور جدی به این امر بپردازند. ●

رقبای قوی مانند چین، کره و ترکیه کاری دشوار است، بنابراین بایستی به دلیل حجم زیاد و نبود تکنولوژی چاره‌ای بیندیشیم، گرچه مطالعاتی انجام شده و قرار است در جوار معادن سنگ آهن و کارخانجات فولاد، شهرک‌های صنعتی پایین دستی فولاد ایجاد شود، اما هنوز به مرحله عمل نرسیده و نهایتاً در کرمان تولید فولاد خام را خواهیم داشت.

وضعیت استان کرمان را با نگرش به ظرفیت علمی و تخصصی دانشگاه‌های استان برای استفاده کارآمد در صنایع و فرآوری محصولات معدنی استان چگونه ارزیابی می‌نمائید؟

خوشبختانه استان از پتانسیل بسیار خوبی در زمینه آموزش در رشته‌های مربوط به معدن، متالورژی و صنایع فرآوری محصولات معدنی برخوردار است و می‌توان گفت یکی از مجموعه‌های تحقیقاتی بزرگ و دقیق کشور در کرمان وجود دارد، اما معضل عدم ارتباط صنعت و معدن با دانشگاه‌ها باعث شده است که از این ظرفیت کارآمد تنها در موارد محدود استفاده شود و بخش عظیمی از ظرفیت دانشجویی و کادر علمی استان کرمان در دانشگاه‌های متعدد نتوانسته در خدمت توسعه معدن قرار گیرد. دانشگاه‌ها نیز برای ورود به بخش معدن و تأمین مالی خود احساس نیاز نمی‌کنند، البته دانشگاه‌ها از اعتبار دولتی بهره‌مند هستند، در حالی که در دنیا دانشگاه‌ها یکی از منابع درآمدی دولت هستند. البته بخش معدن نیز زیاد برای برقراری این ارتباط راغب نیست و به نظر من تنها راه ممکن، افزایش مهارت‌های لازم و ایجاد پلی بین بخش معدن و دانشگاه‌هاست. به هر حال دانشجویان در دانشگاه‌ها به‌صورت تئوری تعلیم داده می‌شوند و درس‌هایی مطالعه می‌کنند که ممکن است در محل کار بدون مهارت‌های لازم کاربرد نداشته باشند، بنابراین باید رشته‌های دانشگاهی براساس نیاز صنایع معدنی تعریف شود و تولید انبوه فارغ‌التحصیل بدون توجه به نیاز باعث تضییع منابع و عدم استفاده صحیح از ظرفیت‌ها می‌شود. در مرحله بعد فارغ‌التحصیلان بایستی مهارت‌های لازم را کسب کنند و تنها به آموزش تئوریک بسنده نکنند. وجود انگیزه قوی باعث ایجاد نیاز در دانشگاه‌ها و کارآفرینی آن‌ها می‌شود. از طرفی باید بین فعالان بخش معدنی اعتماد برقرار شود و نیاز به فارغ‌التحصیلان این رشته و طرح‌های دانشگاهی احساس شود.

ارزیابی شما از چگونگی بهره‌وری فعالان بخش معدن و صنایع معدنی استان از دانش روز دنیا چیست؟

بخش معدن در کرمان به دلیل عدم تکنولوژی و نیروی انسانی ماهر در مراحل اکتشاف تا فرآوری بهره‌ور نیست. امروزه انبوه مواد باطله در کنار معادن به چشم می‌خورد. اینها خود منبع بزرگی از ثروت هستند، اما به دلیل نبود تکنولوژی استخراج مواد معدنی و عیار کم باطله، فرآوری این مواد از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست. در حال حاضر بخش مهمی از مواد معدنی در مرحله استخراج هدر می‌رود و مواد با عیار کم نادیده گرفته می‌شود. همچنین بخشی از مواد نیز در جریان حمل و فرآوری از بین می‌رود. به‌طور کل پروسه معدن در کرمان بهره‌ور نیست و به رغم وجود معادن فراوان در استان، آثار ملموس بخش معدن را در اقتصاد استان مشاهده نمی‌کنیم. بخش معدن بخش پرهزینه و دیر بازدهی است به همین دلیل باید تحت حمایت‌های ویژه قرار بگیرد.

Subcontracting
and Partnership
Exchange

آشنایی با نظام مبادلات پیمانکاری فرعی



مهروز ابراهیمی
مسئول پروژه SPX



تجربیات کشورهای پیشرو و توسعه‌یافته نشان می‌دهد، تقویت، بهبود و تکمیل زنجیره ارزش تولیدات صنعتی مبتنی بر قابلیت‌های ذاتی آن‌ها، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تضمین‌کننده موفقیت صنایع کوچک و بزرگ است. توسعه تعامل و همکاری بین خریداران و سازندگان تجهیزات، قطعات و ماشین‌آلات صنعتی و از آن مهم‌تر ارتقاء شیوه و رویکرد تعاملی بین آن‌ها، مهم‌ترین فلسفه ایجاد الگویی تحت عنوان نظام پیمانکاری فرعی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه می‌باشد.

مبادلات پیمانکاری فرعی: در واقع الگویی است به‌مانند الگوی توسعه خوشه‌های صنعتی، یکی از روش‌های عمده توسعه صنایع کوچک و متوسط^۲ (SMEs) به‌ویژه در حوزه پیمانکاری است که ایده اولیه ایجاد آن در یونیدو^۳ از سال ۱۹۷۰ شکل گرفت و تا سال ۱۹۸۵ به شکل امروزی خود درآمد. در این مدل تقویت توانایی صنایع کوچک و متوسط حوزه پیمانکاری از طریق تکمیل و بهبود زنجیره ارزش آن‌ها برای افزایش تولید

یکی از مسائل چالشی حاکم بر نظام‌ها و الگوهای توسعه صنعتی کشورهای مختلف، توجه به صنایع کوچک به‌عنوان محور توسعه در فرآیند توسعه صنعتی آن‌ها است. پاسخ به این‌که صنایع کوچک نیز می‌توانند نقشی در فرآیند توسعه صنعتی ایفا کنند و شایسته توجه و تمهید شرایط لازم برای توسعه هستند، دیدگاه کلان توسعه کشورها را مشخص می‌نماید.

در اغلب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، علاوه بر صنایع بزرگ، صنایع کوچک نیز از جایگاه بسیار بالایی در سیاست‌گذاری‌ها و حمایت‌های دولتی برخوردارند و توانسته‌اند نقش بسیار قابل‌توجهی در بهبود توان رقابت‌پذیری صنعتی، ایجاد و توسعه اشتغال، کمک به توزیع درآمد، توسعه و تقویت کارآفرینی ایفا نمایند. به عبارت دیگر در این کشورها با درک اهمیت و جایگاه صنایع کوچک، توجه جدی به توسعه و تقویت هم‌زمان صنایع کوچک و بزرگ در کنار یکدیگر شده است.

است. برای گسترش پیمانکاری فرعی، ایجاد ارتباط و اعتمادسازی بین واحدهای کوچک و بزرگ صنعتی اهمیت بسیاری دارد. حداکثر بهره‌برداری از امکانات آزمایشگاهی و شبکه کنترل موجودی در صنایع طرف قرارداد، بهره‌مندی از تجربه‌های فنی - تخصصی کارشناسان طرف قرارداد و در نتیجه ارتقای توان علمی - تخصصی و بهره‌وری واحدهای صنعتی کوچک، استفاده از توان بالقوه تولیدی و رفع مشکل کمبود تقاضا در واحدهای تولیدی موردنظر از مهم‌ترین مزایای پیمانکاری فرعی صنعتی است. همچنین از لحاظ تولید انبوه، نرخ تمام‌شده کالا در حداقل قرار می‌گیرد. علی‌رغم این‌که در کشور بیش از ۹۵ درصد کل واحدهای تولیدی در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار می‌گیرند، این بنگاه‌ها سهم چشم‌گیر در تولید ناخالص ملی و ایجاد ارزش افزوده کسب نکرده و با کمبود شدید در این بخش مواجه هستند. به نظر می‌رسد کاهش موقعیت و مزیت بنگاه‌های کوچک و متوسط نسبت به صنایع بزرگ، متأثر از عوامل درون بنگاهی و برون بنگاهی متعددی باشد از این رو نهادیایی همچون نظام مبادلات پیمانکاری فرعی یکی از راه‌های مدرن و مؤثر سازمانی برای تولید محصولات صنعتی از راه همکاری واحدهای تولیدی مکمل است که می‌تواند نقش مهمی در توسعه و ارتقاء بنگاه‌های کوچک و متوسط ایفا نماید اهمیت این مراکز زمانی پررنگ‌تر می‌گردد که با توجه به اهداف این مراکز و ایجاد همکاری‌ها بین واحدها میزان رشد صنعتی و کاهش تعطیلی و ناکارآمدی این نوع بنگاه‌ها کاهش یابد. ارائه راهکار در این شیوه به‌گونه‌ای است که تلاش می‌گردد ارتباط مناسبی بین بنگاه‌های اقتصادی در زنجیره ارزش و تأمین قطعات صنعتی ایجاد گردد.

ضرورت توسعه بنگاه‌های کوچک اقتصادی

- ۱- ارتقای فضای کسب‌وکار و زیرساخت‌های صنعتی
- ۲- سرمایه‌گذاری در فن‌آوری و نوآوری
- ۳- افزایش رقابت‌پذیری با حمایت از خوشه‌ها و شبکه‌های کسب‌وکار
- ۴- رعایت استانداردها و فراهم نمودن زیرساخت‌های کیفیت
- ۵- راه‌اندازی و حمایت از تشکیل مؤسسات خدمات توسعه کسب‌وکار BDS ها
- ۶- تسهیل تجارت

مزایای پیمانکاری فرعی صنعتی

مزایای پیمانکاری فرعی صنعتی برای صنایع کوچک

- حداکثر بهره‌برداری از امکانات آزمایشگاهی و سیستم کنترل موجود در صنایع طرف قرارداد.
- بهره‌مندی از تجربه‌های فنی - تخصصی کارشناسان طرف قرارداد و در نتیجه ارتقای توان علمی - تخصصی و بهره‌وری واحدهای صنعتی کوچک.
- استفاده از توان بالقوه تولیدی و رفع مشکل کمبود تقاضا در واحدهای تولیدی موردنظر.
- به لحاظ تولید انبوه، قیمت تمام‌شده کالا حداقل قرار می‌گیرد.
- توزیع درآمد بهتر و افزایش درآمد کارکنان و در نهایت اجتماع.
- تولیدات به‌صورت تخصصی و حرفه‌ای شکل می‌گیرد و باعث

و اشتغال‌زایی، به‌روزآوری فرآیندهای فنی و محصولات، بهبود قابلیت رقابت بین‌المللی، جلب سرمایه‌گذاری و سفارش‌های خارجی، تشویق جایگزینی واردات و رشد صادرات محصولات دنبال می‌شود. هدف این برنامه تقویت توانایی صنایع کوچک و متوسط برای افزایش تولید و اشتغال‌زایی آن‌ها، به‌روزآوری فرآیندهای فنی و محصولات آن‌ها، بهبود قابلیت رقابت بین‌المللی آن‌ها، جلب سرمایه‌گذاری و سفارش‌های خارجی، تشویق جایگزینی واردات و رشد صادرات محصولات تولیدی، بوده است.

یکی از راه‌های مدرن و مؤثر سازمانی برای تولید محصولات صنعتی از راه همکاری واحدهای تولیدی مکمل است. در این حالت یک پیمانکار اصلی همراه با عرضه‌کنندگان پیمانکاری فرعی متعدد وجود دارند؛ به عبارت دیگر در نظام پیمانکاری فرعی، توافق بین دو گروه یعنی پیمانکار اصلی و پیمانکار فرعی است.

پیمانکار اصلی^۴ اقدام به واگذاری تولید قطعه‌ها و اجزای قابل مونتاژ اصلی یا فرعی و یا بخشی از خدمات موردنیاز محصول نهایی به یک یا چند بنگاه تولیدی می‌کند. پیمانکار فرعی بر اساس مشخصات فنی تعیین‌شده توسط پیمانکار اصلی (کارفرما) کار را انجام می‌دهد. بدیهی است در نظام تولید، به‌ویژه در حوزه‌های صنعت، تقسیم‌کاری که به این روش انجام می‌پذیرد موجب ارتقای روزافزون تخصص پیمانکار فرعی در یک یا چند فرآیند فنی می‌شود. در واقع نظام مبادلات پیمانکاری فرعی (SPX) با کمک توسعه بازار بنگاه‌های کوچک و متوسط در سطح بین‌المللی در کنار آموزش و ارتقاء توانمندی بنگاه‌ها، اقیانوسی از فرصت‌های رشد و تعالی را پیش روی بنگاه‌ها قرار داده است.

پیمانکاری‌های فرعی صنایع کوچک و متوسط از لحاظ رابطه با صنایع بزرگ به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

- الف - پیمانکاری فرعی برای ساخت قطعه‌ها و کالاهای نیم ساخته صنعتی،
 - ب - پیمانکاری فرعی برای تکمیل و مونتاژ قطعه‌ها و کالاهای صنعتی،
 - ج - پیمانکاری فرعی برای انتقال اطلاعات و دانش فنی و ارتقای تکنولوژی،
 - د - پیمانکاری فرعی برای انجام تحقیق و طراحی بخشی از یک طرح بزرگ و یا طرح توسعه واحدهای بزرگ.
- * موضوعاتی مانند تأمین مواد اولیه، مشارکت بلندمدت، کارخانه مجازی و ... مشمول نظام مبادلات پیمانکاری فرعی نیست.

ضرورت به‌کارگیری نظام پیمانکاری فرعی

سه تحول اساسی در اقتصاد جهانی، اهمیت فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی کوچک را نسبت به فعالیت‌های بنگاه‌های بزرگ افزایش داده است. می‌توان یکی از مؤثرترین عوامل در رشد و توسعه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی هر کشوری را بنگاه‌های کوچک و متوسط اعلام نمود. پیمانکاری فرعی و مبادله‌های مشارکتی، یکی از راه‌های پیوند بین صنایع کوچک و بزرگ و عاملی برای تداوم تولید در واحدهای صنعتی و رونق بخشیدن به کل اقتصاد است. از این رو مورد توجه مسئولین و دولتمردان کشورها توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار گرفته

بهترین حوزه‌های صنعتی برای عملیات SPX

- صنایع فلزی و فلزکاری،
 - صنایع الکترونیک و مکانیک،
 - صنایع لاستیک و پلاستیک،
 - صنایع شیمیایی.
- در کشورهای توسعه‌یافته، استفاده از روش پیمانکاری در زمینه خدمات صنعتی از اهمیت بالایی برخوردار شده و پیوسته در حال افزایش است. نگهداری و تعمیرات، خدمات آزمایشگاهی، تست و کنترل کیفیت، حسابداری، خدمات کامپیوتری، تحقیق و توسعه (R&D)، بازاریابی، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و غیره نمونه‌هایی از این خدمات می‌باشند.

مشکلات پیمانکاری فرعی بین صنایع کوچک و بزرگ در ایران

- عدم تحویل به‌موقع سفارش‌ها،
- عدم پرداخت به‌موقع تعهدهای مالی،
- پایین بودن کیفیت کالاهای سفارشی،
- عدم ارتباط بین صاحبان صنایع کوچک و بزرگ،
- عدم حمایت از انجام پیمانکاری فرعی صنعتی بین صنایع کوچک و بزرگ،
- عدم وجود نهادی برای نظارت بر حسن اجرای قراردادهای پیمانکاری فرعی صنعتی بین واحدهای تولیدی صنعتی کوچک و بزرگ،
- بنابراین رفع مشکلات یادشده برای گسترش پیمانکاری فرعی صنعتی در بین صنایع کوچک و بزرگ، دارای اهمیت فراوان است.

مطالعه توانمندی‌های تولیدی در پیمانکاری فرعی SPX و

اولویت‌بندی صنایع استان

استان کرمان با وسعت ۱۸۰ هزار و ۷۲۶ کیلومترمربع به‌عنوان دومین استان پهناور کشور، ۱۱ درصد از کل خاک کشور را به خود اختصاص داده است. استان کرمان در بخش صنعت دارای هزار و ۳۲۷ فقره مجوز بهره‌برداری با سرمایه‌گذاری ۵۷ هزار و ۲۳۷ میلیارد ریال و اشتغال ۶۲ هزار و ۶۶۰ نفر می‌باشد که به ترتیب از نظر تعداد، سرمایه‌گذاری و اشتغال به ترتیب در جایگاه هفدهم و سیزدهم کشور قرار دارد. همچنین از نظر تعداد مجوزهای گروه صنعت غذایی و آشامیدنی و از نظر سرمایه‌گذاری، گروه صنعت فرآوری موادمعدنی در بالاترین رده قرار گرفته است.

از مهم‌ترین صنایع و معادن بزرگ استان می‌توان به مس سرچشمه، مس خاتون‌آباد، سنگ‌آهن گل‌گهر، مس شهید باهنر، روغن نباتی گلناز کرمان، آلومینیوم هزار، کرمان تابلو، فولاد کرمان، گروه صنعتی بارز، سیمان ممتازان، سیمان کرمان، سیمان زرین، صنایع خودروسازان کرمان موتور، مدیران خودرو، رایین خودرو، فولاد زرند ایرانیان، فولاد سیرجان ایرانیان، ذوب جهان، فولاد بوتیا، صنایع ذوب و نورد کرمان اشاره نمود.

مهم‌ترین تولیدات صنعتی استان عبارت‌اند از مس کاتد، کنسانتره آهن، گندله آهن، مصنوعات مسی، انواع روغن نباتی، فویل آلومینیوم و لفاف‌های غذایی و دارویی، انواع تابلو برق، میلگرد، انواع لاستیک خودرو، سیمان خاکستری، خودرو سواری، کک و قطران و آهن اسفنجی می‌باشد. عمده محصولات صادراتی استان در زمینه مس کاتد، مصنوعات

دستیابی سریع‌تر به نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها شده و در نتیجه تنوع در تولیدات افزایش می‌یابد.

مزایای پیمانکاری فرعی برای صنایع بزرگ

- صنایع بزرگ با کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و جلوگیری از گسترش بی‌رویه واحدها و بعضاً با تعطیل کردن پاره‌ای از بخش‌های خط تولید و سپردن کار تولید قطعه‌ها و کالاهای صنعتی و حتی بخش طراحی و مونتاژ کالا به واحدهای کوچک طراحی و مهندسی و مونتاژ، نه تنها از کاهش حجم تولید واحد صنعتی خود جلوگیری می‌کند، بلکه برعکس حجم تولید و بهره‌وری را تا چند برابر افزایش می‌دهند،
- صنایع بزرگ با بهره‌گیری از پیشنهادها و اندیشه خلاق واحدهای کوچک پیمانکار، ضمن رفع مشکلات و ضعف‌های احتمالی و ارتقای کیفیت کالاهای تولیدی، توانسته‌اند بیشترین نوآوری و تنوع را به تولیدات خود بدهند،
- صنایع بزرگ با انجام پیمانکاری‌های فرعی قادر هستند قیمت تمام‌شده کالا را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهند و برای مدت‌زمانی طولانی می‌توانند قطعه‌ها و لوازم موردنیاز خود را به گونه سفارشی تأمین کنند.

مهم‌ترین اهداف مرکز مبادلات فرعی

۱. شناسایی، ایجاد و توسعه بازارهای جدید برای پیمانکاران،
۲. ارتقاء توانمندی و پتانسیل پیمانکار و کارفرما،
۳. تسهیل ارتباط کارفرما و پیمانکار و معرفی آن‌ها به یکدیگر.

سه تحول اساسی در اقتصاد جهانی، اهمیت فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی کوچک را نسبت به فعالیت‌های بنگاه‌های بزرگ افزایش داده است. می‌توان یکی از مؤثرترین عوامل در رشد و توسعه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی هرکشوری را بنگاه‌های کوچک و متوسط اعلام نمود. پیمانکاری فرعی و مبادله‌های مشارکتی، یکی از راه‌های پیوند بین صنایع کوچک و بزرگ و عاملی برای تداوم تولید در واحدهای صنعتی و رونق بخشیدن به کل اقتصاد است. از این رو مورد توجه مسئولین و دولتمردان کشورها توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار گرفته است.

- مذاکره با کارفرمایان متعدد داخلی و خارجی و رویدادهای بازاریابی،
 - معرفی توانمندی پیمانکاران عضو به کارفرمایان از طریق برگزاری بازدید حضوری کارفرمایان از توانمندی شرکت‌های پیمانکاری عضو،
 - برگزاری جلسات رو در رو (BYB) بر اساس نیازسنجی از اعضا کارفرما،
 - تبلیغات و بازاریابی از طریق سازمان‌دهی برگزاری، حضور، بازدید و غیره در نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و کنفرانس‌ها و به‌طورکلی رویدادهای بازاریابی مرتبط به‌طور مثال حضور در نمایشگاه‌های داخلی،
 - برگزاری دوره‌های آموزشی جهت افزایش سطح بهره‌وری اعضا با نیازسنجی از پیمانکاران و آسیب شناسی از کارفرمایان.
- وجود پتانسیل، مزیت پیمانکاری بالا و اعلام استان کرمان به‌عنوان یکی از ده استان‌های منتخب جهت پیاده‌سازی نظام مبادلات فرعی از سوی SPX، سبب شد تا اتاق بازرگانی با همکاری سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی استان اقدام به راه‌اندازی این واحد در جهت بهره‌وری صنایع کوچک و متوسط نماید تا نیاز واحدهای صنعتی و معدنی استان با صرفه اقتصادی تولید و تأمین شود، بهره‌مندی حداکثری از این موفقیت، مستلزم مشارکت گسترده فعالان اقتصادی در حوزه‌های مختلف پیمانکاری و کارفرمایی در سطح استان و ملی می‌باشد که امید است با همت فعالان اقتصادی قدمی بزرگ در این راستا برداشته شود.
- در آخر خاطر نشان می‌سازیم که:
- * در راه‌اندازی و تثبیت نظام پیمانکاری فرعی نباید به دنبال نتیجه کوتاه‌مدت بود. ●

منابع:

- ۱- شیرازی، بابک، خطیرزادبالی، حسنا، ارائه یک چارچوب استراتژیک برای ارزیابی فازی سرویس نظام مبادلات پیمانکاری فرعی SPX سازمان‌های بزرگ مقیاس (۱۳۹۳)
- ۲- روئین‌تن، پونه، الگوهای برون‌سپاری در روابط پیمانکاری فرعی. نشریه صنعت ساز. شماره ۱۳۴ - ۱۳۳، (۱۳۸۶)
- ۳- قابلیت‌های صنعتی، معدنی و تجاری استان کرمان، (۲۰۱۶) <http://ker.mimt.gov.ir/services/news/thumbnaill>
- https://www.itohaber.com/haber/english/207561/europe_procures_its_subcontracting_and_solution_partnership_needs_from_turkey.html
- UNCTAD (2006). World Investment Report: Transnational Corporation Linkages in Developing Countries. The Case of Backward Linkages via Subcontracting. New York: United Nations Centre of Transnational Corporations. Geneva, ILO
- Kenya Association of Manufacturers (2006). Manufacturing in Kenya- A survey of Kenya's manufacturing sector. Nairobi: Kenya. Kimura, F. (2001). Subcontracting and the performance of small and medium firms in Japan. The World Bank. Paper No.3719
- https://www.unido.org/sites/default/files/2013_02/Establishing_a_Subcontracting_and_Partnership_Exchange_Draft_022013_0.pdf
- https://www.unido.org/sites/default/files/2017-09/UNIDO_at_Hannover_Messe_2017_0.pdf

مسی، سنگ‌آهن، کرومیت، خرما، پسته و انواع سنگ‌های ساختمانی از جمله کاشی و سرامیک، سیمان، سنگ و کنسانتره مولیبدن می‌باشد. با توجه به تهدیدات کمبود آب در استان، توسعه صنعت و معدن به‌عنوان یکی از اولویت‌های توسعه اقتصادی استان در نظر گرفته شده است؛ استان کرمان با وجود بیش از ۴۰ نوع ماده معدنی به‌عنوان بهشت زمین‌شناسی لقب گرفته است، وجود زون‌های زمین‌شناسی سنندج - سیرجان، ارومیه - دختر، ایران مرکزی و افیولیت، پتانسیل و ذخایر ارزشمند و بی‌شماری را برای استان به ارمغان آورده است که از نظر ذخایر زیرزمینی یکی از غنی‌ترین مناطق ایران است. باید گفت که معادن آهن، مس، زغال‌سنگ و کرومیت در استان از غنی‌ترین معادن کشور و بعضاً بی‌نظیر می‌باشد.

در حال حاضر در زمینه سنگ‌آهن ۳۶ فقره پروانه بهره‌برداری با ذخیره قطعی ۱/۷ میلیارد تن شناخته شده است که مهم‌ترین آن‌ها سنگ‌آهن گل گهر با ذخیره قطعی ۱/۲ میلیارد تن و سنگ‌آهن جلال‌آباد در شهرستان زرنند با ذخیره قطعی ۱۸۷ میلیون تن می‌باشد. ذخیره قطعی مس استان نیز در حال حاضر ۱/۷ میلیارد تن در قالب ۲۶ فقره پروانه بهره‌برداری می‌باشد که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از معدن مس سرچشمه با ذخیره قطعی ۱/۲ میلیارد تن و معدن مس میدوک در شهر بابک با ذخیره قطعی ۱۴۴ میلیون تن است؛ همچنین ذخیره قطعی زغال‌سنگ استان ۱۲۰ میلیون تن و ذخیره قطعی کرومیت در شمال استان ۹ میلیون تن می‌باشد. با توجه به ذخایر غنی سنگ‌آهن، مس، زغال‌سنگ و کرومیت در استان طرح‌های فرآوری مواد معدنی در اولویت سرمایه‌گذاری استان قرار گرفته است. همچنین با توجه به پروژه‌های راه‌اندازی شده و در دست اجرا در دولت تدبیر و امید در زمینه تولید کنسانتره آهن، گندله آهن، آهن اسفنجی و شمش آهن، مس کاتد و مصنوعات مس، استان کرمان در سال ۱۳۹۸ جایگاه ویژه‌ای در زمینه زنجیره مس و فولاد کشور قرار می‌گیرد.

یک‌پنجم اشتغال استان مربوط به واحدهای کوچک و متوسط است، توانمندسازی این بخش برای توسعه اقتصادی استان ضروری می‌باشد. در راستای توسعه صنعتی استان در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، اتاق کرمان به‌عنوان نماینده بخش خصوصی در جهت توسعه خدمات‌دهی حمایتی به صنایع کوچک و متوسط و بخش‌های تولیدی استان اقدام به راه‌اندازی واحد SPX در اتاق نموده است. مرکز معاملات پیمانکاری فرعی نیز مانند سایر بخش‌ها مثل خوشه‌های کسب‌وکار، با خدمات‌دهی اولیه و ایجاد ساختارهای مناسب از سوی این واحد، برای توسعه و توانمندسازی بنگاه‌های کوچک اقدامات مؤثر را بنا نهاده است. با توجه به پتانسیل بالای استان در بهره‌وری و بهره‌برداری فعلی و آتی پیش‌بینی می‌گردد رویکرد نظام پیمانکاری فرعی به توسعه و ایجاد صنایع کوچک و متوسط انجامد که در نهایت بهبود وضعیت اقتصادی استان را در بر خواهد داشت.

وظایف واحد SPX اتاق بازرگانی کرمان

- تهیه و به روز رسانی بانک اطلاعاتی از پیمانکاران خرد و متوسط به کمک منابع مطلع،
- جمع‌آوری، صحت‌سنجی و ورود اطلاعات پیمانکاران و کارفرمایان استان،

گزارش نمایشگاه بین‌المللی سنگ‌های ساختمانی جیپور هند

Stonemart (2019)



< عباس عزیززاده

کارشناس ارشد مهندسی معدن و عضو هیئت‌مدیره انجمن سنگ کرمان



و صنایع جانبی از طرف کشورهای شرکت‌کننده ارائه شد. به گفته کارشناسان اقتصادی، برگزاری این نمایشگاه می‌تواند تأثیر بسزایی بر افزایش حجم واردات و صادرات سنگ‌های طبیعی میان کشورهای شرکت‌کننده داشته باشد. بازار سنگ و کاربرد این محصول معدنی در کشور هند بسیار عالی است و در نمایشگاه سنگ هند که یک سوپرمارکت بزرگ از انواع سنگ‌ها است این نکته کاملاً به چشم می‌آید.

در بازدیدی که پس از نمایشگاه از کارخانه‌های فرآوری سنگ کشور هند در محدوده‌ی شهر جیپور به عمل آمد، کارخانه‌های مدرن هند بسیار کم تعداد بود و بیشتر فرآوران با استفاده از متدهای سنتی محصولات خود را تولید می‌کردند. در همان نگاه گرچه تعداد کارخانه‌های مدرن در این منطقه کم تعداد بود ولی به لحاظ تولید و خروجی محصول با تکیه بر نیروی ارزان تفاوت چند برابری کاملاً محسوس بود.

ایران با دارا بودن ۴۰ میلیارد تن ذخایر قطعی سنگ، در رتبه دهم جهان و با برخورداری از چهار میلیارد تن ذخایر قطعی سنگ‌های تزئینی در رتبه چهارم قرار دارد، این رتبه از نظر تنوع رنگ در حوزه سنگ‌های آهکی (سنگ‌های مرمریت، مرمر و تراورتن‌ها) مقام نخست را دارا است.

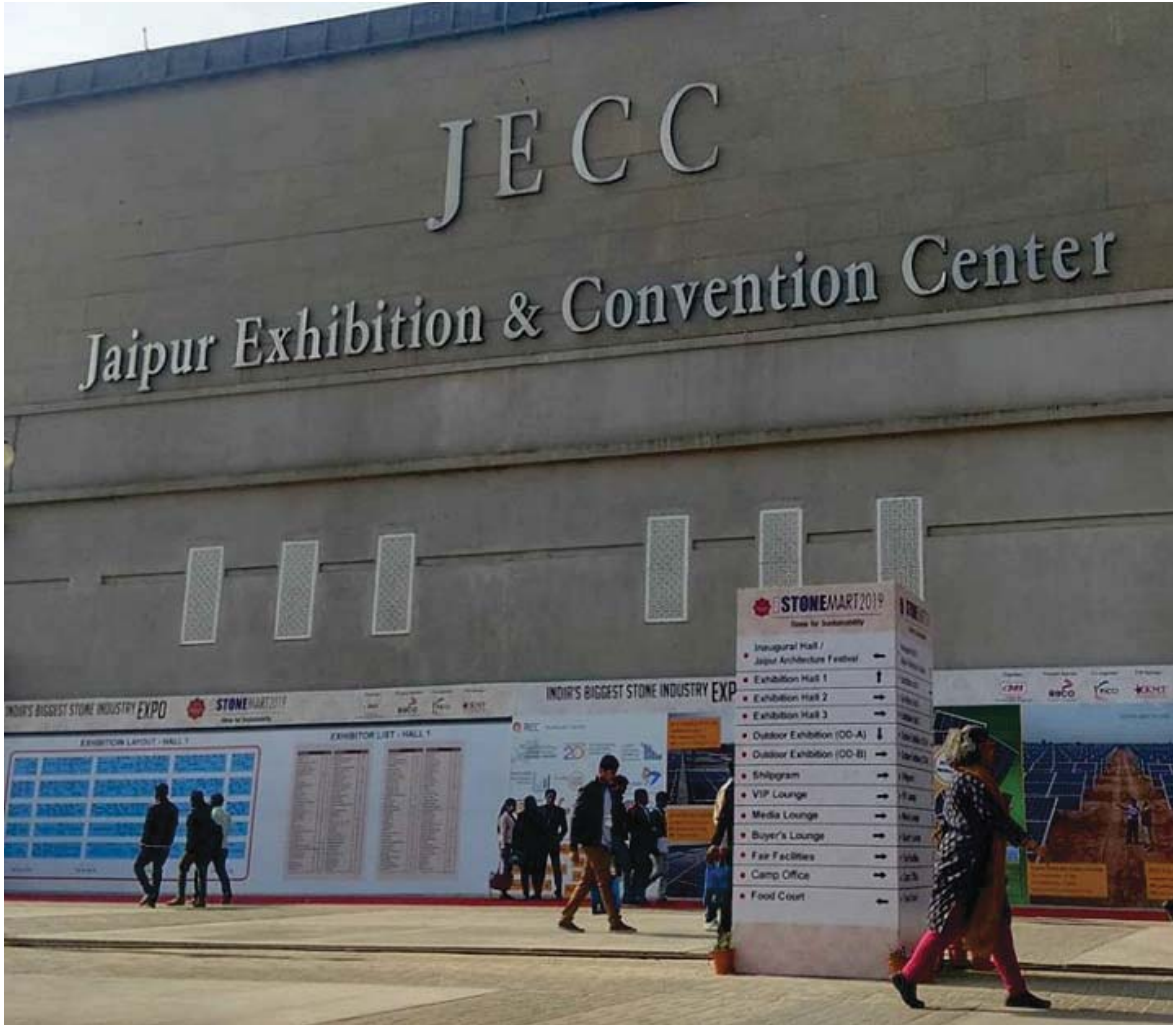
استان کرمان در زمینه ذخایر معدنی سنگ‌های تزئینی از نظر تنوع در رنگ و نوع سنگ از جایگاه بسیار بالایی برخوردار بوده و بازار سنگ کشور هند می‌تواند به‌عنوان جایگاهی مناسب برای عرضه سنگ‌های متنوع این استان، مورد توجه صادرکنندگان ایرانی بالأخص کرمانی قرار گیرد. ●

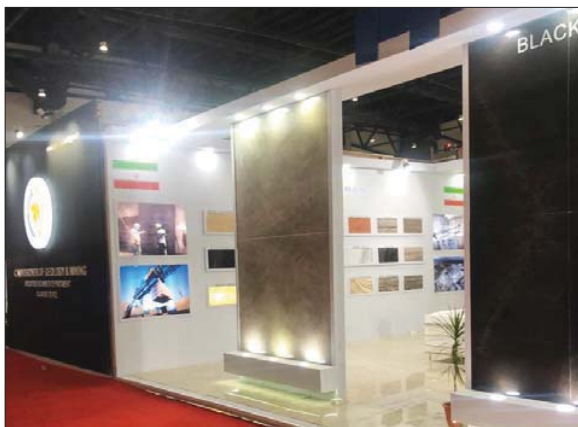
نمایشگاه بین‌المللی سنگ‌های ساختمانی جیپور هند بانام Stonemart ۲۰۱۹، بزرگ‌ترین نمایشگاه سنگ کشور هند است که از تاریخ ۱۱ الی ۱۴ بهمن ۱۳۹۷ (۳February-۲۰۱۹January) در شهر جیپور کشور هند برگزار شد، این نمایشگاه جهانی سنگ‌های طبیعی، محصولات فرعی و خدمات جامع را با همکاری ذینفعان صنایع سنگ یعنی تولیدکنندگان داخلی، خارجی و صادرکنندگان واردکنندگان، مصرف‌کنندگان و خریداران، کارشناسان، ارائه‌دهندگان فناوری، معماران، سازندگان، توسعه‌دهندگان، شرکت‌ها و غیره به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه با همکاری فدراسیون سنگ هند و همچنین اتاق بازرگانی این کشور و همچنین انجمن سرمایه‌گذاران مناطق صنعتی راجستان هند برگزار می‌شود. نمایشگاه مذکور در مساحتی بالغ بر ۴۰ هزار مترمربع، با ۴۶۳ غرفه دار داخلی و ۱۵۶ غرفه دار خارجی از کشورهای چین، یونان، ایران، ایتالیا، عمان، اسپانیا، ترکیه و امارات متحده در سال ۲۰۱۹ برگزار شد.

در این نمایشگاه بیش از ۳۰ هزار بازدیدکننده داخلی و ۱۵۰۰ بازدیدکننده از ۶۰ کشور دنیا و بیش از ۱۰۰۰ معمار حضور یافتند. ارزش تجاری این نمایشگاه بالغ بر ۲۶۵ میلیون دلار برآورد شده است.

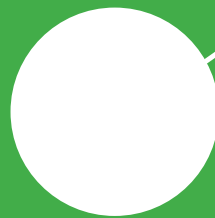
در بخش BYB این نمایشگاه فضایی ایده آل برای آشناسازی تجار، انجام معاملات بین‌المللی و گفتگوی‌های فرامرزی، توسعه کسب‌وکار، مذاکرات تجاری و ایجاد شبکه‌های فروش فراهم شده بود.

در این نمایشگاه چهار روزه آخرین تولیدات سنگ‌های طبیعی





آب و کشاورزی



- گفت‌وگو با «رضا کامیاب مقدس»
رئیس جهاد دانشگاهی استان کرمان
- بهره‌وری آب در ایران و استان کرمان
- اهمیت توسعه کشت محصولات گلخانه‌ای
در بخش کشاورزی استان کرمان
- کشت فراسرزمینی در اوکراین
- کرمان، بهشت گیاهان داروئی
- تنش آبی در شریان‌های خشکیده کرمان



گفت‌وگو با «رضا کامیاب مقدس»
رئیس جهاد دانشگاهی استان کرمان

آب را به سمت تولیدات صنعتی هدایت کنیم

توسعه صنعتی و ارتقاء استانداردهای زندگی، الگوی مصرف آب را در قرن اخیر به دو برابر افزایش داده است و توسعه شهرنشینی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه تقاضای آب را در همه بخش‌های مصرف اعم از کشاورزی شرب و صنعت افزایش داده است. در کشور نیز تبدیل ایران سنتی به ایران نوین و حرکت به سوی صنعتی شدن از یک سو و افزایش بی‌رویه جمعیت از سوی دیگر نیاز به آب این ماده حیاتی را به سرعت افزایش داده است بدون در نظر گرفتن این نکته که منابع آب محدودند و این محدودیت همراه با پدیده‌های آب و هوایی، خشک‌سالی‌های پی‌درپی، برداشت‌های بی‌رویه و ... تشدید خواهد شد و کشور را درگیر بی‌آبی و بحران آب خواهد نمود و اینک حل این بحران بدون مداخله انسان و اجرای برنامه‌های بلندمدت ممکن نخواهد بود. در این راستا با رضا کامیاب مقدس، رئیس جهاد دانشگاهی استان کرمان، دارنده مدرک دکترای سازه و متخصص در زمینه عمران با گرایش آب به گفتگو پرداخته‌ایم که از نظر می‌گذرد.



حفرشده است. همه این مسائل باعث آسیب‌رسانی به منابع آب‌شده‌اند. البته این مسائل مربوط به امروز و دیروز نیست و این اتفاقات در طول ۷۰ سال اخیر رخ داده‌اند.

سه‌م اشتغال در بخش کشاورزی کشور ۱۶ تا ۱۸ درصد و سه‌م استان خشک کرمان بین ۳۲ تا ۳۵ درصد است. متأسفانه درجایی که مزیت نسبی نداشته‌ایم، بیشترین تمرکز اشتغال را به وجود آورده‌ایم. همچنین معدل شهرنشینی در کشور ۷۰ درصد و در استان کرمان ۵۷ درصد است. جمعیت روستانشین استان کرمان نسبت به کشور، ۱۴ درصد بالاتر است و این نشان‌دهنده تمرکز اشتغال و فعالیت اقتصادی استان در بخش کشاورزی است.

صحت‌های من در راستای مخالفت با کشاورزی نیست بلکه بنده معتقدم کشاورزی باید باتدبیر و برنامه‌ریزی صحیح، صورت گیرد. استان کرمان علاوه بر کمبود منابع آبی از این حیث نیز وضعیت مطلوبی ندارد.

شاخص بهره‌وری آب در استان به چه میزان است؟

متأسفانه استان در بهره‌وری آب نیز وضعیت مطلوبی ندارد. مبلغ ارزش‌افزوده در بخش کشاورزی ۱۶۶۵۰ تومان است، به این معنی که یک مترمکعب آب در بخش کشاورزی، ۱۶۶۵۰ تومان محصول ایجاد می‌کند. در بخش صنعت و معدن استان، مبلغ ارزش‌افزوده ۳۱۳ هزار تومان و معدل ارزش‌افزوده کشور در این بخش، ۱۲۲ هزار تومان است. دلیل عمده این تفاوت وجود معادن ارزشمند و غنی در استان است که موجب افزایش ارزش‌افزوده در این بخش شده است. پس منطقی است که

متولی مدیریت آب در کشور چه نهاد یا سازمانی است؟

به لحاظ قانونی، وزارت نیرو متولی اصلی مدیریت منابع آب در کشور است، اما دستگاه‌های دخیل مانند وزارت جهاد کشاورزی در این راستا متعدّدند. به‌طور کلی وزارت نیرو، مدیریت منابع آب را به عهده دارد و بقیه سازمان‌ها با نظارت آن فعالیت می‌کنند.

از تخریب منابع آب کشور و استان یاد می‌شود، پایه این تخریب در استان از چه تاریخی گذاشته شده است؟

اتفاقاتی مانند تخریب منابع آب، به دلیل این‌که به‌صورت فرایند و در پی عوامل متعدّدی از قبیل کاهش نزولات جوی، عدم مدیریت صحیح منابع آب، حفر چاه‌های غیرمجاز و پایین بودن راندمان و بهره‌وری آب رخ می‌دهد، نمی‌توان تاریخ دقیق آغاز آن را بیان کرد. در مجموع روند تخریب منابع آبی از شش دهه گذشته آغاز شده و در سال‌های اخیر شدت پیدا کرده است.

حجم آب تجدید پذیر در منطقه استان کرمان به‌طور متوسط سالانه چه مقدار است و چند درصد آن برداشت می‌شود؟ این مقدار آب تجدید پذیر نسبت به متوسط بلندمدت چند درصد کاهش داشته است؟

حجم آب تجدید پذیر در کشور ۱/۵ میلیارد مترمکعب است و حجمی حدود ۸/۵ میلیارد مترمکعب از منابع آبی به‌صورت اضافه برداشت می‌شود که سهم استان کرمان از این مقدار ۸۰۰ میلیون مترمکعب است؛ یعنی استانی که ۳ درصد جمعیت کشور را داراست، ۱۴ درصد برداشت اضافه آب کشور را به خود اختصاص داده است و این جای تأسف دارد. همچنین مصرف آب زیرزمینی در استان کرمان ده درصد کل کشور است.

در زمان فعلی، تخلیه از منابع آب زیرزمینی استان چه مقدار و چند درصد ذخیره این منابع است؟

باوجوداینکه استان کرمان تنها ۳ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، اما به علت متکی بودن به آب‌های زیرزمینی، برداشت از این منابع به‌شدت افزایش پیدا کرده و معدل برداشت آب زیرزمینی استان، از معدل کشور بیشتر شده است. برداشت بسیار بالا از منابع آبی عوارض متعدّدی برای استان داشته و به ذخایر آب زیرزمینی فشار آورده و موجب تداخل آب‌شور با آب شیرین و نشست خاک در بسیاری از اراضی شده است. به‌طورکلی بهره‌وری آب در کشور و در بخش‌های مختلف اعم از صنعت، کشاورزی و شرب خانگی پایین است. اعظم مصرف آب کشور در بخش کشاورزی است و متأسفانه به دلیل پایین بودن راندمان در بحث آبیاری، مقدار آب بسیار زیادی در این بخش از بین می‌رود.

ما در چند دهه اخیر بدون توجه به ظرفیت اکولوژیک منطقه و استان، کشاورزی را توسعه داده‌ایم و بار عمده معیشت را بر دوش کشاورزی و در واقع بر دوش آب گذاشته‌ایم. از طرفی به دلیل عدم نظارت صحیح، چاه‌های غیرمجاز بسیاری در استان

آینده خواهیم دید، مطمئناً بدون این راه‌کارها شاهد ادامه روند مرگ طبیعت خواهیم بود.

○ در مورد چگونگی نظام پایش آب در استان توضیح بفرمایید؟

در این خصوص باید عرض کنم که پایش آب استان از لحاظ کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از لحاظ کیفی هر ۶ ماه یک‌بار از تمام سفره‌های آب زیرزمینی نمونه‌برداری انجام و در طولانی‌مدت کموگراف‌ها ترسیم و کیفیت آب پایش می‌شود. همچنین در طول این مدت کیفیت آب به‌طور مرتب توسط دستگاه ذی‌ربط برداشت می‌شود. از لحاظ کمی نیز برای پایش آب‌های سطحی استان، ایستگاه‌های هیدرومتری تعبیه شده است که تغییرات سطحی آب را مورد پایش قرار می‌دهند. همچنین در مورد آب‌های زیرزمینی، از چاه‌های پیرومتری در سراسر استان برای اندازه‌گیری سطح ایستابی و تغییرات سطح آب‌های زیرزمینی استفاده می‌شود. برنامه‌ریزی برای کنترل میزان برداشت چاه‌های مورد بهره‌برداری هم در استان وجود دارد. لازم به ذکر است که مسئولیت پایش آب عمدتاً به عهده وزارت نیرو و سازمان آب منطقه‌ای می‌باشد.

○ نظر شما در مورد ارزیابی اقتصادی و تشکیل بازار آب و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در تأمین منابع و مدیریت آن چیست؟

متأسفانه در کشور ما آبی که متعلق به همه و پایه حیات محیط‌زیست است به‌صورت رایگان صرف کشاورزی می‌شود؛ بنابراین واقعی کردن قیمت آب و تشکیل بازار آب، جز ضروری‌ترین اقدامات و یکی از راه‌کارهای اصلی در حل مسائل آب در کشور و استان است. تشکیل بازار آب راه‌حلی استراتژیک و البته اقدامی دشوار است. زمانی که بحث بازار آب به میان می‌آید؛ عرضه، تقاضا و قیمت واقعی آب در ذهن‌ها تداعی می‌شود. حال اگر قرار بر این باشد که پای دولت در این مبحث باز شود، در نهایت شاهد سرانجام خوبی نخواهیم بود و در این خصوص، باید از ظرفیت بخش خصوصی به نحو احسن استفاده کرد. جامعه‌ای که درصد بسیار بالایی از مردم آن در بخش کشاورزی اشتغال دارند را نمی‌توان یک‌شبه به پرداخت بهای آب وادار کرد و حتماً باید مکانیزم‌های حمایتی، یارانه، بیمه و معیشتی در این حوزه جایگزین شوند. برای اجرای این برنامه، سرمایه‌گذاری دولت و بخش خصوصی در رابطه با معیشت لازم است. البته لازمه این اقدام فراهم شدن بسترهای قانونی، اجتماعی و فرهنگ‌سازی است و یک‌شبه نمی‌توان بازار آب را تشکیل داد. بخش بزرگی از اشتغال و درآمد جامعه مبتنی بر کشاورزی است و برای آسیب ندیدن مردم باید تمهیدات لازم اندیشیده شود. اگر تصمیمات غیرواقع‌بینانه، پشت درهای بسته، بدون توجه به ذی‌نفعان و وضعیت معیشت کشاورزان گرفته شوند، بدون شک این طرح در اولین گام شکست خواهد خورد. ●

آب را به سمت تولیدات صنعتی هدایت کنیم و اشتغال را در این بخش افزایش دهیم. همچنین مشاهده می‌شود که بسیاری از روستاهای استان، دیگر عملکرد واقعی روستا را ندارند و حیات آن‌ها به کمک مالی دولت و یارانه‌ها متصل شده است. برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، روستاها باید هر چه سریع‌تر و با برنامه‌ریزی صحیح تجمیع شوند و در روستاهای بدون توجیه اقتصادی، بخش کشاورزی به بخش صنعت بپیوندد.

○ سهم هر کدام از بخش‌های کشاورزی، صنعت و شرب از برداشت آب چه مقدار است؟

به‌طور کلی حدود یک درصد از برداشت آب صرف بخش صنعت، پنج درصد صرف بخش شرب و ۹۴ درصد هم صرف بخش کشاورزی می‌شود. با تغییرات اندک از جمله اصلاح سیستم‌های آبیاری، ترویج روش‌های مدرن و الگوهای کشت می‌توان در مکان‌هایی که توجیه اقتصادی ندارد، باعث رونق کشاورزی شد و راندمان را در بخش کشاورزی افزایش داد.

○ به نظر شما ریشه‌های مشکلات آبی استان در چیست؟
وجود چاه‌های غیرمجاز، راندمان پایین آبیاری، غیرواقعی بودن قیمت آب، ارزش افزوده بسیار پایین آب و بالا بودن درصد اشتغال استان در بخش کشاورزی و پایین بودن سهم اقتصادی بخش‌های دیگر در استان از جمله مشکلات عمده در بحث آب هستند.

○ برای مقابله با بحران کم‌آبی چه گام‌هایی برداشته شده و چه رویکردهای اساسی در سیاست‌گذاری و استراتژی بخش آب استان در برنامه دارید؟

در طول دو دهه اخیر، توجه دولت به بحث آب و بهبود وضعیت آب معطوف شده است و در این خصوص اقدامات خوبی از قبیل طرح تعادل بخشی آب و همیاران آب صورت گرفته و اقدامات ثمربخشی نیز در دست اجراست. همچنین برنامه‌ریزی برای پلمپ چاه‌های غیرمجاز و نصب کنتور هوشمند در چاه‌ها نیز باید در دستور کار قرار گیرد. تغییر الگوی کشت و ارتقای بهره‌وری آب شرب شهری نیز بسیار مهم است، اما فاصله ما تا نقطه مطلوب و آنچه باید انجام شود فوق‌العاده زیاد است. استان کرمان در بخش کشاورزی و در بحث ارتقای راندمان آبیاری وضعیت چندان مطلوبی ندارد، از طرفی در فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و بیان شفاف و شجاعانه مسائل در حوزه آب و برخورد قاطع با چاه‌های غیرمجاز نیز وضعیت مناسبی ندارد. همچنین مکانیزه کردن کشاورزی نیز با مزارع کوچک و پراکنده میسر نیست و کشاورزی نوین تنها در کشت و صنعت‌های بزرگ توجیه دارد. البته اقدامات مذکور نیازمند فرهنگ‌سازی، ارتقا و ایجاد مزارع وسیع در بخش کشاورزی است. با انجام این اقدامات می‌توانیم بگوئیم گام‌های استراتژیک و واقعی برای بهبود وضعیت آب برداشته‌ایم و نتایج آن را ظرف ۲۰ تا ۳۰ سال



● سد جیرفت | عکس: ابوذر احمدی زاده ●

بهره‌وری آب در ایران و استان کرمان

< دکتر نسرین سیاری

استادیار گروه مهندسی آب دانشکده
کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان



مقدمه:

به وجود آمدن تمدن‌های بشری دریافت نموده است. این در حالی است که توزیع مکانی و زمانی مقدار آب تجدیدشونده کاملاً متغیر بوده و متناسب با توزیع جمعیت و نیازهای آبی جوامع بشری نیست. متوسط میزان بارندگی سالانه در جهان ۸۱۳ میلی‌متر است. میزان بارندگی در منطقه خاورمیانه و ایران به ترتیب ۲۱۷ و ۲۲۸ میلی‌متر بوده که کمتر از یک‌سوم متوسط بارندگی جهان است (محمدجانی و یزدانیان، ۱۳۹۳). در کشور ایران تقریباً سه نوع اقلیم آب و هوایی غالب وجود دارد که قسمت

ذخایر آب از منابع تجدیدشونده محسوب شده و فرآیند تجدیدپذیری آن تابع چرخه آب در طبیعت است. با این وجود، مقدار آبی که از این طریق در سطح کره زمین یا در هر محدوده جغرافیایی مشخص پدید می‌آید، صرف‌نظر از تغییرات بین سالی، معین و ثابت است. به بیان دیگر، مقدار آب تجدیدشونده‌ای که سطح کره زمین هم‌اکنون و به‌طور سالانه دریافت می‌نماید، برابر همان آبی است که شاید هزاران سال پیش و از بدو

مترمکعب در سال ۱۳۴۴ به ۲۱۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۷۶، ۱۸۶۰ مترمکعب در سال ۱۳۸۵ و در سال ۱۴۰۴ به کمتر از ۱۳۰۰ مترمکعب در سال خواهد رسید. این در حالی است که در شرایط حاضر شاخص سرانه برای مناطق خشک کشور کمتر از ۵۰۰ مترمکعب در مناطق شرقی و مرکزی کشور تا بیش از ۴۰۰۰ مترمکعب در مناطق جنوب و غرب متغیر است. همچنین در شرایطی که میزان تغذیه حدود ۵۵ میلیارد مترمکعب می‌باشد، کشور با برداشتی بیش از ۶۱ میلیارد مترمکعب مواجه است. این اضافه برداشت سبب افت سطح ایستایی، هجوم و صعود سفره‌های آب‌شور، پایین رفتن کیفیت آب و افزایش هزینه‌های برداشت و استخراج‌شده و همچنین تأمین غذای مور نیاز جامعه را دچار مشکل خواهد نمود (کشاورز و دهقانی سانچ، ۱۳۹۱). کشاورزی دیم ۸۰ درصد سطح زیر کشت کل زمین را به خود اختصاص داده که شامل تولید ۶۲ درصد از غذای مردم جهان است. در همه نقاط جهان کشت دیم رو به افزایش است ولی بهره‌وری از محصولات اصلی بهبود نیافته است. به دلیل تغییرات بارش (پراکنش و میزان) در زراعت دیم، عدم اطمینان و خطرپذیری بالا و ضریب اعتماد پایین می‌باشد. سازمان بین‌المللی مدیریت آب در ارزیابی جامع خود تخمین زده است که مدیریت آب در کشاورزی دیم می‌تواند ۷۵ درصد تولید مواد غذایی در جهان را افزایش دهد. در ایران نیز با توجه به شرایط اقلیمی و محدودیت منابع آبی و محدودیت اراضی دارای پتانسیل تولید کشت دیم می‌باشد (نجف زاده و همکاران، ۱۳۹۴). بر اساس اطلاعات بیلان آب وزارت نیرو، وضعیت استان‌های کشور از نظر شاخص‌های آسیب‌پذیری منابع در ۱۲ ماهه سال آبی ۸۸-۸۷ به‌گونه‌ای است که ۳ استان در شرایط کمبود آبی شدید، ۱۷ استان در شرایط کمبود آبی، ۶ استان در شرایط تنش آبی و ۴ استان در شرایط قابل‌تحمل قرار داشته و هیچ‌یک از استان‌ها در شرایط نرمال واقع نشدند. استان کرمان در این طبقه‌بندی جزء استان‌های در شرایط تنش آبی قرار داشت (پوران و همکاران، ۱۳۹۶). استان کرمان در منطقه خشک و نیمه‌خشک واقع شده است. بارش سالانه در استان کرمان حدود ۱۴۵ میلی‌متر است که ۵۰ درصد متوسط بارش سالانه کشور و حدود ۱۹ درصد میانگین بارش جهان می‌باشد. به دلیل برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی بسیاری از دشت‌های استان با بیلان منفی روبرو بوده و در برخی مناطق کسری مخزن در حدی است که حالت بحرانی پیدا کرده‌اند. از جمله دشت‌های رفسنجان، زرنند، سیرجان، بم و کرمان دارای چنین وضعیتی می‌باشند. به دلیل کمبود کمی و کیفی منبع آبی در کرمان، تحلیل شاخص‌های بهره‌وری آب کشاورزی و ارائه راهکارهای ویژه در جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان آب در آینده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود (غلامحسین پور و همکاران، ۱۳۹۳). آخرین اطلاعات مربوط به مصارف آبی استان کرمان و مقایسه آن با آمار کشوری نشان می‌دهد که این مقدار حدود ۹۳ میلیارد مترمکعب برای کشور و ۷/۵ میلیارد مترمکعب برای استان کرمان می‌باشد. از این حجم آب مصرفی در استان سهم مصارف کشاورزی، صنعت و شرب به ترتیب برابر با ۷/۱، ۰/۳ و ۰/۱ بوده که ۱۶ درصد آن از منابع سطحی و ۸۴ درصد از منابع آب زیرزمینی تأمین شده است.

اعظم آن به وسعت ۷۴ درصد یعنی سه‌چهارم مساحت آن دارای ویژگی‌های آب و هوایی خشک و نیمه‌خشک و بارش کمتر از ۲۵۰ میلی‌متر، ۱۷ درصد با بارش بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر جزء مناطق معتدل و تنها ۹ درصد با بارش بیش از ۵۰۰ میلی‌متر جزء مناطق مرطوب به حساب می‌آیند. این در صورتی است که میزان تبخیر در ایران ۳ برابر متوسط تبخیر در جهان می‌باشد. ۷۰ درصد بارش سالانه به‌صورت تبخیر هدر رفته و تنها ۳۰ درصد از کل بارش به‌صورت منابع تجدیدشونده به دو صورت آب زیرزمینی و سطحی قابل‌دسترسی می‌باشند (شهرستانی، ۱۳۹۳). بررسی وضعیت مصرف آب به تفکیک بخش‌های اصلی نشان می‌دهد که در بیشتر مناطق جهان (به غیر از قاره اروپا و آمریکا) بخش کشاورزی بیشترین سهم آب مصرفی را به خود اختصاص داده است. سهم آب مصرف‌شده در بخش کشاورزی در منطقه خاورمیانه و قاره آفریقا به ترتیب ۸۴ و ۸۲ درصد است، در ایران ۹۲ درصد آب مصرفی در بخش کشاورزی استفاده می‌شود (محمدجانی و یزدانیان، ۱۳۹۳). بر اساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده تا سال ۱۴۰۰ جمعیت کشور به ۱۲۰ میلیون نفر می‌رسد که تأمین نیاز غذایی این جمعیت به ۱۲۰ تن مواد غذایی نیاز دارد. با توجه به منابع آبی موجود برای تأمین این میزان مواد غذایی نیاز به حداقل ۱۶۵ میلیارد مترمکعب آب خواهد بود (شهرستانی، ۱۳۹۳). همچنین نگاهی به شاخص مصرف سرانه منابع آب تجدیدپذیر نشان دهنده کاهش منظم آن است، به‌طوری که مقدار آن از ۵۵۰۰

به دلیل کمبود کمی و کیفی منبع آبی در کرمان، تحلیل شاخص‌های بهره‌وری آب کشاورزی و ارائه راهکارهای ویژه در جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان آب در آینده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. آخرین اطلاعات مربوط به مصارف آبی استان کرمان و مقایسه آن با آمار کشوری نشان می‌دهد که این مقدار حدود ۹۳ میلیارد مترمکعب برای کشور و ۷/۵ میلیارد مترمکعب برای استان کرمان می‌باشد. از این حجم آب مصرفی در استان سهم مصارف کشاورزی، صنعت و شرب به ترتیب برابر با ۷/۱، ۰/۳ و ۰/۱ بوده که ۱۶ درصد آن از منابع سطحی و ۸۴ درصد از منابع آب زیرزمینی تأمین شده است.

جدول ۱. مقایسه شاخص بهره‌وری آب به تفکیک سطوح درآمدی کشورها
(تولید ناخالص داخلی به ازای یک مترمکعب آب مصرفی به دلار سال ۲۰۰۵)

نام کشور	۱۹۹۷	۲۰۰۲	۲۰۰۷	۲۰۱۱
ایران	۱/۶	۱/۸	۲/۳	۲/۷
کشورهای با درآمد پایین	۱/۴	۱/۲	۱/۶	۲/۱
کشورهای با درآمد متوسط	۲/۹	۳/۰	۴/۰	۴/۷
کشورهای با درآمد بالا	۲۹/۸	۳۳/۴	۳۸/۶	۳۹/۱
جهان	۱۱/۶	۱۱/۹	۱۳/۵	۱۳/۷

مأخذ: بانک جهانی؛ WDI (۲۰۱۴)

ازای یک مترمکعب می‌رسید اما عملاً این هدف تا پایان برنامه چهارم توسعه نیز حاصل نشد و بعد از سال پایانی برنامه چهارم توسعه اتفاق نظری در مورد میزان واقعی بهره‌وری آب کشاورزی وجود نداشت، به طوری که بسیاری معتقدند میزان بهره‌وری آب در بخش کشاورزی در حدود ۱-۰/۹ کیلوگرم به ازای هر مترمکعب می‌باشد. در جدول شماره ۲ مقایسه میزان بهره‌وری آب طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۰ ارائه شده است.

بر اساس اطلاعات جدول فوق بیشترین میزان بهره‌وری آب در محصولات کشاورزی متعلق به سال ۱۳۹۰ و به میزان ۰/۹۲ کیلوگرم بر مترمکعب می‌باشد. این عدد به این معناست که به ازای مصرف یک تن آب در کشور فقط ۹۲۰ گرم محصول تولید می‌شود و با برای تولید یک کیلوگرم محصول در کشور میزان ۱/۱۰ تن آب مصرف خواهد شد. این میزان بهره‌وری آب در کشاورزی کشور در مقایسه با متوسط میزان جهانی آن (۲/۵ کیلوگرم به ازای حجم آب مصرفی) بسیار پایین‌تر می‌باشد.

همچنین خاطرنشان می‌گردد بر اساس برنامه‌ریزی‌های بلندمدت تا پایان سال ۱۴۰۴ باید سطح تولید محصولات کشاورزی در کشور به ۱۹۰ میلیون تن برسد. در راستای رسیدن به این هدف باید بهره‌وری آب در بخش کشاورزی حداقل تا میزان ۲-۱/۶ کیلوگرم بر مترمکعب افزایش یابد. اگرچه طی سالیان اخیر برنامه‌ها و تلاش‌هایی توسط دولت برای بهبود بهره‌وری آب صورت گرفته است، اما همچنان بهره‌وری آب در این بخش پایین است. عوامل متعددی برای پایین بودن بهره‌وری آب در کشور می‌توان بیان کرد که یکی از آن‌ها را می‌توان استفاده غیر بهینه و بدون برنامه‌ریزی شده از آب دانست؛ به‌طور مثال

و شرب به ترتیب برابر با ۷/۱، ۰/۱ و ۰/۳ بوده که ۱۶ درصد آن از منابع سطحی و ۸۴ درصد از منابع آب زیرزمینی تأمین شده است. با توجه به پایین بودن راندمان‌های آبیاری، بهره‌وری آب کشاورزی در استان کرمان پایین می‌باشد (غلامحسین پور و همکاران، ۱۳۹۳). علاوه بر موارد ذکر شده، بهره‌وری آب کشاورزی در ایران همانند بهره‌وری سایر منابع در سطح پایین و غیرقابل قبولی قرار دارد. ضریب بهره‌وری آب در ایران ۴۱ درصد است در حالی که متوسط جهانی برابر با ۶۵ درصد می‌باشد. این بهره‌وری پایین سبب بروز بحران در مناطق خشک شده است. بهره‌وری آب معرف تولید مواد غذایی بیشتر، درآمد بالاتر و بهبود معیشت با کمترین هزینه اقتصادی و زیست‌محیطی برای واحد آب مصرف‌شده می‌باشد. از دیدگاه فیزیکی بهره‌وری آب عبارت است از مقدار ماده کشاورزی تولید شده به مقدار آب مصرفی و از دیدگاه اقتصادی آن مقدار بهره‌وری اقتصادی حاصل از مقدار آب مصرفی است. بهره‌وری آب همچنین برای تولیدات کشاورزی و دامی به کار می‌رود. علاوه بر میزان آب، بهره‌وری به عوامل دیگری نظیر مصرف کود و نیروی کارگری نیز وابسته است (محمدپورهنگروانی و ارسلان بد، ۱۳۹۵). در جدول ۱ میانگین شاخص بهره‌وری آب در بخش‌های کشاورزی و صنعت در چند کشور مختلف در دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۷ ارائه شده است (محمدجانی و یزدانیان، ۱۳۹۳).

از ۳۷ میلیون هکتار اراضی قابل کشت در ایران، فقط ۱۹/۵ میلیون هکتار آن زیر کشت بوده که از این تعداد ۸/۹ میلیون هکتار به‌صورت آبی، ۶/۶۶ میلیون هکتار آن به‌صورت دیم و ۴/۵ میلیون هکتار آن سالانه آیش هستند. در پایان برنامه سوم توسعه باید بهره‌وری آب در بخش کشاورزی ایران به میزان یک کیلوگرم به

جدول ۲. میزان بهره‌وری آب در کشاورزی (محصولات زراعی و باغی)

سال زراعی	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
بهره‌وری آب نسبت به کل میزان تولیدات کشاورزی شامل باغی و آبی (کیلوگرم بر مترمکعب)	۰/۶۸	۰/۷۹	۰/۸	۰/۷۷	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۸۸	۰/۸۰	۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۹۲

منبع: آمارنامه‌های کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، دفتر آمار و فناوری اطلاعات

در بیشتر اراضی کشور آب انتقال داده شده برای گیاه به‌ندرت منطبق بر نیاز واقعی گیاهان می‌باشد و حتی می‌توان گفت در بسیاری از موارد شدت و زمان آبیاری نیز مناسب نمی‌باشد. اگرچه عنوان می‌شود در سال‌های اخیر میزان اراضی کشاورزی در کشور افزایش یافته، اما باید این را نیز پذیرفت که بسیاری از اراضی مرغوب کشاورزی دچار تغییر کاربری شده‌اند و به‌جای آن بسیاری از مراتع و زمین‌های نامرغوب به زیر کشت محصولات کشاورزی رفته‌اند که نه شیب مناسبی برای آبیاری دارند و نه ضخامت خاک کافی به‌منظور کشاورزی و آبیاری که این مسئله موجب افزایش ضایعات در تولید محصول کشاورزی شده است که به‌نوعی هدررفت آب به‌حساب می‌آید (خوش مردان، ۱۳۹۶). یکی دیگر از دلایل پایین بودن بهره‌وری آب در کشاورزی، پایین بودن راندمان‌های آبیاری در مقایسه با سایر کشورها می‌باشد. راندمان آبیاری در اروپا و آمریکا به ترتیب برابر با ۶۰ و ۴۵ درصد و در ایران برابر با ۳۱ درصد می‌باشد (سعیدی، ۱۳۸۱). دلایل دیگری نیز در پایین آوردن بهره‌وری در بخش کشاورزی وجود دارد که عبارت‌اند از فقدان الگوی کشت مشخص در کشور، عدم توافق در میان سیاست‌گذاران کشور برای تعیین قیمت واقعی آب در بخش کشاورزی، وجود ضایعات زیاد در بخش کشاورزی، در اولویت بودن سدسازی در کشور برای تأمین آب و برق برای مصارف شهری و صنعتی، تحویل غیرحجمی آب در اکثر شبکه‌های آبیاری کشور، کوچک بودن مالکیت اراضی کشور و عدم یکپارچگی اراضی، فقدان پوشش مناسب نهرها و شبکه‌های آبیاری و زهکشی کشور به‌منظور استفاده مناسب از جریان‌های بازگشتی و جلوگیری از نشت آب، عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این بخش به دلیل کنترل قیمت محصولات توسط دولت و عدم دانش کافی اغلب کشاورزان در استفاده از روش‌های علمی در کشاورزی و غالب بودن دیدگاه‌های سنتی در میان آنان (اسماعیلی خوش مردان، ۱۳۹۶).

افزایش و ارتقاء بهره‌وری آب اصولاً در چهار مورد زیر بیشتر موردتوجه قرار می‌گیرد: ۱- در مناطقی که بهره‌وری آب پایین بوده و بهبود بهره‌وری آب می‌تواند سبب افزایش تولید کشاورزی گردد. ۲- در مناطقی که رقابت فشرده‌ای جهت آب وجود دارد. ۳- در مناطقی که توسعه منابع آب محدود می‌باشد. ۴- مناطقی که مصرف آب سبب خسارت به اکوسیستم شود (کشاورز و دهقانی سانچ، ۱۳۹۱). دلایل زیادی برای ارتقاء بهره‌وری آب در کشاورزی وجود دارد که می‌توان به محدودیت منابع آبی جهت رسیدن به امنیت غذایی جمعیت در حال رشد، مشارکت در کاهش فقر، رشد اقتصادی و افزایش درآمد برای جوامع روستایی، پاسخگویی به فشار در حال رشد برای اختصاص بخشی از آب کشاورزی به مصارف شهری و اطمینان از تأمین آب برای مصارف محیط‌زیست اشاره نمود. در تحلیل‌های اقتصادی برای محاسبه بهره‌وری آب روش‌ها و شاخص‌های مختلفی ارائه شده است که در ادامه به معرفی چند مورد از آن‌ها پرداخته شده است. ازجمله این شاخص‌ها که برای نهاده آب در کشاورزی مورد استفاده قرار



بررسی تغییرات شاخص بهره‌وری آب در ایران، حاکی از رشد آن طی یک دهه اخیر بوده و از ۰/۸۷ کیلوگرم بر مترمکعب در سال ۱۳۸۴ به ۱/۳۲ کیلوگرم بر مترمکعب در سال ۱۳۹۴ رسیده (افزایش ۱۵۲ درصدی) و به‌طور متوسط در هر سال ۰/۰۴۱ کیلوگرم بر مترمکعب افزایش پیدا کرده است. البته این اعداد و ارقام فاقد تحلیل ابعادی محصولی بوده و صرفاً بیانگر روند تغییرات است. اساساً میزان تولید به ازای واحد سطح، وقتی محدودیت دسترسی به آب وجود دارد، نمی‌تواند معیار ارزیابی باشد، وقتی محدودیت دسترسی به آب وجود دارد، ضرورت دارد که بقیه نهاده‌ها نیز بهینه و ضایعات محصول کمینه گردد.

• ارتقای بهره‌وری آب با تبیین ساختار رابط آب، خاک، گیاه و اتمسفر، انسان و ماشین و بازار. با عنایت به موارد مذکور می‌توان گفت آنچه که در رویکردهای آتی برای افزایش بهره‌وری آب تبلور عینی و عملیاتی پیدا خواهد کرد، در چهار مقوله پژوهش، فناوری، آموزش و توانمندسازی و ترویج دستاوردها خلاصه می‌گردد. برای دستیابی به این موارد و بهبود ضریب تأثیر یافته‌ها در عرصه‌های کشاورزی، پایداری منابع و نیز ارتقای شاخص سرانه علمی و تولید دانش، اجماعی از همسویی و تعامل با محققین و اعضای هیئت علمی، دانشگاه‌ها، واحدها و دستگاه‌های اجرایی، تشکلهای و صنوف کشاورزی، کمیسیون‌ها و انجمن‌ها باید صورت گیرد و راهبری و هدایت فعالیت‌ها، دارای نگاه جامع و با در نظر گرفتن تمام ابعاد و اجزا می‌باشد. •

منابع:

اسماعیلی خوش مردان، ع. ۱۳۹۶. بررسی بهره‌وری آب و آسیب‌شناسی مدیریت آب در بخش کشاورزی کشور. معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های بخش‌های تولیدی.

پوران، ر، ح، راغفر، ع، قاسمی و ف، بزازان. ۱۳۹۶. محاسبه ارزش اقتصادی آب مجازی با رویکرد حداکثرسازی بهره‌وری آب آبیاری. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران. ۲۱: ۱۸۹-۲۱۲.

سعیدی، ع. ۱۳۸۱. ویژگی‌های اقلیمی ایران و کمبود منابع آب. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیایی سپهر. ۱۱(۴۱): ۲۴-۲۶.

شهرستانی، ح. ۱۳۹۳. سازماندهی و مدیریت مصرف بهینه آب در بخش کشاورزی. مجله سازمان نظام‌مهندسی و منابع طبیعی. ۴۵: ۳۷-۴۵.

عباسی، ف، عباسی، ن و ع، توکلی. ۱۳۹۶. بهره‌وری آب در بخش کشاورزی (چالش‌ها و چشم‌اندازها). ۱: ۱۴۴-۱۴۱.

غلامحسین پور ا، ا، علیزاده، ع، نشاط و م، ابوالحسنی زراعتکار. ۱۳۹۳. مبادله آب مجازی به‌منظور بهبود بهره‌وری در مصرف آب (مطالعه موردی استان کرمان). نشریه آبیاری و زهکشی. ۲(۸): ۳۳۵-۳۲۵.

کشاورز، ع و ح، دهقانی سانیچ. ۱۳۹۱. شاخص بهره‌وری آب و راهکار آتیه کشاورزی کشور. فصلنامه راهبرد اقتصادی. ۱: ۲۳۳-۱۹۱.

محمدپور هنگروانی، م و م. ارسلان بد. ۱۳۹۵. بررسی و برآورد بهره‌وری اقتصادی آب در کشاورزی (مطالعه موردی: گوجه‌فرنگی و سیب‌زمینی در شهرستان ارومیه). پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی پایه پیشرفت.

محمدجانی، ا و ن، یزدانیان. ۱۳۹۳. تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و الزامات مدیریت آن. مجله روند. شماره ۶۵ و ۶۶: ۱۴۴-۱۱۷.

نجف‌زاده، ر، رحمتی، م و ک، ارزانی. ۱۳۹۱. مدیریت و بهره‌وری آب باران در کشاورزی دیم. کنفرانس ملی سامانه‌های سطوح آبیگر باران. مشهد.

می‌گیرد، تولید به ازای یک واحد آب (CPD) می‌باشد. این شاخص از تقسیم مقدار محصول تولید شده (کیلوگرم) به میزان آب مصرفی (مترمکعب) حاصل می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد که به ازای مصرف هر مترمکعب آب چند کیلوگرم محصول حاصل می‌شود. بالاتر بودن این شاخص نشان دهنده بهره‌وری فیزیکی بهتر آب می‌باشد. نوع دیگر شاخص‌های تعیین بهره‌وری آب، می‌تواند به شاخص 2BDP اشاره نمود که معیار ارزش یا سود خالص به ازای واحد آب می‌باشد و از تقسیم درآمد (ارزش ناخالص تولید بر حسب ده ریال) به مقدار آب مصرف‌شده (مترمکعب) حاصل می‌شود. بالاتر بودن این شاخص نشان دهنده بالاتر بودن بهره‌وری اقتصادی آب می‌باشد. شاخص دیگر 3NBDP است که از بهترین شاخص‌ها برای محاسبه بهره‌وری آب در کشاورزی می‌باشد و از تقسیم سود خالص (ارزش ناخالص تولید بر حسب ده ریال) به مقدار آب مصرف‌شده (مترمکعب) حاصل می‌شود (محمدپور هنگروانی و ارسلان بد، ۱۳۹۵).

بررسی تغییرات شاخص بهره‌وری آب در ایران، حاکی از رشد آن طی یک دهه اخیر بوده و از $۰/۸۷$ کیلوگرم بر مترمکعب در سال ۱۳۸۴ به $۱/۳۲$ کیلوگرم بر مترمکعب در سال ۱۳۹۴ رسیده (افزایش ۱۵۲ درصدی) و به‌طور متوسط در هر سال $۰/۴۱$ کیلوگرم بر مترمکعب افزایش پیدا کرده است. البته این اعداد و ارقام فاقد تحلیل ابعادی محصولی بوده و صرفاً بیانگر روند تغییرات است. اساساً میزان تولید به ازای واحد سطح، وقتی محدودیت دسترسی به آب وجود دارد، نمی‌تواند معیار ارزیابی باشد، وقتی محدودیت دسترسی به آب وجود دارد، ضرورت دارد که بقیه نهاده‌ها نیز بهینه و ضایعات محصول کمینه گردد.

در راستای ارتقاء بهره‌وری یعنی میزان آب مصرفی و میزان تولید به ازای واحد حجم آب مصرف‌شده نکات زیر توصیه می‌شود:

- اصلاح الگوی مصرف آب در بخش کشاورزی،
- توجه خاص و ویژه به مکانیزه شدن سیستم‌های آبیاری سطحی و اجرای سیستم‌های آبیاری تحت فشار،
- مدیریت مصرف آب با رویکرد کاهش مصارف غیرمفید آب کاربردی،
- توسعه خاک‌ورزی و کشاورزی حفاظتی،
- استفاده از ظرفیت‌های گلخانه‌ای در تولیدات کشاورزی،
- کاهش ضایعات محصولات در مراحل تولید، برداشت، انتقال، توزیع، بسته‌بندی و انبارداری،
- تعیین و تحلیل شاخص‌های بهره‌وری آب از تأمین، انتقال، توزیع، مصرف و پسامصرف آب و دستیابی به حداکثر تولید به ازای واحد مصرف آب،
- استفاده از گیاهان زراعی با نیاز آبی کمتر، دوره رشد کوتاه‌تر و متناسب با شرایط اقلیمی مناسب،
- ارتقای سیستم کشت دیم (مدیریت آب باران، شخم حفاظتی، استفاده از سوپر جاذب‌ها، ملچ و کمپوست. بهبود رطوبت خاک از طریق اجتناب از زهکشی عمیق)،



اهمیت توسعه کشت محصولات گلخانه‌ای در بخش کشاورزی استان کرمان

< حسین مهرابی بشرآبادی

استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان،
رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان کرمان



عملکرد آن کمتر از ۶۰ در صد متوسط کشور و کمتر از ۵۰ درصد میانگین جهانی است. در مناطق شمالی، مرکزی و غربی استان، توسعه‌ی صنعت، خدمات و کشاورزی، مخصوصاً صنعت و کشت پسته، مشاهده می‌شود که نمونه استانی از کشاورزی در حال گذار است. استان کرمان علی‌رغم تنوع اقلیمی و سایر ظرفیت‌ها، از نظر منابع آب و بارندگی جزء مناطق فقیر کشور محسوب می‌شود و منابع عمده تأمین آب در منطقه، از عهد کهن تا به امروز، آب‌های زیرزمینی بوده و می‌باشد. با توجه به پدیده خشک‌سالی، میزان بارندگی در استان، با روند کاهشی مواجه بوده و در این نوشتار، فرصت پرداختن به آن نیست، اما آمار دلهره‌آور و نگران‌کننده‌ای در این زمینه وجود دارد. سهم شاغلین در بخش کشاورزی استان، حدود یک‌سوم بوده و نزدیک به دو برابر کشور است، این امر می‌تواند نگرانی بلندمدت در خصوص افزایش مهاجرت به مناطق شهری و پیامدهای ناشی از آن، را افزایش دهد. ۲۴٪ از پدیده بیابانی در استان کرمان اتفاق افتاده است. خشک‌سالی اخیر، در استان کرمان چالش‌های زیادی برای کشاورزان و مسئولان ایجاد کرده است که نیاز به برنامه‌ریزی و راهکارهای صحیح در مناطق مختلف استان دارد. این برنامه‌ریزی، با بهسازی و اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی که راهبردی پایدار است منجر به عرضه کالا و خدمات کشاورزی می‌شود. این امر، موجب ارتقای رشد و

اهمیت بخش کشاورزی برای رفع نیازهای تغذیه‌ای بر کسی پوشیده نیست. لذا برای امنیت ملی، دستیابی به امنیت غذایی یکی از مقوله‌های مهم در اقتصاد کشور می‌باشد. ویژگی‌های بخش کشاورزی همانند ماهیت فیزیولوژیکی و تکنولوژیکی، انواع نااطمینانی‌ها و ریسک‌های اقلیمی، آفات، خشک‌سالی خرده پایبی و پراکندگی مزارع، معیشتی و سنتی بودن کشاورزان و ... از یک‌طرف و نقش‌های بخش کشاورزی در اقتصاد، همانند امنیت غذایی، استقلال غذایی، تأمین مواد اولیه تعدادی از صنایع پستین بخش کشاورزی، ارز آوری و ایجاد اشتغال، توزیع جغرافیایی جمعیت، ارتباطات پیشین و ... از طرف دیگر، باعث پیچیدگی‌های بسیار زیادی در این بخش شده است. این پیچیدگی وقتی بیشتر و حساس‌تر می‌شود که مسائلی همانند توزیع درون و بین بخشی درآمد و ثروت، رابطه توسعه روستایی و کشاورزی، مهاجرت خارج از قاعده از شهر به روستا و پایین بودن بهره‌وری در بخش کشاورزی، را به آن اضافه کرد. استان کرمان، پهناورترین استان کشور است که پسته، گندم، خرما، مرکبات و بادام از مهم‌ترین محصولات استان هستند. بیش از ۵۵ درصد از سطح زیر کشت حدود ۶۸۰ هزار هکتاری استان، مربوط به محصولات باغی است که کار تغییر الگوی کشت را سخت می‌سازد. حدود یک‌سوم سطح زیر کشت استان را پسته تشکیل می‌دهد اما

بازار، شعاع عملکردی کوچک، عدم یکپارچگی و رقابت ضعیف بین روستاها می‌شود. از این رو ارتباط بین زیرساخت‌های اقتصادی، نحوه عملکرد کشاورزان و پتانسیل تولید از اهمیت راهبردی در سیاست‌های کشورها برخوردار است. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر تولید و فرآوری محصولات کشاورزی، دسترسی به بازار، یکپارچه‌سازی، توسعه نهادها و سازمان‌های موردنیاز برای موفقیت در توسعه کشاورزی تأثیر می‌گذارد. تأمین زیرساخت‌های فیزیکی در فرآیند توسعه اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند و دسترسی بهتر به زیرساخت اقتصادی نظیر حمل‌ونقل، برق‌رسانی، ارتباطات و ... باعث افزایش سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی می‌شود. بهبود شبکه‌های حمل‌ونقل اعم از زمینی، دریایی و هوایی، بسترهای اقتصادی لازم جهت کاهش هزینه‌های تولید و سرعت در مبادلات را به وجود می‌آورد. شبکه‌های مناسب ترابری، موجب افزایش امنیت منطقه‌ای، مؤلفه مهم و تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. به‌عنوان مثال استان کرمان با حدود ۱۱ درصد از مساحت کشور، حدود ۷/۳ درصد از راه‌های روستایی و ۵ درصد از راه‌های بین‌شهری را داراست. جابه‌جایی عوامل تولید و حمل‌ونقل کالاهای تولید شده به مراکز مصرف و برقراری تعادل در عرضه و تقاضای کالاها و خدمات، بدون وجود شبکه گسترده‌ای از حمل‌ونقل امکان‌پذیر نیست. توسعه بخش حمل‌ونقل باعث تخصصی شدن و تولید انبوه و در نتیجه افزایش بهره‌وری منابع اقتصادی می‌شود. بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و دسترسی به بازار از طریق راه دسترسی مناسب منجر به کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، کاهش ضایعات محصولات، داشتن اطلاعات دقیق‌تر از بازار و افزایش حجم محصولات معیشتی می‌شود. این نوع دسترسی برای تأمین معیشت خانوارهای روستایی یکی از مهم‌ترین دسترسی‌های روستایی است. دسترسی‌های بیرونی، ارتباط بین کشاورز با بازار را به وجود می‌آورد و بر الگوی کشت محصولات نیز تأثیر دارد. همچنین بهبود زیرساخت ارتباطات و اطلاعات قابلیت‌های مدیریتی را در فاصله‌های دور افزایش می‌دهد. وقتی که اهمیت اطلاعات در پروسه‌های تولید افزایش می‌یابد، اهمیت شبکه‌های ارتباطی بیشتر نمایان می‌شود و گسترش شبکه ارتباطات صرفه‌جویی قابل‌توجهی را در انرژی مصرفی و هزینه‌ها ایجاد می‌کند. درنهایت می‌توان گفت که گسترش شبکه‌های ارتباطی با ایجاد اطلاعات بیشتر، عملکرد بازار را بهبود می‌بخشد. کاربرد فناوری اطلاعات در کشاورزی که تحت عنوان کشاورزی دقیق مطرح است، می‌تواند منجر به مدیریت دقیق منابع آب و نهاده‌های کشاورزی شده و به همین دلیل امروزه در مباحث کشاورزی پایدار و توسعه پایدار از اهمیت بالایی برخوردار است. دفتر ICT روستایی علاوه بر عرضه خدمات مختلف ارتباطی، نظیر خدمات پست، پست‌بانک، مخابرات و ...، ارتباط روستاها را با شبکه اینترنت فراهم ساخته و زیرساخت ارتباطی لازم برای ارائه خدمات سایر سازمان‌ها ایجاد نموده است، بنابراین منطقی است که دارای اهمیت بیشتری نسبت به

توسعه کشاورزی خواهد شد. همچنین، برای مقابله با تغییرات اقلیمی در بخش کشاورزی و کمبود آب، برنامه‌های اصولی در بخش کشاورزی با کشت گلخانه‌ای پیشنهاد می‌گردد. استان کرمان حدوداً ۱۹/۷ درصد از سطح زیرکشت و ۲۲/۱ درصد از تولید محصولات گلخانه‌ای را دارا بوده و پس از استان تهران در مقام دوم قرار دارد. این امر بیانگر بالاتر بودن عملکرد گلخانه‌های استان کرمان در مقایسه با میانگین کشور بوده و تاحدی نشان دهنده مزیت این استان در تولید محصولات گلخانه‌ای است. در احداث گلخانه می‌توان با سرمایه‌گذاری مناسب، مدیریت صحیح و توسعه زیرساخت اقتصادی از طریق انتخاب مکان، نوع گلخانه و پوشش آن، انتخاب نوع محصول، تعیین بازار مناسب، کاهش حاشیه بازار و کارایی بازار و ... از اتلاف منابع و به‌ویژه آب، جلوگیری کرد و رشد و توسعه کشاورزی را برای استان فراهم کرد. زیرساخت اقتصادی به مجموعه امکانات رفاهی و خدماتی اطلاق می‌شود که نشان‌دهنده نسبت روستاهای برخوردار از خدمات عمرانی از جمله بهره‌مندی از آب آشامیدنی، برق‌رسانی، بهسازی، ایجاد و مرمت راه‌های روستایی، مراکز بهداشتی درمانی، دفاتر پست، مخابرات و ICT، صندوق پستی و ... هستند. افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی به زیرساخت‌های مناسب روستایی، عملکرد مناسب بازارهای محلی، نهادها و سازمان‌های کارآمد و دسترسی به تکنولوژی مناسب وابسته است. عدم وجود عناصر مرتبط با زیرساخت‌های روستایی، موجب ناکارآمدی عملکرد

تولید به وقت بازار، افزایش کمیت (عملکرد)، بهبود کیفیت (با توجه به اهمیت روزافزون محصولات ارگانیک و چالش محصولات تراریخته) و تنوع محصولات، از مزایای دیگر گلخانه‌ها است که به دلیل تراکم کشت، کنترل آفات و بیماری‌ها و کنترل شرایط محیطی (دما، نور، رطوبت و ...) به وجود می‌آید و به شدت بر محاسبات اقتصادی و نیز اجتماعی اثرگذار بوده و نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر بوده و علاوه بر آن به آینده‌نگری در خصوص قیمت‌ها و شرایط عرضه و تقاضای بازار و نیز نیازسنجی و سلیقه مشتریان و به‌ویژه مشتریان خارجی است.

اشتغال غیرمستقیم (تولید تأسیسات و تجهیزات، صادرات، و ...) جدید را ایجاد کرد.

تولید به وقت بازار، افزایش کمیت (عملکرد)، بهبود کیفیت (با توجه به اهمیت روزافزون محصولات ارگانیک و چالش محصولات تراریخته) و تنوع محصولات، از مزایای دیگر گلخانه‌ها است که به دلیل تراکم کشت، کنترل آفات و بیماری‌ها و کنترل شرایط محیطی (دما، نور، رطوبت و ...) به وجود می‌آید و به شدت بر محاسبات اقتصادی و نیز اجتماعی اثرگذار بوده و نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر بوده و علاوه بر آن به آینده‌نگری در خصوص قیمت‌ها و شرایط عرضه و تقاضای بازار و نیز نیازسنجی و سلیقه مشتریان و به‌ویژه مشتریان خارجی است. ثبت رکوردهای ۱۷۰ تن توت‌فرنگی، ۳۰۰ تن گوجه‌فرنگی و خیار و ... در هر هکتار گلخانه و نیز نرخ‌های فعلی ارز، نوبدبخش، نرخ‌های بالاتر بازده داخلی و سرعت بالاتر بازگشت سرمایه در این صنعت است.

بدیهی است که می‌توان مزایای دیگری را هم برای توسعه کشت محصولات گلخانه‌ای نام برد که در این مقوله، فرصت به پرداختن آن نیست. اما توسعه کشت محصولات گلخانه‌ای، دارای محدودیت‌ها و معایب و مشکلاتی نیز هست که به نظر نگارنده، و برحسب تحقیقات میدانی، اهم آن مربوط به مسائل فنی است، کوچکی و پراکندگی گلخانه‌ها (بازار رسانی، ضایعات ناشی از بسته‌بندی، نگهداری و حمل نامناسب)، سازه و پوشش‌های نامناسب و غیراستاندارد، بذور نامناسب با شرایط و غیربومی، باد و سرمای شدید، مسائل تغذیه‌ای و ... و دانش ناکافی گلخانه داران است. شاید بسیار از این مسائل را بتوان از طریق آموزش و مشاوره و ... حل کرد، اما بخشی از آن ریشه در ساختار کشاورزی استان و کشور دارد (قوانین مربوط به آب، نظام بهره‌برداری زمین و مالکیت آن، منابع طبیعی، محیط‌زیست و ...) دارد و بخشی نیز ریشه در فرهنگ، نظام‌های اجتماعی، سنتی بودن، ریسک‌گریز بودن، معیشتی بودن و ... دارد که حل آن زمان‌بر است. تلاش‌های شرکت توسعه و عمران گلخانه‌های کرمان، در خصوص استفاده از شرکت دلفی هلند (فارغ از اما و اگرهای پیرامون طرح ابر گلخانه در استان کرمان) و نیز سایر مسائلی از این دست می‌تواند اثرات خوبی را در رفع این محدودیت‌ها، ایجاد کند. انتظار می‌رود، تسهیل سرمایه‌گذاری و مشارکت خارجی، در استفاده از تکنولوژی‌های جدید و سرریزهای تکنولوژی، نقش مهمی در رفع محدودیت‌های مذکور، و به‌ویژه نواقص فنی داشته باشد. یکی دیگر از مشکلات توسعه کشت محصولات گلخانه‌ای، اهرم عملیاتی بالاتر این نوع کشت در مقایسه با کشت در فضای باز و به زبان ساده‌تر، نیاز بیشتر به سرمایه اولیه بیشتر، جهت احداث گلخانه است. توجه به تبصره ۱۸، اعتبارات اشتغال‌زایی روستایی و صندوق توسعه ملی و سایر روش‌های تأمین مالی می‌تواند در این زمینه به رفع این محدودیت کمک نماید. در این زمینه، تشویق و راهنمایی سایر اقشار پولدار و صنوف (مثلاً پزشکان، تجار، باغداران بزرگ پسته و ...) برای ورود به این صنعت هم می‌تواند نقش ترویجی مؤثری داشته باشد. ●

شاخص روستاهای دارای ارتباط مخابراتی باشد. برق و گازرسانی از جمله کارهایی است که بر محیط روستا اثرات چندجانبه می‌گذارد. انرژی، جنبه‌های اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی جامعه روستایی را متأثر می‌سازد. تأمین انرژی برق و گاز در مناطق روستایی علاوه بر استفاده از ادوات و تجهیزات صنعتی و کشاورزی مانند پمپ‌چاه‌های آب کشاورزی، گرمایش گلخانه و سایر ماشین‌آلات را نیز تأمین می‌نماید. با گسترش شبکه‌های برق در مناطق روستایی بستر لازم جهت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و صنایع کوچک روستایی فراهم می‌شود و موجب رشد و شکوفایی کشاورزی، صنعت و اقتصاد روستایی می‌گردد؛ بنابراین دولت با افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و احداث گلخانه در جهت افزایش قدرت رقابت‌پذیری محصولات کشاورزی اقدام نماید و از این طریق کارکرد صحیح و تنظیم‌شده زیرساخت اقتصادی موجب دسترسی مصرف‌کنندگان به کالا و خدمات با نرخی شفاف و منصفانه، تعادل اقتصادی و بهبود وضعیت دو بخش تولید و مصرف خواهد شد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که تولید خیار و گوجه‌فرنگی در گلخانه‌های کوچک (زیر ۴۰۰ مترمربع) دارای مزیت نیست، همچنین حمایت‌های دولتی از تولیدات گلخانه‌ای بیشتر از فضای باز است، اما در راستای مزیت نسبی و سودآوری اجتماعی (با در نظر گرفتن قیمت اجتماعی آب و ...)، نیاز به افزایش نیز دارد. مزیت‌های زیادی برای توسعه کشت گلخانه‌ها در استان کرمان وجود دارد که اهم آن صرفه‌جویی در منابع آب و توجه به آب مجازی در تولید محصولات گلخانه‌ای است. آب مجازی، میزان آب استفاده‌شده برای تولید یک کیلوگرم محصول در گلخانه و فضای باز است که نیاز به تحقیقات میدانی و محاسبات دقیق اقتصادی برحسب قیمت‌های خصوصی و قیمت‌های اجتماعی دارد. بدیهی است که کشاورزان برحسب قیمت‌های خصوصی، رفتار خود را شکل می‌دهند اما در قیمت‌های اجتماعی، به کلیه مسائل مربوط به پارانرژی (در استحصال و انتقال آب، حمل‌ونقل، گرمایش و سرمایش، ماشین‌آلات کشاورزی و ...)، قیمت سایه‌ای آب، دستمزدهای اجتماعی و ... توجه می‌شود و مزیت نسبی و سودآوری اجتماعی مدنظر قرار خواهد گرفت. انتظار می‌رود به ازای هر هکتار توسعه گلخانه، به‌طور متوسط حدود ۳۰۰۰ مترمکعب آب را صرفه‌جویی کرد. با توجه به ظرفیت بی‌بدیل استان کرمان در تولید انرژی خورشیدی و نیز شرایط اقلیمی، می‌توان از این فرصت برای تأمین انرژی موردنیاز گلخانه‌ها استفاده کرد.

اشتغال‌زایی پایدار برای نیروهای انسانی از دیگر مزایای گلخانه‌ها است. بیکاری و به‌ویژه برای دانش‌آموختگان کشاورزی، به یکی از مسائل مهم تبدیل‌شده و احتمال افزایش آن در آینده، زیاد است که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خاص خود را دارد، بررسی‌ها حکایت از امکان افزایش اشتغال‌زایی و به‌ویژه برای دانش‌آموختگان کشاورزی (امکان ورود دانش و ارتقا تکنولوژی بومی و ...) و نیز در ماه‌های مختلف سال، در کشت گلخانه دارد و انتظار می‌رود به ازای هر هکتار بیش از ۱۰ اشتغال مستقیم و ۴

کشت فراسرزمینی در اوکراین

< مقدار تکلوزاده

دبیر کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان
و دبیر انجمن خرمای استان کرمان



< حسین نجفآبادی*

عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و ایران



بیش از ۸۵ درصد اراضی ایران در اقلیم بیابانی، خشک و نیمه خشک قرار گرفته است و این باعث شده است تا در چهار محصول استراتژیک گندم، جو، ذرت و برنج نیازمند به واردات بوده ایم، در حالی که می توانیم با کشت فرا سرزمینی این محصولات استراتژیک را خود تولید کنیم.

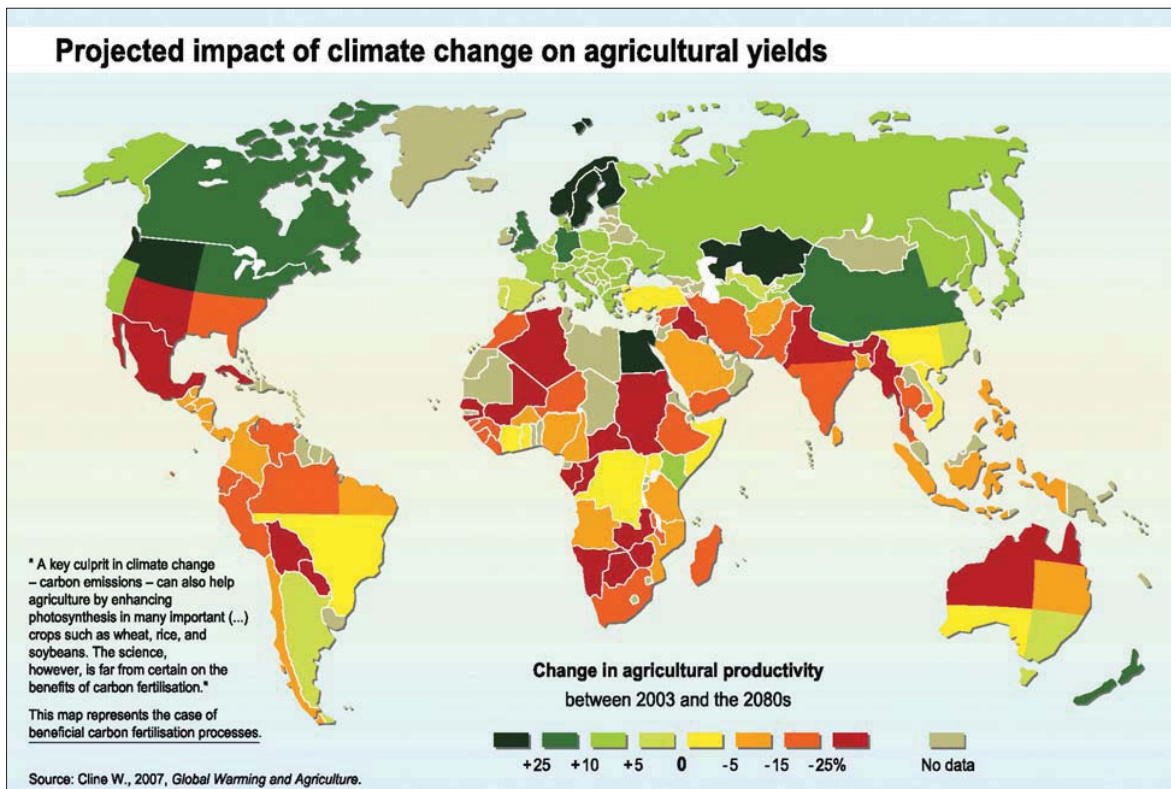
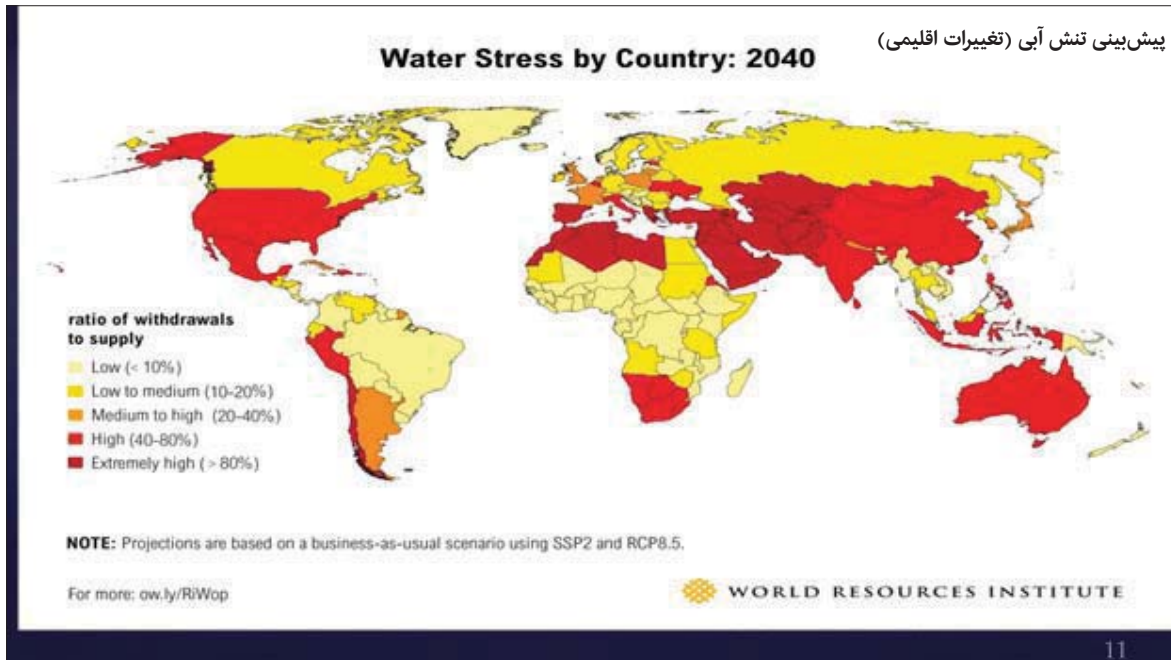
تغییر اقلیم به عنوان یکی از خطرهای جدی که توسعه پایدار را در ابعاد مختلف زیست محیطی، سلامت انسان، امنیت غذایی، فعالیت های اقتصادی، منابع طبیعی و ساختارهای زیربنایی تهدید می کند، مورد توجه کشورها و سازمان های مختلف قرار گرفته است. تغییرات آب و هوایی یا تغییر اقلیم یعنی هر تغییر مشخص در الگوهای مورد انتظار برای وضعیت میانگین آب و هوایی که در طولانی مدت در یک منطقه خاص یا برای کل اقلیم جهانی رخ بدهد. تغییر اقلیم نشان دهنده تغییرات غیرعادی در اقلیم درون اتمسفر زمین و پیامدهای ناشی از آن در قسمت های مختلف کره زمین است. برای مثال در یخ های قطبی مدت این تغییرات از ۱۰ سال تا چند میلیون سال تغییر می کند.

گرچه بخش های مختلف اقتصادی اعم از کشاورزی، جنگلداری، آب، صنعت، گردشگری، انرژی و حتی بازارهای مالی و بیمه از تغییرات اقلیم متأثرند اما در این میان بخش کشاورزی

امنیت غذایی یکی از مهم ترین شاخص های هر جامعه مستقل می باشد. کشورهای مختلف نیز این بخش را حائز اهمیت فوق العاده دانسته اند. کشورمان ایران هم به جهت نیاز روزافزون به مواد غذایی و توجه به محدودیت های ناشی از شرایط آب و هوایی و تغییرات حاد اقلیمی و نیاز تأمین مطمئن بسیاری از محصولات استراتژیک، اقدامات متعددی را در قالب اقتصاد مقاومتی در برنامه های راهبردی خود قرار داده و همچنین راهکار کشاورزی فرا سرزمینی را نیز در برنامه های خود گنجانده است. بر این اساس آئین نامه کشت فرا سرزمینی با محوریت وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیئت محترم وزیران رسیده است.

با توجه به مطالعات سازمان های معتبر تحقیقاتی در دنیا برای یافتن نقشه های راهبردی و مدل کردن الگوهای تغییرات اقلیمی در سال های آینده پیش بینی می شود که نقاط بسیاری از دنیا دستخوش تحولات جدی آب و هوایی خواهد بود. در بسیاری از نقاط خاورمیانه به علت خشک سالی و کمبود منابع آبی، امکان کشاورزی کم یا به شدت کاهش می یابد.

همچنین شدت گرفتن محدودیت هایی نظیر فرسایش خاک و خشک سالی سبب شده تا کشت فرا سرزمینی از اهمیت بیشتری برخوردار شود.



نتایج گزارش‌های علمی نشان می‌دهد تغییرات اقلیمی بر محصولات کلیدی نظیر برنج، گندم و ذرت تأثیر خواهند داشت و کارشناسان با تحلیل و بررسی مطالعات قبلی دریافتند افزایش دما تأثیر منفی بر محصولات جهانی گندم، ذرت و برنج خواهد داشت، به ازای هر درجه سانتی‌گراد افزایش میانگین دما،

وابسته‌ترین بخش به اقلیم است و اقلیم تعیین‌کننده اصلی مکان، منابع تولید و بهره‌وری فعالیت‌های بخش کشاورزی است، بخش کشاورزی از این جهت که سهم قابل‌توجهی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه دارد و از ارتباطات پسین و پیشین گسترده‌ای با دیگر بخش‌های اقتصادی برخوردار است

یا جلوگیری از صادرات آب) و میزان وابستگی به محصولات مختلف، پیشنهاد می‌گردد بر روی دانه‌های روغنی و ذرت در کشورهای دارای اقلیم مناسب و با دسترسی آسان، توجه جدی صورت گیرد.

مهم‌ترین اولویت‌های انتخاب کشورهای هدف برای کشاورزی فراسرزمینی

انتخاب کشورهای هدف برای کشاورزی فرا سرزمینی دارای اولویت‌های زیادی می‌باشد. اقلیم مناسب برای کشت، میزان بارندگی، استعدادهای فنی، ظرفیت نیروی انسانی، زیرساخت‌های ارتباطی، حمل‌ونقل، ثبات سیاسی و اقتصادی، میزان بیکاری، روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران با کشورهای یاد شده، کشورهای رقیب و حاضر در کشورهای مقصد، ولی شاید یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها را بتوان سهولت دسترسی به بازار هدف (ایران و یا صادرات مجدد) دانست.

۶۶ کشور دنیا از ظرفیت‌های مناسب جهت کشت فرا سرزمینی برخوردار هستند و با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، کشور اوکراین که انبار غله و دروازه اروپا می‌باشد، جایگاه مناسبی از این لحاظ دارد، همچنین عضویت در اتحادیه اروپا شرایط خوب کنونی را نیز بهبود می‌بخشد.

انتخاب کشورها

انتخاب کشورهای سرمایه‌پذیر عمدتاً تابع شاخص‌های زیر است:

- ظرفیت‌های طبیعی و روند تغییرات آن شامل آب‌و‌خاک و شرایط اقلیمی،
- وضعیت و هزینه‌های اجتماعی: توسعه انسانی وضعیت زیرساخت‌ها؛ راه‌ها و راه‌آهن و بنادر و آب و کشاورزی،
- شرایط شفافیت و قواعد کسب‌وکار،
- شرایط سیاسی و ثبات امنیتی،
- قواعد هزینه‌بر، مانند: تعرفه‌های اقتصادی و گمرکی،
- تجربه و سابقه حضور سرمایه‌های خارجی در آن کشور.

کشورهای منتخب

نهایتاً با ارزیابی برآیند مزیت‌ها، ملاحظه تجربیات جهانی و بعضاً محدودیت‌های خاص سرمایه‌گذاران ایرانی، بعد مسافت، روابط و سازگاری‌های تجاری و فرهنگی، وزن سرمایه اولیه موردنیاز؛ به‌عنوان مثال خرید زمین در مجارستان، اروگوئه و نیوزلند گران است و سرمایه اولیه هنگفتی را طلب می‌نماید و در مقابل کشوری مثل اکراین که ارزان‌ترین کشور تولیدکننده اروپایی و یا روسیه ارزان‌ترین اراضی قابل‌دسترس در دنیا را در کارنامه دارد، با توجه به موارد فوق کشورهای ذیل جهت کشت فرا سرزمینی پیشنهاد می‌گردد:

اکراین- قزاقستان - آذربایجان- قرقیزستان - گرجستان- غنا - برزیل - اوگاندا - کنیا- صربستان - اروگوئه- روسیه.

میانگین کاهش محصولات جهانی گندم تا ۶ درصد برآورد شده است همچنین محصول برنج تا ۳.۲ درصد و ذرت تا ۷.۴ درصد به ازای هر درجه افزایش سانتی‌گراد گرمای زمین کاهش خواهد یافت.

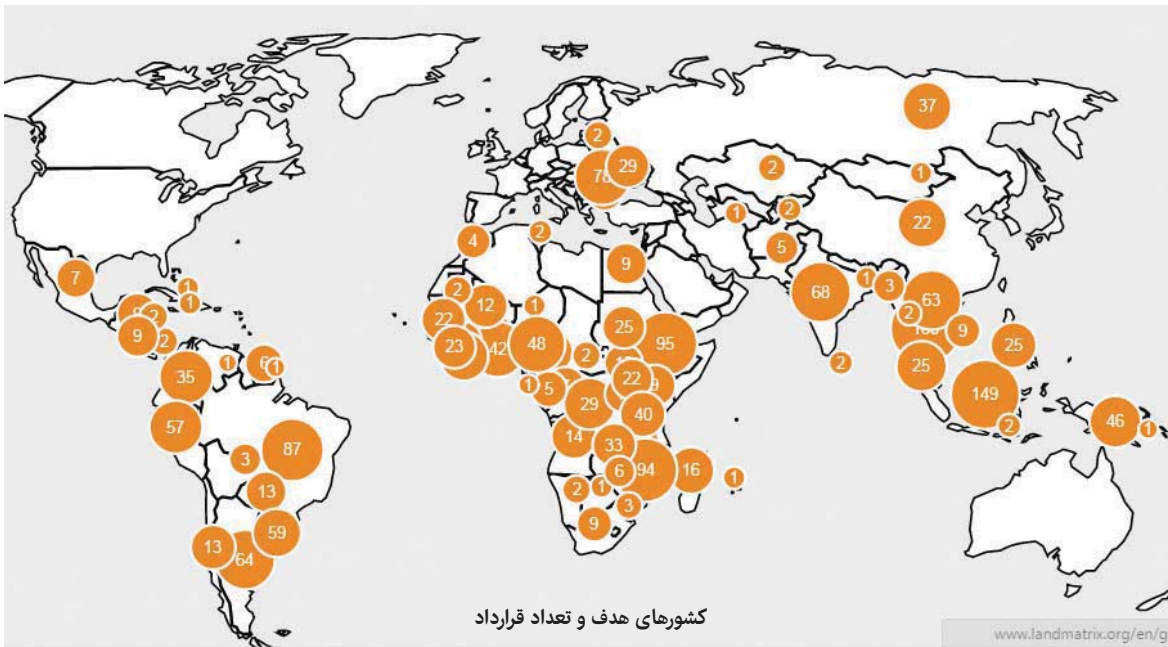
به گفته کارشناسان، این چهار محصول کلید بقای بشریت هستند که دو سوم مصرف کالری مردم جهان را تشکیل می‌دهند و تغییر آب‌وهوا بر میزان تولیدشان در آینده اثر خواهد گذاشت. در گزارش بررسی تغییرات اقلیمی دنیا که توسط سازمان FAO در سال ۲۰۱۶ منتشر گردید گرمایش جهانی و پیامدهای ناشی از آن بسیاری از متغیرهای اقلیمی مؤثر در رشد و نمو گیاهان زراعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پاسخ گیاهان به این امر تابع شدت و الگوی تغییرات می‌باشد. در این مطالعه تأثیر تغییر جهانی اقلیم بر شاخص‌های اقلیمی کشاورزی ایران برای سال ۲۰۵۰ میلادی (۱۴۳۰ شمسی) بر اساس سناریوی استاندارد IPCC توسط دو مدل گردش عمومی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که میانگین دما سالانه مناطق مختلف کشور تا سال هدف بین ۳/۵ تا ۴/۵ درجه سانتی‌گراد افزایش می‌یابد در حالی که میانگین بارش سالانه بین ۷ تا ۱۴ درصد کاهش خواهد یافت. به‌علاوه این تغییرات از غرب به شرق و از شمال به جنوب کشور شدیدتر خواهد بود. افزایش دما باعث طولانی‌تر شدن فصل رشد به دلیل افزایش تعداد روزهای بدون یخبندان می‌شود. البته کاهش بارش طول فصل خشک را از حدود ۲۰ روز در مناطق غربی تا بیش از ۳۰ روز در جنوب کشور افزایش خواهد داد که این امر به‌ویژه در مناطق کشت دیم از اهمیت بیشتری برخوردار است. افزایش دما همچنین میزان تبخیر و تعرق بالقوه سالانه را در سال هدف بین ۱۸ تا ۳۰ درصد افزایش می‌دهد و در نتیجه تفاوت بین میزان بارش و تبخیر و تعرق بالقوه یا شاخص کمبود بارش به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد که عمدتاً به دلیل افزایش میزان تبخیر و تعرق خواهد بود. با وجودی که پی آمدهای تغییر اقلیم بر شاخص‌های آگروکلیماتیک تمامی مناطق کشور مؤثر می‌باشد، ولی نتایج این تحقیق نشان داد که بیشترین اثرات منفی به ترتیب در جنوب، شرق و مرکز کشور بروز کرده و کمترین اثرات در شمال و شرق کشور ظاهر خواهد شد.

با وجود خشکسالی‌های اخیر منابع آبی و خاکی ما محدود هستند، این امر باعث شده ایران در برخی از محصولات کشاورزی از جمله؛ ذرت، سویا، دانه‌های روغنی واردکننده باشد، بنابراین کشت فرا سرزمینی می‌تواند ظرفیت خوبی از آب‌و‌خاک در اختیار کشاورزان قرار دهد. در واقع کشت فرا سرزمینی نه تنها باعث هدر رفت سرمایه از ایران نمی‌شود، بلکه در بلندمدت بازگشت سرمایه بیشتر را نیز به همراه دارد.

در کشاورزی فرا سرزمینی باید بر اساس بازار جهانی، با اولویت بازار هدف ایران برنامه‌ریزی شود و بررسی روند تغییر تولید و مصرف محصولات کشاورزی مورد مطالعه قرار گیرد.

با توجه به میزان آب بر بودن محصولات از یک سو (آب مجازی

کشاورزی فراسرزمینی در جهان (کشورهای هدف و سرمایه‌گذار)



• به فعالیت رسیده آن‌ها حدود ۱۴ میلیون هکتار.

تجربه جهانی:

- ۲۱۸۲ اقدام برای سرمایه‌گذاری کشاورزی انجام شده،
- ۱۶۰۰ مورد قرارداد امضا شده،
- ۱۱۹ قرارداد با شکست همراه بوده،
- ۱۸۳ مورد در حال مذاکره،
- ۵۶ مورد کنسل شده.
- تمایل سرمایه‌گذاری برای ۷۷ میلیون هکتار بوده،
- به قرارداد رسیده حدود ۵۹ میلیون هکتار بوده،

منابع:

۱. www.FAO.ORG
۲. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت جهاد سبز
۳. گزارش‌های انجمن کشت فرا سرزمینی
۴. <http://farasarzamini.ir> باشگاه کشاورزی فرا سرزمینی



کرمان، بهشت گیاهان دارویی

< سید محمدعلی گلابزاده

رئیس بنیاد ایران‌شناسی شعبه کرمان
و مدیر مرکز کرمان شناسی



ازجمله ارزش‌های این استان، رویشگاه‌های گیاهان دارویی است تا آنجا که وجه تسمیه «کوه هزار» را وجود هزار نوع گیاه معطر و دارویی دانسته‌اند، گیاهانی که «زیره» معروف کرمان، نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود. منابع تحقیقاتی نشان می‌دهد که نه تنها بیش از صدسال پیش، تجار ایرانی، در شهرهای کشمیر، پتربورگ، لندن و هنگ‌کنگ تجارتخانه‌هایی دایر کرده بودند، بلکه صدها سال پیش از آن سران کشورهای بزرگ جهان و نامداران عرصه سیاست و اقتصاد، آرزوی داشتن مقداری از گیاهان دارویی کرمان را در سر می‌پروراندند. «پلینی همچنین از تعدادی گیاهان دارویی یاد می‌کند که پلوتمی^۲، فرماندار یونانی مصر پس از اسکندر نمونه‌هایی از آنها را از کرمان به مصر برده و در آنجا پرورش داده است. نوشته‌های مورخین و جغرافی‌نویسان یونانی و رومی مملو از تحسین فرآورده‌های کانی و گیاهی کرمان می‌باشد. در این تواریخ از کرمان به‌عنوان سرزمینی خودمختار، در فدراسیون شاهنشاهی هخامنشی، اشکانی و ساسانی یاد شده و اهمیت اقتصادی و سیاسی‌اش

کرمان، سرزمینی که شکنج چهره‌اش رد پای همه روزگاران است، نامی آشنا و دیاری پیشگام به شمار می‌رود، آن‌گونه که گوئی خداوند گل آن را به عنایت ویژه خویش آغشته و در برخی موارد، ویژگی‌هایی به آن مرحمت فرموده که در کمتر سرزمینی همانندش را می‌توان یافت، خطه‌ای که با ذخائری چون مس و آهن و انواع سنگ‌ها، به‌ویژه ذغال سنگ، بهشت معادن لقب گرفته، خرمای جنوبی، کام جهانی را شبرین کرده، زمین‌های حاصل‌خیز جیرفت و کهنوج، لقب هند ایران را به خود اختصاص داده، قالی و گلیم و پته و سایر دست‌آفریده‌هایش، زیب و زیور کاخ‌هاست و ... در این میان گیاهان دارویی آن، در بعضی انواع، بی‌نظیر و در برخی موارد، کم‌نظیر است. ویکاندر، دانشمند آلمانی معتقد است که «از سه هزار نوع گیاه طبی که در دائره‌المعارف داروشناسی فرانسه از آنها نام برده شده دو هزار نوع آن، گیاهانی است که در آغاز در ایران به خاصیت طبی آنها پی بردند و قسمت زیادی از آنها جزو گیاهان بومی ایران است.»^۱

۱. رامتین، ایرج، (۱۳۸۷)، خلاصه ده هزار سال تاریخ ایران، تهران: نشر سنبله و آئین تربیت، چاپ اول، ص ۹.

کوهستان‌های بافت و رابر. ساردوئیه و مناطق گرمسیری جیرفت و کهنوج و بم همگی به‌طور طبیعی دارای گونه‌های مختلف گیاهان داروئی بوده و نیز جای مناسبی برای کاشت انواع دیگر گیاهان داروئی و صنعتی می‌باشد.

اهمیت گیاهان داروئی از این جهت است که در تمامی طول زندگی انسان، از هزاران سال پیش تا امروز، همواره نقشی مهم و ارزشمند ایفا کرده و پیوندی ناگسستنی با زندگی آدمی داشته است. برای روشن شدن موضوع، به ذکر خاطره‌ای می‌پردازم که خالی از لطف نیست. شبی با شادروان دکتر باستانی پاریزی و دکتر محمدحسن صالحی کرمانی در محفلی مأنوس بودیم. دکتر صالحی که همسرش مبتلا به سرطان بود، گلایه می‌کرد که هر عدد آمپول موردنیاز همسر، بیش از هفتصد هزار تومان قیمت دارد و تهیه و خرید آن با دشواری‌هایی همراه است. در این موقع استاد باستانی پاریزی گفت، خدا را شکر کن که مثل من این آمپول را چهار میلیون تومان نخریدی و بعد نقل کرد که: همسر من نیز مثل بانوی شما به سرطان مبتلا شد، پزشک ۴ عدد از این آمپول برایش تجویز کرد، به داروخانه مراجعه کردم، گفتند ۱۶ میلیون تومان می‌شود، چاره‌ای نداشتیم، با کیفی از پول به داروخانه رفتم و آمپول‌ها را خریدم، بعد، نامه‌ای به وزیر بهداشت و درمان نوشتم که:

آقای وزیر، در روزگار گذشته، پادشاهی دختری داشت که دلبسته پدر بود، این دختر بیمار شد و هر طبیبی بر بالین او آوردند کاری از پیش نبرد، پادشاه فراخوان داد که هر کس دختر مرا درمان کند ۵۰۰ دینار به او جایزه می‌دهم. طبیبی از شهر دیگری به آنجا آمد، به یکی از عطاری‌ها مراجعه کرد، مقداری گیاهان داروئی خرید، سپس معجونی درست کرد و برای دختر فرستاد تا هر روز مقداری از آن بخورد، به همین نحو اقدام شد و پس از چند روز دختر بهبود پیدا کرد. پزشک نزد پادشاه رفت و گفت «الوعده وفا» پادشاه نگاهی به او انداخت و گفت، آقای طبیب، براساس قولی که داده‌ام، پانصد دینار را تقدیم می‌کنم، اما شما فکر نمی‌کنی برای تهیه مقداری گیاه داروئی از عطاری شهر ما و با آن معجونی درست کردن، پانصد دینار، رقم زیادی است؟ طبیب گفت: پادشاه، من پول علم خود را از شما نمی‌گیرم، بلکه بهای جهل شما را دریافت می‌کنم، چون اگر شما می‌توانستید، چرا خودتان این کار را نکردید؟ پادشاه پذیرفت و آن وجه را به طبیب پرداخت.

باستانی پاریزی در اینجا نفسی تازه کرد و گفت: در ادامه این نامه نوشتم: حالا آقای وزیر درست است که ما بهای جهل خود را می‌پردازیم، اما راستی فکر نمی‌کنید این رقم برای من معلّم کمرشکن است؟ دفعه بعد که به داروخانه مراجعه کردم، دیدم به دستور وزیر این دارو در لیست بیمه درآمده و به هشتصد هزار تومان کاهش پیدا کرده است. باری منظوم از بیان این خاطره، عنایت به همین بخش پایانی استاد باستانی پاریزی بود و نقشی که گیاهان داروئی در گذشته داشتند و امروز نیز از همان آمپول گرفته تا بقیه داروهای دیگر، همه و همه از همین گیاهان کوه‌های هزار خودمان و سایر جاهای دیگر درست می‌شوند، گیاهان ارزشمندی که آن را به ثمن بخش می‌خرند و داروهای ساخته‌شده از آن را به هر بهایی که دوست داشته باشند، به خودمان می‌فروشند، ای کاش روزی بتوانیم از آن‌همه نعمت خداداد بهره ببریم و تمامی داروهای موردنیازمان را تهیه و تأمین کنیم. ●

با سرزمین‌هایی چون پارس، هند، عربستان، مصر و سرزمین‌های بزرگ دیگر مقایسه گردیده است.^۳

زیره: کیست که زیره کرمان را نشانسد و یکبار هم که شده عطر این گیاه، شامه‌اش را نوازش نداده باشد. تا سال ۱۹۶۰ ایران مقام اول صادرات زیره را دارا بود، اما بعدها به دلیل کاهش نزولات و عوامل دیگر، میزان برداشت و صادرات آن کاهش یافت. زیره معروف کرمان که زمینه‌ساز ضرب‌المثل «زیره به کرمان بردن» شده است، زیره سیاه کوهی است، اما در جوار آن کاشت زیره سبز نیز در برخی شهرستان‌ها از جمله زرنند صورت می‌گیرد.

لازم به ذکر است که بیشترین زیره از شهرستان بافت و ملحقات گذشته‌اش گزارش شده است.

حنا: ازجمله محصولات خاص نواحی گرمسیر استان - مانند شهداد - حنا است که از دیرباز مصارف مختلف بهداشتی و درمانی داشته است، زیرا علاوه بر اینکه از آن برای رنگ کردن مو و دست و ناخن و محاسن و سفت کردن پوست دست استفاده می‌شود، گاهی برای ضدعفونی موی سر و التیام زخم‌های چرکی نیز به‌کار می‌رود، عده‌ای با مخلوط سدر و حنا بدن خود را شست‌وشو داده و معتقدند پوست آن‌ها جوان و تازه می‌ماند.

یزدی‌ها حنای کرمان را به شهر خود برده و در آنجا آن را «مازاری» کرده و به مصرف داخلی و صادرات می‌رسانند تا آنجا که یکی از کوچه‌های معروف این شهر «کوچه حنا» است.

اهمیت حنای کرمان تا آنجا بود که معین‌التجار کرمانی در نامه‌ای می‌نویسد: «تجارت کرمان منحصر است به مخلوج - شال - تریاک - حنا و کورک...»^۴

چارلز عیسوی در مورد محصول حنای کرمان می‌نویسد: «معروف است در این دوره [اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم] منطقه کرمان نه تنها در ایران بلکه در تمام خاورمیانه و خاور نزدیک تنها منطقه تولید حنا به شمار می‌رفت. مواد خام آن به‌صورت برگ‌های خشک‌شده به یزد فرستاده می‌شد که در سال ۸- ۱۹۰۷ میلادی در آنجا حدود ۶۰ کارگاه برای این منظور ایجاد کرده بودند.»^۵

حنا علاوه بر کرمان در خوزستان نیز به دست می‌آید. حنا پس از کاشت تا حدود هفت سال و سالانه دوبار درو می‌شود. درو این نوع محصول که به نام حنای «قوس» و «گرما» مشهور است زمانی انجام می‌شود که رشد ساقه آن به حدود یک متر و نیم رسیده و به‌صورت درختچه درآمده باشد. پس از درو و خرمن کردن، چوب‌های آن را که «سغنا» نام دارد و بی‌شبهت به نعنای خشک‌شده نیست، برداشت و در گذشته، داخل کیسه‌های پنجاه شصت کیلویی می‌کردند و به یزد می‌فرستادند تا پس از سائیدن و انجام مازاری به شهرهای مختلف و کشورهای گوناگون فرستاده شود.

علاوه بر این گیاهان داروئی دیگری در کرمان می‌روید، ازجمله ریواس، گل‌گاوزبان، رازیانه، شیرین‌بیان، کتیرا، گل‌بنفشه، شیرخشت، انقوزه، کنگر، زرشک و سقز، گز انگبین شهداد و کاکوتی. لازم به ذکر است که شهرستان کهنوج از نظر برداشت سدر و حنا در مرتبه نخست قرار دارد. به دلیل اقلیم متفاوت آب و هوایی در استان کرمان تنوع گونه‌های گیاهان داروئی بی‌نظیر است از دشت گرم شهداد تا کویر و

۳. ماهری، محمودرضا، (۱۳۷۹)، تمدن‌های نخستین کرمان، کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی، چاپ اول، ص ۱۰۶/۴. نامه ذی‌قعدة ۱۳۱۰ اسناد امین الضرب (۱۳۸۴)، کرمان در اسناد امین الضرب، به کوشش نرگس پدرام و ایچ افشار، تهران: انتشارات تریا، چاپ اول، ص ۱۱۲/۵. عیسوی، چارلز، (۱۳۸۸)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، چاپ سوم، ص ۴۶۴.

تنش آبی در شریان‌های خشکیده کرمان

< حسین زراعت‌کار

رئیس گروه آب‌های زیرزمینی دفتر مطالعات آب منطقه‌ای استان کرمان



لازم به یادآوری است که به‌طورکلی یک درصد از آب برداشتی، در بخش صنعت به مصرف می‌رسد، مصرف بخش کشاورزی ۹۴ درصد آن است و ۵ درصد هم به مصرف شرب می‌رسد.

بهبود شاخص بهره‌وری آب امر مهمی است، اما تا به حال محاسبه دقیقی در این زمینه صورت نپذیرفته است، ولی با توجه به روش‌های سنتی و قدیمی بودن شبکه‌های آبیاری می‌توان گفت شاخص بهره‌وری آب در استان پایین است.

در رابطه با نظام پایش آب، اقدامات مختلفی انجام شده است؛ به‌عنوان مثال هر شش ماه یکبار آماربرداری دقیقی از کل منابع آب زیرزمینی و سطحی انجام می‌شود. در حال حاضر مرحله سوم آماربرداری سرتاسری در سطح کشور در حال انجام است. در استان تقریباً بیش از ۷۵۰ حلقه چاه مشاهده ای در دشت‌های مختلف جهت اندازه‌گیری سطح آب وجود دارد که سطح آب دشت‌ها را به‌صورت ماهانه اندازه‌گیری می‌کنند و هرساله با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده، میزان کاهش حجم آب مخازن و بیلان منفی دشت‌ها را محاسبه می‌کنیم. به لحاظ کیفی نیز با استفاده از نمونه‌برداری و آنالیز آب، کیفیت آب دشت‌ها بررسی می‌شود. از جمله اقدامات دیگر می‌توان به اندازه‌گیری حجم بارندگی و میزان آب سطحی و آبدهی رودخانه‌ها اشاره کرد.

وزارت نیرو در جهت مقابله با کم‌آبی، اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده است. این وزارتخانه طرحی به نام «سازگاری با کم‌آبی و تعادل بخشی در سطح کشور» برای کم کردن مصارف آب راه‌اندازی کرده است. امیدواریم بتوانند میزان مصرف آب را از طریق بستن چاه‌های غیرمجاز، کاهش پروانه‌های بهره‌برداری و نصب کنتور حجمی کاهش دهند؛ البته تاکنون اقداماتی به‌عمل آمده، اما آن‌چنان تأثیرگذار نبوده است.

چندی است که در برخی محافل به تشکیل بازار آب و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در جهت تعدیل معضل کم‌آبی اشاره می‌شود. مشکل اصلی کشور، دولتی بودن آب است و با توجه به قوانین موجود، جایی برای دخالت و مشارکت مردم و مصرف‌کنندگان وجود ندارد و به همین دلیل ارتباط بین مصرف‌کننده و منابع آب از بین رفته و در مردم علاقه و احساس مسئولیت وجود ندارد. تشکیل بازار آب و واگذاری یک سری از مسئولیت‌ها به مصرف‌کنندگان، موجب می‌شود که کنترل و نظارت

بهتری در مدیریت آب به وجود آید. ●

مسائل و مشکلات مبتلا به کم‌آبی در کشور و به شکل مشدد در استان، موضوعی است که لحظه‌ای نباید از آن غافل شد. در گفتگو با حسین زراعت‌کار، رئیس گروه آب‌های زیرزمینی دفتر مطالعات آب منطقه‌ای استان کرمان، از وی خواستیم در باب وضعیت منابع آب استان و چالش‌ها و نظام پایش آب و اقدامات مقابله با کم‌آبی توضیح دهد.

مسائل و مشکلات آب در کل کشور از سال ۱۳۳۰ و با پیشرفت تکنولوژی حفاری و حفر چاه‌های عمیق آغاز شده است.

با محاسبات انجام شده در این زمینه به این نتیجه رسیده‌ایم که حجم آب تجدید پذیر در استان کرمان در حدود ۵/۲ میلیارد مترمکعب است و میزان آب در حال برداشت از آب‌های زیرزمینی ۶/۴ میلیارد مترمکعب است. این نشان‌دهنده استفاده بیش‌ازحد، از منابع آب زیرزمینی است. میزان بارندگی در دهه اخیر نسبت به سنوات گذشته در حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد کاهش داشته است و به‌تبع آن به همین نسبت میزان آب تجدید پذیر نیز کاهش پیدا کرده است.

طبق آخرین آمار موجود، در زمان فعلی تخلیه از منابع آب زیرزمینی استان در حدود ۶/۴ میلیارد مترمکعب است که ۵/۸ میلیارد مترمکعب از این مقدار برداشت از چاه‌ها و مابقی از محل چشمه‌ها و قنوات صورت می‌گیرد.

عوامل متعددی در قرار گرفتن استان کرمان در وضعیت بحران کم‌آبی دخیل هستند، اما عامل اصلی این وضعیت، مصرف بیش‌ازاندازه آب است. علیرغم کاهش میزان بارندگی در سالیان اخیر، ما بیش از میزان تولید، آب مصرف کرده‌ایم. مصرف بیش‌ازاندازه آب، ریشه تمامی مشکلات آبی در استان است و تنها راه‌حل برای رفع مسئله کم‌آبی، این است که در هر منطقه از استان، میزان برداشت آب را تا حد میزان تولید آن کاهش دهیم و بیشتر از حجم آبی که از طریق نزولات جوی تولید می‌شود، مصرف نکنیم. در حال حاضر وضعیت منابع آب در مملکت به حد بحرانی خود رسیده است و با روندی که در پیش گرفته‌ایم به سمت مسائل بزرگ‌تر و غیرقابل‌حل‌گام برمی‌داریم. مسئولان و قانون‌گذاران باید با مشارکت و همیاری مردم مسائل آب را به صورت جدی حل کنند؛ بهره‌وری آب را افزایش و مصارف را کاهش دهند. به‌این‌ترتیب می‌توان با برداشت کمتر آب، دشت‌ها، اراضی و باغات را حفظ کرد.

قالی، صنایع دستی و گردشگری

- صنایع دستی از آغاز تا اکنون و مسائل و مشکلات آن
- گفت‌وگو با «فخری الله‌توکل»
عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون
قالی و صنایع دستی اتاق کرمان
- رویداد کارآفرینی برای فرش دست‌بافت کرمان
- شب فرش کرمان برگزار شد
- گفت‌وگو با «سیدرضی حاجی‌آقامیری»
پژوهشگر هنر و کارشناس فرش دستباف
- مسابقه نقاشی «فرش در خانواده ایرانی» برگزار شد
- گفت‌وگو با «پیروز ارجمند»
آهنگ‌ساز، مؤلف و مدرس دانشگاه



صنایع دستی از آغاز تا اکنون و مسائل و مشکلات آن

< سید عبدالرضا جعفری صدر
استاد دانشگاه و مدرس گوهر شناسی



دارد که ابزارهای دست‌ساز بشر دوره اشولین به‌عنوان اولین کالای قابل‌فروش ارزشمند در کارگاه‌هایی نزدیک به منابع سنگی اولیه تولید و مبادله می‌شده است. وجود منابع سنگی مناسب و فراوان، احتمالاً در توزیع ابتدایی جمعیت انسان‌های اولیه نیز مؤثر بوده است. ارتفاعات جبال بارز در استان کرمان به‌عنوان منابع اولیه این نوع سنگ‌ها و کانی‌ها همواره موردتوجه انسان‌های دوره پارینه‌سنگی بوده و به‌تدریج در دوره‌های بعد، مواد اولیه سنگی را از این مناطق به کارگاه‌های تراش در حاشیه دشت‌های حاصلخیز منتقل نموده‌اند.

بنا به تعریف صنایع‌دستی عبارت است از تلفیق هنر و صنعت در بکارگیری مواد اولیه بومی که باذوق، ابتکار و خلاقیت همراه شده است. حضور بی‌واسطه انسان، در تولید صنایع‌دستی وجه تمایز آن از مصنوعات ماشینی است.

بخش فراوانی از صنایع‌دستی ایران از جمله زیراندازهایی مانند قالی،

فلات ایران و به‌ویژه استان کرمان و سیستان و بلوچستان سرزمینی مملو از شگفتی‌های کشف نشده است. از هنگامی که انسان ابزارساز روند رو به تکامل خویش را آغاز نمود، ابزارسازی به‌عنوان یک شاخص مهم رشد و توسعه تمدن بشر همواره موردتوجه باستان‌شناسان بوده است.

آثار کشف‌شده ابزارهای سنگی ماقبل تاریخ مانند سرنیزه، چکش و تیغه‌های برش متعلق به گونه هموارکتوس Homo Erectus دوره اشولین (۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار سال قبل) در مناطق مختلف استان کرمان نشان از قدمت باستانی تولید و مبادله ابزارهای سنگی در این مناطق دارد.

ابزارهای سنگی اولیه غالباً از سنگ‌های آذرین سخت مانند ریولیت، آندزیت، بازالت و کوارتزیت و کانیهای سختی مانند فلینت، اسیدین، چرت و کلسدون تراشیده می‌شدند و کاربرد آن در شکارحیوانات بوده است. میمی لام پژوهشگر دانشگاه بریتیش کلمبیا عقیده

خوبی نیستند و در موضوع قیمت‌گذاری صنایع‌دستی استاندارد معینی وجود ندارد.

حوزه حاکمیتی

طرح مباحث تکراری و ناامیدی از اصلاح قوانین و مقررات، امید هنرمندان را ناامید کرده است. دریافت ناخوشایند هنرمندان صنایع‌دستی از حمایت‌های دولتی منجر به مهاجرت بسیاری از هنرمندان به خارج از مرزهای ایران شده است.

از سوی دیگر موضوع مهم این است که صنایع‌دستی متولیان بسیاری دارد. آموزش آن به فنی و حرفه‌ای محول شده، صدور مجوزها به عهده سازمان صنعت، معدن و تجارت است. تعاونی‌های تخصصی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شکل می‌گیرند و تصمیماتی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تأمین اجتماعی و اتاق اصناف گرفته می‌شود.

در این میان سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گویا کمترین نقش و درگیری را دارد و صنعتگران در میان این‌همه متولی سرگردان هستند. اغلب تصمیمات غیر کارشناسی متولیان زبان رسان است. صدور احکام هنرمندان دارای اشتغال خانگی جهت استفاده از مزایای بیمه هنرمندان و صنعتگران و معافیت‌های مالیاتی، از جمله مسائلی است که تاکنون راه‌حل مؤثر به ثمری نداشته است. لغو تفاهم‌نامه سازمان تأمین اجتماعی و سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۹۳ باعث شده تا تولیدکنندگان صنایع‌دستی با مشکل جدی بیمه تأمین اجتماعی در رابطه با توسعه کارگاه‌ها در برخی حرفه‌های صنایع‌دستی روبرو شوند.

حوزه فرهنگی

جای تشکلهای تخصصی هنری خالی است. اغلب صنایع‌دستی از آموزش ناکارآمد و مربیان کم‌تجربه متضرر شده‌اند. وقتی صنایع‌دستی در مبلمان شهری، منازل و ادارات دیده نمی‌شود و شهروندان به استفاده از آن‌ها باور ندارند و ترجیح می‌دهند تا اجناس خارجی خریداری نمایند چگونه می‌توان به رشد و توسعه صنایع‌دستی امیدوار باشیم. تبلیغات رسانه ملی برای معرفی صنایع‌دستی کافی نیست. پیشنهاد می‌شود با ایجاد شبکه سیمای ملی صنایع‌دستی به آموزش، معرفی و فروش محصولات پرداخته شود تا شاید از این رهگذر نسیمی بر چهره غبارگرفته صنایع‌دستی بوزد و گرد از رخسارش بردارد.

سخن پایانی

راهکار بهبود وضعیت صنایع‌دستی با تهیه و اجرا طرح‌های تحقیقی در قالب تحلیل نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها و بررسی ماتریس ارتباط میان عوامل داخلی و خارجی در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی، قوانین و مقررات، فرهنگ و اقتصاد در هر گروه از صنایع‌دستی است. در این صورت است که می‌توان با شناخت بیشتر در هر حوزه به بهبود وضعیت و احیاء صنایع‌دستی امیدوار شد. ●

گلیم، زیلو و پلاس و انواع پارچه برای پوشش و ظروف سفالی از ابتدا جنبه کاربردی داشته‌اند. صنایع‌دستی بدون شک یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگی و تمدنی هر کشور است. هنرهای دستی با تلفیق فن و احساسات، نشانگر ریشه‌های قومی، فرهنگی، اجتماعی و سبک زندگی مناطق مختلف است. صنایع‌دستی ایران با حدود ۲۵۰ زیرشاخه در صدر کشورهای جهان جای دارد.

با توجه به اینکه بخش بزرگی از صنایع‌دستی ایران در مناطق روستایی و عشایری و در محل سکونت آن‌ها تولید می‌شود و بیش از ۷۰ درصد تولیدکنندگان صنایع‌دستی زنان هستند و صنایع‌دستی ایران از لحاظ تنوع در صدر ممالک دنیا قرار دارد. صرف‌نظر از اشتغال‌زایی در حوزه صنایع‌دستی، برای زنده نگه‌داشتن هنرهای دستی در حال فراموشی، توجه بدان یک وظیفه ملی است اما با رشد و توسعه صنایع ماشینی و واردات کالاهای ارزان قیمت از کشورهایی مانند چین و با از دست دادن تدریجی بازارهای صادراتی محصولات صنایع‌دستی، این سؤال اساسی قابل طرح است که آیا باید صنایع‌دستی را به‌عنوان یک حرفه اشتغال‌زا همچنان حفظ نماییم؟ در این صورت چه باید کرد؟ راهکار چیست؟ و سرچشمه بی‌توجهی‌ها از کدام مشکلات ناشی شده است؟

در ادامه به بررسی اجمالی مشکلات صنایع‌دستی در سه حوزه اقتصادی، حاکمیتی و فرهنگی از نگاه پژوهشگران، دست‌اندرکاران و صنعتگران پرداخته شده است.

حوزه اقتصادی

چرخه معیوب فرایند تولید، بازاریابی و فروش صنایع‌دستی، سنتی بودن روش‌های تولید، تأثیر روش تولید در قیمت تمام شده، عدم آگاهی از نیاز بازار و کم‌کاری در سنجش سلیقه مخاطبان و به‌ویژه گردشگران خارجی از عمده‌ترین مسائل و موضوعات مبتلابه در این حوزه است.

صنایع‌دستی تولید ایرانی با از دست دادن بازارهای خارجی و کاهش قدرت خرید بازارهای داخلی به تدریج با مشکل تنزل کیفیت و بی‌علاقگی هنرمندان به تولید کالاهای مرغوب مواجه شده است. از سوی دیگر نگرانی مهم پیشی گرفتن کشورهای همسایه است که تا چندی پیش در این هنرها هیچ سررشته‌ای نداشتند. سرمایه‌گذاری افغانستان و پاکستان در حوزه زیراندازهای دستباف و زیورآلات و ترکیه در نگارگری، نقره‌سازی و میناکاری باعث شد تا این حرفه‌ها نیز از رونق بیافتند.

از سوی دیگر مهم‌ترین مشکل هنرمندان، بازاریابی و فروش محصولات است. هنرمند با قبول زحمت فراوان و صرف وقت بسیار همچنان نگران فروش محصولات است. شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و عرضه محصولات دیگر امکان‌پذیر نیست و سازمان‌های متولی نیز در این خصوص سهل‌انگاری می‌نمایند تا جایی که شنیدن خبر ثبت بعضی از این هنرهای دستی بنام کشورهای دیگر عادی شده است. تجارب شخصی هنرمندان نشان می‌دهد که اکثر تولیدکنندگان برای فروش با مشکل مواجه شده‌اند زیرا مخاطبان هیچ تفاوتی میان فروشندگان بازار و هنرمند قائل نیستند. هنرمندان اساساً فروشندگان

گفت‌وگو با «فخری اله‌توکلی» عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون قالی و صنایع دستی اتاق کرمان

قالی،

نیازمند نگاه ویژه



فخری اله‌توکلی رئیس کمیسیون قالی و صنایع دستی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان در گفت‌وگو با ما عنوان می‌کند که نظام مهندسی را می‌توان مصداق مناسبی برای ایجاد یک نظام تعیین کیفیت فرش دستباف در وجه صنعتی آن معرفی کرد و با تعامل بین اصالت‌ها و خلاقیت‌های بجا، ابعاد هنری آن نیز رشد و توسعه مناسب پیدا می‌کند. وی موازی کاری‌های بخش خصوصی و دولتی و در مجموع عدم توجه ویژه به این صنعت را از موانع فرا راه رسیدن به نتایج مورد انتظار در بهبود توسعه تولید و تجارت آن می‌داند.

مهم‌ترین اقدامات عملی ناشی از پیگیری اجرای مصوبات کمیسیون فرش و نتایج کمی و کیفی به دست آمده در تولید و تجارت فرش استان به‌ویژه «به بافی و تجارت خارجی» را بفرمایید.

نوآوری - استارت‌آپ‌ها - برگزاری تورهای شهرهای تولیدکننده فرش از جمله تبریز، تهران، قم و گرفتن فضاهای نمایشگاهی که طی مدت دو سال به خرید و سفارش تولید فرش، میل قالی و گلیم کرمان از طرف خریداران عرب و ژاپنی منجر شده است.

عوامل محدودکننده وصول به نتایج مورد انتظار چه بوده‌اند؟

موازی کاری‌های بخش خصوصی و دولتی و عدم توجه ویژه به این صنعت.

مهم‌ترین عوامل صدمه زننده به شهرت و صادرات فرش ایران چیست؟ به نظر شما در این زمینه مقصر کیست؟

همانند یک الگوی جهانی و همیشه صادق، تمام جهان به واسطه تفاوت‌های نژادی، فرهنگی و زبانی امر اعتمادسازی ذی‌نفعان در صادرات یک اصل همیشگی است به‌طور مثال در دهه ۸ به تعهدات پایبند نبوده و فرش‌های صادر شده از نظر کیفیت مواد اولیه و نوع بافت فرش (بافت) به شهرت فرش کرمان لطمه وارد کرده است. مهم‌ترین عامل صدمه زننده به شهرت صادرات فرش ایران عدم شفافیت در همه ابعاد فرش

چه راهکارهایی برای بهبود و ترقی صنعت فرش دستباف استان پیدا کرده‌اید؟

از آنجایی که فرش دستباف به‌عنوان یک هنر - صنعت محسوب می‌شود لازم است که هر دو وجه آن یعنی هنر و صنعت به یک میزان ارج نهاده شود، به بیان بهتر رفتارهایی صورت پذیرد که ارزش‌های هر یک از این دو مؤلفه در آن حفظ شود. برای مثال حتی‌الامکان به مفاهیم اصالت طرح و نقش و نیز اهمیت رنگ‌بندی در فرش دستباف توجه شود و حتی حدودی تعیین شود تا هر چیزی به‌عنوان یک اصل قرار نگیرد. در مقابل این اصالت‌ها لازم است که رویکردهای خلاقانه صحیح هم برای طرح و نقشه فرش دستباف ایران جدی تلقی شود، بنابراین با تعامل بین اصالت‌ها و خلاقیت‌های صحیح و به‌جا مجالی پیش می‌آید که ابعاد هنری فرش دستباف رشد و توسعه مناسبی پیدا کند. در مورد وجه صنعت فرش دستباف باید نظامی (سیستم) بر حدود کیفی تکنیکی تولید فرش دستباف نظارت داشته باشد، برای مثال می‌توان نظام مهندسی را مصداق مناسبی برای ایجاد یک نظام تعیین کیفیت فرش دستباف معرفی کرد. این نظام کیفیت مواد اولیه، کیفیت رنگ‌رزی، کیفیت بافت، کیفیت خدمات پس از بافت و همه آنچه به حدود صنعتی فرش دستباف مربوط می‌شود مورد نظارت و بررسی قرار می‌دهد به این ترتیب دست‌کم دو رویکرد در طول سالیان متمادی برای فرش دستباف پیش خواهد آمد، رویکرد اول ایجاد احساس مسئولیت‌پذیری در جهت تولید کالای مناسب با قیمت عادلانه برای ارائه به بازار و رویکرد دوم انگیزش حس اعتماد از طرف مشتریان به تولیدکنندگان و دست‌اندرکاران تولید فرش دستباف ایران.

لطمه وارد می‌کند. بخش‌ها به افراد متخصص واگذار گردد و جایگاه افراد تعریف شود همچنین یک مدیریت یا یک نهاد نظارت بر کنترل کیفیت و قیمت‌گذاری در همه زنجیره تأمین فرش نیاز است به‌طور مثال هر طرح یا هر تولیدکننده مواد اولیه به هر قیمتی که بخواهند طرح یا مواد اولیه خود را می‌فروشند و هیچ نظارتی وجود ندارد. در گذشته فرش کرمان را بخش خصوصی مدیریت می‌کرد و باعث شد که فرش شهرت جهانی پیدا کند اما متأسفانه امروز نهادهای غیرمتخصص ورود کرده‌اند.

در مورد بهبود وضع معیشتی بافندگان فرش استان چه اقدامات مؤثری انجام شده است؟

بیمه بافندگان تنها اقدام تأثیرگذار از طرف دولت بوده که باعث دلگرمی بافندگان و بازگشت آن‌ها حرفه پیشین خود است. اختصاص وام‌های ارزان و غیر کارآمد نیز بوده است که به دلیل شرایط موجود اقتصادی نه تنها در عمل کمکی نشده بلکه وام‌گیرندگان با مشکلات بازپرداخت روبرو شده‌اند.

و سخن پایانی؟

- حفظ و اعتلای جایگاه والای فرش دستباف کرمان به‌عنوان یک میراث گران‌قدر فرهنگی و هنری در سطح ملی و بین‌المللی از طریق نظارت، هدایت و حمایت تشکلهای مختلف مردمی، هنرمندان، بافندگان، صادرکنندگان و همه دست‌اندرکاران در عرصه این صنعت و هنر ملی، حمایت از توسعه صادرات که یکی از واجبات این مهم در جهت حفظ موقعیت‌های اقتصادی و حضور فعال این محصول باارزش در سطح جهان می‌باشد، - سازماندهی امور مرتبط به تأمین مواد اولیه مرغوب بومی استان، - ترویج فرهنگ سفارش پذیری تولید از سمت بازار به‌سوی تولید با حفظ اصالت‌های قالی کرمان، - حمایت از بافندگان، تولیدکنندگان، بازرگانان و نیروهای خلاق و نوآور در هنر قالی کرمان و با پیشنهاد قوانین و مقررات تشویقی در این حوزه، - انجام فعالیت‌های تبلیغاتی به‌منظور جلب و جذب نسل جوان با ابزارهای مختلف رسانه‌ای و بسترسازی به‌منظور ترغیب آن‌ها برای ورود به این حرفه از طریق صداوسیما، ساخت فیلم زندگی‌نامه گذشتگان فرش کرمان (چرا قالی کرمان به‌عنوان سلطان فرش ایران در دنیا شناخته شده بود) تمام این مباحث نیازمند یک نگاه ویژه از طرف مسئولین به این صنعت و هنر می‌باشد.

قالی کرمان ظرفیت‌های بالقوه‌ای دارد که تولید آن از تهیه مواد اولیه تا تکمیل خدمات نهایی نزدیک به ۳۷ شغل اصلی و فرعی درگیر می‌کند، صاحبان این مشاغل از کم‌درآمدترین اقشار استان هستند که با هنرمندی خود یکی از مهم‌ترین کالاهای صادراتی و ارزآور را ارائه می‌دهند. پوشش کامل بیمه درمان و بازنشستگی می‌تواند افزون بر کمک به بهبود کیفیت کالای تولیدی، امید را در ارکان تولید افزایش داده و نسل بعدی را امیدوار کند.

پیشنهادها:

- ۱- ساماندهی مواد اولیه بومی، ۲- ترویج فرهنگ سفارش پذیری از سمت بازار به سمت تولید با حفظ اصالت فرش کرمان، ۳- حمایت از بافندگان - تولیدکنندگان و بازرگانان و نیروهای خلاق، ۴- ورود به فعالیت‌های تبلیغاتی و فرهنگ‌سازی از طریق صداوسیما (ساخت فیلم از بزرگان قدیم کرمان)، ۵- پوشش کامل بیمه درمان و بازنشستگی. ●

دستباف ایران است. امروزه احساس امنیت و احترام تنها راهکارهای مناسب برای رسیدن به توسعه پایدار است و فرش دستباف هم از این مهم استثنا نخواهد بود.

چه سازوکار نظارتی بر تولید و تجارت فرش دستباف استان به‌عنوان یک نهاد تعیین‌کننده در جهت به بافی، کیفیت‌سنجی و توسعه صادرات آن پیشنهاد می‌نمایید؟

پاسخ: پیشنهاد می‌گردد یک کارگروه تخصصی تحت نظارت اتاق، سازمان صمت و اتحادیه شکل گیرد و نظارت بر جریان تولید و تجارت فرش در ابعاد مختلف اعم از طراحی، رنگ‌رزی، تولید، قیمت‌گذاری و خدمات اعمال گردد.

در باب مسائل و مشکلات، نیازها و راهکارها مرتب در همایش‌ها، کنفرانس‌ها و گفت‌وگوها و غیره صحبت می‌کنیم؛ واقعاً بعد از دهه‌های متوالی، دیگر راه‌حل شناخته شده و نیازها مشخص است، چرا اقدامات عملی مؤثری انجام نمی‌شود؟ یا اگر می‌شود چرا بی‌نتیجه است؟

تا زمانی نهادهای به‌صورت جزیره‌ای در این صنعت فعالیت داشته باشند، ما به یک نتیجه مطلوب نخواهیم رسید؛ بنابراین وجود یک تشکل رسمی مثل انجمن فرش استان می‌تواند راه‌گشا باشد. با عنایت به مطالعات و عارضه‌یابی انجام‌شده توسط خوشه فرش کرمان و راور می‌توان به راه‌کارهای مناسبی دست‌یافت.

استان کرمان از مناطق تولید پشم باکیفیت و عالی بوده است و این امکان امتیازی بی‌بدیل در کیفیت فرش کرمان بوده که آن را ضرب‌المثل نموده است. آیا برای افزایش تولید پشم محلی موردنیاز استان، راهبردی اندیشیده شده و برنامه‌ای عملیاتی شده است؟

خیر، متأسفانه تجار افغانه پشم سیرجان را خریداری و به کشورهای اروپایی صادر می‌کنند در گذشته یکی از مزایای فرش کرمان، کیفیت مواد اولیه آن بوده است؛ بنابراین نیاز به یک مرکز جمع‌آوری پشم و جلوگیری از خروج آن به کشورهای همسایه می‌باشد. پیشنهاد می‌گردد یک مرکز تأمین و توزیع مواد اولیه بومی در استان راه‌اندازی شود.

اصولاً برای تقویت تولید نهادهای فرش بافی در استان چه برنامه‌هایی تدارک دیده شده و چه اقداماتی صورت پذیرفته است؟

طی دوره‌های گذشته اتاق بازرگانی با حمایت از تولیدکنندگان و گرفتن غرفه در نمایشگاه‌های بین‌المللی توانسته انسجامی بین آن‌ها ایجاد نماید و با حضور در نمایشگاه‌ها و تعامل مستقیم بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان در پیشبرد فروش و سفارش پذیری تأثیر بسزایی گذاشته است.

به نظر شما در چه مواردی از نحوه مدیریت اعمال شده بر اقتصاد فرش باید تجدیدنظر کرد؟

باید مدیریت تخصصی شود یعنی مدیریت کل به جزء شود که متأسفانه جزئیات (مواد اولیه - طرح - رنگ و...) به کلیات فرش (اصالت فرش کرمان)

رویداد کارآفرینی برای فرش دستبافت کرمان



استفاده کردند و تا پاسی از شب به آماده‌سازی فایل‌های ارائه خود برای سرمایه‌گذاران پرداختند.

کارگاه نحوه ارائه مؤثر به سرمایه‌گذاران

در ابتدای روز سوم رویداد، تیم‌ها پس از تکمیل فایل‌های ارائه خود جهت برگزاری مانور آموزشی به ارائه آزمایشی کار خود در حضور مربیان پرداختند و از آخرین توصیه‌های مربیان خود جهت ارائه بهتر به سرمایه‌گذار استفاده کردند.

مراسم اختتامیه در ساعت ۹ صبح روز جمعه ۹۷/۱۰/۷ با حضور سرکار خانم توکلی تاجر فرش و رئیس کمیسیون قالی و صنایع دستی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان برگزار شد. در ابتدا رئیس کمیسیون در خصوص نیاز صنعت فرش دستبافت به نوآوری سخن گفت و در پایان تیم‌های شرکت‌کننده به ارائه ایده‌های خود در زمان سه دقیقه و پرسش و پاسخ پنج دقیقه‌ای با داوران پرداختند. در چهارمین روز از جشنواره گروه‌های برگزیده در مراسم شب فرش کرمان معرفی شدند:

گروه اول - اسمارت کارپت

ایده: استفاده از پردازش تصویر و هوش مصنوعی در بخش پرو، مزایده و فروش آنلاین فرش دستبافت.

گروه دوم - نانو فرش

ایده: تولید فرش و قالیچه دستبافت با قابلیت تغییر رنگ با استفاده از فناوری نانو، که خانم دست پاک رئیس مرکز ملی فرش ایران آمادگی این مرکز را برای حمایت از ایده این گروه اعلام نمود. ●

رویداد کارآفرینی با عنوان جشنواره ایده‌ها در فرش دستبافت کرمان در مرکز نوآوری استان کرمان برگزار شد. شرکت شهرک‌های صنعتی کرمان با همکاری اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی کرمان و مرکز نوآوری کرمان رویداد کارآفرینی با عنوان جشنواره ایده‌ها در فرش دستبافت کرمان را با حضور ۶ تیم متشکل از دانشجویان و کارآفرینان جوان در تاریخ ۵ الی ۸ دی‌ماه در محل مرکز نوآوری استان کرمان برگزار نمود.

روز اول رویداد:

پس از مراسم افتتاحیه، شرکت‌کنندگان از کارگاه خانم لورک‌آقا، کارشناس ارشد مشاوره شغلی، با موضوع تیم‌سازی و اصول مهارت‌های کار تیمی استفاده کردند، ایشان در تیم‌های خود با حضور منتورهای تخصصی و عمومی به بحث در خصوص ایده‌ها پرداختند.

کارگاه گروه سازی

در پایان روز اول پس از تشکیل گروه و ایده‌پردازی، شرکت‌کنندگان از بخش اول کارگاه چگونگی تدوین مدل کسب‌وکار که توسط مهندس آیدین زمانیان برگزار شد بهره بردند و شروع به تکمیل و شناسایی بخش مشتریان و ارزش‌های پیشنهادی بوم مدل کسب‌وکار نمودند. در دومین روز از رویداد، شرکت‌کنندگان از ادامه کارگاه چگونگی تدوین مدل کسب‌وکار بهره بردند. در ادامه شرکت‌کنندگان از کارگاه نحوه ارائه مؤثر به سرمایه‌گذاران که توسط مهندس صلواتی زاده برگزار شد،

شب فرش کرمان برگزار شد

< نیلوفر حسن زاده
دبیر کمیسیون قالی و صنایع دستی



یکی از پیامدهای گفت‌وگوهای این مراسم تعیین تکلیف طرح برجای‌مانده باغ‌موزه فرش کرمان در جلسه‌ای با حضور استاندار کرمان و رئیس مرکز ملی فرش ایران است که مقرر شد ساختمان قدیمی شرکت فرش کرمان و باغ عرصه آن توسط سازمان صنعت، معدن و تجارت استان و با کمک سازمان میراث فرهنگی ظرف مدت یک سال مرمت گردیده و بر اساس آئین‌نامه‌ای که به‌طور مشترک توسط استانداری کرمان و مرکز ملی فرش ایران تهیه و تصویب می‌گردد، به‌وسیله سازمان صنعت، معدن و تجارت استان اداره شود. مقرر شده است که ۵۰ درصد هزینه‌های اجرای طرح مرمت و تأمین تجهیزات توسط استانداری کرمان و ۵۰ درصد دیگر آن به‌وسیله شرکت ملی فرش ایران تأمین گردد، زمان افتتاح باغ‌موزه، ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۸ تعیین شده است. ●

اگرچه قالی تاکنون نتوانسته در تقویم رسمی کشور، روزی را به نام خود داشته باشد، اما در کرمان، هشتم دی‌ماه ۹۷ به‌گردهمایی گرم پیشکسوتان، فعالان و دست‌اندرکاران فرش در استان اختصاص یافت و به نام «شب فرش کرمان» مزین شد.

شب فرش کرمان با هدف احیا جایگاه فرش دستباف، ترغیب نسل جوان، تغییر نگاه‌ها نسبت به وضعیت فرش کرمان و برای نشان دادن زیبایی‌ها و قدمت آن و تکریم پیشکسوتان این هنر برگزار شد.

میهمانان این شب بافندگان، نقش‌خوانان، طراحان و تولیدکنندگان و صادرکنندگان و بزرگان حوزه قالی و مستولان سطح ملی و استانی بودند که آمده بودند تا حرف‌های یکدیگر را بشنوند و برای بازگشت قالی کرمان به دوران پرافتخار خود چاره‌ای بیاندیشند.



قالی کرمان و حسرت
کارگردانی نام آوران پیشین

سیدرضی حاجی آقامیری، پژوهشگر در زمینه هنر، متخصص و کارشناس فرش دستباف، طراح فرش و عکاس است. در حال حاضر رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت صادرات قالی و رئیس هیئت مدیره شرکت تولیدی کوچ، عضو هیئت نمایندگان و کمیسیون تسهیل تجارت و توسعه صادرات اتاق بازرگانی تهران است و کارشناس خبره در فدراسیون کارشناسان گلیم و فرش های دستباف شرقی (BSOT) در آلمان و چند کشور دیگر اروپایی است. وی سوابق و فعالیت‌هایی همچون عضویت دو دوره در شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، یک دوره ریاست و دو دوره نیابت ریاست کنفدراسیون صادرات ایران، دو دوره نیابت ریاست اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران و چندین دوره عضویت در هیئت مدیره آن اتحادیه، کارشناس مرکز هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و مشاور موزه فرش آستان قدس رضوی را در کارنامه خود دارد. احیاء هنرگره بافی در چند نقطه کشور، همراه با نوآوری در شیوه رنگرزی طبیعی (گیاهی) برای الیاف فرش دستباف، احیاء شیوه‌های منسوخ شده بافت قالی دستباف ایرانی و نوآوری در طراحی فرش دستباف در سبک‌های مختلف اصیل ایران، از جمله دست آوردهای او در طول زندگی کاری‌اش به شمار می‌آیند. به بهانه حضور در مراسم شب فرش در اتاق کرمان، گفت‌وگویی با ایشان داشتیم که در ادامه می‌خوانید:



استاد میری! به نظر شما دلیل ضربه خوردن فرش کرمان چیست و آیا این اتفاق در دیگر نقاط کشور هم افتاده است؟

اگر بخواهم این سؤال شما را به دقت پاسخ بدهم، خیلی وقت شما را خواهد گرفت، اما اگر بخواهم اجمالاً به پاسخ این سؤال بپردازم، باید بگویم خیر، این‌طور نیست و کرمان، بیشتر از بقیه نقاط دیگر ضربه خورده است؛ جاهایی هم که کارشان شباهت به کرمان داشته نیز، به همین ترتیب آسیب دیده‌اند؛ اما چگونه؟ باید پاسخ را دو قسمت کنم؛ اول این‌که تقلب در فرش کرمان سال‌هاست عادت شده و به شدت و وفور ادامه دارد و متأسفانه مشکل آنجاست که تقلب را نوعی دیگر تعریف و معنی می‌کنند؛ مثل این‌که معنی و مفهوم یک عمل اخلاقی را تغییر دهیم و برعکس کنیم، اینجا ضد اخلاق به اخلاق تبدیل می‌شود. برخی می‌گویند اخلاق یک امر نسبی است و بستگی به جامعه و نوع تفکر دارد در مواردی که اخلاقی بودن و یا نبودن متکی به نوعی تعریف یا به عبارت دیگر مبتنی بر قراردادی معین است در همه جوامع نتیجه یکی است، اگر قرار شد، هشت ساعت کار در یک جامعه تعریف یک روز کاری باشد و در قانون آن را معین کنند، عدم رعایت آن غیراخلاقی و غیرقانونی است، اما با گره بافی که یک سنت چند هزارساله است و پدیده‌ای است که تکنیک در آن یک امر پایه‌ای است، نمی‌توانیم این‌گونه برخورد کنیم؛ پدیده‌های تکنیکی، دلایل تکنیکی دارند؛ یعنی وقتی به جای دو چله، چهار چله می‌گیری، این کار تقلب است و مدت‌زمانی که برای بافتن یک قالی مصرف می‌کنید، نصف مدت‌زمانی است که برای یک قالی با بافت صحیح یعنی یک گره بر دو تار صرف می‌شود؛ یعنی آن بافنده، دو برابر بافنده دیگر عمر خود را پای بافت این قالی می‌گذارد و این‌جای کار غیراخلاقی است؛ ضمن این‌که بین این دو قالی، خیلی معیار قیمتی هم در نظر گرفته نمی‌شود؛ یعنی فردی که قالی جفتی بافته، خیلی انتظار ندارد قیمتی جفتی بگیرد، بلکه انتظار دارد قیمت قالی درست را دریافت کند و از طرف دیگر فردی که قالی درست را می‌بافد و فردی که قالی بی‌گره یا جفتی را می‌بافد، ادعاهای واحدی دارند و هر دو می‌گویند ما تمام زندگی خود را در این کار گذاشته‌ایم؛ حال ما چگونه باید بین این دو داور می‌کنیم؟

تعریف یک قالی این است که باید به دو چله، یک گره بزیم، این گره یا به سبک گره متقارن مثل چهارمخال بختیاری، همدان، آذربایجان و سیرجان است و یا گره نامتقارن، یعنی گره کرمان، گره تهران و گره اصفهان. فقط این دو نوع گره را داریم، فقط باید دو چله گرفته شود و باید در هر رج قالی، دو پود زده شود و قالی یک پود هم که سازوکار خودش را دارد؛ اگرچه کرمانی‌های قدیم، سه پود هم می‌بافتند. معیار مشخص است و نمی‌توانیم بگوییم این‌که اکثریت کرمانی‌ها بی‌گره‌باف یا سال‌هاست گره لا می‌بافند، دیگر اشکال ندارد؛ چون این‌گونه رسم شده است. این نه اخلاقاً، نه به جهت فنی و نه از نظر اصولی، قابل دفاع نیست. برای این‌که فکر نکنید به‌طور مستقیم روی سخن من با کرمان است؛ باید بگوییم که ریشه گره جفتی در قرن هجدهم، از خراسان است و نمونه قالی جفتی خراسان، الان در موزه فیلادلفیا است، اما نمی‌توانیم بگوییم که این قالی چون در قرن هجدهم

کرمان، خیلی جلوتر از این‌ها صدر قالی ایران بوده است. الان، قالی معروف به «سانگوشکو» که در موزه فرش روی زمین افتاده و مربوط به بیش از ۳۰۰ سال پیش است، قالی کرمان است. بسیاری از قالی‌های نامدار دوره صفویه، بافت کرمان است. قالی ۳۳ میلیون دلاری که در حراجی به فروش رفت، قالی کرمان است. رج این قالی برابر با رج قالی‌های ریزباف امروزی نیست، اما قالی درست بافته شده است و حتی به جای دو پود، سه پود دارد که گرچه از نظر فنی می‌گویند یک پود اضافی، کاری انجام نمی‌دهد، ولی آن‌ها تصور می‌کردند یک پود اضافه، قالی را پُر دوام‌تر می‌کند و به همین دلیل کم نمی‌گذاشتند.

در بین قالی‌های ایران، قالی کرمان بیشترین سقوط را کرده و به تبع آن در خیلی جاهای دیگر، روش‌های ناپسند در قالی‌بافی اتفاق افتاده است. البته بی‌گروه‌بافی، کمتر در سایر شهرها به چشم می‌خورد، در حالی که جفتی‌بافی در مناطق دیگر از جمله کردستان وجود دارد. در کردستان، نوع دیگری تقلب وجود دارد که به جای این‌که هر رج یک پود بزنند، چند رج یک پود می‌زنند. این نوع بافت، سوغات خراسان است. قالی‌های خوب و نامدار مشهدی، دو رج یک پود بوده، اما متأسفانه الان در قالی مشهد چندین رج یک پود تا حدی که اصلاً پود نمی‌دهند. در مشهد قالی‌ها به قدری ریز است که نمی‌توانی از پشت گره‌ها را بشماری و دلیل آن همان پود ندادن است؛ یعنی نمی‌شود و ممکن نیست قالی را پود داد و این قدر ریزبافت. این کار را به افغانی‌ها آموزش داده‌اند و کارگران افغانی این نوع قالی‌ها را در مشهد و اطراف آن می‌بافند؛ بنابراین، کسی که آگاه نیست، فکر می‌کند قالی خیلی ریز است، اما فردی که آگاه باشد، متوجه می‌شود در قالی پود نیست و وقتی پود نباشد، می‌شود به راحتی چله‌ها را از قالی بیرون کشید. این وضعیت شبیه ساختمانی است که از اسکلت تخلیه شود. هیچ چیزی به هیچ جا بند نخواهد بود. در قالی که پود ندارد گره‌ها انسجام ندارند و قالی به راحتی می‌تواند متلاشی شود.

و اما بخش دوم پاسخ من به سؤال شما این است که خلاقیت در طراحی که بارزترین امتیاز فرش کرمان به حساب می‌آید و موجب می‌شد در گذشته تنوعی حیرت‌آور و شگفت‌انگیز در نقشه‌ها و رنگ‌آمیزی‌ها آن‌ها از بسیاری دیگر از مناطق گره بافی ایران متمایز کند تا جایی که منشأ اقتباس آن‌ها از کرمان شود جای خود را به این‌همانی، یکنواختی و تکرار، آن‌هم از نوع نقشه‌هایی داده که امروزه مقبول نیست. طرح‌های سرسام‌آور و شلوغ با رنگ‌های تند سنتتیک و پشم‌های بد ماشین ریس که برخلاف گذشته فاقد درخشندگی و خاصیت ارتجاعی و لطافت هستند. این گروه از قالی‌های کرمان به سرعت زیر پا مستعمل و سائیده می‌شوند. این بلا بر سر بسیاری از شهرهای دیگر مثل کاشان، تبریز، مشهد و... هم آمده که به داوری من محصول تولید انبوه و تجارتنی شدن فرش به‌طور کلی در ایران است.

بافته شده و در موزه است، درست بافته شده، بلکه آن زمان هم تقلب کرده‌اند؛ بنابراین، آن‌ها جلوتر از کرمانی‌ها تقلب کردند. بهترین قالی‌های دُرُخس بیرجند، جفتی هستند. چه فرقی است بین یک قالی قرن هجدهم تبریز، که قالی‌باف تک‌تک گره‌ها را بر فقط دو تار زده، با قالی که در خراسان بافته شده؟ اگر داوری کنیم، می‌گوییم آن ارجحیت دارد که درست بافته شده است.

تصور کنید قالی موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، همان قالی مشهور به اردبیل، که متعلق به ۵۰۰ سال پیش زمان شاه‌په‌ماسب است. با گره فارسی، بر هر فقط دو تار، و در هر رج یک پود و با چله تمام ابریشم، به اندازه ۵۶ مترمربع چگونه بافته شده است، دار چوبی این قالی چگونه داری بوده است؟ حال، امروز چگونه می‌توانیم ادعا کنیم که با بافتن این قالی‌ها داریم کار مهمی می‌کنیم؟!

یا مثلاً «عمو اغلی» در خراسان، کاری که می‌کند، این است که گاهی مسیر را برعکس می‌رود؛ یعنی نه فقط گره جفتی نمی‌زند، جاهایی که انحناها خیلی زیاد است، به جای دو چله یک چله می‌گیرد و یک گره می‌زند؛ یعنی کار را نسبت به آن‌که گره جفتی می‌زند چهار برابر سخت‌تر می‌کند. اگر در تاریخ راور اثر درخشانی نبود، می‌گفتیم هیچ، اما این‌که در راور که قالی «ارجمند» و امثال آن بافته شده که روزی در صدر قالی‌بافی ایران بوده، با تقلب چنین قالی‌هایی بی‌ارزش و بی‌کیفیت بافته شود غیرقابل قبول است.

کرمان، خیلی جلوتر از این‌ها صدر قالی ایران بوده است. الان، قالی معروف به «سانگوشکو» که در موزه فرش روی زمین افتاده و مربوط به بیش از ۳۰۰ سال پیش است، قالی کرمان است. بسیاری از قالی‌های نامدار دوره صفویه، بافت کرمان است. قالی ۳۳ میلیون دلاری که در حراجی به فروش رفت، قالی کرمان است. رج این قالی برابر با رج قالی‌های ریزباف امروزی نیست، اما قالی درست بافته شده است و حتی به جای دو پود، سه پود دارد که گرچه از نظر فنی می‌گویند یک پود اضافی، کاری انجام نمی‌دهد، ولی آن‌ها تصور می‌کردند یک پود اضافه، قالی را پُر دوام‌تر می‌کند و به همین دلیل کم نمی‌گذاشتند.

به‌طور کلی شما بافنده‌ها را مقصر می‌دانید و یا فکر

توزیع است. امروزه به تابلو فرش، فرش هنری گفته می‌شود! کاری که نه فرش است نه تابلوی نقاشی و فقط یک کپی غلط از تابلوهای نقاشی است که به‌جای مواد رنگی مثل رنگ‌روغن و یا آب و رنگ با خامه گره‌خورده و به وجود آمده. به نظر من اطلاق هنر به این پدیده هم توهین به هنر است هم توهین به گره بافته ایرانی. خوب است که به‌قدر کفایت الگوهایی که معنی و تعریف واقعی فرش هنری را نمایندگی می‌کنند هنوز در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی وجود دارند. هنوز آثار ارجمند، استاد حسین کرمانی، شاه‌رخ‌ها، هنری، دیلمقانی، یاسائی و ... در دسترس و قابل‌رؤیت‌اند و ما متأسفانه هنوز نمی‌فهمیم فرش هنری چیست.

○ به خلاقیت و نوآوری نیاز دارد...

بله، تعریف هنر ریشه فلسفی دارد. خلاقیت و نوآوری هم تعریف دارد. در دنیای امروز هر پدیده‌ای را بخواهی معرفی کنی می‌بایست پایه‌های آن تعریف، مبانی نظری شناخته شده‌ای داشته باشد. «کانت»، هنر را تئوریزه کرده و پس از او فلاسفه مختلفی هرکدام تئوری هنر خود را مبتنی بر قواعدی ارائه کرده‌اند؛ گفته‌اند هنر یعنی چه، به همین دلیل است که به هرکس که کنار خیابان بنشیند و نقاشی کند، نمی‌گویند هنرمند؛ وگرنه هرکس کنار خیابان می‌نشست و نقاشی می‌کرد، «ون‌گوک» بود. این‌که مثل نقل‌ونبات بگوییم هنر، یا هنر و صنعت و این‌که اصرار داریم درباره فرش بگوییم «هنر-صنعت» چه معنی دارد؟ بعد هم اگر جایی برای فرش ایرانی از ترکیب «هنر-صنعت» استفاده نشود فکر کنیم اتفاق خاصی افتاده است. می‌خواهیم قالی را به افرادی که تابلوی نقاشی می‌خرند، به‌مثابه هنر عرضه کنیم و آن‌ها هم مجبورند قبول کنند؛ درحالی‌که چنین چیزی نیست. یک تابلوی نقاشی به قیمت گزاف به فروش می‌رود، اما یک قالی صوفیه، هیچ‌گاه قیمت آن تابلو را ندارد؛ حال این وسط چه چیز گم شده و ماجرا چیست؟ باید این موضوع را دنبال کنیم و در جهت اصلاح این اختلاف‌نظر، کار و موضوع را تفهیم کنیم. من برای کارهای گذشته و آثاری که امروز بر همان اساس خلق می‌شوند، کلمه قالی و فرش را استفاده نمی‌کنم؛ فکر کردم برای جلوگیری از سوءتفاهم باید نام دیگری را جایگزین این نام‌ها کرد. چون به هر چیزی که بگوییم قالی و فرش، به‌مثابه چیزی که زیر پا بیندازیم و روی آن راه برویم، یا یک میز و چند مبل و تخت خواب بی‌ارزش روی آن بگذاریم نباید یک پدیده هنری اطلاق کنیم. یکی فرش را می‌اندازند داخل راهرو، یکی را می‌گذارند جلوی دست‌شویی و یکی هم سفارش می‌دهد قالی‌ای برای کف خودروی بنزش بیاقت. الان، خیلی از تجار، دنبال این هستند سفارش قالی بدهند تا به‌جای زیرپایی خودرو استفاده کنند؛ حالا تکلیف چیست؟ چیزی که با آن جلوی در ورودی خانه، جلوی توالی و دست‌شویی و کف خودرو را فرش می‌کنند، چرا باید هنر باشد؟ چطور انتظار دارید به ازای آن به‌اندازه هنر پول بدهند؟ چرا سعی نداریم مفاهیمی را که در

می‌کنید نبود حمایت‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب دولتی هم در این زمینه دخیل است؟

اصلاً دولت را کنار بگذارید؛ من فکر نمی‌کنم در این موضوع دولت مقصر باشد. من بافنده و بازاریان را مقصر می‌دانم. البته یک نکته وجود دارد؛ و آن این‌که اگر کمیته امداد این‌قدر بر منطقه راور تسلط دارد که دیشب در آن انجمن ادعا می‌شد، فرصتی است که می‌تواند به ایشان این امکان را بدهد که با استفاده از آن، این مشکل را در راور حل کنند؛ یعنی اعلام کنند بافنده‌ای را حمایت می‌کنند که قالی درست بیاقت. اگر این کار را نمی‌کنند، حتماً مقصر هستند. کمیته امداد، کارفرمایی است که به هر حال به حاکمیت وابستگی دارد و بخش خصوصی نیست. سیستم‌های غیربخش خصوصی، از نظر من همه یکی است که در انواع، اشکال و با نام‌های متفاوت وجود دارند و کمیته امداد هم، یکی از این سیستم‌ها است که باهدف کمک به بافنده در این کار ورود کرده است. البته کلمه‌ای هم که به کار می‌برند و بافنده را «مددجو» می‌خوانند، از نظر من درست نیست؛ «مددجو» به کسی می‌گویند که به او به علت عدم تمکن مالی کمک می‌کنند، اما بافنده، فردی است که کار می‌کند؛ بنابراین، نباید به او «مددجو» گفت و کمیته امداد هم در برابر آن‌ها «مددکار» نیست. این‌که قالی کرمان از نظر تکنیکی، قالی نیست، یک نکته است؛ البته اگر در فوج این‌همه بافنده‌هایی که در کرمان تقلب می‌کنند، چهار نفر هم هستند که درست کار می‌کنند، باید تقدیر شوند؛ بنابراین، یک‌وقت نیابند یک نفر را معرفی کنند و بگویند این فرد درست کار می‌کند؛ پس چرا گفتی در قالی کرمان تقلب وجود دارد؟

آقای علاماتی، بعد از جلسه اتاق بازرگانی می‌گفت: «یک نفر در آلمان برای فروش قالی تبلیغات می‌کرد؛ یک قپان هم گذاشته بود و قالی را کیلویی می‌فروخت. از او شکایت می‌کنند و او در دادگاه دفاع می‌کند و می‌گوید شما پشم را کیلویی می‌خرید و کیلویی هم هزینه رنگ‌رزی می‌دهید؛ بنابراین، من هم قالی را «کیلویی می‌فروشم!» یعنی انسان و هنر را حذف می‌کند. از نظر او فرش یعنی پشم و رنگ؛ بنابراین، اگر تعریف ما این است، چرا می‌گوییم هنر؟ متأسفانه به‌طور کلی برخورد تجار و برخی بافندگان به قالی نیز، این‌گونه است؛ برخورد دولت هم به گره بافته‌ها تنها از منظر یک کالای تجاری مصرفی و عمدتاً صادراتی است. ملاحظه کنید آمارهای دولت برای تولید و صادرات فرش مبتنی بر همان جهان‌بینی است که آن تاجر داشت و ارزش فرش را بر اساس قیمت هر کیلو پشم و هر کیلو رنگ تعیین می‌کرد. آمارهای دولت برای فرش دست‌باف برحسب وزن و مترها اعلام می‌شود. حال با این تفاسیر چگونه می‌توانیم به این نوع فرش هنر بگوییم، در هنر نمی‌توانیم یک نقشه را یک‌میلیون بار تکرار کنیم، اساساً کدام بخش از یک فرش را می‌توان بر اساس تئوری‌های معتبر، هنر نامید؟ طراحی فرش که شعبه‌ای از هنر نقاشی و مینیاتور است، امروز تبدیل به یک محصول کامپیوتری شده که با پرینتر نامحدود قابل تکثیر و

این قالی قرار است کجا استفاده شود و چگونه باید استفاده شود.

یکی از اماکنی که قالی‌های «ارجمند» در آن جا وجود دارد کاخ سعدآباد است. متأسفانه نگاهی که به آن اشاره کردم را به‌دقت در این کاخ می‌بینیم. منظورم درک نادرست از این هنر ایرانی در نوع مصرفی است که همواره از آن شده است. در این کاخ، مبل‌ها به آن شکل روی آن آثار بی‌بدیل قرار گرفته‌اند و روی تابلوهای راهنما نوشته مبل‌ها از فرانسه آمده‌اند، اما این مبل‌ها چه هستند و آن قالی چیست؟ قالی، به مساحت ۱۲۰ متر، دیوار به دیوار، بافته شده، بعد روی آن پُر از آشغال است؛ البته می‌دانم آن مبل‌ها هم در هنر اروپایی جایگاه خاص خود را دارند، اما به‌راستی کدام یک از آن اشیاء هنری می‌تواند در مقابل قالی «عمو اغلی» یا ارجمند، عرض‌اندام کند. آن‌ها می‌دانستند قالی را چگونه بیافرینند که اگر داخل کاخ گذاشته شود، در ترکیب با سایر وسائلی که قرار است روی آن‌ها و اطرافشان قرار بگیرد چه فضائی ایجاد شود، اما الان نمی‌توانیم به آن شیوه و سبک کار کنیم و فکر کنیم قالی ما را همه‌جا می‌پسندند؛ چراکه همه قالی ما را به کاخ نمی‌برند؛ بلکه به خانه می‌برند و همه خانه‌ها به اندازه کاخ‌ها بزرگ نیستند، خانه‌ها کوچک هستند؛ بنابراین، نگاه ما باید خلاقانه و نوآورانه ولی برگرفته از مکتب کرمان باشد و بشود در یک خانه کوچک مورد استفاده قرار گیرد.

منظور شما این است که باید در نقشه‌ها تجدیدنظر شود؟

بله، نقشه‌ها پُر و شلوغ است؛ بنابراین، نمی‌پسندند. اگر امروز به یک دکوراتور که عاشق فرش هم هست، بگویند دکور این خانه را با استفاده از یک فرش طراحی کن، نمی‌تواند یکی از قالی‌های کرمانی امروزی را با این نقشه‌های شلوغ و کنتراست‌های بالا برای این کار انتخاب کند، من فکر می‌کنم خیلی هم لازم نیست در آن دوران باشیم، هیچ‌کس امروز به این طرح و رنگ‌ها اقبالی نشان نمی‌دهد. اگر غیر از این است و این قالی‌ها خوب‌اند، چرا خودمان استفاده نمی‌کنیم؟! فرش اصیل ایرانی باید به‌گونه‌ای باشد که اگر خالق آن یا مالک آن بخواهد بفروشد به مشتری بگوید، «اگر بخری، خدا به تو برکت بدهد، اما اگر نخری، بیشتر تشکر می‌کنم.» من در بسیاری از موارد حیفم می‌آید قالی‌های خودم را بفروشم و با خودم می‌گویم: «قالی را بدهم و در مقابل کاغذ بگیرم!»

یک نفر یک کلکسیون قالی فوق‌العاده نفیس دارد و می‌خواهد بفروشد، به او گفتم: «برای تو متأسفم که می‌خواهی هنر را بدهی و کاغذ بگیری.» گفتم: «قیمت دلار در حال افزایش است.» گفتم: «دلار، از هر کاغذی، کاغذتر است.» چراکه دلار اصلاً پشتمانه ندارد.

در خانه من غیر از قالی‌های بافت خودم، چیز دیگری نیست، اما آیا در کرمان این‌گونه است؟! چرا اصرار داریم قالی‌ها را کیلویی به خارج کشور بفرستیم؟ چرا خودمان در خانه‌های خود

دنیا درباره هنر وجود دارد، درک کنیم و خود را بالا بکشیم؟ همه پدیده‌ها به‌مرور زمان و متناسب با تعاریف نوین باز تعریف می‌شوند، چرا برای گره بافته ایرانی این کار را نکنیم؟ من که زندگی‌ام با قالی عجین شده، وقتی قالیچه‌های مربوط به نزدیک به یک قرن پیش، بافته «حسن‌خان شاهرخی» را شب گذشته در برنامه اتاق بازرگانی نشان دادند دیدم، فکر کردم دقیقاً در بقیه نگهداری شده و حتی یک روز هم زیر پا انداخته نشده است؛ چه کسی بوده این فرهنگ را داشته که این اثر را نباید زیر پا انداخت؛ چراکه این قالی، کفپوش نیست؛ بلکه فرش ایران و یک هنر تجسمی مثل نقاشی است که در شأن خودش می‌شود روی زمین هم از آن استفاده کرد و نه همه‌جا و نه به شیوه‌ای که زیر عنصری نازل پنهان شود.

نباید یک قالی به‌عنوان مثال به قیمت ۶۰ میلیون تومان خریداری کنیم، بعد یک میز روی آن بگذاریم، بعد هم عکس آن را در مجله‌ها منتشر کنیم که دکور باید این‌گونه باشد! ضمن این‌که باید در نظر داشت قیمت میز چقدر است؟ و بهای قالی چقدر؟

اصلاً برای چه قالی را زیر میز می‌اندازید؟ آیا نمی‌توانیم زمین را دیوار پنجم ببینیم؟ دیوار چه کار می‌کند؟ تابلو و سایر اشیای دیگر روی آن قرار می‌گیرد؟ زمین هم می‌تواند دیوار پنجم باشد و قالی به‌عنوان یک اثر هنری، روی آن قرار بگیرد؛ بنابراین، یک قالی را که واقعاً اثر هنری است، باید جایی بیندازی که آن را ببینی و با اگر می‌خواهی چیزی هم‌روی آن قالی بگذاری، باید جایی بگذاری که در قالی نقشی مشاهده نمی‌شود. منظورم مثل قالی‌های کف ساده و بدون ترنج است، اما اگر به نقشه‌های قالی‌های کرمان برگردیم، باید نقشه‌های قالی کرمان و تمام نقشه‌های قالی‌های ایران را مطالعه کنیم و اگر به این قائل هستیم که سوابقی دارد و هنر است، باید ببینیم در دوره‌های مختلف تاریخی چه بوده‌اند، چه تغییراتی کرده‌اند و چرا تغییر کرده‌اند.

اصولاً وقتی می‌خواهید قالی را به آن ظرافت ببافید که گل‌ها آن‌قدر درخشان مثل نگین برلیان دیده شوند، حتماً باید رج قالی بالا باشد و حتماً باید دو چله و یک گره‌خورده باشد؛ وگرنه قالی بی‌گره را از روی قالی متوجه می‌شویم که قالی جفتی است یا خیر. اگر بخواهید نقشه را درست ببینید، حتی اگر قالی درشت باشد، باید بر یک جفت تار یک گره‌خورده باشد، اما وقتی تقلب می‌کنید، قالی مثل عکس بی‌کیفیت می‌ماند که رزولوشن آن پایین است و وقتی می‌خواهید آن عکس را بزرگ کنید، دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

به نظر من نقشه‌هایی که توسط «ارجمند»، خلق شدند، جنبه هنر تجسمی داشته‌اند، نقشی برای یک کفپوش صرف. الان، خیلی راحت می‌شود قالی‌ها و نقشه‌های «ارجمند» را در موزه‌های مختلف از نظر شناخت سبک هنری مورد ارزیابی قرار دهیم. ما می‌بینیم در آثار «ارجمند»، نقشه‌ها چگونه طراحی شده و ذهن خالق اثر چگونه به این مهم توجه داشته که از



○ فکر می‌کنید اگر بافنده‌ها برگردند و دوباره به طرح‌های قدیم کرمان روی بیاورند، وضعیت بهبود پیدا می‌کند؟

بله، صد درصد. الان عمده رقبای ما از جمله هند و پاکستان و غیره، به نوعی تغییر داده شده قالی‌های کرمان را کار می‌کنند و وقتی ریشه‌یابی کنیم، می‌بینیم این ریشه چقدر قوی و غنی است، اما ما این ریشه مهم را نمی‌بینیم و اگر از نسل جدید بپرسیم، هیچ چیز درباره قالی کرمان نمی‌دانند؛ درحالی‌که دسترسی به آن خیلی سخت نیست و هرکس یک موبایل داشته باشد، می‌تواند قالی کرمان را جست‌وجو کند و وقتی ببیند چه چیز به او نشان می‌دهند، حیرت می‌کند.

○ وضعیت آموزش را چطور ارزیابی می‌کنید و فکر می‌کنید جوانان به این رشته رو می‌آورند؟

در شرایط فعلی، ضمن این‌که حفظ اشتغال در فرش را تأیید می‌کنم، توسعه اشتغال در فرش را تأیید نمی‌کنم. علی‌رغم این‌که سرمایه‌گذاری اندکی نیاز دارد... باید زمان را درک کنیم؛ این روزگار، روزگاری نیست که قالی‌باف اضافه کنیم. این نگاهی که الان مطرح می‌شود و همواره می‌گویند در زمینه فرش اشتغال ایجاد کنیم، درست نیست. فرش مربوط به جاهایی است که فرش‌بافی داشته و دارند؛ نباید به اهالی ترکمن صحرا بگوییم گبه بیاف؛ چراکه کرمانی‌ها، اصفهانی‌ها، کاشانی‌ها و عشایر قشقایی و فارس، قالی‌باف بوده‌اند و قالی متعلق به این‌هاست؛ بنابراین، حق نداریم گبه را از قشقایی بگیریم و جای دیگر بیافیم.

استفاده نمی‌کنیم؟

چرا اصلاً در خانه‌های اشراف کرمانی، قالی «ارجمند» کرمان نیست؟ چرا نمی‌رویم قالی «ارجمند» را از خارج خریداری کنیم و به ایران برگردانیم و خانه را با این آثار گران‌قدر فرش کنیم؟ برای این‌که نمی‌دانیم قالی کرمان یعنی چه و اگر می‌دانستیم، مجری برنامه اتاق بازرگانی، روی صحنه نمی‌گفت این قالی کرمان است و خیلی هم خوب قالی می‌بافیم!

○ آیا موافقید نقشه‌های قالی به سمت طرح‌های مدرن برود؟

صد درصد مخالفم که قالی ایران به سمت قالی‌های مدرنی برود که جاهای دیگر می‌بافند؛ بلکه باید کار خودمان را انجام دهیم و همان‌طور که قبلاً خلاق بودیم، باید خلاقیت خود را بیشتر کنیم. باید قالی ایرانی بیافیم و بفروشیم.

نقشه‌های قدیمی و نقشه‌های کرمان طی قرون، توسط شهرهای دیگر اقتباس شده و به نام آن شهرها ثبت شده است؛ یعنی قالی در قرن هفدهم (صفویه)، به اسم کرمان است، اما در قرن نوزدهم، به نام تبریز و کاشان است؛ درحالی‌که اصل آن متعلق به کرمان است.

○ نظر شما درباره مکتب قالی کرمان چیست؟

مکتب کرمان از مکاتب بارز، مهم و تأثیرگذار است و هنوز می‌توانیم روی مکتب کرمان کار کنیم.

قالی فعلی کرمان) را بگیرند. من مخالفت کردم و همه تعجب کردند که چطور «میری» مخالفت کرده؟! آن‌ها نمی‌دانستند که دلیل مخالفت من این بود که این کار موجب افزایش فساد در گمرک می‌شود، گفتم: برای چیزی نمی‌توانید ممنوعیت قرار دهید؛ چراکه ممنوعیت یعنی ایجاد و توسعه قاچاق و فساد.

○ باید ریشه را اصلاح کرد...

بله، باید فرهنگ را درست کرد، وگرنه این یک کار سطحی است و موجب می‌شود یا با ایجاد فساد در گمرک، و یا توسط کوله‌بر و از راه‌های دیگر، قالی از کشور خارج شود.

بحث ما این است چرا امروزه موقعیت فرش کرمان این‌گونه شده است؟ برای این‌که دیگر «ارجمند» در کرمان نیست؛ بنابراین، فرش کرمان، مساوی است با «ارجمند»، «آگاه» و «هنری» فرش چیست؟ آیا بافنده است؟ خیر، فرش فقط بافنده نیست و مهم‌ترین عامل فرش هم بافنده نیست؛ بلکه بافنده هم، جزء تیمی است که فرش را به وجود می‌آورد؛ مثل فیلمی که ساخته می‌شود، می‌گوییم کارگردان چه‌کاره است و چرا جایزه را به کارگردان می‌دهند؟

کارگردان کیست؟ کارگردان همه‌کاره فیلم است؛ یعنی فیلمی که تولید می‌شود هر اشکالی دارد به کارگردان برمی‌گردد، حتی اگر بازیگر بد بازی کند، می‌گویند تو به‌عنوان کارگردان نتوانستی از بازیگر خوب بازی بگیری و «ارجمند» یعنی کارگردان، «حاج‌جلیلی» یعنی کارگردان، «حیدرزاده» یعنی کارگردان، «عمو اغلی» یعنی کارگردان؛ این‌ها کارگردان‌های فرش ایران بودند. چرا قالی کاشان این‌گونه است؟ برای این‌که آن‌هایی که قالی ماشینی تولید می‌کنند جای محتشم را گرفته‌اند.

○ برگزاری مراسمی مثل مراسم شب گذشته اتاق بازرگانی را چقدر در بهبود فرش کرمان مؤثر می‌دانید؟

در مجموع این کار را اقدام خوبی می‌دانم، اما بخش عمده‌ای از شیوه کار را دوست نداشتم. به نظرم آمد تعداد کسانی که تشویق شدند بسیار زیاد بودند. این حاکی از نازل بودن معیارها برای انتخاب بهترین‌ها بود. اصولاً نخبگی امری نسبی است و اگر بنا باشد این‌همه واجد شرایط برای نخبگی وجود داشته باشد اصل برجستگی زیر سؤال می‌رود. به این ترتیب نفر اول و دوم و سوم بودن معنی نمی‌یابد.

یک‌سال در دموتهکس آلمان، می‌خواستند قالی انتخاب کنند، به من گفتند عکس قالی‌هایت را بفرست، گفتم: «می‌خواهید از روی عکس قالی انتخاب کنید؟!» به هر حال جایزه اول را به من دادند، اما سال دوم شرکت نکردم و گفتم: «مسابقه ای که از روی عکس، قالی را تشخیص دهند، به درد نمی‌خورد.» من تصور می‌کنم برای سال بعد اگر قرار است این مراسم ادامه پیدا کند بهتر است از همین الان ضوابط انتخاب توسط گروهی متخصص تعیین و هنگام انتخاب با جدیت و سخت‌گیری بر اساس آن معیارها انتخاب شوند. ●

این‌که در منجیل قالی بیافیم و یا در جاده شمال گبه عرضه کنیم، غلط است. هر قومی باید مکتب خود را ادامه بدهد. در ترکمن صحرا باید قالی ترکمنی بافته شود نه گبه تقلبی.

○ آیا این همان برنامه‌ریزی غلطی نیست که از سوی دولت ارائه می‌شود؟ قطعاً دولت در این زمینه نقش دارد و می‌تواند هدایت کند...

بله، دولت می‌تواند نقش داشته باشد، منتها دولتی که این کار را بلد باشد، اما دولتی‌ها نمی‌دانند فرش چیست و حتی تاجرهای خودمان هم نمی‌دانند فرش چیست؛ فرش را عدلی می‌خرند و متری و کیلویی می‌فروشند، اما اگر کسی فرش را بشناسد، طور دیگری نگاه و عمل می‌کند. نمی‌توانیم از کسی که رئیس مرکز ملی فرش است، انتظار داشته باشیم درست عمل کند؛ بلکه باید یک فرد دولتی مدیر باشد و یک گروه کارشناسی به او مشاوره بدهند؛ ضمن این‌که گروه کارشناسی هم باید درست انتخاب شود که کار خیلی سختی است و این کار را تا حدودی غیرممکن می‌دانم.

○ چرا؟

به این دلیل که آدم‌های کارشناس و افرادی که منافع شخصی خودشان را در این کار لحاظ نکنند، کمتر یافت می‌شوند. یادم هست سال‌ها پیش می‌خواستند جلوی صادرات قالی بی‌گه

فرش فقط بافنده نیست و مهم‌ترین عامل فرش هم بافنده نیست؛ بلکه بافنده هم، جزء تیمی است که فرش را به وجود می‌آورد؛ مثل فیلمی که ساخته می‌شود، می‌گوییم کارگردان چه‌کاره است و چرا جایزه را به کارگردان می‌دهند؟ کارگردان کیست؟ کارگردان همه‌کاره فیلم است؛ یعنی فیلمی که تولید می‌شود هر اشکالی دارد به کارگردان برمی‌گردد، حتی اگر بازیگر بد بازی کند، می‌گویند تو به‌عنوان کارگردان نتوانستی از بازیگر خوب بازی بگیری و «ارجمند» یعنی کارگردان، «حاج‌جلیلی» یعنی کارگردان، «حیدرزاده» یعنی کارگردان، «عمو اغلی» یعنی کارگردان؛ این‌ها کارگردان‌های فرش ایران بودند.

مسابقه نقاشی «فرش در خانواده ایرانی» برگزار شد

کرمان تدارک دیده شده بود و کودکان ۴ تا ۱۰ سال می‌توانستند در این مسابقه شرکت کنند که در مجموع ۱۲۰ نقاشی به دبیرخانه این مسابقه ارسال شد و در پایان ۳۴ برگزیده اصلی مورد تجلیل قرار گرفتند همچنین به کلیه شرکت‌کنندگان در مسابقه به‌رسم یادبود جوایزی از طرف کمیسیون قالی و صنایع‌دستی اهدا گردید.

برترین‌های مسابقه نقاشی «فرش در خانواده ایرانی» در آئینی با حضور نماینده مردم سیرجان و بردسیر در مجلس شورای اسلامی، رئیس اتاق کرمان، رئیس کمیسیون قالی و صنایع‌دستی اتاق، پیشکسوتان و فعالان فرش معرفی و تجلیل شدند. به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان، این مسابقه باهدف شناخت بیشتر کودکان از فرش





گفت‌وگو با «پیروز ارجمند»
آهنگ‌ساز، مؤلف و مدرس دانشگاه

چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید

برند شهری یکی از راه کارهای مناسب در تصویرسازی مثبت در جهت جذب هرچه بیشتر سرمایه گذاری، گردشگران و مهاجران است. در باب برند شهری کرمان، با پیروز ارجمند آهنگ ساز، مؤلف و مدرس دانشگاه گفت و گو کرده ایم. ارجمند دانش آموخته دوره دکتری مدیریت گردشگری ویژه دوره دکتری اتنوموزیکولوژی است. وی سوابق مشاور عالی گردشگری و اقتصاد هنراتاق بازرگانی ایران، مشاور عالی گردشگری شهردار و شورای شهر اصفهان، طراحی پروژه اصفهان ۲۰۲۰، سال جهانی گردشگری و میراث جهانی و مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در کارنامه خود دارد. او ضمن اشاره به سهم عمده گردشگری شهری در گردشگری دنیا، آن را چتر گردشگری های دیگری داند و این که به همین دلیل شهرداری های شهرهای بزرگ در دنیا سعی در زیست پذیری بیشتر و برنامه ریزی سرمایه پذیر برای توسعه شهردر جهت گردشگری پذیری زیادتر می کنند. به نظری با توجه به مطالعات انجام شده، کرمان از نظر وجود زیرساخت ها مشکل اساسی ندارد و بیشتر باید برای اصلاح زیرساخت ها و تهیه بسته رو ساختی تلاش شود. ارجمند می گوید برای معرفی هویت کرمان باید با پیش زمینه فرهنگ، تاریخ و تمدن این شهر، پارادیمی را معرفی کنیم که مبتنی بر کرمان فراصنعتی و دیپلماسی آب باشد، با این رویه کرمان توسعه گردشگری را درک خواهد کرد. اینک به مطالعه این گفت و گو دعوت می شوید.



این نکته دست‌یافت که زیرساخت‌های گردشگری در شهر کرمان مهیا است و کرمان از نظر زیرساخت‌ها مشکل اساسی ندارد؛ بنابراین وضعیت موجود در زیرساخت‌ها مانند آب، برق، جاده‌های مواصلاتی به کرمان، فرودگاه‌ها، راه‌آهن و هتل‌ها از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است و بیشتر باید برای اصلاح زیرساخت‌ها و تهیه بسته‌های روساختی تلاش شود. اقداماتی از قبیل تبدیل تابلوهای شهری و راهنما به چند زبان، اصلاح سرویس‌های عمومی و بهداشتی، تسلط راهنمایان گردشگری به اطلاعات دقیق و موردنظر توریست‌ها، تشکیل پلیس گردشگری و تسلط بیشتر هتل داران و رانندگان حمل‌ونقل عمومی به زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها، راه‌اندازی خطوط هوایی بین‌المللی می‌تواند باعث بهبود شرایط گردشگری در شهر کرمان شود.

نبود محور گردشگری در شهر و استان و تبلیغات مؤثر در این زمینه از جمله نقاط ضعف گردشگری در کرمان محسوب می‌شود. نمی‌توان از بخش خصوصی انتظار ارائه تبلیغات برای کل گردشگری داشت؛ زیرا بخش خصوصی منافع سازمانی خودش را دارد و نهایتاً برای خدمات خودش تبلیغات انجام می‌دهد. اصولاً تبلیغات گردشگری در دنیا توسط دولت‌ها انجام می‌شود و در این خصوص ضعف و کم‌کاری اساسی در ایران وجود دارد یا شاید بهتر بگوییم عزم جدی برای آن وجود ندارد. با استفاده از برگزاری کارگاه‌های آموزشی می‌توان اماکن گردشگری شهر کرمان را به گردشگران بین‌المللی معرفی کرد. همچنین استفاده از ابزارهای نوین تبلیغاتی و کمپین‌های تبلیغی برای معرفی منطقه مؤثر واقع می‌شود. اخیراً با انجام مطالعه‌ای که بر روی ۱۶ شهر در سراسر دنیا که در آن‌ها کمپین‌های تبلیغاتی برگزار شده انجام دادم، این نتیجه را

○ صنعت گردشگری به‌عنوان بستری برای درآمد پایدار شهری و کیفیت زندگی شهروندان موردتوجه است. نگرش شما نسبت به گردشگری شهر کرمان چیست؟

فضاهای شهری از جمله جذاب‌ترین فضاهای گردشگری هستند. وقتی از گردشگری شهری صحبت می‌کنیم، هر نوع گردشگری که در شهر جریان دارد و تابع ماهیت شهری است، در ذهن‌ها تداعی می‌شود؛ بنابراین گردشگری شهری به‌صورت یک طیف یا چتر، گردشگری‌های دیگر از جمله گردشگری طبیعی، گردشگری اماکن، گردشگری بازار و گردشگری موزه، شرکت در تئاتر و کنسرت، خرید، رفتن به رستوران‌ها و کافه‌ها و این‌ها و این‌ها را در برمی‌گیرد. تقریباً سهم عمده گردشگری در دنیا مربوط به گردشگری شهری است و به همین دلیل شهرداری‌های شهرهای بزرگ در دنیا سعی در زیست‌پذیری بیشتر و تجدید زندگی در مراکز شهری و برنامه‌ریزی‌های سرمایه‌پذیر برای توسعه شهرها در راستای گردشگرپذیری بیشتر کرده‌اند. در رأس این شهرها در اروپا، پاریس قرار دارد با جذب ۲۲ درصد گردشگران و سپس سایر کشورهای به ترتیب آلمان، انگلیس، اسپانیا، ایتالیا، اتریش و هلند.

در استان کرمان، گردشگری شهری به دلیل سابقه تاریخی شهر کرمان، یکی از گونه‌های موردتوجه گردشگران از دیرباز بوده. سفرنامه‌هایی که نوشته شده عموماً از شهر کرمان یاد و توصیف کرده‌اند. از جمله سفرنامه مارکوپولو، سفرنامه زین‌العابدین شیروانی و بسیاری از غربی‌هایی که به این شهر سفر کرده‌اند. در حال حاضر نیز بخش عمده‌ای از زمان گردشگران، صرف گردشگری در شهر کرمان می‌شود. صنعت گردشگری در سال‌های اخیر در کرمان رو به رشد بوده است، هرچند در یک دوره بیست‌ساله با رکود روبرو بود که در اینجا قصد کنکاش و چرایی آن را ندارم.

○ آیا کرمان دارای مختصات یک شهر گردشگرپذیر و استاندارد برای گردشگری است؟

در مجموع زیرساخت‌های کرمان برای گردشگری از وضعیت نسبتاً قابل قبولی برخوردار است ولی در جزئیات دچار نقیصه‌هایی است. به‌طور مثال محور بازار با دیگر اماکن گردشگری پیوستگی ندارد و در واقع زمانی که از میدان ارگ وارد بازار می‌شویم گسستی بین بازار و مسجد امام یا بازارهای فرعی و مجموعه‌های واقع در خیابان سرپاز و مجموعه آتشکده به چشم می‌خورد. همچنین بین اماکن تفریحی نیز این گسستگی نمایان است. این نیاز را مدیران شهری کرمان هم درک کرده‌اند و درصدد تهیه نقشه محور گردشگری شهر کرمان هستند. مقصود ما از محور گردشگری، سه محور سبز گردشگری، توسعه و گردشگری است و این محورها می‌توانند چشم‌انداز موردنظر برنامه‌ریزان گردشگری شهری باشند.

در حال حاضر گردشگری شهری در کرمان باید توسط گروه کارشناسی و بر اساس روش‌هایی مثل SWOT سنجش شود. کرمانیان به‌عنوان جامعه میزبان، خلعت مهمان‌نوازی دارند که در کنار امنیت خوبی که این استان دارد زیرساخت‌های مهمی از گردشگری را دارا هستند. با توجه به مطالعات انجام‌شده در سال‌های اخیر می‌توان به

شرکت‌هایی که در سطح ملی تورهای ورودی را مدیریت می‌کنند، به دلایلی خاص، رغبت چندانی برای گنجاندن کرمان در مسیرهای گردشگری‌شان ندارند. حال با توجه به موارد مذکور و نبود پروژه و برنامه‌ریزی جدی و مدت‌دار در مجموعه‌ی گردشگری کرمان، متوجه می‌شویم که هنوز تا رسیدن به جایگاه واقعی این استان و شهر فاصله زیادی داریم. از سویی، نهادهای فعال در این زمینه از قبیل کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی کرمان، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، شهرداری و کمیسیون گردشگری شورای شهر و همه نهادهای مربوطه باید با فعالیت یکپارچه به رونق گردشگری کمک کنند، اما متأسفانه به‌صورت گسسته و جزیره‌ای عمل می‌کنند و علیرغم تمایل ظاهری، در باطن گاهی فقط به یک تفاهم‌نامه بسنده کرده و به شکل اجرایی و پروژه‌ای باهم همکاری نمی‌کنند. تجربه نشان داده است که سندهای گردشگری در ایران، به دلیل عدم استفاده از مشاورین خارجی و عدم ورود مشاورین و شرکت‌های ایرانی به چرخه دانشی و مهارتی با استانداردهای بین‌المللی، موفق نبوده‌اند. بدیهی است ما در آغاز راه این صنعت هستیم و تجربه و دانش لازم و کافی را نداریم و ضروری است که از شرکت‌های باتجربه و دانش کافی خارجی، برای طراحی سند و مشاوره استفاده کنیم و در کنار آن‌ها نیروی انسانی لازم را تربیت کنیم.

○ شاخص‌های مؤثر در صنعت گردشگری شهر کرمان را به ترتیب اهمیت در کدام عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، سیاسی و فرهنگی طبقه‌بندی می‌کنید؟

صنعت گردشگری را اصطلاحاً به نام صنعت چتری می‌شناسند به این معنی که این صنعت همه‌کسانی را که در زیر چتر خود قرار داده است را به‌صورت منفعتی پوشش می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت بارونق یافتن صنعت گردشگری، تمامی اقشار جامعه منتفع می‌شوند. همچنین برای تعالی بخشی به این صنعت باید شاخص‌های توسعه پایدار به‌صورت همه‌جانبه، در سطح وسیع و در تمامی بخش‌ها اعم از حمل‌ونقل، اقامتگاه‌ها، امنیت، انتظامی، بخش‌های مدیریت شهری، مدیریت آب، جاده‌ها، کسبه بازار، اتاق‌های اصناف، استانداردهای سازها و همچنین کارگاه‌های صنایع‌دستی انجام شود، بنابراین برای قرارگیری در یک چرخه مؤثر، نیازمند یک برنامه درازمدت و مدون و اهتمام جدی و ملی هستیم.

ظاهراً پنجره واحد گردشگری در استانداری کرمان شکل گرفته ولی از خروجی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آن اطلاعی ندارم چون مثل همه شوراها فقط مدیران دولتی در آن‌ها حضور دارند و کارشناسان و متخصصان این رشته نقشی در تصمیم سازی ندارند.

○ آیا کرمان می‌تواند در اندازه‌های یک برند شهری ظاهر شود؟

معمولاً ویتترین برندها مزین به یک شعار و یک لوگو است، اما برنامه پشتیبانی پشت این ویتترین وجود دارد که در اصل آن برنامه هویت واقعی برند است. برندها بر اساس دکتترین خاصی

گرفتم که عموم آن‌ها از روش‌های نوین تبلیغاتی برای معرفی شهر خود استفاده کرده‌اند، مثل ساخت کلیپ و استفاده از سایت‌ها و اپلیکیشن‌های مربوط به این صنعت یا برندینگ شهرها و گردشگری شهرها و برگزاری رویدادهایی که به‌صورت غیرمستقیم زمینه حضور گردشگران و معرفی را فراهم می‌کند. حال این که در کشور ما استفاده از ابزارهای نوین تبلیغاتی در صنعت گردشگری جزء اولویت‌های اول نیست و هنوز از روش‌های سنتی و تبلیغ شهری به شکل کلاسیک استفاده می‌کنند. بر اساس بررسی انجام شده در سه شهر بزرگ کشور، متوجه شدیم که کمتر از درصد مردم شهرهای مورد مطالعه، جاذبه‌های گردشگری شهر کرمان را می‌شناسند و همین پژوهش نمایانگر این است که اهتمام ویژه‌ای برای معرفی و تبلیغات کرمان در این سال‌ها صورت نگرفته است. به‌عنوان مثال سازمان میراث فرهنگی کرمان به نمایشگاه بین‌المللی ایران بسنده کرده است و غرفه‌ای برای معرفی کرمان در نمایشگاه‌های بین‌المللی گردشگری در نمایشگاه‌هایی که اعتبار ویژه‌ای دارند، وجود ندارد. کاتالوگ‌های به زبان‌های غیرفارسی و سایت‌های مرتبط بسیار نادر است. تورهای دعوت‌شده به کرمان بسیار محدود هستند و اکثر شرکت‌های گردشگری در کرمان به‌جز دو شرکت، به‌صورت منفعل عمل می‌کنند و بیشتر به برگزاری تورهای زیارتی بسنده کرده‌اند و تلاشی جدی برای جذب گردشگران خارجی انجام نمی‌دهند. تقریباً هیچ کارگاه آموزشی مرتبط با کرمان برای معرفی آن در سایر کشورها برگزار نمی‌شود.

در استان کرمان، گردشگری شهری به دلیل سابقه تاریخی شهر کرمان، یکی از گونه‌های موردتوجه گردشگران از دیرباز بوده. سفرنامه‌هایی که نوشته شده عموماً از شهر کرمان یاد و توصیف کرده‌اند. از جمله سفرنامه مارکوپولو، سفرنامه زین‌العابدین شیروانی و بسیاری از غربی‌هایی که به این شهر سفر کرده‌اند. در حال حاضر نیز بخش عمده‌ای از زمان گردشگران، صرف گردشگری در شهر کرمان می‌شود. صنعت گردشگری در سال‌های اخیر در کرمان رو به رشد بوده است، هرچند در یک دوره بیست‌ساله با رکود روبرو بود که در اینجا قصد کنکاش و چرایی آن را ندارم.

رقابتهی بین مدیران شهرستان‌ها برای صنعتی شدن کرمان به وجود آمده است، اما به تأثیرات مخرب وارد به محیط‌زیست و کمبود منابع آبی کرمان توجه نشده است؛ بنابراین اگر ما بخواهیم هویت کرمان را معرفی کنیم باید به سمت فرهنگ، تاریخ و تمدن کرمان برویم و با آن پیش‌زمینه می‌توانیم پارادایمی را تعریف کنیم که مبتنی بر کرمان فرا صنعتی و دیپلماسی آب است. اگر ما این رویه را در پیش بگیریم شاهد توسعه گردشگری در شهر کرمان خواهیم بود.

○ **نقطه نظراتی که لازم می‌دانید اضافه نمایید، بفرمایید.**

باید به فرهنگ‌عامه کرمان، آیین‌های کرمان، هویت‌های فرهنگی و خصلت‌های فردی در کرمان از جمله مهمان‌نوازی و آرامش و به بعضی از گونه‌های جدید گردشگری مانند گردشگری کشاورزی، گردشگری پسته، گردشگری خرما، گردشگری مرکبات توجه کنیم و رویدادهایی را به صورت جدی رقم بزنیم و به گونه‌ای عمل کنیم که گردشگران از سایر نقاط ایران و دنیا برای دیدن رویداد وارد کرمان شوند. در طی سال‌های اخیر جشن گلاب، جشن خرما و جشن پسته را برگزار کرده‌ایم، اما هیچ‌کدام از این رویدادها نتوانسته‌اند ظرفیت لازم برای توسعه و مشارکت مردمی و جذب حداکثری گردشگرانی که برای سفرهایشان هزینه قابل توجه پرداخت می‌کنند، فراهم کنیم. نقطه‌ضعف اساسی در این زمینه این است که یک برنامه حساب‌شده و روش علمی و متناسب

که در ذیل آن پارادایم‌هایی قرار دارد، تعریف می‌شوند. بر اساس پارادایم‌ها تکنیک و تاکتیک و اقداماتی تعریف می‌شود و در یک دوره زمانی مشخص برند به جایگاه تعیین شده می‌رسد. از این رو اگر بخواهیم برند شهر کرمان معرفی شود، باید برند گردشگری را در یک نقطه زمانی و هدف مشخص تعریف کنیم مثلاً کرمان ۲۰۲۱ این تعیین زمانی می‌تواند برنامه‌ای را برای ورود به مسیر تحول و توسعه گردشگری تعیین کند. برند شهر کرمان فقط جنبه گردشگری ندارد، بلکه برند شهری معرف ماهیت خاصی از کرمان در سطح وسیع ملی است، حتی می‌تواند صنعت و اقلیم را نیز در برگیرد و الزاماً فقط برای گردشگری نباشد. از این رو برای ارائه برند شهری باید مطالعات دقیقی توسط مجموعه متخصصان در زمینه برند سازی انجام شود و سپس بر اساس مطالعات، لوگو و آرم کرمان طراحی شود. همچنین سندی طراحی کنند که آن سند مسیر توسعه کرمان را در بخش گردشگری مشخص کند. این کار هزینه‌های خاص خودش را دارد و مطمئناً از عهده یک سازمان مانند میراث فرهنگی خارج است. ممکن است با محوریت استانداردی این DMO یا پنجره واحد شکل گیرد. به دلیل اینکه نهادهای دولتی دغدغه‌ها و مشکلات اداری مختص به خود را دارند؛ تعریف یک کار جدید که ظاهراً هم در اولویت نیست، خیلی مؤثر نخواهد بود، بنابراین تعریف پروژه مشخص برای هر سازمان دولتی یا بخش خصوصی با مدیریت واحد، اجرایی شدن سند را تضمین می‌کند.

○ **آیا برای طراحی و پیاده‌سازی برند شهری کرمان، برنامه‌ریزی یا اقداماتی انجام شده است؟**

اصول برند شهری را شهرداری‌ها تعیین می‌کنند، یعنی شهرداری‌ها در همه جای دنیا مکلف به تعریف برند هستند، در کرمان این وظیفه بر عهده مدیریت شهری است. فعالیت‌های اداره گردشگری شهرداری کرمان کمتر از یک سال است که آغاز شده و امسال اولین سالی است که ردیف اعتبار بودجه‌ی گردشگری برای سال آینده شهرداری پیش‌بینی شده است. بنده معتقدم باید زودتر از این برای کرمان چنین اقدامی را انجام می‌دادیم و اگر در سال ۹۸ این امر صورت نپذیرد، دیگر فرصتی برای این کار وجود ندارد؛ به دلیل این‌که تا دو سال آینده مدیریت شهرداری در اختیار افراد جدیدی قرار خواهد گرفت و بر اساس تجربه، آن‌ها نیز اهتمامی برای تداوم و پیاده‌سازی این موضوع نخواهند داشت. امیدوارم شهرداری کرمان در اسرع وقت این اقدام مهم را انجام دهد.

○ **راهبردهای مناسب برای اشاعه هویت شهر کرمان چیست؟**

کرمان شهری با سابقه تاریخی و مدنیت و یک اقلیم خاص است. از این جهت اگر بخواهیم اقدامی انجام دهیم باید به سابقه هویتی کرمان مراجعه کنیم و بهتر است نگاه ما به زمینه‌های اجتماعی، هویت فرهنگی و هویت اقلیمی کرمان باشد. باید روی هویت کرمان کار شود تا به موفقیت دست‌یابیم. بر این باورم که کرمان باید سیاست فرا صنعتی را طی کند. هرچند در سیاست‌های کنونی

صنعت گردشگری را اصطلاحاً به نام صنعت چتری می‌شناسند به این معنی که این صنعت همه‌کسانی را که در زیر چتر خود قرار داده است را به صورت منفعتی پوشش می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت با رونق یافتن صنعت گردشگری، تمامی اقشار جامعه منتفع می‌شوند. همچنین برای تعالی بخشی به این صنعت باید شاخص‌های توسعه پایدار به صورت همه‌جانبه، در سطح وسیع و در تمامی بخش‌ها اعم از حمل‌ونقل، اقامتگاه‌ها، امنیتی انتظامی، بخش‌های مدیریت شهری، مدیریت آب، جاده‌ها، کسبه بازار، اتاق‌های اصناف، استانداردهای سازشی و همچنین کارگاه‌های صنایع دستی انجام شود.



● تخت سرتشتک هنزا، راپر؛ کرمان | عکس: حمید قنبری ●

اگر کل این آلبوم در کرمان و در مکان‌های مختلف فیلم‌برداری می‌شد. ما می‌توانستیم شاهد این باشیم که صدها میلیون بار در دنیا تصاویر جاذبه‌های گردشگری کرمان را در کلیپ‌های یک گروه شناخته‌شده بین‌المللی ببینند، علیرغم این که مبلغ بسیار تا بسیار کمی هم برای حمایت مالی از این پروژه پیشنهاد شد و گروه شیلر هم توافق کردند به صورت رایگان این کار را انجام دهند، اما شرکت‌های بزرگ کرمانی با وجود توانایی مالی هیچ یک همکاری نکردند. چند سال پیش نیز از «یانی» آهنگساز شهیر دعوت کردم کنسرتی را در کرمان برگزار کند که به این وسیله کرمان را به دنیا معرفی کنیم. مدیر برنامه ایشان به کرمان آمد و به توافق برای اجرا هم رسیدیم ولی حمایت‌های لازم انجام نشد. سال بعد از برگزاری کنسرت یانی در آکروپولیس، گردشگری این شهر ۲۰۰ درصد رشد داشت من شک ندارم که روش‌های جدید در تبلیغات از جمله حضور هنرمندان بین‌المللی و حضور رویدادهای بین‌المللی در کرمان می‌توانند به رونق گردشگری کمک کنند. بنابراین چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید. برای توسعه گردشگری کرمان نیازمند عزم ملی هستیم. برای نیل به این موضوع لازم است زنجیره ذینفعان توسعه گردشگری روشن شود و بر اساس برنامه‌ای که در سند توسعه و به صورت «پروژه محوری» دیده می‌شود پروژه‌هایی تعریف و اجرا شوند. نگران استفاده از مشاورین و متخصصان خارجی نباشیم. آن‌ها در کنار کارشناسان ایرانی می‌توانند مسیر مؤثر و استاندارد را در گردشگری برای ما مشخص کنند. ما هنوز دانش و تجربه و ارتباطات بین‌المللی لازم و کافی را در این زمینه نداریم. تربیت نیروی انسانی در این زمینه در کنار این مشارکت، می‌تواند هدف مهم بعدی باشد. ●

با استانداردهای جهانی برای رویداد سازی وجود ندارد. تبلیغات لازم برای این کار انجام نشده و در ارائه محتوا بسیار سطحی عمل کرده‌ایم. با این که چند سال از برگزاری جشن گلاب در لاله‌زار می‌گذرد، اما هنوز مشکلات اقامتی در این منطقه رفع نشده و خانه‌های بوم‌گردی هنوز استاندارد لازم برای اقامت را ندارند و معمولاً جشن با برپایی چند چادر، پختن نان و چند مسابقه غیر جذاب و ارائه گلاب به مدعوین برگزار می‌شود، این موارد برای برگزاری یک رویداد کافی نیستند و اگر قرار است رویدادی تعریف شود باید با دیدی بازتر به موضوع نگاه کرد. ما می‌توانیم در این زمینه از تجارب دیگر کشورها نیز بهره‌جوییم. متأسفانه ما در کپی‌برداری از روایید دیگر کشورها نیز به صورت ناقص عمل می‌کنیم و به دلیل این که زیرساخت‌ها و عزم لازم و جدی برای این کار وجود ندارد، موفق نیز نخواهیم بود. البته ناگفته نماند که در منطقه شهداد کرمان به دلیل سرمایه‌گذاری‌های جدی، اتفاق‌های بسیار خوبی در زمینه گردشگری رخ داده است. درواقع نگاه به توسعه گردشگری در منطقه بیشتر است و اکو کمپ ماهان فرصت خوبی را ایجاد کرده است. به عنوان مثال طراحی و ساخت ارگ جدید بم و پروژه مسیر هفت باغ، در دهه ۷۰ یک الگوی استاندارد و مثال‌زدنی از توسعه گردشگری است که دارای زیرساخت صحیحی است و نمونه‌ای از یک نگاه توسعه‌گرا و اصولی است. ما نیاز به یک روش جدید برای معرفی داریم. مدتی پیش بنده گروه موسیقی شیلر از کشور آلمان را برای ساخت کلیپ به کرمان دعوت کردم و این کلیپ در شهر شهداد ساخته شد. پیشنهاد من این بود که گروه‌های گردشگری حامی مالی این پروژه باشند تا کل کلیپ‌های آلبوم در کرمان ضبط شود و طبیعتاً

بازرگانی و خدمات

- گفت‌وگو با «محمد جواد کامیاب»
رئیس انجمن خدمات فنی و مهندسی استان کرمان
- گفت‌وگو با «محمد رضا فیروزکوهی»
مدیرکل راه‌آهن استان کرمان
- بررسی مبادلات تجاری کشور ساحل‌عاج
با جهان، ایران و استان کرمان
- مروری بر فضای کسب‌وکار افغانستان
و بررسی فرصت‌های تجاری افغانستان و استان کرمان
- توسعه همکاری‌های اقتصادی استان کرمان
و ولایات کابل، غزنی، پکتیا و پکتیکا و حوزه جنوب شرق کشور افغانستان
- همایش بزرگداشت روز صادرات
با تجلیل از صادرکنندگان برتر استان برگزار شد

گفت‌وگو با «محمدجواد کامیاب»
رئیس انجمن خدمات فنی و مهندسی استان کرمان

بازاریابی صادراتی خدمات فنی و مهندسی



صادرات خدمات فنی و مهندسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوع بخصوص در دو دهه اخیر در برنامه‌های توسعه صادرات غیرنفتی مورد توجه بوده است و شرکت‌های این حوزه تلاش‌هایی را برای ورود به بازارهای هدف معمول داشته‌اند. از بازاریابی خدمات فنی مهندسی به‌ویژه در بازارهای جهانی در جهت رشد و توسعه صادرات، نباید غافل شد. در این زمینه با آقای محمدجواد کامیاب رئیس انجمن خدمات فنی و مهندسی استان کرمان گفت‌وگو کرده‌ایم.

- کاهش نرخ تسهیلات برای کسانی که اقدام به صادرات کالا و خدمات دارند،
- عدم حمایت دستگاه دیپلماسی ایران به‌صورت کمیته ویژه،
- مشکلات مالی کارفرمایان و عدم پرداخت صورت کارکردهای تأییدشده شرکت‌ها و انباشتگی مطالبات معوق،
- ضعف در پذیرش ضمانت‌نامه‌های ارزی بانک‌های ایرانی و عدم صدور ضمانت‌نامه‌های متقابل توسط بانک‌های کارگزار خارجی، - هزینه مازاد و مضاعف صدور و تمدید ضمانت‌ها،
- کوتاه بودن دوره بازپرداخت تسهیلات اعطایی بانک‌های ایرانی با توجه به ماهیت پروژه‌های زیربنایی در صادرات خدمات فنی و مهندسی و حجم بالای سرمایه‌گذاری در مقایسه با زمان مشابه بانک‌های خارجی،
- کندی و مشکلات موجود در صدور مجوزها و روادید،
- عدم وجود یک استراتژی واحد بر اساس سیاست دولت جمهوری اسلامی برای حضور و کار در بازار خدمات فنی و مهندسی سایر کشورها

○ **شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی استان کرمان عمدتاً در کدام دسته از خدمات فنی و مهندسی و با چه ظرفیتی فعالیت دارند؟**

استان کرمان دارای ۱۲۷۱ شرکت با رتبه‌بندی معتبر در رشته‌های ساختمان، آب، راه و ترابری، صنعت و معدن، نیرو، تأسیسات و تجهیزات، کاوش‌های زمینی، کشاورزی، ارتباطات، مرمت آثار باستانی و نفت و گاز و در حدود ۵۰ شرکت مشاور با رتبه‌بندی در رشته‌های شهرسازی، مهندسی آب، راه و ترابری، صنعت و معدن، انرژی، کشاورزی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد ظرفیت اجرایی پیمانکاران استان کرمان بالغ بر ۱۵ هزار میلیارد تومان می‌باشد.

○ **مهم‌ترین چالش‌های بازار داخلی و نیز بازار صادراتی خدمات فنی و مهندسی کدامند؟**

- عدم ثبات نرخ ارز،

از سوی دولت یا نهاد تصمیم گیر و متولی.

○ به نظر شما وظیفه دولت و وظیفه فعالان اقتصادی بخش در رفع چالش‌ها و توسعه بازار صادراتی این حوزه چیست؟

- رفع قوانین بازدارنده توسط مجلس،
- تسهیل در ارائه روادید و اقامت برای پیمانکاران،
- ارائه بسته حمایتی برای صادرکنندگان کالا و خدمات،
- تأمین مالی پروژه‌ها از سوی دولت ایران برای ادامه فعالیت شرکت‌ها،
- تسهیل در مرادوات بانکی و بررسی قوانین مالیاتی و گمرکی شرکت‌ها،
- تمدید زمان بازپرداخت اصل وام‌های دریافتی از بانک‌های داخلی و تعویق زمان دریافت مطالبات پیمانکاران،
- ایجاد یک دیتابیس به‌روز از اطلاعات مربوط به طرح‌ها و پروژه‌ها در کشور موردنظر،
- اطلاع‌رسانی به شرکت‌ها در مورد شرایط عمومی و خصوصی پیمان،
- آگاهی از انواع قراردادهای پیمان و مشکلات آن‌ها،
- توافق با بانک‌ها جهت کاهش هزینه ضمانت‌نامه‌های بانکی.

○ آیا توانمندی شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی استان کرمان متناسب با نیازهای صادرات این بخش می‌باشد؟

خیر، ما در این بخش نیازمند یک متولی قدرتمند برای خدمات فنی و مهندسی می‌باشیم.

○ روند عملیاتی شدن صادرات خدمات فنی و مهندسی در استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمائید؟

تشکیل جلسات مشترک اتاق بازرگانی استان با اتاق‌های بازرگانی کشورهای هدف در جهت کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری پیمانکاران.

○ استفاده از فنون بازاریابی یکی از ابزارهای مهم جهت نفوذ در بازارهای خارجی و برنده شدن در مناقصات است از این بابت وضعیت عملکرد شرکت‌های فنی و مهندسی استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمائید؟

وضعیت شرکت‌های فنی و مهندسی کرمان با توجه به ظرفیت مناسب فنی و مهندسی استان در شناخت بازارهای هدف و به دنبال آن نفوذ در بازارهای موردنظر و برنده شدن در مناقصات چندان مطلوب نمی‌باشد. ولی راهکارهایی جهت عملکرد بهتر و ارتقاء در این زمینه وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اعزام هیئت‌های تخصصی بازاریابی به‌ویژه صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی،
- برگزاری دوره‌های تخصصی برای تنظیم قراردادهای صادرات خدمات فنی و مهندسی،
- توجه ویژه به ارتقاء بخش فناوری اطلاعات در شرکت‌ها جهت استفاده فضای مجازی برای بازاریابی،
- تقویت آموزش‌های مالی و برنامه‌ریزی‌های لازم به بازاریابان حوزه خدمات فنی و مهندسی برای چرخش به‌سوی بازارهای مناسب‌تر

از نظر ریسک‌پذیری،

- تقویت اطلاع‌رسانی مناقصات بین‌المللی در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی برای بازاریابان شرکت‌های مذکور،

- افزایش تعداد رایزنان بازرگانی متناسب با تعداد سفارتخانه‌ها و افزایش توجه این سفارتخانه‌ها به حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی،

- اطلاع‌رسانی آخرین قوانین و آیین‌نامه‌های مصوب کشورهای مقصد در حوزه صادرات خدمات فنی و مهندسی در جهت کمک به بازاریابان برای استفاده مؤثر قوانین برای بازاریابی بهینه،

- تقویت منابع دانشی به‌روز بازارهای هدف اعم از اطلاعات تجاری، قانونی و آیین‌نامه‌های مرتبط در حوزه‌های صادرات خدمات فنی و مهندسی،

- تقویت اطلاعات بنگاه‌ها در خصوص اعتبارات و قوانین و مقررات صادرات خدمات فنی و مهندسی،

- کنار گذاشتن نگرش‌های سنتی در روش بازاریابی برخی از شرکت‌های صادرکننده خدمات فنی و مهندسی،

- تعیین هویت برند، معماری برند در مقیاس منطقه‌ای و جهانی توسط بازاریابان و صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی،

- شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و حضور در مناقصه‌ها و مزایده توسط شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی،

- قرار دادن توانمندی‌ها و خدمات شرکت‌های فنی و مهندسی در معرض دید بین‌المللی با ایجاد پایگاه‌های چندمنظوره اینترنتی برای شرح کالا و خدمات و امکانات اجرایی شرکت‌های فنی و مهندسی،

- تأسیس و گسترش شرکت‌های مدیریت صادرات خدمات (SEMCS) به‌صورت عام و تخصصی (نظیر شرکت مدیریت صنایع خلاق) به‌عنوان واسطه صادرات جهت مدیریت یکپارچه زنجیره صادرات خدمات با توجه به پیچیدگی و وجود رقابت‌های فزاینده در سطح بین‌المللی،

- تسهیل سفر هیئت‌های اقتصادی یا بازرگانی عازم ایران و بلعکس،

- بررسی مشکلات و نقاط ضعف و قوت کالاهای صادراتی ایرانی از طریق نظرسنجی‌های موردی،

- آگاهی از برگزاری مزایده‌ها و مناقصات با مراجعه به سرچ‌های اطلاع‌رسانی مناقصات کشورهای مقصد.

○ معمولاً شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی ایران و نیز استان کرمان بیشتر چه روش‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی را در تأمین منابع مالی لازم به کار می‌برند؟

معمولاً از روش BOO و یا BOT استفاده می‌کنند، در کشوری مانند عمان، شرکت‌های ایرانی خودشان سرمایه‌گذاری پروژه و بهره‌برداری از آن را به عهده می‌گیرند که برای تأمین مالی پروژه به‌طور مثال با یک شرکت‌های اروپایی به‌عنوان financier شریک شده و خود به‌عنوان پیمانکار شروع بکار می‌کنند، اما در حال حاضر باوجود مشکلات انتقال ارز، تأمین اعتبار شرکت‌های ایرانی با توجه به سابقه آن‌ها و پروژه‌هایی که در کشور هدف انجام داده‌اند صورت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد بیشتر کشورهای هدف صادراتی حوزه خدمات فنی و مهندسی ایران را کشورهای با ریسک بالای سرمایه‌گذاری تشکیل می‌دهند، این ریسک‌پذیری را چگونه توجیه می‌نمایید؟

به‌طور عمده کشورهای هدف با ریسک بالا برای صادرات خدمات فنی و مهندسی، کشورهای همچون عراق و افغانستان و سوریه و ... می‌باشند. ازجمله دلایل صادرات خدمات فنی و مهندسی به این کشورها می‌توان به سه مورد عمده مالی، سیاسی و نرم‌افزاری در حوزه خدمات فنی و مهندسی را اشاره کرد:

- سهم پایین‌تر دانش فنی و مهارتی کشورهای با ریسک بالا نسبت به کشورهای توسعه‌یافته که فرصتی مناسب برای صادرات خدمات فنی و مهندسی ایجاد می‌کند،

- عدم حمایت دولت از شرکت‌های داخلی در زمینه عقد قراردادهای بین‌المللی صادرات در سطوح کشورهای کم ریسک،

- عدم حمایت موسسه‌های وام‌دهنده بین‌المللی از شرکت‌های ایرانی و به رسمیت نشناختن آن‌ها به دلایل سیاسی،

- هزینه‌های بالای تبلیغات و شرکت در مناقصات بین‌المللی کشورهای کم ریسک،

- سهم اندک فعالیت‌های نرم‌افزاری در صادرات خدمات فنی و مهندسی که موجب روی آوردن سهم عمده صادرات خدمات فنی و مهندسی از نوع عمرانی و ساخت‌وساز و مصالح ساختمانی و ... شده است که مسلماً در کشورهای با ریسک بالا همچون عراق، افغانستان و سوریه به دلیل جنگ و ویرانی‌های اخیر، میزان تقاضای این کشورها برای واردات این نوع از خدمات فنی و مهندسی بالا می‌باشد،

- از نظر موقعیت استراتژیکی ایران، اکثر این کشورهای با ریسک بالا به دلیل هم‌جواری و مشترکات فرهنگی با ما نیز و توان تکنولوژی کمتر نسبت به کشور ما و نیاز به بازسازی و عمران، زمینه‌های مساعدی برای توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی دارند،

- به دلیل نبودن شرکت‌های مدیریت صادرات خدمات (SEMCS) به‌صورت تخصصی در کشور ما و با توجه به پیچیدگی و وجود رقابت‌های فزاینده در سطح بین‌المللی به‌خصوص کشورهای پیشرفته با ریسک کمتر، به‌عنوان هدف برای صادرات راهی جز صادرات خدمات فنی و مهندسی به کشورهای هم‌جوار با ریسک بالا نمی‌ماند،

- به دلیل محدودیت مالی و اطلاعاتی، شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی کشور برای شناسایی نیاز و ایجاد تقاضا و همچنین پردازش و پاسخ به تقاضا در بازارهای هدف با ریسک کم، مجبور به صادرات خدمات فنی و مهندسی به کشورهای با ریسک بالا می‌شود،

- با وجود اعمال تحریم‌های سیاسی علیه ایران، حوزه صادرات صنعت فنی و مهندسی کشور بسیار محدود و منزوی گشته است به‌طوری‌که سیستم سونیتف برای ایران مسدود شده و ضمانت‌نامه‌ها موردپذیرش کارفرمایان بین‌المللی قرار نمی‌گیرد که البته معدود کشورها همچون افغانستان و سوریه همکاری با ایران را تداوم بخشیده‌اند،

- امکان حضور شرکت‌های ایرانی در کشورهای اروپایی و توسعه‌یافته مستلزم توفیق در رقابت با همتایان قدر و باتجربه و رعایت سطح

بالای استانداردها است، اما حضور در کشورهای هم‌جوار هم با ترتیبات آسان‌تری انجام می‌شود و هم می‌تواند فتح یابی برای مشارکت‌های بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته باشد،

- از نظر صاحب‌نظران اقتصادی همکاری‌های اقتصادی و صادرات به کشوری همچون عراق ارزش ریسک کردن دارد زیرا این کشور عضو اتحادیه عرب است و از نظر بازار اقتصادی قابل قیاس با سوریه و الجزایر و لیبی و غیره نیست که این مسئله به معنای برد ایران است، زیرا می‌توان برخی از کالاها را به‌جای ایران در کشور عراق تولید کرد و مشتریان بیشتری برای کالاهای خود یافت، از طرفی جمعیت عراق تا چند سال آینده بیش از جمعیت ایران خواهد شد؛ بنابراین با یک موقعیت بزرگ مواجه هستیم و نباید در تجارت با عراق فقط نقاط ضعف را در نظر بگیریم. ایران پس از چین و ترکیه سومین کشور تأمین‌کننده کالاهای کشور عراق است.

بهره‌گیری از چه عوامل و روش‌هایی از ضرورت‌های ورود قدرتمند و ماندگاری شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی در بازار جهانی است؟

- کسب اطلاعات موردنیاز در مورد پروژه‌ها و تجارت،

- حمایت مالی داخلی از توسعه تجاری،

- حمایت دولت از شرکت‌های داخلی در زمینه انعقاد قرارداد،

- کسب تجارت بین‌المللی در زمینه بازاریابی،

- حمایت بنگاه‌های وام‌دهنده بین‌المللی از شرکت‌ها،

- تلاش جدی و مستمر شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی کالا و خدمات در بازاریابی.

راه‌های عمومی برطرف کردن مشکلات و چالش‌های بازار خدمات فنی و مهندسی به‌ویژه بازار صادراتی را چه می‌دانید؟

حذف مالیات اعم از مستقیم و یا غیرمستقیم از صادرکنندگان کالا و خدمات،

ایجاد مراکز تحقیقاتی در زمینه مطالعات بنیادی و بازاریابی،

برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه برای توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی.

به نظر شما توسعه پایدار در بخش خدمات فنی و مهندسی استان نیازمند طراحی و اجرای چه راهبردها و روش‌هایی است؟

- حمایت جدی از شرکت‌های خدمات فنی و مهندسی استان شامل:

الف) ایجاد روحیه و فرهنگ صادرات به‌طوری‌که سایرین به صادرکننده به چشم یک قهرمان مالی نگاه کنند.

ب) حمایت‌های اطلاعاتی و تجاری دیپلماتیک از صادرکنندگان کالا و خدمات فنی و مهندسی.

ج) در اختیار گذاشتن وام‌های کم‌بهره و پوشش بیمه‌ای و معافیت مالیاتی به صادرکنندگان کالا و خدمات فنی و مهندسی و همچنین تسهیلات ویژه گمرکی. ●

گفت‌وگو با «محمد رضا فیروزکوهی» مدیرکل راه‌آهن استان کرمان

قطارهای مسافربری به عنوان ویرین راه‌آهن و حتی ضررده هستند

حمل‌ونقل ریلی به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم سیستم حمل‌ونقل، نقش عمده‌ای را در عرصه اقتصادی، صنعتی و اجتماعی کشورها ایفا می‌کند و به‌واسطه مزایای خاص و نسبی که در مقایسه با سایر بخش‌های حمل‌ونقلی از جمله هوایی، جاده‌ای و دریایی دارد، توانسته سهم قابل‌توجهی را در حوزه حمل‌ونقل به خود اختصاص دهد. همچنین سهم تعیین‌کننده آن در تولید ناخالص ملی و نقش پیش‌نیاز آن در توسعه بخش‌های اقتصادی، تجارت، صنعت، کشاورزی و دیگر زیربخش‌های اقتصادی اجتماعی و به‌ویژه اشتغال‌زایی بالای آن قابل‌انکار نیست. در باب وضعیت حمل‌ونقل ریلی استان با جناب آقای محمد رضا فیروزکوهی، مدیرکل راه‌آهن استان کرمان به گفتگو پرداخته‌ایم که از نظر می‌گذرد.

○ استان کرمان در حمل‌ونقل ریلی به لحاظ زیرساخت‌ها و نیز میزان جابه‌جایی کالا و مسافر در کشور چه رتبه‌ای دارد؟

راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر دارای ۱۴ هزار کیلومتر شبکه ریلی استاندارد است و حدود چهار درصد از خطوط ریلی اصلی و هفت درصد از زیرساخت‌های راه‌آهن کشور، متعلق به اداره کل راه‌آهن کرمان است.

به دلیل عدم تبعیت ادارات کل راه‌آهن استان‌ها از تقسیمات استانی، از ۸۵۰ کیلومتر خطوط ریلی اصلی در استان کرمان، تنها ۵۵۰ کیلومتر به اداره کل راه‌آهن استان کرمان تعلق دارد و حدود چهار درصد از جابه‌جایی مسافر بر عهده اداره کل راه‌آهن استان کرمان است.

○ سیستم حمل‌ونقل ریلی استان دارای چه ظرفیتی در حمل‌ونقل بار و مسافر است و چه سهمی از حمل‌ونقل استان را به خود اختصاص داده است؟

در حال حاضر سه درصد از حمل بار کل کشور توسط سیستم حمل‌ونقل ریلی استان و در ایستگاه‌های سیریز، جلال‌آباد، زرنند، کرمان، خودروسازان بم و پورمند انجام می‌گیرد. ایستگاه‌های مذکور روزانه حدود پنج هزار تن قابلیت تخلیه و بارگیری مواد معدنی و کالا را دارند. همچنین ۱۵۰ کیلومتر خط فرعی به‌منظور جابجایی بار در محدوده‌ی ایستگاه زرنند (خطوط فرعی زغال شویی و کارخانه پلور سبز) طراحی شده است. ۱۳ ایستگاه باز و فعال در راه‌آهن کرمان موجود است و قطار نیز در ۵ ایستگاه فهرج، بم، کرمان، زرنند و سیریز به‌منظور پیاده و سوارشدن مسافر توقف دارد.

○ بخش خصوصی در باب تملک و مدیریت حمل‌ونقل ریلی استان چه جایگاهی دارد؟

اداره کل راه‌آهن استان طی دو سال گذشته دو تفاهم‌نامه در محدوده زرنند و یک تفاهم‌نامه در ایستگاه پورمند با بخش خصوصی امضا کرده است. به‌واسطه این تفاهم‌نامه‌ها کلیه مراکز تجاری و کارخانه‌ها از طریق خطوط آنتنی به شبکه ریلی متصل خواهند شد؛ به این صورت که زیرسازی، ابنیه و تملک اراضی توسط متقاضی و روسازی توسط راه‌آهن انجام خواهد گرفت. این پروژه‌ها جز پروژه‌های اقتصاد مقاومتی استان نیز هستند. سال گذشته خط فولاد بوتیا به طول ۱۹ کیلومتر افتتاح شد و روزانه حدود سه هزار تن بار از کارخانه فولاد بوتیا از طریق خطوط ریلی فرعی خارج و تقریباً یک هزار و ۵۰۰ تن بار وارد این مجموعه می‌شود. همچنین زیرسازی خط فولاد زرنند ایرانیان منشعب از ایستگاه زرنند به طول ۱۱ کیلومتر انجام شده و امیدواریم تا پایان سال روسازی آن نیز به اتمام برسد. یکی دیگر از تفاهم‌نامه‌های این بخش در خصوص اتصال ایستگاه جلال‌آباد به معدن جلال‌آباد به طول ۲۵ کیلومتر که حدود ۳۵ درصد زیرسازی خطوط ریلی انجام شده است و امیدواریم تا خردادماه سال ۹۸ زیرسازی تکمیل شود و پس‌از آن روسازی را نیز به اتمام برسانیم.

○ وضعیت اشتغال در بخش حمل‌ونقل ریلی استان چگونه است؟

در حال حاضر ۱۵۰ نفر نیرو به‌صورت رسمی، قراردادی و روزمزد و حدود ۸۵۰ نفر نیرو به‌صورت شرکتی در قراردادهای متعدد به‌صورت تجمیعی و تجمعی در اداره کل راه‌آهن استان مشغول به فعالیت هستند.

با توجه به افزایش بهره‌وری در دو سال اخیر نسبت به سال ۹۵، حدود ده درصد نیروی انسانی به بخش شرکتی مجموعه اضافه می‌شود و تعداد کل کارکنان مجموعه به عدد ۱۱۰۰ نفر خواهد رسید.

○ مهم‌ترین کالاهایی که از طریق حمل‌ونقل ریلی استان جابه‌جا و نیز ترانزیت می‌شوند چه کالاهایی هستند؟

مواد معدنی از جمله مهم‌ترین کالاهایی است که از طریق حمل‌ونقل ریلی استان جابه‌جا می‌شود. به‌عنوان مثال سنگ‌آهن از سنگان در شرق بارگیری و از طریق خطوط ریلی در جلال‌آباد تخلیه و پس از تبدیل به گندله به‌وسیله قطارهای باری به فولاد مبارکه اصفهان حمل می‌شود. همچنین کانتینر قطعات خودرو نیز از بندرعباس به خودروسازان بم ارسال می‌شود.

○ بهره‌وری در بخش حمل‌ونقل ریلی استان به چه میزان است؟ چه فرصت‌سنجی‌هایی در جهت ارتقاء وضعیت صورت پذیرفته است؟

در سال‌های گذشته راه‌آهن کشور به دلیل بحث رقابتی آن‌طور که باید و شاید بهره‌ور نبوده است و حتی در حال حاضر نیز سوددهی ندارد، اما اداره کل راه‌آهن کرمان در ۹ ماهه اول امسال نسبت به سال گذشته ۸۰ درصد رشد درآمدی داشته و حدود ۱۲ هزار تن مواد معدنی به بندر و سیمان به زاهدان جهت صادرات حمل کرده است. طبق برنامه‌ریزی اداره کل راه‌آهن کرمان، امیدواریم تا پایان برنامه ششم توسعه، رشد سه برابری داشته باشیم و وارد سوددهی شویم. در ۹ ماه اول امسال ۴۷ میلیون تن بار (حدود ۱۰ درصد از بار کل کشور) از طریق خطوط ریلی استان جابه‌جا شده و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۶۰ میلیون تن بار حمل شود، اما برای سوددهی باید میزان حمل بار تا ۲۰۰ میلیون تن افزایش یابد. درآمد راه‌آهن در بخش حمل بار است و در قسمت مسافری فقط ارائه خدمات به مردم شریف است. قطارهای مسافربری به‌عنوان ویتترین راه‌آهن و حتی ضررده هستند. در حال حاضر راه‌آهن کشور به دنبال اجرای طرح TOD یا حمل‌ونقل یکپارچه باهدف هماهنگ نمودن خدمات جابجایی در ایستگاه‌هاست. راه‌آهن کرمان نیز اجرای طرح هوشمند سازی ایستگاه‌های استان را در دستور کار خود قرار داده است.

○ نگاه شما به حمل‌ونقل ترکیبی چیست؟ آیا در استان کرمان در این زمینه اقداماتی صورت گرفته است؟

بینید راه‌آهن نمی‌تواند مستقل از جاده عمل کند و این دو مکمل هم هستند. حمل‌ونقل در کل دنیا به‌صورت ترکیبی است و استان کرمان نیز از این قاعده مستثنی نیست.

○ مهم‌ترین مشکلات صاحبان کالاها در بازخورد های دریافتی که قادر به حل آن‌ها نشده‌اید چیست؟

خط راه‌آهن کرمان به دلیل این‌که به‌طور مستقیم به بنادر متصل نیست، مسافت زیادی را برای انتقال بار از کرمان به بندرعباس باید طی کند و در حال حاضر برای ارسال کالا به بندرعباس و یا بالعکس، ابتدا کالا



۹۵ بهسازی لرزه با مبلغی حدود دو و نیم میلیارد تومان انجام شد و از سال ۹۶ تاکنون مبلغی حدود سه میلیارد بابت معماری و تکمیل ساختمان هزینه کرده‌ایم و امیدواریم که بتوانیم تا دهه فجر بازسازی ساختمان را به اتمام برسانیم.

امسال برای اولین بار با توجه به راه‌اندازی فولاد بوتیا، بار گندله سنگ‌آهن را از ایستگاه پورمند و جلال‌آباد به بندرعباس حمل کردیم. در سال جاری با توجه به اعتصابات کامیون دارها و با رایزنی‌هایی که با سازمان غله انجام دادیم توانستیم بعد از ۳۰ سال، زیرساخت‌هایی که در زمان جنگ به این منظور ایجاد شده و در این مدت بلااستفاده بود را احیا کنیم. به‌این‌ترتیب گندم استان کرمان با هماهنگی سازمان غله روی ریل آمد و اگر این اقدام صورت نمی‌گرفت ذخیره سیلو گندم کرمان به صفر می‌رسید. تا به امروز ۲۰ هزار تن گندم از سراسر کشور از طریق خطوط ریلی به استان کرمان حمل شده است. همچنین در سال جاری زغال‌سنگ را از بندرعباس به جلال‌آباد حمل و سیمان را از کرمان به بندرعباس و از زاهدان به پاکستان صادر کردیم که این موارد نیز جز بارهای جدید بودند.

در سال جاری نسبت به سال گذشته ۸ درصد از لحاظ جابجایی مسافر افزایش و در تناژ بارگیری شده حدوداً ۵۸ درصد رشد داشتیم. البته در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵ حدود ۳۰۰ درصد رشد داشتیم. همچنین وردی و خروجی مسافر در سال ۹۶، ۹۰۰ هزار نفر است و قطارهای کرمان نیز شامل یک رام مشهد و دو رام تهران هستند. همچنین با هماهنگی‌های انجام شده ظرفیت قطار زاهدان- تهران، به کرمان اختصاص پیدا کرده است. طرح قطار حومه‌ای را نیز در برنامه داریم به این معنا که یک قطار مختص استان، در ایستگاه‌های مختلف که قطارهای دیگر توقف نمی‌کنند، توقف خواهد کرد. امیدواریم در سال ۹۸ این طرح اجرایی شود. ●

به شهرستان بافق و از آنجا به بندرعباس ارسال می‌شود، که در این بین ۳۰۰ کیلومتر مسیر اضافه را باید طی کند. حال با توجه به این‌که در حمل‌ونقل ریلی، هزینه به‌صورت تن کیلومتر از متقاضی دریافت می‌شود، هرچه میزان کیلومتر افزایش یابد، طبعاً قیمت تمام‌شده بیشتر خواهد شد؛ بنابراین مشتری بیشتر تمایل دارد از طریق حمل‌ونقل جاده‌ای بار خود را ارسال کند و این مسئله یکی از مشکلات ما با صاحبان بار است. ما به شکل‌های مختلف حق دسترسی خود را کاهش و با شرکت‌های مختلف رایزنی کرده‌ایم تا بتوانیم بار را از طریق ریل جابجا کنیم.

○ مهم‌ترین چالش‌های بخش حمل‌ونقل ریلی چیست؟ چه راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه می‌نمایید؟

یکی از مواردی که باعث می‌شود بار از طریق جاده حمل شود، قیمت تمام‌شده راه‌آهن و جاده است. همچنین زیرساخت‌های موجود در سطح استان و کشور در شبکه ریلی جوابگوی ظرفیت بار نیست. راه‌آهن کشور در سه سال گذشته، برنامه‌ی اتصال چشمه‌های بار را در دستور کار خود قرار داده است و به نظر می‌رسد با برنامه‌ریزی‌های اخیر، در آینده‌ای نزدیک این مشکل رفع خواهد شد.

○ مزایای حمل‌ونقل ریلی نسبت به حمل‌ونقل جاده‌ای چیست؟

از مزایای حمل‌ونقل ریلی نسبت به حمل‌ونقل جاده‌ای در امور حمل‌ونقل انبوه بار و مسافر به‌خصوص در مسافت‌های طولانی می‌توان به کاهش قابل‌ملاحظه در مصرف انرژی (گازوئیل)، ایمنی فوق‌العاده بالا و تلطیف محیط‌زیست اشاره کرد. انتقال هر یک‌تن کیلومتر بار و هر یک نفر کیلومتر مسافر از جاده به ریل، به ترتیب باعث کاهش ۳۵ و ۲۰ سی‌سی در مصرف انرژی می‌شود. سال گذشته در حوزه جابجایی بار و مسافر، تقریباً ۶۸ میلیون لیتر در مصرف سوخت صرفه‌جویی شد. بدیهی است هرچه قیمت سوخت به قیمت واقعی خود نزدیک شود، صرفه و مزیت اقتصادی حمل‌ونقل ریلی نسبت به جاده بیشتر خواهد شد.

○ چه طرح‌های توسعه‌ای منطقه‌ای و محلی در حوزه حمل‌ونقل ریلی استان در برنامه است؟

طرح بازسازی محور بافق- کرمان، اتصال خطوط مراکز چشمه‌های بار و افتتاح خط ریلی کارخانه بوتیا از جمله طرح‌های مهم در راه‌کارهای توسعه حمل‌ونقل ریلی استان می‌باشند. همچنین راه‌اندازی دو خط فرعی فولاد زرنده و جلال‌آباد و احداث سه ایستگاه در محور بافق- کرمان را نیز در برنامه داریم.

طرح بازسازی ایستگاه راه‌آهن زرنده را در برنامه داریم؛ از سال ۹۳ مراحل تعمیرات و بهسازی لرزه‌ای ایستگاه در حال انجام بوده و در دهه فجر بازگشایی می‌شود. سازه ایستگاه راه‌آهن زرنده در زلزله سال ۸۳ آسیب دید و پس از مطالعات انجام‌شده در سال ۹۳ پروژه بهسازی لرزه‌ای در برنامه کاری قرار گرفت. قطعاً ساخت یک ساختمان جدید، هزینه کمتری را به دنبال داشت، اما سیاست راه‌آهن بر این بود که ساختمان‌های قدیمی اصلی ایستگاه به‌عنوان میراث حفظ شود. ناگفته نماند که این ساختمان جز یکی از زیباترین ایستگاه‌های اداره کل راه‌آهن کرمان است. سال ۹۳ عملیات اجرایی بهسازی لرزه‌ای ایستگاه زرنده شروع و اواخر سال



بررسی مبادلات تجاری کشور ساحل عاج با جهان، ایران و استان کرمان

ساحل عاج (Cote d'Ivoire) قدرت منطقه‌ای غرب آفریقا و از کشورهای کلیدی این قاره است. پایتخت این کشور یاموسکرو/ ابیجان و زبان رسمی آن فرانسوی می‌باشد. ۳۲۳ هزار کیلومترمربع وسعت، ۲۷۰۰ میلی‌متر باران سالانه، جنگل‌ها، مراتع و منابع طبیعی سرشار، نفت و گاز، ۲۵ میلیون نفر جمعیت (۲۰۱۷)، تأمین بیش از ۴۰ درصد کاکائوی جهان، اولین تا دهمین صادرکننده جهانی چندین محصول کشاورزی و مواد معدنی و طبیعی، شهرها و زیرساخت‌های پیشرفته و کم‌نظیر در آفریقا و... ازجمله عواملی هستند که موقعیت سیاسی و اقتصادی متفاوت و منحصر به فردی

< معصومه سعید

مدیر توسعه بازار و بهبود فضای
کسب‌وکار اتاق کرمان



همکاران:

< شیما ملک‌پورزاده

< نرگس کریمی

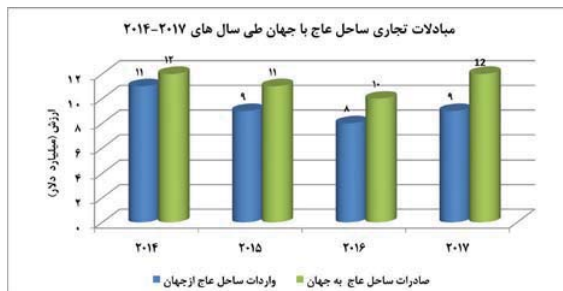
در ادامه در راستای بررسی چگونگی وضعیت همکاری‌های تجاری ساحل‌عاج، به بررسی مبادلات تجاری این کشور با جهان، ایران و استان کرمان می‌پردازیم.

مبادلات تجاری ساحل‌عاج با جهان

جدول شماره ۱- کشورهای عمده مقصد صادراتی و مبدأ وارداتی ساحل‌عاج در سال ۲۰۱۷

کشور مقصد صادراتی ساحل‌عاج	سهم از صادرات	کشور مبدأ وارداتی ساحل‌عاج	سهم از واردات
هند	۱۱.۹۱٪	چین	۱۳.۵۷٪
ایالات متحده آمریکا	۹.۳۹٪	فرانسه	۱۱.۰۸٪
ویتنام	۶.۱۱٪	نیجریه	۹.۱۹٪
فرانسه	۵.۰۴٪	اسپانیا	۸.۷۷٪
آلمان	۴.۸۸٪	هند	۴.۷۸٪
بلژیک	۴.۷۱٪	ایالات متحده آمریکا	۴.۰۳٪
قبرس	۴.۵۳٪	آلمان	۳.۲۹٪

منبع: ITC و محاسبات گزارش



نمودار شماره ۱- مبادلات تجاری ساحل‌عاج با جهان طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷

منبع: ITC و محاسبات گزارش

ایران با واردات ۶۹۹۰ هزار دلاری از ساحل‌عاج در سال ۲۰۱۷، رتبه ۶۱ در واردات از این کشور و با صادرات ۳۸۶۵ هزار دلاری، رتبه ۷۹ در صادرات به این کشور را کسب نموده است.

جدول شماره ۲- اقلام عمده صادراتی و وارداتی ساحل‌عاج به جهان در سال ۲۰۱۷

الزام عمده صادراتی ساحل‌عاج	ارزش (هزار دلار)	الزام عمده وارداتی ساحل‌عاج	ارزش (هزار دلار)
دانه کاکائو کامل	۳۹۰۹	برنج	۲۴۳
خمیر کاکائو	۸۳۸	دارو	۲۰۷
نفت خام	۶۰۰	روغن‌های متوسط و فرآورده‌های آن	۱۵۹
کانوچوی طبیعی	۵۴۶	میگو	۱۵۸
کره کاکائو	۵۴۶	برنج شکسته	۱۳۶
طلای خام	۵۰۲	گندم	۱۲۵
موز تازه یا خشک	۵۰۲	موتور وسیله نقلیه	۹۷
بادام تازه یا خشک	۳۶۲	نفت و سوخت‌های معدنی	۹۳
		روی	۸۹
		تیناکو	۸۲

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

به این کشور بخشیده است. ساحل‌عاج متشکل از ۳۸/۶٪ مسلمان سنی، ۳۲/۸٪ مسیحی، ۱۱/۹٪ بومی و ۱۶/۷٪ سایر می‌باشد. شهرهای مهم این کشور یاموسکرو، ابیجان، بوآکه، مان و ساساندرامی‌باشند. از دیگر اطلاعات اساسی مربوط به این کشور می‌توان به GDP بر اساس برابری قدرت خرید، ۱۳۱ میلیارد دلار (۲۰۱۷)، نرخ تورم ۱ درصد و درآمد سرانه ۳۹۰۰ دلار اشاره کرد.

همکاری‌های اقتصادی و تجاری استان با کشور ساحل‌عاج از جهات زیادی مهم می‌باشد. این کشور، دروازه ورود به آفریقا، عضو اتحادیه آفریقا و عضو سازمان همکاری‌های اسلامی است. همچنین این کشور در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، شورای همکاری گمرکی، بنگاه همکاری‌های مالی بین‌المللی، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آفریقا، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، کنوانسیون لومه، جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (اکوواس) و اتحادیه اقتصادی و پولی غرب آفریقا عضویت دارد.

محصولات عمده کشاورزی کشور ساحل‌عاج شامل دانه کاکائو، قهوه، پنبه، موز، ذرت، آناناس، کائوچو، چوب، روغن نخل، نشاسته، برنج، دام و احشام و ماهی، سیب‌زمینی، شکر می‌باشد.

از جمله محصولات عمده صنعتی می‌توان مواد غذایی، نوشیدنی‌ها، محصولات چوبی، روغن تصفیه‌شده، صنایع مونتاژ اتوبوس و کامیون، نساجی و پوشاک، کودهای شیمیایی، مصالح ساختمانی، برق، تعمیر و ساخت کشتی نام برد. این کشور دارای محصولات عمده معدنی از جمله نفت و گاز، الماس و طلا می‌باشد.

کشورهای آفریقایی در سال‌های اخیر توانسته‌اند زمینه‌های مساعدی برای رشد اقتصادی خویش فراهم کنند. در فهرست «پُر زاد و ولدترین» کشورهای جهان، از ۳۰ کشور نخست، تنها افغانستان و تیمور شرقی در قاره آفریقا نیستند. این وضعیت، به معنای افزایش نیروی آماده به کار ارزان و ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری خارجی در آفریقا است.

مسئله قابل توجه این است که صنایع بزرگ اروپایی و آمریکایی، تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری در بخش‌های کم‌بازده‌تر و غیرنفتی آفریقا دارند و این شرایط، فضا را برای رقابت کشورهای دیگر، فراهم می‌کند.

رشد اقتصادی کشور ساحل‌عاج در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۷/۹ درصد، ۸/۵ درصد و ۸ درصد بوده است. این رشد عاملی تأثیرگذار بر قدرت خرید ملت ساحل‌عاج دارد که خود بر افزایش توجه همکاری‌های اقتصادی بازرگانی تأثیرگذار است.

در جلسه‌ای که با حضور کاردار و رایزن اقتصادی سفارت ساحل‌عاج در محل اتاق کرمان تشکیل گردید، عمده زمینه‌های همکاری استان کرمان و ساحل‌عاج، کشت فرا سرزمینی و همکاری در زمینه کشاورزی، استخراج معادن، خدمات فنی مهندسی من جمله جاده‌سازی، توسعه و بازسازی فرودگاه، راه‌اندازی نیروگاه تولید برق، ساخت ۳۰ هزار واحد مسکونی، مسائل بهداشتی و تأمین تجهیزات و لوازم پزشکی و توریسم از جمله زمینه‌های همکاری مشترک طرفین می‌باشد.

جدول شماره ۵- اقلام عمده صادراتی ایران به ساحل عاج در سال ۱۳۹۶

ارزش (هزار دلار)	نام کالا
۳۶۳۹	بیسکویت‌هایی که به آنها مواد شیرین‌کننده افزوده‌اند
۵۵۹	صافی‌های روغن یا مواد سوختی برای موتورهای درون‌سوز
۲۰۵	رب گوجه‌فرنگی
۴۷۷	روغن‌موتور
۳۴۴	شکلات حاوی کاکائو
۲۳۱	ورق و توار نازک آلومینیوم
۶۳	ورق نازک نیافته از الباف شیشه
۱۶۱	سایر نان‌ها، غیره فطیر
۱۱۲	ماشین‌های خرد کردن یا سایندن خاک، سنگ، سنگ معدن
۲۷۷	وازلین‌گرید دارویی (تولید داخل)

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

جدول شماره ۶- مهم‌ترین اقلام وارداتی ایران از ساحل عاج در سال ۱۳۹۶

ارزش (هزار دلار)	نام کالا
۸۲۷	خمیر کاکائو
۶۱۸	خمیر کاکائو چربی نگرفته
۲۹۸	پور کاکائو بدون افزودن قند، شکر یا سایر مواد شیرین‌کننده

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

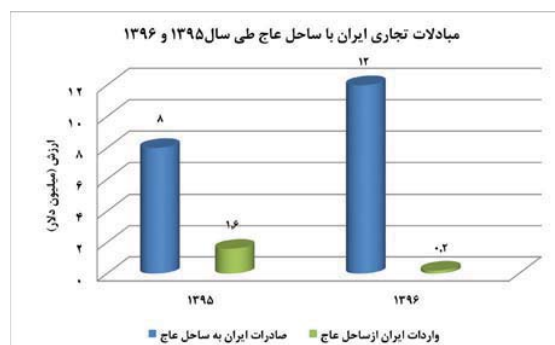
مبادلات تجاری ساحل عاج با استان کرمان

هیچ مبادلات تجاری فی‌مابین استان کرمان و ساحل عاج ثبت نگردیده است. البته قابل‌ذکر است که ممکن است محصولات تولیدی استان از طریق سایر گمرکات به این کشور صادر شده باشد. با توجه به فرصت‌های صادراتی و سرمایه‌گذاری ساحل عاج از یک‌سو و توانمندی‌های استان کرمان در بخش‌های مختلف که قبلاً به آنها اشاره شد، برنامه‌ریزی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی استان کرمان و کشور ساحل عاج واجد اهمیت است. مبادلات تجاری بالقوه دو طرف می‌تواند این کشور را به‌عنوان یکی

از بازارهای هدف بسیار مهم استان کرمان معرفی نماید. ●

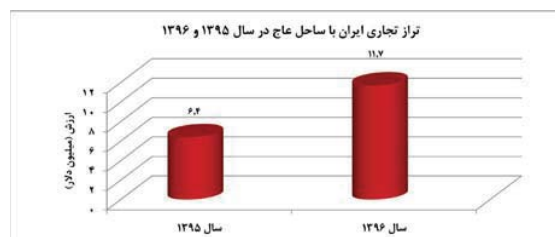
مبادلات تجاری ساحل عاج با ایران

بر اساس آمار سازمان توسعه تجارت ایران، با توجه به نمودارهای شماره ۲ و ۳، در ۱۲ ماهه ۱۳۹۶، میزان واردات ایران از کشور ساحل عاج ۰/۲ میلیون دلار و میزان صادرات ایران به ساحل عاج ۱۲ میلیون دلار می‌باشد. در سال ۱۳۹۵، واردات ایران از ساحل عاج معادل ۱/۶ میلیون دلار و صادرات ایران به ساحل عاج معادل ۸ میلیون دلار بوده است. تراز تجاری ایران با ساحل عاج در سال ۹۶ معادل ۱۱/۸ میلیون دلار و در سال ۹۵ معادل ۶/۴ میلیون دلار بوده که صادرات ایران در سال ۹۶ نسبت به ۹۵ حدود ۵۰ درصد افزایش و واردات ایران از ساحل عاج در سال ۹۶ نسبت به ۹۵ در حدود ۸۷ درصد کاهش داشته است.



نمودار شماره ۲- مبادلات تجاری ایران با ساحل عاج طی سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۵

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران و محاسبات گزارش



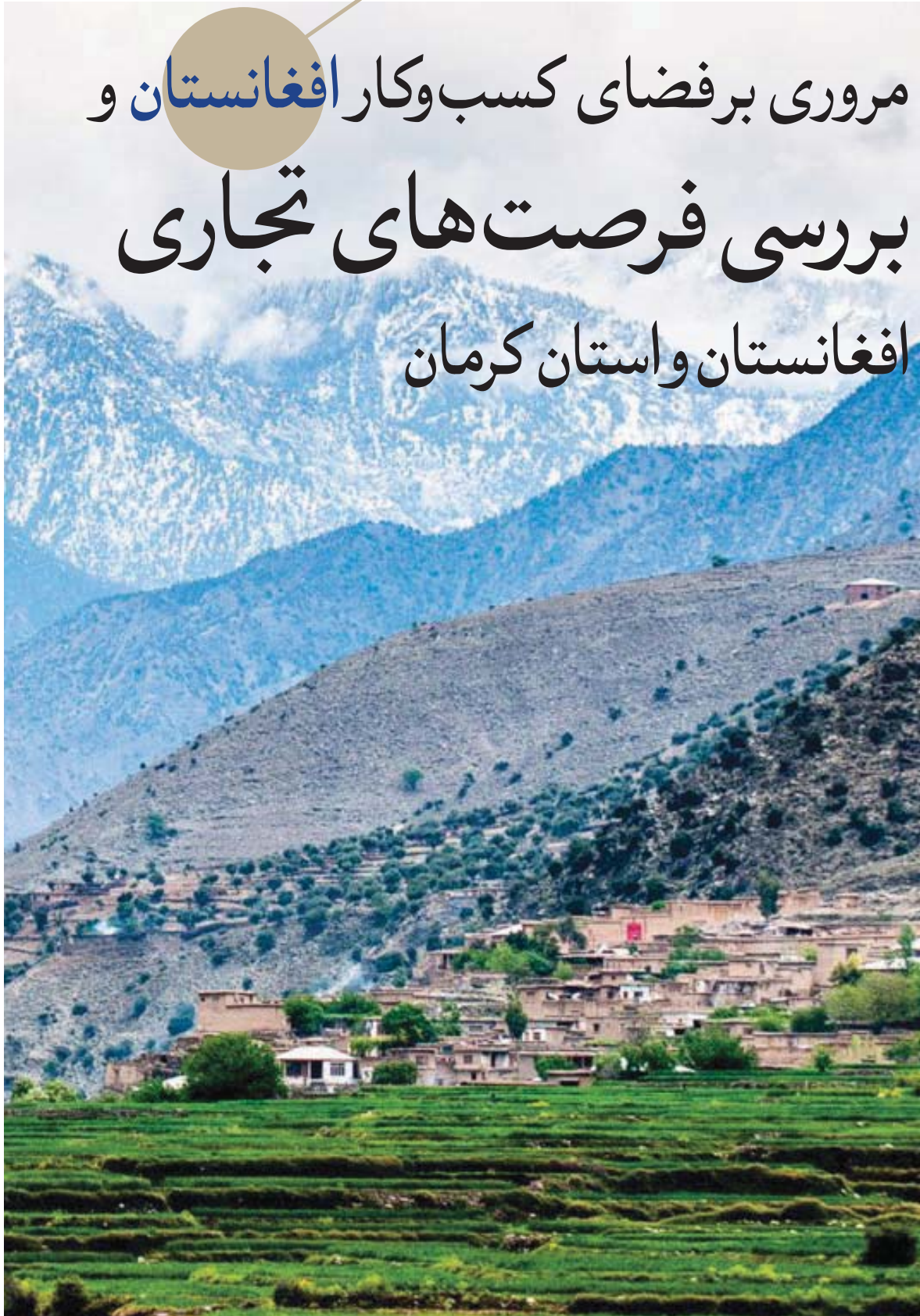
نمودار شماره ۳- تراز تجاری ایران با ساحل عاج در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶

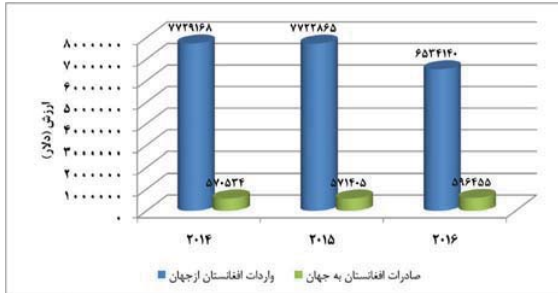
منبع: سازمان توسعه تجارت ایران و محاسبات گزارش





مروری بر فضای کسب و کار افغانستان و بررسی فرصت‌های تجاری افغانستان و استان کرمان





مبادلات تجاری افغانستان با جهان طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۶

منبع: ITC و محاسبات گزارش

اقلام عمده مبادلات تجاری افغانستان به جهان در سال ۲۰۱۶

ارزش (میلیون دلار)	الزام عمده وارداتی افغانستان	ارزش (میلیون دلار)	الزام عمده صادراتی افغانستان
۷۱۱	وسایل نقلیه زمینی غیر از تانک روی جت رادارها و اجزاء و قطعات آنها	۳۱۹	میوه‌های خوراکی، پوست مرکبات یا پوست خربزه
۵۰۵	محصولات صنعتی از نساجی، مات، نشاسته و فکول، ایزوپن، گوبن گند	۷۰	انگه ها، زین‌ها و سایر شیره‌ها و شماره نباتی
۲۶۴	ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزاء و قطعات آنها	۶۹	سبزیجات، نباتات، ریشه‌ها و غده‌های زیرخاکی خوراکی
۲۳۰	محصولات دارویی	۶۰	سوخن‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات نظیر آنها، مواد قویری، مواد معدنی
۲۱۷	ماشین‌آلات، وسایل مکانیکی، راکتورهای هسته‌ای، دیگ‌های بخار، قطعات آن	۵۸	پنبه
۲۰۱	سوخن‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات آنها	۳۶	مروارید طبیعی یا کشت‌شده، سنگ‌های قیمتی یا نیمه قیمتی، فلزات گرانبها، فلزات پوشیده شده
۱۸۳	چرم‌ها و روغن‌های حیوانی و نباتی، فرآورده‌های حاصل از تکلیک، چرم‌های خوراکی آماده، موم‌های حیوانی یا نباتی	۳۱	قوید، چای، مات و ادویه‌جات
۱۷۶	چرم‌ها و روغن‌های گیاهی و حیوانی و محصولات شکسته آنها، چرم‌های خوراکی آماده‌شده، حیوانات	۳۰	نمک، گوگرد، زمین و سنگ، مواد گچ، آهک و سیمان
۱۶۵	غلات	۲۷	آهن و فولاد

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

کشورهای عمده مقصد صادراتی و مبدأ وارداتی افغانستان در سال ۲۰۱۶

سهم از واردات	کشورهای مبدأ وارداتی افغانستان	سهم از صادرات	کشورهای مقصد صادراتی افغانستان
۱۹.۳۶٪	جمهوری اسلامی ایران	۴۷.۵٪	پاکستان
۱۸.۳۵٪	پاکستان	۳۹٪	هند
۱۶.۷۲٪	چین	۳.۱۶٪	جمهوری اسلامی ایران
۹.۵۱٪	قزاقستان	۲.۰۴٪	ترکیه
۶.۱۱٪	ازبکستان	۱.۸۸٪	عراق
۵.۴۴٪	ترکمنستان	۱.۵۱٪	امارات متحده عربی
۴.۰۵٪	مالزی	۰.۸٪	چین

منبع: ITC و محاسبات گزارش

تجارت افغانستان با ایران

نمودار زیر بر اساس آمار تجارت خارجی گمرک جمهوری اسلامی ایران، وضعیت صادرات و واردات بین دو کشور را در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ نشان می‌دهد. صادرات ایران در سال ۹۶ نسبت به ۹۵ در حدود ۱۴ درصد افزایش و واردات ایران از افغانستان در سال ۹۶ نسبت به ۹۵ در حدود ۶ درصد کاهش داشته است.

معصومه سعید < مهشید ایزدی <

افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی، یک کشور محاط به خشکی است که در بین آسیای میانه و جنوبی موقعیت داشته و پل اتصال این دو منطقه مهم قاره آسیا شمرده می‌شود. افغانستان همچنین به خاورمیانه (ایران) نیز پیوستگی جغرافیایی دارد.

این کشور از لحاظ اقلیمی، دارای چهار فصل بهار، تابستان، خزان و زمستان و دارای مناطق کوهستانی، جنگل‌های انبوه و آب فراوان به نسبت دیگر کشورهای همسایه‌اش شمرده می‌شود. مساحت این کشور ۶۵۲/۸۶۰ کیلو مترمربع و چهل و یکمین کشور وسیع جهان می‌باشد.

شهرهای مهم این کشور، کابل، قندهار، هرات، مزارشریف و جلال‌آباد می‌باشند. کشور افغانستان در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری‌های منطقه‌ای (اگو)، سازمان تجارت جهانی، یونسکو، بانک اکتشافات اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی، صندوق بین‌المللی پول و بانک توسعه آسیایی عضویت دارد.

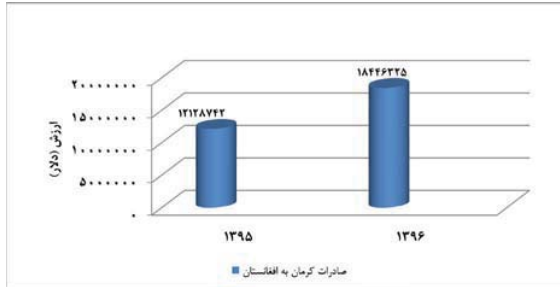
روابط اقتصادی و سیاسی مطلوب ایران با افغانستان با وجود قرابت‌های جغرافیایی و فرهنگی با این کشور و با توجه به ظرفیت‌های صادراتی استان کرمان و همچنین از آنجا که کشور افغانستان عمدتاً واردکننده است و می‌تواند مقصد صدور کالاهایی چون محصولات کشاورزی و کالاهای صنعتی و معدنی استان باشد، سبب شد تا اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان، بیش‌ازپیش در اندیشه توسعه صادرات محصولات استان به این کشور باشد.

در ادامه به‌طور خلاصه وضعیت تجارت افغانستان با جهان، ایران و کرمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

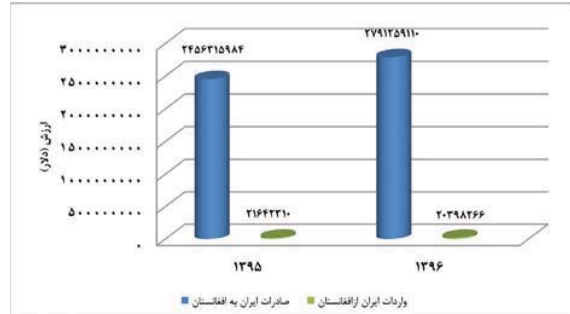
تجارت افغانستان با جهان

بر اساس آمار ITC میزان واردات افغانستان از جهان در ۹۹ فصل تعرفه‌ای در سال ۲۰۱۶ معادل ۵۳۴،۶ هزار دلار بوده که در مقایسه با سال ۲۰۱۵ که معادل ۷۰۲۲۲ هزار دلار می‌باشد، ۴/۱۵ درصد کاهش داشته است.

صادرات کشور افغانستان به جهان در سال ۲۰۱۶ معادل ۵۹۶ هزار دلار بوده و دارای یک تراز منفی تجاری بالغ بر ۵/۹۳۷ هزار دلار در سال مذکور می‌باشد. این در حالی است که این تراز منفی در سال ۲۰۱۵، در حدود ۷/۱۵۱ هزار دلار بوده است. شایان ذکر است که صادرات کشور افغانستان به جهان در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال ۲۰۱۵، حدود ۴/۳۸ درصد افزایش داشته در حالی که رشد صادرات سال ۲۰۱۵ نسبت به سال ۲۰۱۴ (۸۷۱ دلار) بالغ بر ۰/۱۵ درصد بوده است.

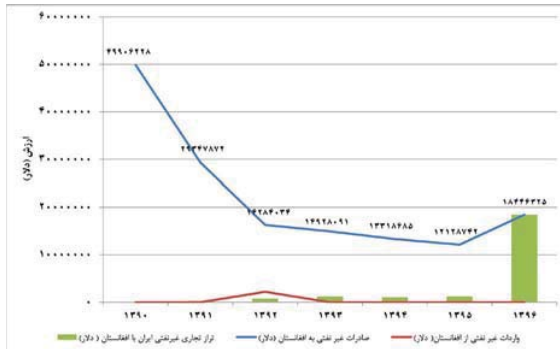


مقایسه صادرات استان کرمان با افغانستان طی سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶

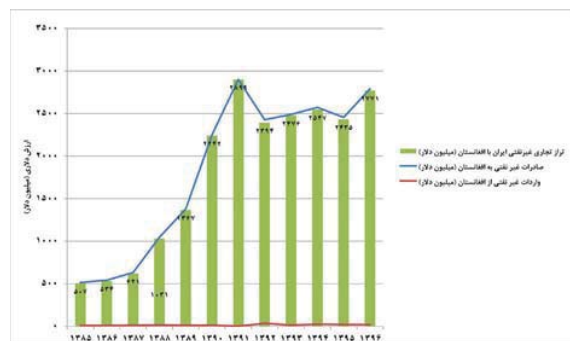


مبادلات تجاری ایران با افغانستان طی سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶

منبع: گمرک ج.ا.ایران و محاسبات گزارش

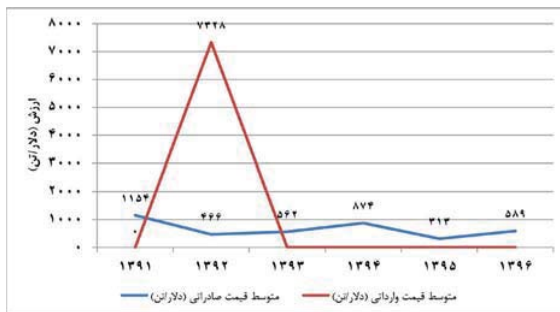


روند مبادلات برون مرزی استان کرمان با افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶



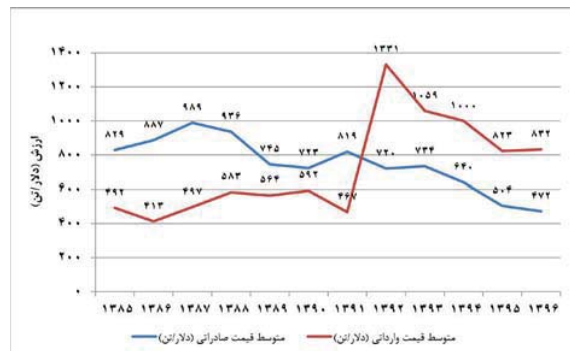
نمودار روند مبادلات برون مرزی ایران با افغانستان طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶

منبع: گمرک ج.ا.ایران و محاسبات گزارش



نمودار متوسط قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی استان کرمان و افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۶

منبع: گمرک ج.ا.ایران و محاسبات گزارش



نمودار متوسط قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی ایران و افغانستان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۶

منبع: گمرک ج.ا.ایران و محاسبات گزارش

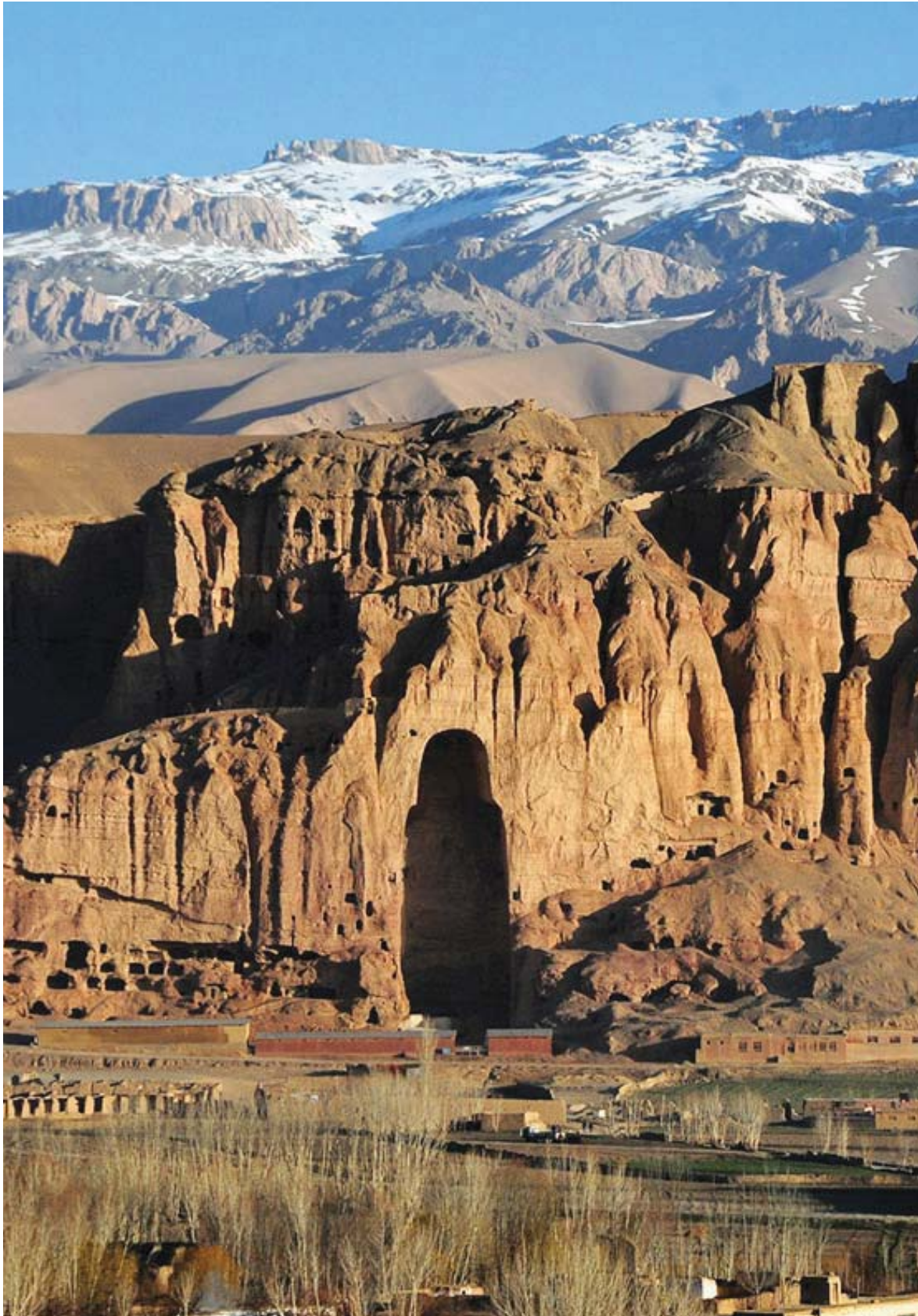
اقدام عمده مبادلات تجاری افغانستان به جهان در سال ۲۰۱۶

ارزش دلاری	انواع عمده صادراتی استان کرمان به افغانستان سال ۹۶	ارزش دلاری	انواع عمده صادراتی استان کرمان به افغانستان سال ۹۵
۸۱۴۰۵۸۳	شیر و محصولات لبنی	۳۰۷۴۰۱۶	شیر و محصولات لبنی
۵۲۵۱۸۷۲	کالچو و اشیاء ساخته شده از کالچو	۲۳۸۸۹۶۳	کالچو و اشیاء ساخته شده از کالچو
۱۱۸۸۳۸۷	مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از آن	۱۴۹۹۲۰۴	خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی، کاغذ یا مقوا برای بازیافت
۶۸۰۰۴۰	لنگ، گوگرد، خاک و سنگ، گچ، آهک و سیمان	۹۹۹۳۵۰	لنگ، گوگرد، خاک و سنگ، گچ، آهک و سیمان
۶۲۵۳۸۸	مصنوعات از چدن، آهن یا فولاد	۹۷۸۷۶۹	خرما
۶۱۸۶۰۰	خرما	۷۵۵۶۱۶	روغن دانه آفتابگردان
۴۲۴۶۱۷	چدن، آهن یا فولاد	۶۹۲۰۳۰	مواد آلومینیوم
۳۸۲۲۱۷	فروش و سایر کفپوش‌ها	۴۳۶۲۸۵	فروش و سایر کفپوش‌ها
۳۱۹۶۰۳	کاغذ و مقوا و اشیاء ساخته شده از آن	۳۱۹۴۲۱	مصنوعات از چدن، آهن یا فولاد
۲۵۳۵۵۲	محصولات سرمایی	۱۳۳۹۶۴	محصولات سرمایی

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

تجارت افغانستان با کرمان

در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ترتیب میزان صادرات از طریق گمرکات استان کرمان به کشور افغانستان ۱۸/۴۴۶/۳۲۵ و ۱۲/۱۲۸/۷۴۲ دلار و واردات از این کشور به استان کرمان صفر بوده است.





توسعه همکاری های اقتصادی

استان کرمان و ولایات کابل، غزنی، پکتیا و پکتیکا و حوزه جنوب شرق کشور افغانستان

< معصومه سعید

مدیر توسعه بازار و بهبود فضای کسب و کار اتاق کرمان

ارائه راهکارهای توسعه همکاری و عزم آنان برای ایجاد سهولت بیشتر در راستای توسعه تجارت و سرمایه گذاری پرداختند. در پایان همایش علاوه بر برگزاری پانل پرسش و پاسخ، مذاکرات رو در رو برگزار شد. در ادامه سفر از برخی توانمندی های استان کرمان در بخش های صنعت و کشاورزی بازدید به عمل آمد.

در این دیدار هیئت افغانی تفاهم نامه های همکاری اقتصادی فی مابین اتاق کرمان و اتاق های سه ولایت افغانستان به امضا رسید. که برخی مواد این تفاهم نامه به شرح زیر است:

ماده ۱:

طرفین برای افزایش، تقویت و توسعه تجارت، سرمایه گذاری و همچنین همکاری های اقتصادی، علمی و فنی میان اعضاء خود تلاش خواهند کرد.

ماده ۲:

طرفین به طور منظم و در زمینه های اقتصادی، تجارت خارجی، قوانین و مقررات بازرگانی، سرمایه گذاری، گمرک و همچنین اصلاحات مربوط به قوانین تجاری و سرمایه گذاری با یکدیگر مبادله اطلاعات خواهند کرد.

ماده ۳:

طرفین در جهت تشویق، حمایت و تسهیل اعزام هیئت های تجاری و بازدید بازرگانان دو طرف به صورت گروهی یا فردی تلاش خواهند کرد.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان در جهت توسعه همکاری های اقتصادی و بازرگانی با کشور افغانستان در روزهای ۲۵ تا ۲۸ دی ماه ۹۷ میزبان روسای اتاق های بازرگانی کابل، غزنی، پکتیا و پکتیکا و حوزه جنوب شرق افغانستان و جمعی از بازرگانان این ولایات بود.

در اولین نشست مشترک، در جلسه کمیسیون بازرگانی اتاق، زمینه های همکاری مشترک بین کرمان و افغانستان از جمله سرمایه گذاری، همکاری های دانشگاهی پذیرش دانشجو از افغانستان و آمادگی برای صادرات محصولات کشاورزی استان مانند پسته، خرما و صیفی جات و نیز صادرات مصالح ساختمانی و خدمات فنی و مهندسی و همکاری در بخش انرژی فسیلی و خورشیدی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین آمادگی در خصوص پیگیری رفع مشکلات گمرکی، حمل و نقل و تأمین خوراک کارخانه های فولاد، مورد تأکید قرار گرفت.

در این نشست شرایط و ظرفیت های مناسب در سیرجان، رفسنجان، بم و جیرفت برای همکاری تجاری و سرمایه گذاری با افغانستان مورد بررسی قرار گرفت. دانش فنی تولید و استخراج مواد معدنی و تجربیات فراوان و تکنولوژی های جدید در حوزه معادن بزرگ مس و سنگ آهن از جمله زمینه های مهم برای صادرات به افغانستان و استفاده از امکانات کشور افغانستان در شرایط تحریم فعلی، مطرح شد.

در همایش راهکارهای توسعه اقتصادی بازرگانی کرمان و افغانستان نیز، نمایندگان بخش خصوصی ولایات افغانستان حاضر در کرمان به معرفی پتانسیل های همکاری های مشترک پرداختند و مسئولین کشوری به

ماده ۴:

طرفین به کارآفرینان استان‌های کرمان و غزنی در انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک و نیز مشارکت آن‌ها در پروژه‌های کشورهای ثالث کمک خواهند نمود. علاوه بر این چنین کمک‌هایی شامل حال خدمات مشاوره‌ای نیز خواهد شد.

ماده ۵:

طرفین جهت برگزاری یا مشارکت در نمایشگاه‌های استانی و تخصصی، سمپوزیوم‌ها، کنفرانس‌ها و رویدادهای مشابه در استان‌های ذیربط در ایران و افغانستان که به‌منظور بهبود و گسترش همکاری‌های اقتصادی فی‌مابین انجام خواهد گرفت، کمک‌های لازم را ارائه خواهند داد.

ماده ۶:

طرفین نسبت به معرفی اعضاء معتبر و فعال خود اقدام نموده و لیست مربوطه را به‌طور سالانه به‌روز خواهند نمود و از هیچ تلاشی برای حل‌وفصل مشکلاتی که بر تجارت میان اعضاء خود تأثیرگذار است دریغ نکرده و تلاش خواهند نمود. شورای مشترک بازرگانان استان کرمان و غزنی را در اولین فرصت تشکیل دهند و نمایندگان تجار خود را برای تشکیل شورا معرفی نمایند.

ماده ۷:

نمایندگان اتاق‌های بازرگانی دو طرف به‌تناوب یکدیگر را در استان‌های کرمان و غزنی ملاقات نموده و اقدامات لازم برای اجرای این تفاهم‌نامه را اتخاذ خواهند کرد.

ماده ۸:

طرفین برای کمک به حل‌وفصل اختلافات احتمالی تجار استان‌های کرمان و غزنی، از طریق مراکز داوری اتاق‌های بازرگانی کرمان و افغانستان تلاش خواهند نمود.

ماده ۹:

طرفین اقدامات لازم برای حصول اطمینان از منافع متقابل یادداشت تفاهم حاضر را مبذول خواهند کرد.

ماده ۱۰:

این تفاهم‌نامه هیچ‌گونه بار مالی و قانونی برای طرفین نخواهد داشت.

ماده ۱۱:

کمیته مشترک کاری بین استان‌های کرمان و غزنی تشکیل خواهد شد.

براساس تفاهم‌نامه‌های امضا شده، کمیته مشترک کاری بین افغانستان و استان کرمان تشکیل شده است و این کمیته با توجه به هدف‌گذاری انجام شده، در حال تدوین نقشه راه و برنامه‌ریزی عملیاتی برای تحقق هدف می‌باشد.

ضمناً با توجه به اینکه برخی موضوعات و مسائل در ارتباط با همکاری‌های اقتصادی با افغانستان، کلان معرفی شدند، جلسه‌ای با حضور وزیر اقتصاد، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، رئیس اتاق بازرگانی کرمان، معاون ارزی بانک مرکزی، رئیس کل گمرک ایران، رئیس کانون صرافان ایران، رایزن اقتصادی افغانستان، رئیس اتاق تجارت غزنی، رئیس اتحادیه صرافان هرات و جمعی از صرافان و تجار افغانستان برگزار شد، پس از مذاکرات انجام شده و بیان مشکلات بر سر راه تجارت دو کشور افغانستان و ایران، ۴ موضوع، مباحث سرمایه‌گذاری در ایران، نقل و انتقالات ارزی، گمرک، ویزا و اقامت موردبررسی قرار گرفت و جهت رفع موانع موجود تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ گردید:

۱- با توجه به عدم حضور نماینده سازمان سرمایه‌گذاری، پیشنهادها مطرح فعالان اقتصادی افغانستان در جلسه‌ای با حضور آقای دکتر جمالی، رئیس سازمان سرمایه‌گذاری ایران بررسی شود، همچنین موارد مرتبط با امور مالیاتی جمع‌بندی و نامه‌ای برای آقای دکتر جلیلی ارسال گردد.

۲- جلسه‌ای با محوریت جناب آقای دکتر پناهی، معاونت ارزی بانک مرکزی و با حضور آقای ترکشوند، رئیس کانون صرافان ایران و آقای رحیمی، رئیس کانون صرافان هرات، در خصوص مسائل ارزی جهت طرح موضوعات و رسیدن به یک راهکار عملی برگزار گردد.

۳- در مورخ ۹۷/۱۱/۲، جلسه‌ای با مسئولیت دکتر قبادی، معاون وزیر سازمان صنعت، معدن و تجارت، با موضوع موانع بخش تجاری و با تأکید بر موضوع گمرک برگزار گردد و نمایندگان کمیسیون اقتصادی مجلس و جناب آقای پناهی، معاونت ارزی بانک مرکزی در جلسه حضور یابند.

۴- جلسه‌ای در کمیسیون اقتصادی مجلس با حضور وزیر امور خارجه در ارتباط با موضوعات ویزا، اقامت، هزینه و زمان برگزار گردد. ●

همایش بزرگداشت روز صادرات با تجلیل از صادرکنندگان برتر استان برگزار شد

کشورها امتیاز گذاری ویژه ای صورت گرفت. تغییر سوم در نحوه برگزاری بزرگداشت روز صادرات و انتخاب صادرکننده نمونه، بالابردن کیفیت آن بود که علاوه بر حضور پنج سفیر کشورهای هدف صادراتی، روسا و مدیران سازمان های کشوری مرتبط با امر صادرات نیز شرکت داشتند. از جمله اقدامات قابل توجه کمیته برگزاری همایش بزرگداشت روز صادرات، تلاش برای جلب همکاری دستگاه های مرتبط با صادرات برای در نظر گرفتن مشوق های صادراتی بود که در نتیجه سازمان های استاندارد، امور مالیاتی، گمرک، صنعت، معدن و تجارت و بانک کشاورزی برای صادرکنندگان نمونه تشویق هایی را در نظر گرفتند.

اسامی صادرکنندگان برگزیده استانی سال ۱۳۹۶ - استان کرمان

در حوزه کشاورزی (پسته):

- شرکت پسته الماس کویر جنوب- جمشید نورمندی پور
- شرکت پسته پدیده سیرجان- مجتبی غیاثی حافظی
- شرکت پسته نظری- محمدرضا نظری
- شرکت جهان خشکبار خاورمیانه- محسن حیدری پور
- شرکت خشکبار ایلیاگستر سیرجان- علی پورجعفری
- شرکت سیرجان زمرد- محمد صالحی
- شرکت کشت و صنعت کاشفان کویر- محمدحسین آقا

محمد حسنی

- محسن قاسمی صالح آبادی- محسن قاسمی صالح آبادی

همایش بزرگداشت روز صادرات با حضور استاندار کرمان، رئیس سازمان توسعه تجارت ایران، نایب رئیس اتاق ایران، مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران، سفرای پنج کشور خارجی در ایران، نمایندگان بانک مرکزی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان استانی و فعالان اقتصادی استان برگزار و صادرکنندگان برتر استان کرمان معرفی و از آنها تجلیل شد. برگزاری این همایش در سال جاری نسبت به سال های گذشته تغییری داشت، در اولین گام دبیرخانه انتخاب صادرکننده نمونه به اتاق کرمان واگذار شد. کمیته برگزاری همایش به ریاست جلیل کاریبخش رئیس کمیسیون بیمه، بانک و امور مالیاتی و عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمان تصمیمات و اقدامات خوبی برای برگزاری همایش و حمایت از صادرکنندگان انجام داد.

دومین گام مهمی که در راستای تغییر در پروسه انتخاب صادرکننده نمونه در این کمیته صورت گرفت، امتیاز دهی به شاخص ها و نحوه بررسی بود، در این امتیازدهی، نوع محصول صادراتی و ارزش افزوده حاصل از تولید آن و نوع بازار هدف صادراتی مورد بررسی قرار گرفت، به طور مثال درخصوص محصول پسته، برای مغز پسته، پسته خندان، پسته دهان بسته، پسته شور و ... ضرائب متفاوت با توجه به اشتغال ایجاد شده و ارزش افزوده بالاتر، اختصاص یافت.

برای بازارهای هدف، با توجه به دشواری ورود به برخی بازارهای صادراتی و همچنین نظر به اهمیت توسعه صادرات به این



صادرکنندگان برگزیده ویژه:

- کشاورزی: شرکت افرنگ کرمانیان- بتول زارع بنی اسدی
- صنایع مادر و بزرگ: شرکت صنعتی و معدنی گل گهر- ناصر تقی زاده
- گردشگری: شرکت آژانس خدماتی و مسافرتی پیش قراوولان
- بهره دريجانی

صادرکنندگان شایسته تقدیر:

- صنایع دستی: شرکت بازرگانی جعفری- رضا جعفری زاده
- کشاورزی(خرما): شرکت پارسان دی سمبل- بهروز یآوری بافقی
- کشاورزی(پسته): شرکت پسته سیرجان توتیا- مهدی زیدآبادی
- نژاد
- شرکت تجارت یاقوت سبز نشان کیان- فرخ فرحبخش
- محمدعلی محمدمیرزاییان- محمدعلی محمدمیرزاییان.

صنایع شیمیایی:

- شرکت شیمیایی خوش چسب- سیدمنصور عمرانی
- خرما:
- شرکت رطب ثمین بم- حامد بدرآبادی
- پتروشیمی و فرآورده های نفتی:
- شرکت روغن موتور پردیس- فروزان طیبی

مصالح ساختمانی:

- شرکت سیمان ممتازان کرمان- محمد ربانی
- شرکت کاشی برلیان رفسنجان- سیدرضا حسینی نژاد یزدی پور

صنایع غذایی:

- شرکت شیر پگاه کرمان- مجتبی ابراهیمی زرندي

فلزات و صنایع وابسته:

- شرکت فرو مولیبدن کویر رفسنجان- حامد عاشورزاده





مرکز داوری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
دکتر کرمان



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

بسمه تعالی

در روابط قراردادی و معاملات تجاری، حدوث اختلاف همواره محتمل است، حل و فصل اختلافات در داخل و خارج کشور مستلزم صرف وقت و هزینه و طی تشریفات طولانی رسیدگی دادگاه های رسمی و تحمل نگرانی و مشکلات متعددی است. ارجاع اختلافات و دعاوی تجاری به داوری بهترین شیوه حل و فصل آنها است. لذا با استفاده از خدمات مرکز داوری اتاق کرمان برای حل و فصل دعاوی و اختلافات، علاوه بر تامین سلامت، سرعت، دقت در رسیدگی، موجب صرفه جویی در هزینه-ها و خصوصاً حل و فصل موضوع به شیوه تخصصی نیز می گردد و از هر نظر بنفع طرفین است. توصیه می شود در قرارداد ها و معاملات داخلی و خارجی، شرط حل و فصل اختلافات از طریق مرکز داوری اتاق بازرگانی کرمان را درج و مورد موافقت طرفین معامله قرار گیرد. همچنین در صورت حدوث اختلاف و عدم درج شرط داوری در قرارداد، طرفین می توانند با امضاء توافقنامه داوری دعوی موجود را، خواه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد را به مرکز داوری ارجاع نمایند و از خدمات مرکز برای حل و فصل دعاوی استفاده نمایند.

نمونه شرط داوری مرکز داوری اتاق ایران

در مواردی که طرفین قصد دارند به داوری مرکز مراجعه نمایند، می توانند از متن ذیل که به عنوان شرط داوری تهیه شده استفاده نمایند:

"کلیه اختلافات و دعاوی ناشی از این قرارداد و یا راجع به آن از جمله انعقاد، اعتبار، فسخ، خاتمه قرارداد، نقض عهد، تفسیر یا اجرای آن به مرکز داوری اتاق ایران دفتر کرمان ارجاع می گردد که مطابق با قانون اساسنامه و آئین داوری آن مرکز بر اساس مقررات حاکم و عرف تجاری بصورت قطعی و لازم الاجراء حل و فصل گردد. شرط داوری حاضر، موافقتنامه ای مستقل از قرارداد اصلی تلقی می شود و در هر حال لازم الاجراء است."

"Dispute Settlement:

All disputes and claims arising from or relating to the present contract including its conclusion, validity, termination or breach, and its interpretation or application, shall be referred and submitted to the Arbitration Center of the Iran Chamber in Kerman Office for binding and final arbitration to be settled definitively in accordance with the constitution, arbitration ordinance of the center under the applicable laws and trade norms. The present arbitration clause and condition shall be treated as an agreement independent of the principal contract and shall in any case be binding."